



پژوهشگاه فرهنگ، پیروزی و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

# چشممان بسته دهان‌های گشوده

دکتر امیر محییان





چشمان بسته دهان‌های گشوده



# چشمان بسته دهان‌های گشوده

پدیدآور: دکتر امیر محییان



بُرُوزِ مَلَکِ بُنْدِرَوَارِتَالات  
وَزَارَتِ فَرَسَقَ وَارْسَادِ اَسَافِرِی

سروشناسه	: محبیان، امیر، -۱۳۴۱
عنوان و نام پدیدآور	: چشمان بسته دهان‌های گشوده/پدیدآور امیر محبیان
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۲۳۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۳۹۰
موضوع	: دوسری جمهور -- ایران -- انتخابات -- ۱۳۸
موضوع	: انتخابات -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: انتخابات اعتراض انگیز -- ایران
موضوع	: دولت سنتی -- ایران
موضوع	: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸ -- جنبش سبز
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۸
شناسه افزوده	: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
ردیدنده کنگره	: DSR ۱۳۹۰ عاج ۱۵۹/۳
ردیدنده دیوبی	: ۹۵۵/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۰۷۶۵۰



بُرُجْلَه فَرَهْنَگِ هَنَرٍ وَ ارْتِبَاطَاتٍ  
وزارتِ فَكَاهَ وَ ارْسَادِ اِلْيَاهِي

## چشمان بسته دهان‌های گشوده

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

پدیدآور: دکتر امیر محبیان

ویراستار ادبی: مصطفی اسدزاده

طراح جلد: علی خورشیدپور

صفحه آر: نشر نون والقلم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۳۹۰

نوبت چاپ: اول - تیر ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۹۰۰۰ ریال

چاپخانه: عترت

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین تراز میدان ولی‌عصر(عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ - تلفن ۸۸۹۱۹۱۷۷ - ۸۸۹۳۰۷۶ دورنگار

Email: Nashr@ricac.ac.ir

## فهرست مطالب

۹ .....	سخن ناشر
۱۱ .....	پیشگفتار
۱۵ .....	مقدمه
فصل اول - بحران یا مسئله	
۲۳ .....	مقدمه
۲۴ .....	وقایع پس از انتخابات؛ بحران یا مسئله؟
۲۵ .....	شرایط مختص به اوضاع بحرانی
۲۶ .....	مقایسه شرایط پس از انتخابات و شاخص‌های بحران
۲۷ .....	جريان سبز، جنبش اجتماعی یا پروژه سیاسی؟
۲۷ .....	تغییرات در ارزش‌های اجتماعی زمینه‌ساز تحولات اجتماعی
۳۱ .....	انواع جنبش‌های اجتماعی
۳۴ .....	جريان سبز و مسئله درون و بیرون یا ضدنظم
۳۸ .....	جريان سبز و ویژگی‌های جنبش اجتماعی
۳۹ .....	فقدان برنامه روش سیاسی
۴۱ .....	جريان سبز چونان بهانه
۴۴ .....	جريان سبز، بی‌آرمانی به مثابه یک آرمان
۵۵ .....	از جنبش رنگین‌کمان تا انقلاب رنگین
۶۱ .....	موسوى، از بهانه آشوب تا رهبری جريان

جربیان سبز، جربیانی که جنبش نشد.....	۶۶
ریشه‌شناسی تحولات ارزشی در اجتماع.....	۶۷
فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری واقعی	
مقدمه .....	۷۵
توسعه ناموزون در نبرد با ارزش‌های موزون .....	۸۰
فرایند استحاله یا زایش گفتمان مخالف از بطن نظام .....	۸۴
تحلیل عملکرد یک نمونه استحاله‌شده .....	۹۰
تغییرات نسلی و جمعیتی .....	۹۶
وضعیت هرم سنی در حال حاضر .....	۹۸
مشکلات ناشی از جهش جمعیتی .....	۹۸
نقش جمعیت در تحولات پس از انتخابات .....	۱۰۷
مطلوبات جنسی در پرتو مطالبات اجتماعی و سیاسی .....	۱۰۸
فصل سوم - عوامل شتاب‌زا	
مقدمه .....	۱۱۹
شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی .....	۱۲۲
شبکه مجازی .....	۱۲۳
تحولات ارتباطات دیجیتالی در دو دهه گذشته .....	۱۲۷
شبکه‌های اجتماعی .....	۱۲۹
مناظره‌های انتخاباتی .....	۱۳۵
مناظره‌های جنجال‌برانگیز .....	۱۳۷
نامه هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری .....	۱۴۳

فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز	
مقدمه .....	153
از فریب تا خودفریبی .....	154
نشانه‌های شکست .....	156
انحراف از چانه‌زنی به اعمال فشار .....	157
آسیب‌شناسی جریان سبز از منظر هوادارانش .....	160
جریان سبز بر روی قوس نزول .....	169
نقاط قوت جریان سبز از منظر اپوزیسیون .....	171
آینه‌های کثرنمای .....	174
فصل پنجم - چشم‌انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز	
مقدمه .....	179
نالامیدی محصول شوک شکست .....	180
سناریوپردازی برای آینده .....	181
مظلوم‌نمایی چونان یک راهبرد .....	183
گام به گام تا برناندازی .....	184
جریان سبز و روش‌های لینینی برناندازی .....	186
جریان سبز به مثابه کمپین اجتماعی .....	190
توصیه روان‌شناختی: نبرد در میدان‌های غیرخشن .....	191
محورهای آینده‌نگری از منظر سبزها .....	193
فصل ششم - جمع‌بندی و راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب	
مقدمه .....	199
ضرورت‌ها و موانع تحلیل جریان سبز .....	200

۲۰۲.....	جمع‌بندی و راهکارهای پیشنهادی
۲۰۳.....	واکنش‌های روانی سران و هواداران
۲۰۴.....	راهکار پیشنهادی
۲۰۵.....	رسانه‌های نوپدید و نحوه مواجهه
۲۰۶.....	یأس اجتماعی و خطرات آن
۲۰۶.....	پرکرد شکاف‌های اجتماعی
۲۰۷.....	مدیریت چالش‌های حکومتی
۲۰۷.....	ضرورت بازسازی اعتماد اجتماعی
۲۱۱.....	پیوست: روز شمار انتخابات ۸۸

## سخن ناشر

بیشک بالاترین و الاترین عصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قادرمند و قوی باشد ولی پرچ و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتقب از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۶).

رشد و توسعه اقتصادی یا سیاسی بدون توجه به ارزش‌های والای فرهنگی می‌تواند موجبات سنتی و اعوجاج در اصول اعتقادی و ملی جامعه را فراهم آورد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با انجام تحقیقات و پژوهه‌های پژوهشی و نیز برگزاری نشستهای علمی با اصحاب علم و فرهنگ و ارائه نتایج حاصل در قالب «گزارش پژوهش» و یا «کتاب»، تلاش خود را مصروف گسترش ارزش‌های اصیل فرهنگی می‌کند.

امید است با بهره‌گیری از توان علمی پژوهشگران بتوان گام مؤثری در برنامه‌ریزی جامع توسعه کشور برداشت.

اثر حاضر، نتیجهٔ پژوهشی است با عنوان «چشمان بسته دهان‌های گشوده» در موضوع بررسی ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری آشوب‌های پس از انتخابات ۸۸ و راهکارهای مواجهه با آن به کوشش دکتر امیر محیان که در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

یادآوری می‌شود، مطالب مندرج در این کتاب لزوماً منعکس‌کنندهٔ دیدگاه‌های پژوهشگاه نیست.



## بیشگفتار

«انسان بصیر کسی است که بشنود و بیندیشد، نگاه کند و ببیند و از عبرتها بهره گیرد.»

(امام علی (ع))

واقع سیاسی معمولاً از پیچیدگی‌های خاص خود برخوردار است، زیرا پیچیده‌ترین افراد، برنامه‌ریزی‌های پنهان را با انگیزه‌های بعضًا شناخته نشده طراحی کرده و به صحنه عمل می‌آورند؛ صحنه عملی که محل مواجهه دهای بلکه صدایها عامل شناخته شده و نشده، از این رو تحلیل همه عوامل دخیل در یک پروژه سیاسی معمولاً اگر ناممکن نباشد، دشوار است. در سال ۸۸ هجری شمسی، انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار و پیش، حین و پس از آن وقایعی رخ داد که می‌توانست کانون‌های بحران‌ساز در جامعه را فعال گرداند. فازغ از قضاوت‌های مختلفی که ممکن است پیرامون وضعیت پدیدآمده در سال مذکور وجود داشته باشد، در یک نکته نمی‌توان تردید کرد و آن اینکه آن مقطع دارای اثراتی مهم بر پیکره اجتماع و نیروهای فعال در

حوزه سیاست بود.

طبعاً در گذر زمان، هر جریان سیاسی قرائت خاص خود را از رخدادها به مثابه تاریخ خواهد نگاشت. آنچه که نگارنده در پی واکاوی آن بوده، بررسی ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری آشوب‌های پس از انتخابات ۸۸ و ارائه پاره‌ای از راهکارهای محتمل برای کاستن از آسیب‌های آن است.

البته نگرش همه‌جانبه بر این رخداد ضرورتی تام دارد که از عهده یک تحلیلگر با توانایی محدود خارج است، به همین دلیل، تلاش صاحب این قلم بر آن قرار گرفت که توجه خود را معطوف تحلیل‌های آشکار چهره‌های شاخص و صاحب‌نظر درون و بیرون کشور نماید، افرادی که از منظر خود کوشیده بودند وجوهی از عملکرد اصلاحات یا جریان موسوم به سبز را تحلیل کرده و توصیه‌هایی هم برای آن ارائه نمایند.

روشن است که ضرورت نگاه ژرف بر واقعی، تحلیلگر را وادار می‌کند که به دور از گرایش‌های شخصی، که سم مهلک هر پژوهش علمی است، به واقعی نگریسته تا در حد توان به هسته مرکزی واقعیت نزدیک گردد.

دانسته نیست که تا چه حد تلاش‌ها در این پژوهش قرین موفقیت بوده ولی بی‌گمان انگیزه پژوهش‌گر حاضر تحلیل یک مسئله از موضع علمی و منصفانه و نه افروden مسئله‌ای بر مسائل بوده است.

شایان ذکر است که در مسیر تحقیق، محدودیت‌های بسیاری بر این پژوهش سایه افکند، نخست ضيق‌وقت که بر دوش نگارنده باری سنگین افکند.

محدودیت دیگر، از یک سو عدم امکان دسترسی به همه منابع تحلیلی، خاصه تحلیل‌های اطلاعاتی و امنیتی حول محور انتخابات سال ۸۸ بود؛ که متأسفانه به دلایل روشن، دسترسی‌ها را به حداقل کاهش می‌داد و از سوی دیگر، حجم سنگین تولیدات طرف مقابل که البته بعض‌اً روی چند محور اصلی توافق داشتند، محورهایی که در این

پژوهش تلاش شد، مطمح نظر قرار گیرد.

نکته مهم دیگر آنکه، بخش اعظم تحلیل‌ها برگرفته از سایت‌های فیلتر شده‌ای است که در جریان وقایع ۸۸ می‌کوشید با تولید تحلیل و راهبرد، به نیروهای درگیر در میدان آشوب، انگیزه و جهت ارائه کند. با توجه به آنکه دیدار از همه این سایت‌ها در سال ۸۹ صورت گرفته است، ذکر تکراری این تاریخ در منابع ضروری نمی‌نمود.

در پایان شایسته است، از همکاری‌های آقای دکتر محمد رضا مرندی رئیس سابق پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که مشوق نگارنده بوده و حمایت‌های آقای دکتر یحیی طالبیان رئیس فعلی پژوهشگاه و نیز آقای مصطفی اسدزاده که بر قصورهای نگارشی قلم اصلاح کشیدند، سپاسگزاری نمایم.

دکتر امیر محیان

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - تهران مرکزی



## مقدمه

مستندسازی وقایع و اتفاقات گذشته همواره توجه اندیشمندان و محققان را به خود جلب کرده است. بی‌شک، اقدام در هر حوزه‌ای و کسب توفیق در آن، مبتنی بر مطالعات و مستندات پیشین است. اطلاعات تا زمانی که مستند نشده است، پراکنده، دسترسی ناپذیر، مبهم و ناکارآمد و حتی منشأ نابسامانی کارهast. از این رو، مستندسازی در همه حوزه‌ها ضمن حفظ رابطه پژوهشگر با واقعیت، قادر است وی را از روند دقیق وقایع مطلع ساخته و حتی به او امکان پیش‌بینی روندهای مشابه را در آینده، البته با لحاظ نسبیت برخاسته از رفتارهای انسانی، بدهد. ضمناً در تحلیل وقایع سیاسی، به دلیل خصلت زمان‌مند بودن آن، اتكا به مستندات می‌تواند علاوه بر اعطای ویژگی استنادپذیری، بیانگر فضای خاصی باشد که تحلیلگران در زمان وقوع اتفاقات سیاسی در آن فضا به تحلیل می‌پردازن. در اصطلاح مدیریتی، مستندسازی، تهیه مجموعه اسناد و مدارکی است که سیر

## ۱۶ چشمان بسته دهان‌های گشوده

تکوین و تحقق یک فعالیت از شروع تا خاتمه و چگونگی بهره‌برداری را با تحلیل و ارزیابی مربوط نشان می‌دهد. در واقع، مستندسازی ابزاری است که امکان استفاده و به کارگیری از تجربیات فردی و گروهی را جهت توسعه سازمانی فراهم می‌سازد.

گفته شده است مستندسازی کلید مدیریت دانش به شمار می‌رود و شامل فرایندهای شناسایی، گردآوری و در دسترس عموم قرار دادن سوابق یا اسناد موجود، از قبیل مکاتبات، فایل‌های رایانه‌ای، تصاویر و... است که ارزش تاریخی نیز دارند. (همچنین، مستندسازی می‌تواند به خود سوابق، اوراق، عکس‌ها و... اشاره داشته باشد) ممکن است مستندسازی مستلزم خلق اسناد جدید جهت تهیه متن برای موارد موجود یا پرکردن خلاهای موجود در سوابق تاریخی باشد.

در تعریفی دیگر گفته‌اند:

مستندسازی ثبت (مكتوب نمودن)، گردآوری، تنظیم و تدوین، دسته‌بندی و نگاهداری اطلاعات است؛ مفاهیمی که خود از فعالیتی هدفمند، دقیق و منظم حکایت دارد. بررسی مفاهیم فوق نشان می‌دهد که همه آن مفاهیم بر حفظ و نگهداری اطلاعات تکیه می‌کنند. وجه اشتراک اقدامات مستندسازی، مكتوب نمودن بخشی از دانسته‌ها و آگاهی‌های انسان است.<sup>۱</sup>

در تعریف دانشگاه پرینستون از مستندسازی آمده است: «تأیید صحت یک واقعیت یا بیان واقعیت از طریق استفاده از شواهد مستند».<sup>۲</sup>

لذا آنگاه یک تحلیل یا توصیف واقعه یا پدیده، مستند به شمار می‌رود که برای اثبات صحت مدعای خود بر مستندات متعدد اتکا داشته باشد.

در حوزه سیاست نیز وقایع مهمی رخ می‌دهد که بی‌توجهی به مستندسازی آنها

۱. سعید جعفری مقدم، مستندسازی تجربیات مدیران، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، تابستان ۱۳۸۳

2. [www.wordnetweb.princeton.edu/perl/webwn](http://www.wordnetweb.princeton.edu/perl/webwn)

## موجب می‌شود:

۱. تحلیل‌ها بر توهمات یا برداشت‌های صرفاً ذهنی اتکا کرده و به مرور با گذشت زمان، واقعیت‌ها در هاله‌ای از ابهام فرو رفته و تحلیل‌ها یا قضاوت‌ها از واقعیت فاصله گیرد.
  ۲. تجربیات ثبت‌نشده برای کنترل وقایع مشابه در آینده، از دسترس مدیران سیاسی، خارج شده و در شرایط مشابه موجب اقدامات تکراری و نیز هزینه‌های سنگینی می‌شود که در صورت توجه به تجربیات، هم کنترل وضعیت مشابه بهتر صورت می‌گیرد و هم از پرداخت هزینه‌های تکراری خودداری می‌شود.
  ۳. تحلیل نکردن اقدامات انجام گرفته در دور پیشین باعث می‌شود اشتباهات برطرف نشده و نواقص به کمال مبدل نشود.
- پس ضروری است وقایع مهم سیاسی در ایران برای جلوگیری از مضرات ذکر شده و نیل به منافع عقلانی آن مستندسازی شود. در این راستا، انتخابات سال ۸۸ اهمیت بسیاری دارد.

\*\*\*

مفهوم قدرت معمولاً تداعی کننده تصورات منفی است. برای مثال، وقتی سخن از قدرت به میان می‌آید، این تصور در اذهان شکل می‌گیرد که فردی در حال به زیر سلطه‌کشیدن دیگران یا تأثیرگذاری برای تغییر فکر و رفتار آنان است؛ ولی در هر حال، همچون مفهوم جنگ، قدرت نیز تقریباً همیشه و همه‌جا وجود دارد. انتخابات و بهویژه انتخابات ریاست جمهوری، معمولاً صحنه مهم رقابت‌های سیاسی و نبرد قدرت‌ها تلقی می‌شود. هرچند در جمهوری اسلامی، که قدرت از لحاظ ایدئولوژیک، هدف مورد نظر سیاسیون نیست یا نباید باشد، ولی متأسفانه گاهی در عمل، خلاف این روش در رویکردهای سیاسی دیده می‌شود؛ یکی از مواردی که رقابت برای خدمتگزاری جای

## ۱۸ چشمان بسته دهان‌های گشوده

خود را به جنگ قدرت داد، در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری بود که بعضی از کاندیداهای پیروزی به هر قیمت را هدف خود قرار دادند و عملاً آشوبی را در کشور پدید آورده و رأی نهادهای قانونی را نپذیرفتند.

\*\*\*

دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، در روز جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ خورشیدی، برابر با ۱۲ زوئن ۲۰۰۹ میلادی، برگزار شد. در این انتخابات، هفتمین رئیس‌جمهور ایران برای دوره چهارساله‌ای که از ۱۲ مرداد ۱۳۸۸ آغاز می‌شد، انتخاب شد. نحوه حضور کاندیداهای چهارگانه و نیز پاره‌ای از سوابق ذهنی بهجا مانده از انتخابات پیشین، عملاً باعث شد که این انتخابات ویژگی‌های غیرقابل مقایسه خود را داشته باشد.

بر اساس اعلام رسمی وزارت کشور، در این انتخابات، محمود احمدی‌نژاد (با بیش از ۲۴ میلیون رأی) با اختلاف رأی بسیاری نسبت به میرحسین موسوی (بیش از ۱۳ میلیون رأی) به پیروزی رسید. میرحسین موسوی همزمان با اعلام نتایج، نخست خود را پیروز معرفی و سپس با اعلام رسمی، نتایج انتخابات را باطل اعلام کرد. موسوی در نامه‌ای به مقام معظم رهبری نسبت به روند انتخابات و شیوه اعلام نتایج شمارش آراء، اعتراض کرد. پس از اعلام نتایج اولیه در روز ۲۳ خرداد، که نشان‌دهنده پیروزی چشمگیر احمدی‌نژاد نسبت به میرحسین موسوی و سایر نامزدها بود، موسوی طی نامه‌ای که خطاب به ملت ایران نوشته شده بود به این روند اعتراض کرد. وی نتایج انتخابات را «شعبده‌بازی دست‌اندرکاران انتخابات و صداوسیما» دانسته و گفته بود که مردم «به دنبال آن هستند که بدانند چگونه و توسط چه کسان و مقاماتی طرح این بازی بزرگ ریخته شده است.» با وجودی که میرحسین موسوی در نامه خود از مردم خواسته بود از اقدامات کور جلوگیری کنند، در جاهای مختلفی از شهر تهران طرفداران وی به برگزاری مخالفت‌هایی پرداختند. پس از تأیید نتایج توسط مقامات رسمی،

میرحسین موسوی در نامه‌ای به مراجع شیعه گفت که تمامی راه‌ها برای احفاظ حقوق مردم بسته شده است و از آنها خواست که به مسئولان تذکر دهنند. در پی اعلام نتایج آراء، شهرهای گوناگون ایران، از جمله تهران شاهد اعتراضات هواداران موسوی و درگیری با مأموران بود. از همین جا شرایطی پدید آمد که بیگانگان و مخالفان نظام را حتی به سرنگونی نظام اسلامی امیدوار کرد و جریان سبز را حرکتی در راستای انقلاب‌های رنگین دانستند و در انتظار نتایج آن نشستند. برخلاف تصور آنها، نظام، این آشوب‌ها را که رسانه‌های بیگانه تشدید می‌کرد کنترل کرد، ولی در مورد علل، ماهیت و سرنوشت آینده این جریان تحلیل مشترکی وجود ندارد.

تردیدی نیست که مستندسازی وقایع پس از انتخابات ضروری و برای بهره‌برداری مدیران کلان نظام بایسته است، ولی در همین حال به دلیل گستردگی تولیدات این جریان‌ها در طی بازه زمانی پیش و پس از انتخابات، طبعاً باید گروه مستندسازی برای نیل به این هدف مهم ساماندهی شود، اما در نوشтар حاضر کوشیده شده است که تحلیلی از ریشه‌ها، روند شکل‌گیری، نقاط ضعف و آینده این جریان به صورت مستند ارائه و نیز به پرسش‌های کلیدی پیرامون ماهیت آن پاسخ داده شود.

روشی که این نوشtar برگزیده است، به گونه‌ای فراتحلیل «*MetaAnalysis*» است که با اتکا به تحلیل‌های موجود، بهویژه تحلیل‌های هواداران جریان سبز کوشیده است ذهنیت طراحان، برنامه‌ریزان و تولیدگران فکری این جریان را کاویده و تا حد امکان به ژرفای تحلیل‌های آنها رسوند.

طبعاً ادعای این تحلیل، کاوش تمامی زوایای فکری و عملیاتی جریان مذکور نیست، ولی شناسایی پاره‌ای از زاویه‌های ناشناخته و رسیدن به تصویری اجمالی در این راستا در دستور کار بوده است.



## **فصل اول**

**بحران یا مسئله**



## بحران یا مسئله

### مقدمه

ماهیت آنچه مخالفانش «فتنه سبز» می‌نامند و موافقانش «جنیش سبز» چیست؟ آیا بحرانی سیاسی است یا صرفاً مسئله‌ای است که ظرفیت تبدیل شدن به یک بحران را دارد؟ آیا جریانی اجتماعی است یا واقعه‌ای است بدون ریشه‌های اجتماعی؟ آیا می‌توان آن را یک جنیش اجتماعی نامید یا صرفاً پروژه‌ای سیاسی است؟ آن را باید بداخل‌الاقی سیاسی نامید یا شورشی کور؟ این حرکت حاصل نبرد جناحی درونی بود یا براندازی از نوع نرم که بیگانگان از آن حمایت می‌کردند؟ آیا قصد برآن بود که انقلابی جدید برپا شود یا صرفاً درگیری طبقاتی ناشی از عمق‌یابی شکاف‌های طبقاتی مولود توسعه ناهمانگ بود؟ این حرکت فتنه‌ای سیاسی بود یا جنگ مرکز – پیرامون؟ این درگیری‌ها کودتای حاکمیت علیه یک جناح سیاسی بود یا کودتای یک جریان سیاسی تحت حمایت بیگانگان علیه یک نظام دینی مستقل؟ پاسخگویی به این پرسش‌ها تا حدودی ماهیت جریان سیاسی‌ای که تحت لوای جریان سبز فعالیت می‌کرد را روشن می‌کند.

### وقایع پس از انتخابات؛ بحران یا مسئله؟

مدیریت بحران، بخش اساسی مدیریت استراتژیک است. طبعاً در حوزه سیاست، مدیریت بحران جایگاه ویژه‌ای دارد که از آن منظر به وقایع پس از انتخابات می‌پردازیم. هرچند در ادامه تحلیل، بر این واقعیت استدلال خواهیم کرد که وقایعی که پس از انتخابات رخ داد، بحران نبود، ولی تردیدی نیست که ظرفیت‌های رساندن جامعه به بحران در آن موجود بود. اگر فرض را بر این بگیریم که ظرفیت‌های بحران‌آفرینی در جریان مذکور وجود دارد و ریشه‌های اجتماعی بسترساز اعتراضات اصلی هنوز وجود دارد، که البته به بهانه انتخابات فرصت ظهور یافت، هنوز وجود دارد، بهتر است مدیریت بحران همواره در دستور کار نظام قرار گیرد.

مدیریت بحران مؤثر در حوزه سیاست، نیازمند رویکرده نظاممند است که هوشیاری، حساسیت سیاسی – امنیتی و درکی درست از اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و آمادگی پیشینی را در برابر هر بحران محتمل می‌طلبد. بحران‌ها رویدادهای ناگواری هستند که می‌توانند باعث بروز ناکارآمدی در عملکرد درست نهادهای حکومتی شوند. در موقعیت‌های بحرانی، خودشیفتگی و رضایتمندی از خود مدیران را در تصمیم‌گیری اثربخش یاری نمی‌کند، بلکه فقط آنها را آشفته خواهد ساخت. مدیرانی که در شناسایی بحران کوتاهی می‌کنند و هیچ برنامه‌ریزی برای آن ندارند، هنگام بحران دچار گرفتاری‌های شدیدی خواهند شد.

اساساً در مواجهه با پدیده‌ای که به صورت ناخواسته رخ داده است، باید به این پرسش‌های اولیه پاسخ داد:

۱. چه چیزی و چگونه اتفاق افتاده است؟
۲. علل این واقعه چیست؟
۳. چرا به این شکل رخ داده است؟
۴. عوامل اصلی بروز این وقایع چه کسانی بودند؟

۵. آیا امکان رخ دادن مجدد آن وجود دارد یا خیر؟

۶. راهکارهای جلوگیری از بروز مجدد یا مدیریت آن در آینده چیست؟

برای رسیدن به پاسخ‌های صحیح، نخست باید پدیده رخ داده را به درستی و به دور از تعصبات یا ذهنیت‌های غیرواقع‌بینانه بررسی کرد.

در وهله نخست، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا واقعه‌ای که حین و پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ رخ داد بحران سیاسی بود؟ این پرسشی است که اکنون باید به آن پاسخ داد؛ زیرا نوع پاسخ به این پرسش می‌تواند رویکرد آتی حکومتگران را در قبال ادامه این واقعه یا وقایع مشابه روشن سازد؛ زیرا اگر این واقعه را بحران ارزیابی کنیم، طبعاً نوع برخورد با آن وضعیتی که بحرانی تلقی نمی‌شود؛ مشابه نخواهد بود.

\*\*\*

برای قضاوت درباره بحرانی بودن یا نبودن اوضاع، شایسته است در وهله نخست، شرایط مختص به اوضاع بحرانی را ذکر کنیم، سپس با تعریف بحران، رویکرد شایسته حکومتی را برگزینیم.

### شرایط مختص به اوضاع بحرانی

در تبیین شرایط بحرانی، محققان این موارد را به منزله ویژگی‌های مشترک تمامی آنها بیان کرده‌اند:

۱. مبهم بودن شدید وضعیت و قابل تشخیص نبودن روابط علت و معلولی
۲. قدرت گسترده موقعیت بحران‌افرین در تهدید حیات و بقای کشور؛ اگرچه احتمال وقوع بحران کم باشد.
۳. کوتاه شدن فرصت‌های زمانی نظام برای نشان دادن واکنش پس از بروز بحران که با استرس بسیار زیادی همراه است.

#### ۴. قراردادن کشور بر سر دوراهی‌هایی سرنوشت‌ساز

##### مقایسه شرایط پس از انتخابات و شاخص‌های بحران

نگاهی به بند نخست، روشن می‌سازد که هرچند شرایط در آن دوران ابهام داشت، ولی این امر به معنای غیرقابل تشخیص بودن روابط علی و معلولی نبود. دلایل رخدادهای پس از انتخابات، علی‌جدا از علل و عوامل بروز وقایع دوم خرداد نداشت و صرفاً گام‌هایی جسورانه‌تر در بروز اعتراض خیابانی برای اعمال فشار بر حکومت بود.

پیرامون بند دوم، توان کنترل نظام نشان داد که هرچند فشارها با تبلیغات غربی‌ها بزرگنمایی شد و حتی عدم آماده نبودن بعضی از سازمان‌های ذی‌ربط به دلیل ضعف در تحلیل اوضاع یا عدم طراحی پیشینی سناریوهای محتمل، ظاهراً وضعیت را پیچیده‌تر کرد؛ اما مهار اوضاع از کف حاکمان بیرون نرفته و با ظرافت و سعه‌صدر رهبر نظام بسیاری از تهدیدها تحت کنترل درآمد. به عبارت واضح‌تر، آنچه اوضاع را به ظاهر خارج از کنترل می‌کرد، پاره‌ای از فقدان آمادگی‌ها بود و نه قدرت نیروی عامل فشار!

در مورد بند ۳ نیز، هرچند فرصت واکنش‌ها کاهش یافت، ولی به رغم هیجان موجود در سطح توده‌ها و بعضی از مدیران میدانی، که آمادگی لازم را برای مواجهه نداشتند، رهبری نظام با سعه‌صدر و بدون قرار گرفتن تحت فشار روانی، که اتفاقاً هدف طراحان بازی‌های سیاسی مذکور بود، توانست حجت شرعی، قانونی و اخلاقی را بر آنها تمام و وقایع را کاملاً تحت کنترل مدیریت کند.

در باره بند ۴ هم، هرچند قراردادن کشور بر سر دو راهی‌هایی سرنوشت‌ساز جزو آرزوهای گردانندگان وقایع بعد از انتخابات بود، ولی این مسئله محقق نشد. پس اگر نیک بنگریم، وقایع بعد از انتخابات بحران نبود، بلکه مسئله‌ای بود که

ظرفیت تبدیل شدن به بحران را داشت که با مدیریت نظام تحت کنترل درآمد.

بنابراین، به نظر می‌رسد پذیرش گزینه «بحران بودن، بودن وقایع پس از انتخابات»<sup>۸۸</sup> فقط به بزرگ وانمودن خلاف واقع جریان‌های مذکور و کوچک وانمودن نظام می‌انجامد که با واقعیت‌ها تطابق نداشته و صرفاً ناشی از فروغ‌لیتیدن در تور تبلیغاتی بیگانگان است که قصد دارند نظام را متزلزل کنند.

حال با خروج فرضیه بحران بودن وقایع پس از انتخابات<sup>۸۸</sup>، این وقایع صرفاً در حد یک مسئله البته جدی، قابلیت طرح دارد.

\*\*\*

### جریان سبز، جنبش اجتماعی یا پروژه سیاسی؟

برای پاسخگویی به این پرسش کلیدی، شایسته است پاره‌ای از مفاهیم آن‌گونه که اهل فن به تعریف آن می‌پردازنند، به مثابه شاخص در نظر گرفته شده و جریان سبز با آن سنجیده شود.

### تغییرات در ارزش‌های اجتماعی زمینه‌ساز تحولات اجتماعی

برای درک اهمیت و نیز چگونگی بروز تغییرات در ارزش‌های اجتماعی و نیز شناسایی تحولاتی که در لایه‌های زیرین جامعه رخ می‌دهد، ضروری است نخست در مفاهیم مورد بحث در حد تعریف اولیه توافق شود:

پژوهشگران اجتماعی میان دگرگونی (تغییر) اجتماعی و تطور (تحول) اجتماعی فرق می‌گذارند. تغییر اجتماعی شامل تغییرات قابل مشاهده و بررسی در زمان کوتاه است، اما تطور اجتماعی، به مجموعه تغییرات در جامعه در دوره طولانی اطلاق می‌شود.

تغییر اجتماعی را تغییر در الگوهای رفتاری و فرهنگ تعریف می‌کنند که شامل هنجارها و ارزش‌ها می‌شود. تغییر زمانی رخ می‌دهد که شیئی یا عضوی از یک نظام،

اشیای متحرک از لحاظ موقعیت، در مسیری که با ترتیب ساختی نظام متفاوت است، جابه‌جا شود. تغییر اجتماعی ممکن است مترقبی یا پس‌رفتی باشد. همچنین ممکن است دائمی یا موقتی باشد. پژوهشگران معتقدند که دو نوع تغییر اجتماعی وجود دارد: یکی برنامه‌ریزی شده و دیگری بدون طراحی و برنامه‌ریزی قبلی. از منظر تغییر اجتماعی، تغییر در نهادهای اساسی جامعه در طی یک دوره معین است.

مؤلفه‌های تحلیلی مرتبط با تغییرات اجتماعی عبارت‌اند از هویت، سطح، مدت، جهت، وسعت و آهنگ تغییر. هویت تغییر، به پدیده‌های اجتماعی خاصی چون کنش، رفتار، گرایش، الگوهای تعامل و غیره دلالت دارد. سطح تغییر، به جایگاهی که تغییر به صورت خاصی در آن حادث می‌شود (فردي، گروهي، سازمانی و غيره) اطلاق می‌شود. مدت تغییر به اين پرسش می‌پردازد که تغیير پس از آنکه مقبولیت یافت، چه مدتی دوام و پایداری دارد. جهت تغییر، با مفاهیم پیشرفت، انحطاط یا سقوط بیان می‌شود و بیانگر وضعیت آتی یک تغییر نسبت به وضعیت اولیه آن است. وسعت تغییر بر مبنای قلمرو و عمق تغییر اجتماعی تعریف می‌شود و شامل تغییرات حاشیه‌ای، جامع و انقلابی است. آهنگ تغییر، معمولاً بر چگونگی سرعت تغییرات از لحاظ کندی، سرعت، مداوم، منظم یا نامنظم بودن، دلالت می‌کند.

تغییرات اجتماعی در حکم یک واقعیت اجتماعی مطرح است؛ واقعیت اجتماعی در سطوح خُرد، میانی و کلان قابل تحلیل است. محقق، در سطح خرد، با فرد کنشگر و عامل و در سطوح میانی و کلان، به ترتیب با فرایندها و ساختارها سروکار دارد.

چون تغییر اجتماعی خصلت فرایندهای دارد و کم و کیف آن طی زمان مشخص می‌شود، لذا برای فهم ماهیت تغییر، شناخت بُعد زمان‌بندی آن اهمیت اساسی دارد.

تغییر اجتماعی، بر مبنای علتهای تغییر، به درونزا، برونزا و ترکیبی و بر اساس وجود یا عدم تعمد، به با برنامه و بی‌برنامه تقسیم می‌شود.

تغییر اجتماعی روئایی نوعی اصلاح در جامعه است بدون تغییر در ماهیت و بنیاد

## فصل اول - بحران یا مسئله ۲۹

ساختار اجتماعی و تغییر اجتماعی زیربنایی، همان انقلاب اجتماعی است.

تغییراتی که در حوزه معرفت صورت می‌گیرند، تغییرات فرهنگی و تغییراتی که در حوزه ساختارهای اجتماعی و جمعیتی رخ می‌دهند، تغییرات اجتماعی هستند. تغییر فرهنگی نسبت به تغییر اجتماعی گسترده‌تر و آهنگش کندر است.

تعدادی از پژوهشگران اجتماعی معتقدند که در موقع رکود اقتصادی ناگهانی و رشد سریع اقتصادی، آشفتگی اجتماعی (آنومی) روی می‌دهد که سلطه هنجاری را تضعیف می‌کند.

تضییف سلطه هنجاری باعث افزایش تقاضاها و آرزوها می‌شود که چون جامعه نمی‌تواند همه آنها را برآورده کند، نارضایتی عمومی پدید می‌آید که به انقلاب یا تغییر اجتماعی می‌انجامد. لذا هرگاه سازگاری بین ارزش‌های یک جامعه و شرایط محیطی آن مختل شود، شرایط برای تغییر و تحول اجتماعی فراهم می‌شود.

در جایی که ساختارها سخت هستند، تضاد، خصلت نهادی پیدا نمی‌کند و مسئله زا شده و به تغییرات مخرب می‌انجامد.

در کشورهای غربی، سه عامل را باعث افزایش توان مشارکت سیاسی مردم می‌دانند: افزایش سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت سیاسی زنان، تغییر اولویت‌های ارزشی.

تغییر اجتماعی علاوه بر پیامدهای مثبت، پیامدها و نتایج منفی هم دارد که از آن تحت عنوان پیامدهای غیرکارکردی یا هزینه‌های تغییر اجتماعی یاد می‌شود.

برخی هزینه‌های تغییر اجتماعی عبارت است از افزایش مادی‌گرایی و فردگرایی، آسیب‌های اجتماعی، نابودی تجانس اجتماعی، توسعه شهرها به زیان روستاهای تشدید نابرابری‌های اجتماعی، نارضایتی و بی‌سازمانی اجتماعی.

### جنبیش اجتماعی

در گام نخست، شناخت و تحلیل این فرضیه که جریان سبز یک جنبش اجتماعی است یا خیر برای شناخت ماهیت این جریان اهمیت بسزایی دارد؛ نخست لازم است با اتکا به ادبیات مورد نظر این جریان، روشن کنیم که آیا جریان سبز اساساً یک جنبش اجتماعی است یا آنکه یک جریان سیاسی است که شعارها و ادبیات مطلوب یک جریان اجتماعی را تکرار کرده و می‌کوشد از نیروی این لایه‌های اجتماعی در حکم یک عامل فشار سیاسی در مبارزه برای قدرت سیاسی بهره گیرد؟ نخست لازم است اجمالاً روشن کنیم که جنبش اجتماعی چیست؟

### تعريف جنبش اجتماعی

یکی از مهم‌ترین حرکت‌های جمعی که مبنی بر تغییر ارزش‌ها در جامعه شکل می‌گیرد، جنبش اجتماعی است. جنبش اجتماعی را می‌توان شکلی از کنش جمعی برای دستیابی به دگرگونی در برخی جنبه‌های نظام موجود در جامعه پنداشت. جنبش‌های اجتماعی خالقان تغییر اجتماعی هستند. اعضای جنبش، ارزش‌ها و اهداف مشترکی دارند، نسبت به یکدیگر احساس تعلق می‌کنند و میان رهبران و پیروان تقسیم کار وجود دارد. از نظری با توجه به اهمیتی که عاملیت و کنشگری دارد، جنبش‌های اجتماعی نیروهایی هستند که نظام موجود را به مبارزه می‌طلبند و در صدد تغییر جامعه هستند.

در تبیین‌های روان‌شناسی اجتماعی، ریشه‌های جنبش اجتماعی در شخصیت کنشگران اجتماعی و بر متغیرهایی از قبیل نارضایتی اجتماعی، ناسازگاری اجتماعی، حاشیه‌ای شدن و احساس محرومیت نسبی تأکید می‌شود. شرایطی که به شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی منجر می‌شود، عبارت است از آمادگی ساختاری، فشار ساختاری، عقاید تعمیم‌یافته، عوامل شتاب‌دهنده، هماهنگی و عملکرد کنترل اجتماعی.

جنبیش‌های اجتماعی بر حسب گسترده‌گی و شدت عمل به دو نوع انقلابی و

اصلاحی تقسیم می‌شوند. فشار ساختاری، به تنش‌هایی اطلاق می‌شود که باعث ایجاد منافع متعارض در درون جامعه می‌شود.

اصطلاح جنبش اجتماعی دلالت بر کوششی هماهنگ و مستمر دارد که یک گروه اجتماعی برای رسیدن به هدف مشترک اعمال می‌کند. به طور اخص، این کوشش ناظر بر تغییر، حفظ، جایگزین یا انهدام یک نهاد اجتماعی موجود است؛ همچنان که بر گروهی دلالت دارد که درگیر چنین کاری است. جنبش اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که گروه سازمان یافته‌ای، در صدد بر می‌آید تا عناصری از جامعه را تغییر دهد یا آنها را حفظ کند.

در تعریف دیگری آمده است: جنبش اجتماعی در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، هرگونه کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدف اصلی از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی است. اندازه جنبش اجتماعی به تعداد اعضای آن جنبش بستگی دارد؛ جنبش‌های اجتماعی کوچک، جنبش‌هایی هستند که اعضای آنها کمتر از ۱۰۰ نفر است. جنبش‌های اجتماعی بزرگ، جنبش‌هایی هستند که هزاران یا میلیون‌ها نفر را دربرمی‌گیرند. بعضی از جنبش‌ها در چارچوب قوانین جوامعی فعالیت می‌کنند که در آن حضور دارند؛ در حالی که جنبش‌های دیگر به صورت گروه‌های غیرقانونی یا زیرزمینی فعالیت می‌کنند. عمل جنبش‌های اجتماعی بر قوانین تأثیرگذار است. همچنین، ممکن است خط فاصلی میان جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های رسمی وجود نداشته باشد؛ یا جنبش‌های استقرار یافته به صورت سازمان‌های رسمی درآیند.

### انواع جنبش‌های اجتماعی

دو نوع مشخص جنبش‌های اجتماعی مطرح در جامعه‌ما، جنبش دگرگون‌ساز و جنبش اصلاحات است. تفاوت این دو چیست و آیا جریان سبز یک جنبش

اصلاح طلب است؟

جنبش دگرگون‌ساز یکی از انواع جنبش‌های اجتماعی است که هدف آن دگرگونی فraigیر در جامعه است. تغییراتی که اعضای این جنبش‌ها در پی آند، دگرگونی‌های سریع و عظیم، جامع و فraigir و همراه با خشونت است. این جنبش‌ها، اغلب به انقلاب منجر می‌شود و ساختار جامعه را تغییر می‌دهد.

جنبش اصلاحات معمولاً اهداف محدودتری دارد و می‌خواهد تنها برخی جنبه‌های نظم اجتماعی موجود را تغییر دهد. این جنبش، به انواع ویژه‌ای از نابرابری یا بی‌عدالتی و تبعیض توجه نشان می‌دهد. جنبش‌های دگرگون‌ساز و اصلاح طلب هر دو خواهان تغییرات در سطح جامعه‌اند؛ تفاوت اصلی این است که جنبش اصلاحات یک فرایند اجتماعی درازمدت را دربر می‌گیرد.

جريان موسوم به اصلاح طلب از سال‌ها قبل از بروز آشوب‌های جریان سبز بر این باور بود که موج دوم اصلاحات در راه است و سرخوردگی‌های اجتماعی را دال بر آن می‌دانست. نشریه برداشت دوم متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی در تحلیلی نوشت:

اکنون نشانه‌هایی از بی‌علاقگی مفرط مردم به سیاست در جامعه بروز یافته است. تهدیدات آمریکا علیه ایران، بر اساس نظرسنجی‌ها، از سوی مردم جدی گرفته نشده است، شورها و شوک‌های سیاسی وارد بر جامعه (همانند دستگیری‌ها، بسته‌شدن‌ها؛ لایحه دادن‌ها و...) چنان‌ان توجهی به خود جلب نمی‌کند، کنش سیاسی به هیچ وجه از سوی مردم جدی گرفته نمی‌شود، نشریات، همان‌هایی که قرار بود رکن چهارم دموکراسی باشند، با کمترین اقبال مواجه شده‌اند، همه سخن از فضای یأس و نامیلی و بن‌بست سر می‌دهند و ...

این نشانه‌ها بیش از آنکه بیانگر امنیت گورستانی و سکوت مصلحتی مردم

## فصل اول - بحران یا مسئله ۳۳

باشند، نشانگر آن است که شبکه‌های دیگری در جامعه فعال است و مردم برای کنش اجتماعی خود، قالب‌های سیاسی را فاقد اعتبار- اعتماد و تنگ و بی‌فایده تلقی می‌کنند.

نویسنده آنگاه نتیجه می‌گیرد که: «جامعهٔ ما در آستانهٔ یک جنبش اجتماعی «واقعی» و فraigیر قرار دارد و باید منتظر تحولات مهمی بود.<sup>۱</sup>

این در حالی بود که همزمان، جریان‌های اپوزیسیون هم بر این باور بودند که آنچه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ رخ داد، یک جنبش اجتماعی بود؛ چنانچه در تحلیل دیگری از جریان سبز چنین برداشت شده است:

جنبس اجتماعی ۲۲ خرداد به علت اینکه در پروسه کشاکش انتخاباتی دولت هشتم رژیم فقاهتی متولد گردید، باعث گردید در بستر جنگ جناح‌های درونی رژیم فقاهتی، متن توده‌ها به یکباره به یک خودآگاهی سیاسی - اجتماعی برسد که در کل تاریخ گذشته مبارزات توده‌های ایران بی‌مثال و بی‌بديل بود؛ چرا که بزرگ‌ترین دستاوردهای این کشاکش، تقسیم قدرت درونی در انتخابات ۲۲ خرداد این حقیقت بود که توده‌ها دریافتند رأی آنها، که ناموس سیاسی - اجتماعی آنها را نیز تشکیل می‌داد، در طول ۳۰ سال گذشته وجه‌المعامله یا به عبارت دیگر، وجه‌المصالحة تقسیم قدرت بین جناح‌های بالایی‌ها بوده است و هرگز در پروسه انتخاباتی ۳۰ سال گذشته رژیم فقاهتی حاکم کوچک‌ترین ریزش قدرتی از بالایی‌ها به طرف پایین صورت نگرفته است و بر پایه این خودآگاهی عظیم تاریخی توده‌ها بود که در پروسه انتخاباتی ۲۲ خرداد بخش عظیمی از توده‌های

---

۱. علی حاجی، «درآستانه دوران پسا سیاسی و در انتظار دومین جنبش اجتماعی فraigیر»، نشریه برداشت دوم، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۸۸

زحمت‌کش و متوسط شهری از جایگاه سویژکتیو قبلی خویش کنده

شدند.<sup>۱</sup>

### جريان سبز و مسئله درون و بيرون يا ضد نظام

در هر حال، نگاهی به دیدگاه‌های موجود میان تحلیلگران جريان سبز حاکی از آن است که گروهی از آنان اين جريان را درون چارچوب تعريف می‌کنند؛ هرچند بهطور واضح عناصر براندازانه و بذرهاي ضد اساس نظام اسلامي در آن وجود دارد:

جنبيش سبز پايداهاي نويادبخش در عرصه مبارزات دموکراتيك يكصد سال گذشته جامعه ايراني است. تا همین جاي كار دستاوردهای شگرفی داشته است. مهمترین آنها به قرار ذيل هستند:

- تلفيق دموكراسي خواهی با ايدئولوژي گرایسي ناممکن است. موازین دموكراسي با خصوابط عقیدتی (مذهبی و غير مذهبی) سازگاري ندارد.
- مسیر پيشرفت و توسيعه پايدار از طریق اصلاح و تعییر تدریجی و به شیوه مسالمت‌جويانه و نه انقلابی هموار می‌شود. تعییر و تحول انقلابی از آنجا كه خشونت‌آميز است، معمولاً به انحراف و ماجراجویی كشیده می‌شود.
- شرکت در انتخابات ۲۲ خرداد اقدامی هوشیارانه و سنجیده در راستای مهار پوپولیسم بود. این ایراد مخالفین که حاکمیت از شرکت در انتخابات به نفع مشروعیت خود بهره‌برداری تبلیغی می‌کنند، بی‌مورد است. نکته مهم در مورد استفاده از حق رأی، درگیرشدن مردم در عرصه سیاست و مطالبات اجتماعی است. این موضوع از نظر خودآگاهی طبقه متوسط و طرح مطالبات مدنی و حقوق

---

۱. جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد در آئينه «نشر مستضعفین»؛ <http://nmostazafin.wordpress.com>

شهر و نلدی حائز اهمیت است. اینکه گفته می‌شاد همه چیز از پیش تعیین شده و رأی ما نقشی ندارد، ادعایی ناصحیح است. همچنین، این ادعا که تحت ولایت فقیه و نظارت استصوابی سورای نگهبان، امکان تأثیرگذاری در چارچوب قانون اساسی وجود ندارد، سخن باطلی است. جنبش سبز نشان داد که دامنه مبارزات ملابی محل و دشمنی نیست و در همه حال و در چارچوب عقب‌مانده‌ترین قوانین، امکان پذیر است.

- جنبش سبز ثابت کرد که تئوری توطئه، نظریه‌ای مخدوش و باطل است. این دیدگاه که همه چیز از پیش در قالب یک سناریوی دقیق و حساب‌شده طراحی شده، ناشی از فعل پذیری و انفعال است. جنبش سبز شائبه توطئه و دست‌های پنهان در تعیین سرنوشت جامعه را، که نتیجه‌ای جز یأس و نلامیدی ندارد، به زیر سؤال برد.
- جنبش سبز نشان داد که اختلافات درون حاکمیت جدی است. بسیاری از مخالفان نظام ادعا می‌کردند که مناقشات درون حاکمیت، خیمه شب‌بازی و ساختگی است و برای گرم کردن تنور انتخابات به نمایش در می‌آید.<sup>۱</sup>

گروه دیگر، که نگرش افراطی تری دارند، اساساً روند حرکتی را در مسیر سرنگونی نظام اسلامی تعریف می‌کنند؛ آنها معتقدند:

جنبیش سبز با این خون‌ریزی‌ها (برخوردهای نظام پس از درگیری‌های خیابانی سبزها) متوقف نشد و قدرتمندتر و آرام‌تر به صحنه بازگشت. از این نقطه بود که جنبش سبز می‌توانست همانند دیگر جنبش‌های غیرخشنونت‌آمیز مثل جنبش گاندی یا نلسون مانلا به تلاش برای

---

۱. منصور پویان، «کالبد شناسی جنبش سبزی»، <http://persian-heritage.net/>

پایان دادن به آپارتايد ايدئولوژيک و نگرش تمامیت‌خواهانه رژیم اسلامی ادامه دهد. این جنبش با درس گرفتن از جنبش‌های اجتماعی می‌تواند با در پیش‌گرفتن چند استراتژی زیر، نحس‌ت رهبری را به ابطال انتخابات و ادار و از این طریق تمامیت‌طلبی دینی را یک مرحله به عقب براند.<sup>۱</sup>

یا فرد دیگری می‌نویسد: «امروز حتی محافظه‌کارترین بخش جنبش سبز نیز دیگر به گفتمان درون نظام و امکان تغییرات در چارچوب قانون اساسی کنونی اعتقاد ندارد.»<sup>۲</sup>

یکی دیگر از تحلیلگران حامی این جریان نیز با انتقاد از معتقدین جریان سبز در خارج از کشور و ذکر لزوم هماهنگی میان معارضان درونی و بیرونی به آنها یادآوری می‌کند که:

همان‌گونه که مبارزین درون‌مرزی، نقشه‌های افراطیون «حزب‌اللهی» رژیم را خشی می‌کنند و برای آگاهی توده‌های متوجه و به خصوص جبهت تحریج ریزش و فروپاشی درونی رژیم با فراست تلاش می‌نمایند، اپوزیسیون بروزن‌مرزی نیز وظیفه دارد تا با روشنگری و آگاهی رساندن به جریان‌ها مسلکی متعصب و مطلق‌گرا و همچنین، عناصر افراطی قابل اصلاح در خارج از کشور، انسجام مبارزاتی و وحدت عملی مخالفان حکومت را تحکیم بخشند.<sup>۳</sup>

فاطمه حقیقت‌جو، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، از سوی طیف اصلاح طلب هم با عبور از چارچوب‌های قانون اساسی در گفتگو با بی‌بی‌سی گفته است: «تنها حکومت غیردینی حافظ دین و آزادی مردم است.»<sup>۴</sup>

۱. مجید محمدی، شش استراتژی جنبش سبز تا فروریزی تمامیت‌طلبی دینی

۲. احمد رافت، «جنبش سبز در گذار»، <http://beta.gozaar.org/persian/articles-fa>

۳. عبدالستار دوشوکی، «آسیب شناسی جنبش سبز و نقش افراطیون در اپوزیسیون بروزن‌مرزی»، <http://www.ayandeh.com/>

4. <http://www.ayandeh.com>

### فصل اول - بحران یا مسئله ۳۷

یکی از چهره‌های شاخص و البته جنجالی این خط حتی نسبت به اعلام وفاداری صوری نسبت به امام خمینی(ره) توسط موسوی هم اعتراض کرده و می‌نویسد:

سنگر گرفتن در پشت آیت‌الله خمینی پیامدهایی دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. وقتی چهره‌های شاخص جنبش سبز خود را پیروان واقعی آیت‌الله خمینی معرفی می‌کنند و زمامداران کنونی را مخالفان آیت‌الله خمینی قلمداد می‌کنند، خود و جنبش سبز را وارد گفتمانی می‌کنند که رهایی از آن بسیار دشوار است. به تعبیر دیگر، نزاع بر سر شکاف اصلی (دیکتاتوری و دموکراسی)، به نزاع مدافعان و مخالفان آیت‌الله خمینی فروکاسته می‌شود.<sup>۱</sup>

البته کسانی هم خلاف این مواضع را عنوان کرده‌اند؛ برای مثال یوسفی اشکوری در گفتگویی تلویزیونی گفته است: «کسانی که خواهان براندازی جمهوری اسلامی هستند، خارج از جنبش سبز می‌باشند».

یا میرحسین موسوی متذکر شده است که اگر به قانون اساسی برنگردید، می‌ایستیم که معنای دیگر آن این است که ملاک عمل خود را قانون اساسی در نظر گرفته است. آرای ذکر شده و سایر آرای منتشر شده از سوی سران و تحلیلگران عضو یا نزدیک به جریان مذکور، حاکی از آن است که این جریان دارای طیف فکری از جنبش اجتماعی اصلاح طلب (اصلاحات) تا جنبش اجتماعی برانداز (دگرگونساز) است، ولی نکته‌ای که روشن است جهت حرکت این جریان است که اساساً به سمت خروج از نظام طراحی شده است. به عبارت دیگر، مسیر طراحی شده برخلاف آنچه زمانی سید محمد خاتمی، رئیس جمهور دوره اصلاحات، مدعی شده بود، که در جهت تبدیل

---

۱. اکبرگنجی، «جنبش سبز به کجا می‌خواهد برود؟»، <http://www.rouydadnews.com/>

برانداز به منتقد است، نبوده و بالعکس در این مسیر چه بسا کسانی چون «حقیقت‌جو»‌ها از موضع انتقاد به سمت براندازی نظام دینی رفته و به این باور می‌رسند که: تنها حکومت غیردینی حافظ دین و آزادی مردم است! در حالی که هیچ شاهدی برای پیوستن فردی از براندازان به سمت مدافعان نظام وجود ندارد. پس شواهد حاکی از آن است که این جریان مسیری برای جذب مخالفان نظام به سوی نظام نبوده و بالعکس مسیری برای خروج پسرعت از دایره نظام است و در این مسیر، متأسفانه افراد پرتجربه‌ای چون موسوی تا افراد کم‌تجربه‌ای چون حقیقت‌جو یکسان سیر کرده و در هر گام از نظام دینی بیشتر فاصله می‌گیرند.

بنابراین، اگر این مفروض را بدون کاوش بپذیریم که این جریان یک جنبش اجتماعی است؛ آنگاه شواهد حاکی از آن است که این جنبش علی‌رغم ادعاهای اساساً و در نهایت «جنبش اجتماعی برانداز (دگرگون‌ساز)» است که در گام نخست در قالب یک جنبش اصلاحی نمودار شده است، اما چنانچه در سطور آتی خواهیم دید، انطباق شاخص‌های این جریان با شاخص‌های یک جنبش اجتماعی حکایت از آن دارد که این جریان یک پژوهه سیاسی است که با زیرکی می‌کوشد از نیازها و مطالبات یک جریان و بلکه جنبش اجتماعی زیرپوستی بهره برد و آن را به مثابه یک نیروی پیش‌برنده در مسیر نیل به قدرت مورد استفاده قرار دهد.

### جریان سبز و ویژگی‌های جنبش اجتماعی

فارغ از ادعای جنبش بودن این جریان، اکنون باید دید این جریان سیاسی خصایل ذکر شده برای یک جنبش را دارد یا خیر.

در ادبیات جامعه‌شناسان، ویژگی‌های اصلی جنبش‌های اجتماعی عبارت است از:

۱. داشتن برنامه برای نیل به اهداف
۲. ایدئولوژی به عنوان عامل گردآوری اعضا

### فصل اول - بحران یا مسئله ۳۹

۳. تمهید و ارائه سلسله‌ای از مراسم و عادات و آداب خاص برای تجدید حیات

و قوام خود

۴. رهبری؛ تا توده‌های مردم را در حمایت از آرمان‌ها و اهداف جنبش بسیج کند.

نگاهی به ویژگی‌های فوق و جنبش اجتماعی مردم ایران در انقلاب اسلامی، به خوبی روشن می‌کند که جنبش اجتماعی قدرتمند و ریشه‌داری پشتونه انقلاب اسلامی ایران بود؛ اکنون آیا می‌توان همین خصایل را برای جریان موسوم به سبز برشمرد و آن را یک جنبش اجتماعی دانست؟

آیا این جریان برنامه و خطمشی مشخصی دارد که همگان حداقل به طور نسبی بر آن توافق کرده باشند و این برنامه دارای انسجام نیز باشد؟

### فقدان برنامه روشن سیاسی

یکی از تحلیلگران این جریان، در توصیف و آسیب‌شناسی شرایطی که هواداران این جریان دارند می‌نویسد:

اولین آسیب جنبش سبز در این است که خواسته‌های خود را تدوین نکرده و از نیمهٔ تاریک خود بیرون نیامده است. گاهی احساس می‌شود برای سبزها صرف مبارزه است که مهم است نه هدفی که از آن برآید.<sup>۱</sup>

یا در بخش دیگری تأکید کرده است:

فکر می‌کنم در میان سبزها و بر مبنای استراتژی‌هایی (که) برای اعتراضات خود دارند می‌توان دو سر طیف را مشخص کرد. یک سر طیف برآنند که همین که ما باشیم و اعلام حضور کنیم و مقاومت شبکه‌ای و شادمانه را در

---

۱. «آسیب‌شناسی جنبش سبز»، <http://noah1363.blogspot.com/>

دستور کار قرار دهیم، کافی است تا کم کم به همان چیزی که می‌خواهیم بررسیم، این گروه اعتقاد دارند که هدف ما همین است که این تکثر به رسمیت شناخته شود. همین‌که مثلاً قبل از انتخاب در میتینگ‌های موسوی، از چپ‌ها گرفته تا کمپینی‌ها تا دانشجوهای لیبرال همه حضور پیدا می‌کنند و در واقع، برای این‌ها نه صرف موسوی که حضور خودشان مهم است. سر دیگر طیف می‌گویید که با صرف تنبیار کردن آجرها نمی‌شود خانه ساخت. کار نیکوکردن فقط از پرکردن حاصل نمی‌شود. فقط جنبیان و فقط جنبدها نمی‌توانند جنبش ایجاد کنند. جنبش نیاز به متن دارد، نیاز به میثاق، نیاز به ایمان.

اکبر گنجی نیز، که عضو اتاق فکر جریان سبز دانسته می‌شد، نوشته است:

جنبش دموکراسی خواهی بدون چشم انسازی از آینده و روشن کردن ترجیحات و مطالبات، گرفتار روزمرگی خواهد شد. چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای از یک سو به سوی دیگر، راهبر به مقصد نیست. یک روز مسئله این بود که با عمل وداع کرده بودیم. از هر نوع حرکت جمعی مردمی، به دلیل عدم کنترل و روشن نبودن پیامدها، می‌هراسیدیم، اما امروز مسئله این است که چهره‌های شاخص جنبش سبز و بسیاری از روشنگران خود را به عمل جمعی پوپولیستی (تظاهرات اعتراضی خیابانی) سپرده‌اند. خیابان به عنوان خیابان هدف نیست، اما گویی برای گروهی خود خیابان به هدف تبدیل شده است. بدون بسیج اجتماعی نمی‌توان به موازنه قوای دولت و جامعه دست یافت، اما بدون تعیین استراتژی، تاکتیک‌ها، شعارها و اهداف، کار جنبش دشوار خواهد شد.<sup>۱</sup>

تحلیلگر دیگری در این راستا معتقد است:

---

۱. اکبر گنجی، «جنبش سبز به کجا می‌خواهد برود؟»، <http://www.rouydadnews.com/>

## فصل اول - بحران یا مسئله ۴۱

در مورد جنبش سبز جای نگرانی هست؛ زیرا جنبش، رهبری و استراتژی و برنامه سیاسی مشخص ندارد. در چنین حالتی بیم آن هست که نیروها هر ز روند. خطر دیگر خسته شدن مردم از کار بی‌ثمر است. مردم از سلحشوری بی‌نتیجه و بدون دستاورده سیاسی و اجتماعی خسته خواهند شد و شاید کنار کشند.<sup>۱</sup>

### جريان سبز چونان بهانه

یکی از تئوریسین‌های جريان سلطنت طلب از منظر دیگری به جريان سبز می‌نگرد؛ او، که طبعاً می‌بايست به علت سابقه انقلابی گردانندگان اين جريان از بنیان با آن مخالفت کند، می‌نويسد:

من باید دید که جنبش سبز در شرایط تهدید آمیز کنونی چه می‌تواند بکند؟ با تهیه‌هایی که رژیم دیلده است و هزینه‌های بی‌حسابی که می‌کند نمی‌توان انتظار معجزه داشت. همین اندازه که جنبش سبز به هر ترتیب نشان دهد که زنده است و خوبیات حکومت را تاب آورده، پیروزی بزرگی خواهد بود. اعلام‌های سران راه سبز امید و دلگرمی دادن‌ها به مردمی که تیغ تیز رژیم را بر گردان خود احساس می‌کنند در همین جهت است. جنبش از پای درآمدنی نیست .. درست است که همه چیز را نمی‌باید در تظاهرات خیابانی خلاصه کرد، ولی رهایی‌دان خیابان در چنان روزی شکستی خواهد بود و همه نشانه‌ها خبر از عزم استوار کوشنده‌گان جنبش سبز می‌دهد. مردم در روز ۲۲ خرداد و به قول رسانه‌های دولتی، خیزش موج دوم فتنه، آنچه بتوانند خواهند کرد. اگر هم ۲۳ خرداد ۱۳۸۱ تکرار کردنشی نباشد، که نیست، نمی‌باید دلسرب شد. آن روز جنبش مردمی در اندازه‌های خود

۱. «چگونه جنبش سبز پیروز خواهد شد؟»، خبرنامه گویا، گفتگوی سعید قاسمی نژاد با جمشید اسدی

بزرگ بود و قادرتش را از صفووف میلیونی گرفت. امروز جنبش سبز در ژرفای خود بزرگ است و قادرتش را از آرمان و جهان‌بینی و راه حل جایگزین سرتاسر این رژیم و فرهنگی، که پشت سر آن است، می‌گیرد... ما از این دگرگونی فرخنده در رهبر راه سبز امید، که کم‌کم می‌تواند راهبر جنبش سبز نیز بشود، گذشته - راهبر که دوستان به جای رهبر به کار برده‌اند بسیار پر معنی و هوشمندانه است - یک ملاحظه عملی هم هست. موسوی ضرورت را به فضیلت درآورده است. او تا این رژیم هست نمی‌تواند به قدرت بیندیشد. سراسر دستگاه جمهوری اسلامی برای جلوگیری از دستیابی او به قدرت بسیج شده است. چه بهتر که به کار بهتری که از او بر می‌آید بپردازد... اگر احمدی‌نژاد انتخابات را نمی‌زدید و موسوی رئیس جمهوری شده بود ما کجا می‌بودیم؟ موسوی یک خاتمی دیگر، شاید کمی بهتر، در خدمت رژیم می‌شد و جنبش سبزی در کار نمی‌بود. راه سبز امید، بهویژه این‌گونه که با جنبش هم‌بازان‌تر می‌شود، جایگزین جمهوری اسلامی و نه تنها ساختار قدرت آن شده است. نباید فراموش کرد که نفس جایگزینی، مطالبه است - خواستن و دنبال کردن آنچه بهتر از وضع موجود انگاشته می‌شود.<sup>۱</sup>

معنای دقیق این عبارات آن است که هرچند موسوی هیچ‌گاه امکان پیروزی نداشته، ولی شکست او برای طیف اپوزیسیون اساساً بهتر از پیروزی اوست؛ زیرا به عبارت داریوش همایون نفس جایگزینی مطالبه است؛ بدین معنا که ایجاد «ذهنیت لزوم جایگزینی» فی‌نفسه ایجاد شبه در مورد کفایت نظام اسلامی خواهد بود که همه طیف‌های معاند و معارض در پی آند.

هرچند تحلیلگر دیگر اپوزیسیون گرایش دیگری دارد، ولی او هم از این منظر به

---

۱. گفت و شنود جوانان درون با داریوش همایون، شهروند، <http://asre-nou.net>

### جريان سبز و موسوی می‌نگرد:

اگر امروز به یاری یک چوبِ جادوگرانه و یک شبهه آقای احمدی نژاد را از سر کار بر داریم، شما را رئیس جمهور اعلام کنیم، اکثریت مجلس را به هواداران شما دهیم، شهرداری‌ها و استانداری‌ها را به هواداران شما واگذاریم، ارکان اقتصاد را از سپاه باز پس‌گیریم، رسانه‌ها را کم و بیش آزاد اعلام کنیم، اتحادیه‌های دانشجویی را... به عبارت دیگر، اگر این چوبِ جادویی ما را به دوران اوج قدرت آقای خاتمی باز گرداند، این یک عقب‌گرد تاریخی خواهد بود که دیدیم به کجا انجامید. ولایت فقیه و تمام نهادهای خمیمه‌اش با هم توانستند گام به گام آقای خاتمی را منزولی کنند و حتی وزیران و نمایندگان مجلس اصلاح طلب را بازداشت نمایند.

بزرگترین خدمتِ جنبش اصلاحات آقای خاتمی به کشور، در واقع، اثبات این واقعیت بود که «جمهوری اسلامی» اصلاح‌پذیر نیست. جنبش سبز، که با شعار «رأی من کجاست» شروع شد، بسیار سریع نگاهش را از «دولت» و آقای احمدی نژاد به سوی «نظام» و آقای خامنه‌ای باز گرداند. و این، بر خلاف ادعاهای مکرر آقای خاتمی، به دلیل «سم پاشی» و نفوذ منفی مهاجرین در خارج از کشور نبود.<sup>۱</sup>

از منظر این حامیان جريان سبز، نگاه سلبی به این جريان بیشتر نوعی نگاه ابزارانگارانه به جريان در راستای حذف احمدی نژاد از صحنه و در سطحی عميق‌تر ایجاد تزلزل و نهایتاً حذف کلیت نظام است؛ از همین رو، «اتحاد جمهوری خواهان»، که صراحتاً هدف خود را استقرار نظام سیاسی سکولار می‌خواند، در بیانیه خود آورده بود:

اتحاد جمهوری خواهان ايران معتقد است نیروهای دگراندیش و حذف شده جامعه، فعالان جنبش‌های مدنی و سیاسی باید رأی «نه» به

۱. رضا هیوا، «نامه سرگشاده به آقای موسوی»، <http://asre-nou.net>

احمدی نژاد» را با رأی «آری به تغییر»، به اهرمی برای گشودن فصل جدیدی در تأثیرگذاری فعال بر روندهای سیاسی جاری تبدیل نمایند. نامزدهای مورد پشتیبانی نیروهای اصلاح طلب، نامزد ما نیستند، اما حضور آنها در قدرت، حداقل، تغییر سیاست‌های محربی است که دولت احمدی نژاد طی چهار سال گذشته در همه عرصه‌ها به کشور و مردم تحمیل کرده است.<sup>۱</sup>

### جريان سبز، بي آرمانى به متابه يك آرمان

درباره ايدئولوژي جريان سبز تناقضات بسياري به چشم می خورد؛ از يك سو مهندس موسوي در تبيين ايدئولوژي اين جريان بر اين باور است که: «جنبيش سبز ريشه در تفكرات مذهبی ما دارد و تا هنگامی که جنبيش سبز در اين مسیر قرار دارد، مردم کشور ما به آن اقبال دارند.»<sup>۲</sup>

يا وي درباره ماجراهي انتخاب رنگ سبز برای فعالیت‌های انتخاباتی گفته است:

رنگ سبز را در سفری که همراه با خانم رهنورد به مشهد داشتیم، افرادی با نیت مذهبی این ایده را مطرح کردند که اتصال این جنبيش را با سرسبزی و زیبایی و معنویتی که دین ما و اهل بیت دارد به خوبی نشان دهد و ما هم این نکته را به فال نیک گرفتیم و به دلیل محبت مردم به این خاندان گرامی بود که این رنگ و موج سبز در مردم جا افتاد.<sup>۳</sup>

از سوی ديگر، وي تأكيد کرده است: «راه سبز را طوري باید تعریف و معرفی کنیم که همه ۷۰ ميليون جمعیت کشور حتی مخالفان ما را دربرگیرد.»<sup>۴</sup>

۱. «به مناسب سالگرد ۲۲ خرداد؛ بيانیه اتحاد جمهوری خواهان ایران»، <http://jomhouri.com>

2. <http://www.hamanews.com/>

۲. منبع پيشين

4. [www.irangreenvoice.com](http://www.irangreenvoice.com)

و در ادامه توضیح داده است که:

ایران یعنی بیش از ۷۰ میلیون شهروند آزاد و با فرهنگ و اعتقادات ریگارنگ. ما از این کثرت و تنوع نمی‌ترسیم. ما اصول‌گرایان را دوست داریم، همان‌طور که همه اقوای ملت‌مان را و همه فرهنگ‌های موجود را و همه قومیت‌ها و همه زبان‌ها را دوست داریم.<sup>۱</sup>

بیان این شعار زیبا، البته از منظر سیاسی دارای توجیه است، اما وقتی هواداران یک جریان سیاسی طیفی با گرایش‌های سیاسی متضاد و بلکه بعضًا متناقض هستند، طبعاً پرسش‌ها و ابهامات زیادی در این میان به وجود می‌آید که نمی‌توان آنها را نادیده انگاشت.

در همین راستا، این‌گونه کلی‌گویی به سکولارها اجازه می‌دهد تا این‌گونه برداشت کنند که تأکید او بر تنوع آراء و عقاید در درون جنبش سبز، نشان‌دهنده آن است که او به حضور دگراندیشان در درون جنبش سبز اذعان دارد و آن را یک دست نمی‌داند. او حتی از «مخالفان» خود یاد می‌کند و خواهان پذیرش حضور آنان در جنبش سبز است. در این گفتار، که در دیدار با کمیته دانشجویی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی صورت گرفته است، او دیگر از مبانی عقیدتی خود درباره اسلام، امام، انقلاب، نظام یا قانون اساسی جمهوری اسلامی که قبلًا آنها را به جنبش سبز تعمیم می‌داد، سخنی به میان نمی‌آورد. او تنها یک جا از اسلام یا قانون اساسی یاد می‌کند، آن هم برای ابراز این افسوس‌ها که «قرار بود قرائتی رحمانی از اسلام را که سایه مهریانی و تحمل را در کشور باز کند، داشته باشیم» یا «چشم‌اندازی برای آزادی مطبوعات و رسانه‌ها آنچنان که در قانون اساسی

۱. منبع پیشین

آمده است نمی‌بینم.<sup>۱</sup>

البته علی‌رغم تلاش موسوی برای کسب مقبولیت در میان سکولارها، از طریق عدول از مواضع عقیدتی، باز هم امکان جلب اعتماد آنها را نداشته و نویسنده مذکور تأکید می‌کند:

هنوز بخشنی از دموکراسی خواهان (به شمول نیروهای در درون جنبش سبز) به سابقه «خداعه» آقای خمینی در جریان انقلاب، به کسانی که ادبیات مشابهی را به کار می‌گیرند یا پیروی از او را سرمشی خود قرار داده‌اند به دیده تردید و بدگمانی نگاه می‌کنند. آقای موسوی سعی دارد اعتماد همه فعالان جنبش سبز را کسب کند. او در این مورد گفتار خود را به تاریخ تغییر داده است، ولی این مقدار در فضای سیاسی متاثر از تجربه تلح خمینی کافی نیست. او لازم است این گفتار را با کردار مناسب نیز هماهنگ کند تا بتواند اعتماد بیشتری ایجاد کند. شکستن مرز خودی و ناخودی، نه فقط در گفتار و بلکه در کردار، یکی از این موارد است.<sup>۲</sup>

یا دیگری معتقد است:

میر حسین موسوی، علی‌رغم شهامت و شجاعت فراوان، به‌طور اجتناب‌ناپذیری مشروعیت و تا حدی هویت سیاسی تاریخی خود را به عنوان نخست وزیر امام از انقلاب اسلامی و دوران «نورانی» امام می‌گیرد و به همین دلیل احساس می‌کند که نفی امام و دوران سیاه دهه ۶۰ گذشته، ممکن است جایگاه تاریخی وی را زیر سؤال ببرد، از مشروعیت و مقبولیت او بکاهد و او را در مقابل «گرگ‌های مافیایی قدرت» آسیب‌پذیر

۱. دکترحسین باقرزاده، «آقای موسوی و رهبری جنبش سبز»، <http://barayehvatan.blogspot.com/>

۲. منبع پیشین

## فصل اول - بحران یا مسئله ۴۷

کند. البته نگارنده معتقد است که وری می‌تواند، همان‌گونه که مصطفی تاج‌زاده شجاعانه در گذشته خویش معتقد‌انه بازنگری نمود، حداقل با تقدیر گزینشی از دوران سیاه دهه ۶۰ مسروعیت خود را از منظر رهبری نمادین جنبش سبز و نه به عنوان یکی از مقامات گذشته نظام در عرصه عمل نشان دهد. در نتیجه به دلیل این‌گونه محظوظیت‌ها و محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر، تناقض‌های جدی در منشور ارائه شده وجود دارد که باید رفع و رجوع شوند. اما در مجموع، این یک گام بسیار مهم و مثبت می‌باشد و باید از این منشور استقبال کرد و در جهت رفع نارسایی‌ها و کمبودهای آن تلاش نمود. البته اپوزیسیون سکولار بروون‌مرزی نباید این انتظار را از آقایان موسوی و کرویی داشته باشد که منعکس‌کننده و سخنگوی مطالبات حداکثری آنها در جهت براندازی و سکولاریسم باشند. باید پذیرفت که هر کسی، از جمله خود ما، از ظن خود می‌شود یار جنبش سبز و در نتیجه باید با طرح انتقادات سازنده، اما بی‌تعارف و احترام متقابل و تکیه بر «مخرج مشترک» برای نیل به اهداف آزادی خواهانه جنبش سبز با یکدیگر همکاری و همیاری کنیم. تضعیف رهبری نمادین موسوی و کرویی کاملاً به ضرر جنبش تمام خواهد شد. باید از شجاعت و شهامت و ایستادگی آنها قدردانی کرد.

به عبارت روشن‌تر آنان تا زمانی که موسوی رسماً از گذشته خود تبری نجسته و از اسلام برنگردد، او را خودی تلقی نخواهند کرد؛ هرچند افرادی از جمله تحلیلگر فوق، تا همین اندازه که معتقد است موسوی از ارزش‌های انقلاب اسلامی دور شده است، او را قابل حمایت و تقدیر می‌دانند.<sup>۱</sup>

تحلیلگر دیگری در مورد ایدئولوژی جریان سبز می‌نویسد:

---

۱. عبدالستار دوشوکی، «نقدی بر منشور جنبش سبز و موضع اپوزیسیون سکولار بروون‌مرزی»، <http://asre-nou.net>

جنبیش سبز یک جنبش فرا مذهبی است. جوانان، زنان، روشنفکران سیاسی و فرهنگی، نوآندیشان دینی و بخش‌هایی دیگر از مردم ایران طی ۳۱ سال تجربه استبداد دینی و مذهبی، تردیدی برایشان باقی نمانده است که اسلام سیاسی، به ویژه مذهب تشیع در آمیزش با حکومت (و سیاست) دستاوردی جز تبعیض و جنون و جنایت بر جای نخواهد گذاشت. به همین خاطر بخش اعظم افراد و گروه‌های شکل دهنده این جنبش، ضمن محترم شمردن حقوق مردم دین باور، خواستار بیرون راندن دین و مذهب از حکومت هستند، حتی مسلمانان (آزادی خواه و نوآندیش) نیز با قرائت‌ها و تعابیری متفاوت از سکولاریسم، خواستار جدایی دین (مذهب) از حکومت شده‌اند.<sup>۱</sup>

دیگری معتقد است:

مفهوم مدنی - سیاسی جنبش سبز، یعنی نفسی و گستاخ از نظامات اجتماعی - سیاسی سنتی پیشین. قالب‌های مفهومی غالب بر جنبش سبز را می‌توان از گرایش آن به سازمان یابی نهادها و شبکه‌های گسترده مدنی و کشش به سوی آزادی جهت الگوی جدید زندگی اجتماعی بر محور پدیداری عنصر ساختارهای دموکراتی تبیین نمود. مطالبات جنبش سبز، که با شعارهای متنوع و متکثراً برآمد، پیوند تنگاتنگ با مفهوم مادرن آزادی دارد که شکل‌گیری نهادها و شبکه‌های مدنی برای پس زدن عنصر استبداد، عرصه و فضای جدید سیاسی را می‌گشاید که هم اکنون زمینه‌های آن را در جامعه شاهدیم، تحقق کامل چنین عرصه‌ای به میزانی از قادر تمندی و توان نهادها و شبکه‌های جنبش سبز، که در یک سال اخیر رو به گستردگی شدند بود، بستگی دارد و همین گستردگی شبکه سبز آزادی قادر است در آینده،

۱. مسعود نقره‌کار، «روان‌شناسی اجتماعی جنبش سبز»، سایت گویا

## ٤٩ - بحران یا مسئله

قدرت سرکوب را مهار کند و اراده خود را بر مکانیسم قدرت حکومت و دولت تشییت نماید. پس آنچه که پیداست از این منظر نیز جنبش سبز خصلاتی سکولار دارد.<sup>۱</sup>

هم اینان بر این اعتقادند که:

تحولات شگرفی در ساختار اجتماعی ایران به وقوع پیوست. این تحولات در تکثیر لایه‌ها، اقشار و قطب‌بندهای طبقات درون جامعه، خود را نمایاند. جامعه ایران از مشخصات نظامات سیاسی شاه - رعیت و فقیه - امت در حال وداع است، مردم ایران دیگر آن توده بی شکل و قواره‌ای نیستند که نیازمند رهبری کاریزما باشند، شواهد تحولات ساختارهای اجتماعی نشان می‌دهد که مفهوم ملت مدرن در ایران جاپای خود را محکم می‌سازد و آرایش جدید سیاسی دولت - ملت یگانه پاسخی به روند ملت شدن است. در حقیقت، ملت یکپارچه در تکثر طبقات و اقشار گوناگون ویژگی‌هایش در جامعه برجسته می‌شود. این تکثر را می‌توان در قطب‌بندهای مختلف، اما دارای هدفی مشترک و مشخص بازگرف نمود. قشر بزرگ دانشجویان، که به لحاظ کمی قابل مقایسه با دوران قبل از انقلاب ۵۷ نیست، با قامتی استوار در مقابل سد استبداد و دیکتاتوری قد علم کرده و به دلیل آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی نسبتاً بالا، تأثیر مهمی بر روند آزادی‌خواهی و دموکراسی می‌گذارد. طبقه کارگر ایران، با وجود سرسختی حاکمیت در مقابل مطالبات صنفی آنها، به روند تشکیل سازمان‌های صنفی (سنديکاهای) شتاب بخشیده‌اند و دمی از این امر غافل نیستند. نگرش فعینیستی در جمعیت عظیم زنان ایران، که نقش مهمی را در جنبش سبز ایفا می‌کنند، بر ساحت جهالت و زن‌ستیزانه سران اسلامی

۱. نیکروز اولاد اعظمی، «سکولاریسم (رستارگرایی) جنبش سبز ایرانیان»، <http://jomhouri.com>

## ۵۰ چشمان بسته دهان‌های گشوده

پرده‌دری می‌کنند. منافع و زندگی شایسته دهقانان ایران در یک جامعه با محوریت ساختار حکومتی دولت - ملت تأمین می‌گردد. این قشر جامعه در نتیجه سیاست‌های نابخردانه اقتصادی دولت احمدی‌نژاد از طریق وارد کردن بی‌رویه و نسنجدیده کالاهای بُنجل، به زیر خط فقر کشیده می‌شوند و در صفت ناراضیان دولت قرار می‌گیرند. در قشر روحانیت شیعه و دین‌ورزان، نگرش‌های جدیدی در حکومت‌مداری و برخی مفاهیم مدرن دیگر به وجود آمده است و به جامعه‌ای با معیارها و ارزش‌های چندصدا ایجی می‌اندیشند. همه این تغییر و تحولات در لایه‌بندی‌ها و طبقات جامعه، به سود تحولات ساختاری در نظام اجتماعی - سیاسی با سمت‌گیری آزادی و دموکراسی رقم خورده است؛ پس از این نظر هم اساس جنبش سبز، سکولاریسم است؛ زیرا زمینه‌های تحولات اجتماعی ایران، که بستری برای آزادی و دموکراسی است، معنایش حرکت به سوی رستگاری (به معنای سکولاریسم) است.<sup>۱</sup>

همین تحلیلگر مصرانه بر ماهیت سکولار جریان سبز تأکید می‌کند:

نهادینه شدن حقوق شهروندی و مدیریت سیاسی متناسب با آن، بدون جدایی دین از دولت محال است. هر نوع تفسیری از دین، در صورت آمیختگی با دولت، هر دو نهاد را زائل و نسخ می‌کند و توانایی برای تحول در نظام بی‌کفایت سیاسی نیز مجھول می‌ماند. «دموکراسی دینی» و «معیارهای اسلامی» بر قلمرو حکومت و دولت (آن‌گونه که برخی دین‌ورزان در پی‌اش می‌باشند) در تنافض جدی با مطالبات مدرن جنبش سبز بوده و اساساً هیچ سنتیتی با یکدیگر ندارند. «رأی من کو» محصول کنش (کنش‌ها دارای هدف و انگیزه‌ای هستند که مطلوبیتش به وسیله عقل

۱. منبع پیشین

درک می‌شود) سبزی است که این کنش از طریق طرح «من» به عنوان فاعل با معیارهای عقل گره خورده است؛ «من» سوژه عقل است که روش‌ها و شیوه‌های زندگی و برخورداری اراده آدمی بر آنها به وسیلهٔ معیارهایش تأمین و تعیین می‌گردد. در قلمرو و ساحت فقهه «من» مستقل وجود ندارد؛ زیرا اصول و احکام بیرون از هستی زمان و مکان بر او متنفذ است و بر این بستر معیارهای عقلی به وجود نمی‌آیند. پس ظهور «من» به عنوان فاعل در جنبش سبز، معنایش کسب حق اختیار زندگی دنیوی خود است. خاتمه دادن به نظام بی‌کفایت سیاسی و تأمین حقوق شهروندی و حق اختیار شیوه زندگی، که به طریق جدایی دین از دولت عملی می‌شود، خواست اساسی جنبش سبز است. پس بر این مفهوم هم جنبش سبز رو به زندگی سعادتمند (سکولاریسم) است.<sup>۱</sup>

البته این دیدگاه، مخالفینی هم دارد و بعضی از سکولارها بر این اعتقادند که باید صفت‌بندی خود را از اسلام گرایان جدا کنند:

صریح بگوییم، سکولاریست‌ها از جنبش اسلامیست‌ها نیستند و ضروری است که از قاطی شدن با آنها پرهیز کنند. اگر این کار در داخل کشور هنوز ممکن نیست، اگر مطرح کردن خواستاری سکولاریسم هنوز مشکل است، وظیفه ما در خارج کشور پافشاری بر این اصل اولیه است. باور کنید که جدایی مذهب از حکومت با جدایی سکولارها از اسلامیست‌ها آغاز می‌شود!<sup>۲</sup>

اما تحلیلگر دیگری بسیار عریان‌تر، هدف همراهی سکولارها با سبزها را تعریف می‌کند:

۱. منبع پیشین

۲. اسماعیل نوری علا، «نگذاریم اسلامیست‌ها رنگمان کنند»، گویانیوز، جمعه ۲۳ مرداد ۱۳۸۸ - ۱۵ اوت ۲۰۰۹

جدایی مذهب از حکومت منوط به جدایی سیاست‌ورزی از «زرنگ‌بازی» نزد سکولارهاست. زرنگ‌بازی یعنی پاتیک زدن سکولار به اسلامیست، بدین معنا که وی در قالب اسلامیست می‌رود، همنگ جماعت می‌شود و «سبز» می‌گردد تا به زعم خود بتواند از «درون» قلعه را فتح کند! به زبان نیمه تاریخی - نیمه شاعرانه، سیاست‌ورز این کاره: «نیروی عرفی منفای در درون سیستم می‌یابد تا که وارد آن شود و از ولایت نیرو برکنند، به درون آن باغزد تا که از حصار آن نیرومندتر بیرون بجهد!»

این فریب‌کاری تا بدان‌جا ادامه می‌یابد که هر رفتاری مجاز می‌شود:

این جنبش، که برای رسیدن به حق شهروندی شکل گرفته است و آرمان خود را در همان زندگی موجود خود تعریف می‌کند، به کلی از آن وسوسه‌های آرمان‌گرایانه جنبش‌های آرمان‌خواهانه رهاست! حتی اگر نماز جمعه می‌تواند منزلگاهی برای اعلام وجود و ابراز اعتراض باشد، شرکت در آن، حتی برای اولین بار و یا یک بار کاملاً مجاز است و اقامه ناشیانه نماز از سوی دختران و پسران آن هم در کنار هم و با کفش و کلاه واجب!<sup>۱</sup>

در جریانی که چنان طیف متناقض و متعارضی از دیدگاه‌های عقیدتی در آن وجود دارد تا بدان‌جا که «حزب مشروطه سلطنتی» داریوش همایون<sup>۲</sup> و «اتحاد جمهوری خواهان ایران»<sup>۳</sup> نیز خود را جزئی از «جنبش سبز» می‌دانند، عملاً می‌توان ادعا

۱. کریمی، بهزاد، «نشانه‌یابی برای نشانه‌گذاری، ائتلاف سیاسی ملی بر زمینه اتحاد اجتماعی ملی»، سایت عصرنو، دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۸۸ - ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۹

۲. کریمی، بهزاد، «جنبش سبز خودبینیاد است! گفتگوی تلاش با بهزاد کریمی - بخش اول»، سایت عصرنو، شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۸۸ - ۲۲ اوت ۲۰۰۹

۳. داریوش همایون، «برگ زرین تاریخ ایران»، سایت عصرنو، جمعه ۱۹ ژوئن ۲۰۰۹

۴. هیئت سیاسی - اجرایی اتحاد جمهوری خواهان ایران، «پیام اتحاد جمهوری خواهان ایران به مناسب بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها»، جمهوری، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۹ - ۳۰ شهریور ۱۳۸۸، <http://jomhouri.com>

کرد که هیچ اعتقادی محوریت نداشته یا به عبارت بهتر اساساً ایدئولوژی وجود ندارد؛ لذا به طور روشن می‌توان مدعی شد که جریان سبز ایدئولوژی واحدی ندارد.

برای توجیه این بی‌هویتی عقیدتی است که اجبار دارند تأکید کنند «جنبیش سبز کنونی، جنبیش رنگین کمانی است»<sup>۱</sup>؛ زیرا از کسانی که معتقدند: «جنبیش سبز ایران جنبیش «نه بزرگ» میلیون‌ها شهروند ایرانی است به جمهوری اسلامی» و «هرکس که در پی نفی تنوکراسی، یعنی آمیختن دین و دولت و عوارضش در ایران است، خود را عضوی از جنبیش سبز می‌داند»<sup>۲</sup> تا کدیور را - که از مشاوران موسوی است و در مصاحبه‌ای با مجله آلمانی اشپیگل در این خصوص چنین اظهار می‌دارد:

من قبول دارم که پاره‌ای از جوانان به زندگی از نوع غربی تمایل دارند، اما باید ظرفیت جنبیش موجود را در نظر گرفت. من و اکثریت هموطنان من طرفدار جدایی صد درصد دین از حکومت نیستیم. ایران کشوری است با سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی؛ ۹۰ درصد ایرانی‌ها مسلمان هستند.<sup>۳</sup> - دربرمی گیرد.

جالب‌تر آن است که در بطن این یارگیری بی‌حد و حصر عقیدتی کار تا بدان‌جا دچار آشتفتگی می‌شود که صدای مهاجرانی هم بلند می‌شود. عطاءالله مهاجرانی در پاسخ به پرسش سایت جرس مبنی بر اینکه «برخی به شماها اشکال گرفته‌اند که دویاره نزاع دینی عرفی، یا مذهبی و سکولار یا دیندار و لائیک، را راه انداخته‌اید، حال آنکه جنبیش سبز متکثر است و موسوی هم حتی این را به رسمیت شناخته است. راستی چرا از سبزهای عرفی یا فعالان سکولار یا لائیک یا دین ناباور کسی را راه ندادید، حال آنکه

۱. فریدون احمدی، «جنبیش سبز کنونی، جنبیش رنگین کمانی است، گفتگوی تلاش با فریدون احمدی»، سایت عصرنou، ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۹

۲. بهمن امینی، «آیا صورت مسئله به همین سادگی است که اکبر گنجی می‌گوید؟»، عصرنou، شنبه ۲۲ اوت ۲۰۰۹ - ۳۱ مرداد ۱۳۸۸

۳. محسن کدیور، «مصاحبه مجله اشپیگل (۲۰۰۹-۲۷) با محسن کدیور، این حکومت الهی شکست خورده است»، برگردان س. حاتملوی، سایت عصرنou، سهشنبه ۹ تیر ۱۳۸۸ - ۳۰ زوئن ۲۰۰۹

خیلی از این‌گونه افراد می‌گویند ما همه اکثر مفاد بیانیه را قبول داریم؟<sup>۱</sup> می‌گوید:

به صراحة بگويم جمع ما (يا دست‌کم مى‌توانم از زاويه ديد خودم سخن  
بگويم) با کسانی که ارزش‌های دینی و اسلامی را به سخره می‌گيرند، از  
اساس با انقلاب اسلامی مخالفند و دل در گرو سلطنت دارند یا مثل  
مجاهدین خلق کارنامه‌ای تباه از آنها بر جای مانده است، نمی‌توان حتی به  
عنوان حرکت تاکتیکی هم همراه باشد؛ البته افرادی بودند که به تعییر شما  
سکولار یا لائیک هستند، یعنی گرایش غیردینی دارند و نه ضد دینی، برخی  
نیز از بیانیه حمایت کرده‌اند، اما ما نمی‌توانیم نگاه به داخل و ملت ایران را  
فراموش کنیم، اکثریت قوی و قاطع ملت ایران دین‌پاور هستند و روی  
سخن اصلی ما با آنان است. کسانی که گرایش غیردینی دارند، سخن‌گویان  
خود را دارند. ما سخن‌گویان چنان جمعیتی نیستیم.<sup>۲</sup>

البته بعيد نیست فراتر از اختلافات عقیدتی، نوعی نبرد قدرت برای هدایت جریان  
تیز در کار باشد؛ زیرا شاید افرادی چون مهاجرانی بر این اندیشه هستند که مبادا  
سکولارها و لائیک‌هایی که سال‌ها در انزوا متظر چنین روزی بوده‌اند با زیرکی گوی  
سبقت را از آنها ربوده و مدیریت را از دست آنها بستاند؛ به همین دلیل تأکید می‌کند:  
(فعلان سیاسی هم که گمان می‌کنند در حد رهبری جنبش سبز در خارج از کشور  
هستند، و در این باره بیانیه هم دادند، از شناخت حد و اندازه خویش بی‌خبرند و امر بر  
آنان مشتبه شده است).<sup>۳</sup>

۱. عطاء الله مهاجرانی، «گفتگو با مهاجرانی در مورد بیانیه پنج نفره: «اتفاق فکر» جنبش سبز تشکیل شده است»، جرس، ۲۰

دی ۱۳۸۸

۲. منبع پیشین

۳. منبع پیشین

### از جنبش رنگین کمان تا انقلاب رنگین

ریشه‌های طرح بحث انقلاب رنگین را باید در تز «فشار در پایین و چانه‌زنی در بالا» مطرح شده توسط سعید حجاریان دید؛ زیرا هرچند مبنای تز فوق رسیدن به نوعی چانه‌زنی در عرصه حاکمان بود، ولی در بطن بخش اول تز، یعنی فشار در پایین عملاً بهره‌مندی از روش‌های مقاومت و فشار مدنی به حکومت قرار داشت تا آنجا که برای توجیه استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز و افراطی، که ظاهراً با منش تفکر اصلاح‌طلبی همخوان نبود، نظریه «تیموتی گارتون آش» (*Timothy Garton Ash*) را به کار گرفته و با ترکیب «انقلاب» و «اصلاح» از آن به عنوان رفولوژیون (*Refolution*) نام برداشت و این اصطلاح را در فارسی به جنبش «اصقلابی» ترجمه کردند که حاصل ترکیب دو اصطلاح انقلاب (رولوژیون) و اصلاح (رفرم) است.<sup>۱</sup> آش (۱۹۹۰) نخستین بار از این اصطلاح در توصیف جنبش‌های اجتماعی در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی پیشین در سال ۱۹۸۹ استفاده کرد. وی با مشاهده تظاهرات توده‌ای تابستان ۱۳۸۸ در ایران، آن را نیز «اصقلابی» نامید:

شاید اصطلاح «ساعت دموکراسی» گمراه‌کننده باشد. ایران در آینده‌ای نزدیک به سوی یک دموکراسی لیبرال از نوع غرب نخواهد رفت. همان‌طور که افغانستان و عراق نیز بدان سوی نخواهند رفت) اما آنچه هنوز امکان‌پذیر است ترکیبی از اصلاح و انقلاب است - آنچه را که من «رفولوژیون» (اصقلابی) نامی‌آم - امری که منجر به تقویت عناصر جمهوری خواهانه قانون اساسی در نظام سیاسی متناقض و منحصر به فرد جمهوری اسلامی گردد و عناصر انقلابی اسلامی آن را تضعیف کند. در حال حاضر عکس آن رخ می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای با قراردادن قدرت

---

۱. مهرداد بابا علی، «بحran نظام جمهوری اسلامی: بازسازی یا فروپاشی؟» مجله آرش، <http://www.arashmag.com>

خود در پشت احمدی‌نژاد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزنه را به سوی عناصر انقلابی اسلامی چرخانده است. بهترین ثمرة یک «انقلاب مذاکره‌شده» در ایران یک تغییر جدی وزنه در جهت دیگر خواهد بود: جمهوری بیشتر و اسلامی‌گرایی کمتر.<sup>۱</sup>

تحلیلگر دیگری شکل‌دهی به انقلاب رنگین را حتی از سطح امثال «سوروس» بالاتر برده و پای خاندان یهودی «روتچیلد» را نیز در آن می‌بیند:

صحبت از آشناپنداری است. آیا داشتم اوکراین را می‌دیدم؟ یا گرجستان را؟ مطمئناً شبیه بود، ولی نه! ایران بود. از رنگ متفاوت‌ش فهمیدم. در گرجستان سال ۲۰۰۳ نماد، رنگ قرمز بود یا «گل رز»، در اوکراین ۲۰۰۴ نارنجی بود و در ایران این بار سیاه بود. گلشته از این، شیوه کار اجرایی آن یک‌بار دیگر توسط افراد مشکوک پنهان در سایه، سازمان داده شده بود.

بیشتر مردم، حوادث را فقط بر حسب قطب‌بندی‌ها و سیاه و سفید می‌بینند. برای مثال، شما یا طرفدار چیزی هستید یا علیه آن، اما موقعیت به شدت قطب‌بندی شده و شسته رفته و واضح به ندرت پیش می‌آید و هرگز نخواهیم توансست آنچه را که واقعاً روی می‌دهد ببینیم مگر به سایه‌های خاکستری ماجرا نگاه کنیم.

ادعای اینکه اعتراضات ایران به طور مخفیانه توسط ایالات متحده، انگلستان و اسرائیل هدایت شده، بدین معنی نیست که من طرفدار «محمد احمدی‌نژاد باشم. بدین معنا هم نیست که مدافعان حق ایرانیان برای ابراز اعتراضات نباشم، اما واقعیت این است که ماجراهی دیگری هم برای

---

1. Ash T. G., “We can’t decide Iran’s struggle. But we can avoid backing the wrong side”, *Guardian*, Wednesday 23 September 2009 – به نقل از منبع فوق –

تعریف کردن وجود دارد که مربوط می‌شود به سرویس‌های جاسوسی آمریکا، انگلستان و اسرائیل و تاجر میلیاردر حامی اویاما، «جورج سوروس». این سرویس‌های اطلاعاتی سه‌گانه و جورج سوروس دارای نیروی به هم پیوسته مشترکی هستند؛ «خانه روتچیلد».

شبکه عنکبوتی‌ای که به دور زمین تنبیه شده، مرکز عملیاتی اش در اروپا، لندن، رم، پاریس، برلین و بروکسل است. این شبکه ساختاری به یک شرکت چندهمیتی شباهت دارد که ستاد فرماندهی اش، سیاست‌های شرکت اصلی را به شرکت‌های تابعه دیگته می‌کند؛ شبکه‌های اجتماعی سری‌ای که در هر کشور پاسخ‌گوی عنکبوت‌اند. در عوض، شبکه‌های ملی شاخه‌های فرعی خاص خود را در شهرها، شهرک‌ها و اجتماعات دارند. بدین طریق، عنکبوت، که به شکل تنگاتنگی با خاندان روتچیلد پیوند دارد، می‌تواند بر تمام سطوح جامعه در یک کشور تأثیر بگذارد و ایران هم مستشنا نیست. اگرچه این امر در ایران به راحتی آمریکا و بریتانیا نیست، ولی آنها می‌توانند این کار را انجام دهنند و بارها انجام داده‌اند.<sup>۱</sup>

یکی از عواملی که جریان سبز با طرح آن تأکید دارد که خود را یک جنبش اجتماعی بنمایاند، یکسانی نمادهای سبز به کار گرفته شده در پیش از انتخابات و نیز در حین و بعد از انتخابات است که باعث شد این جریان، خود را جنبش سبز بنامد. تردیدی نیست که رنگ سبز به مثابه یک نماد، به صورت گسترده در حرکت‌های خیابانی این جریان به کار گرفته شد و این عنصر تبلیغاتی به انحصار گوناگون در اشکال مختلف بازتولید شد.

آیا این حرکتی خودجوش بود؟ شواهد خلاف این امر را اثبات می‌کند:

این عملیات، که در سال ۲۰۰۹ در ایران به اجرا گذاشته شد، با فهرست

---

۱. دیوید آیک؛ مترجم، محمد مظہری، هفتہ نامه پنجده، ۱۳۸۸-۳۶ - شماره ۲۰۱۰، www.rense.com، ژانویه

باندی از انقلاب‌های روشنفکر مآبانه در ارتباط است. ابتدا، بودجه ۴۰۰ میلیون دلاری توسط کنگره آمریکا برای سازماندهی «تغییر رژیم» در ایران تصویب شد. این بودجه علاوه بر بودجه‌های غیررسمی USAID NED سازمان CIA و همپالکی‌های آنان بود. اینکه چگونه این پول‌ها مورد استفاده قرار گرفت، روشن نیست. دولت بوش بعد از تأیید تصمیم رئیس ستاد مشترک این کشور مبنی بر عدم حمله نظامی به ایران، تصمیم گرفت یک «انقلاب رنگی» در ایران ایجاد کند. سپس این تصمیم توسط دولت او باما نیز تصویب شد. تصمیم برای ایجاد یک «انقلاب رنگی» که توسط مؤسسه ایترپرایز آمریکا با اسرائیل در سال ۲۰۰۲ اتخاذ شده بود، مجدداً مطرح گردید. من در آن زمان مقاله‌ای در خصوص این طرح منتشر کردم. هر کسی می‌تواند حامیان این طرح را تشخیص دهد: آن طرح از آن زمان تغییر چنانی نکرده است.<sup>۱</sup>

البته نویسنده مذکور تأکید دارد که این طرح، فراتر از ایران بوده و در سطح ایران، براساس طرح اصلی، موسوی قرار بوده است صرفاً محمولی برای روی کار آوردن مجدد یک رژیم سلطنت طلب باشد:

یک فصل مربوط به لبنان هم به این طرح افزوده شد که ایجاد نآرامی در بیروت را در پی پیروزی ائتلاف میهنی (حزب الله و عون) پیش‌بینی می‌کرد، اما این طرح بعد از چندی لغو شد. این سند شامل حمایت گسترده از نامزد منتخب، مناقشه بر سر نتایج انتخابات ریاست جمهوری، بمباران گستردۀ سرنگونی احمدی‌نژاد و رهبری ایران، ایجاد یک دولت انتقالی به رهبری موسوی، احیای حکومت سلطنتی و ایجاد یک دولت وابسته بود. طبق طرح‌های ۲۰۰۲، این عملیات توسط «موریس آمتای» و «مایکل لدین»

---

۱. تیری - میسان؛ سایت - باشگاه اندیشه - به نقل از voltairenet.org

مدیریت می‌شد. این طرح، شبکه ایران گیت را بسیج کرد. در این مرحله یک ساقمه تاریخی نیز وجود دارد: ایران گیت (ایران- امور کتر) یک معامله تسليحاتی غیرقانونی بود.<sup>۱</sup>

در مقاله دیگری که توسط تحلیلگران غربی نوشته شده است، ابعاد دیگری از این برنامه روشن می‌شود:

پیش از سال ۲۰۰۷، رئیس جمهور (آمریکا) با گروه هشت نفره‌ای از رهبران سنا و کنگره دیدار کرد که بر اساس گزارش واشنگتن پست، طی این دیدار با اختصاص ۴۰۰ میلیون دلار میان فعالانی که در مورد برنامه هسته‌ای ایران جاسوسی می‌کنند و گروه‌های متمردی که مخالف حکومت روحانیون در ایران هستند، موافقت کرد.

«کنت تیمرمن» نئومحافظه‌کار، یک روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری ایران در مورد فعالیت‌های دیگر نهاد آمریکایی، که به غلط بنیاد ملی دموکراسی نامیده شد، افشاگری کرد و آشکارا بیان کرد که «گفتگوهایی در مورد انقلاب سبز در تهران وجود دارد.» «مک آدامز» در ادامه می‌گوید: تعجب من این است که این گفتگوها در کجا انجام شد. به نظر نمی‌رسد که تیمرمن نوشته باشد این گفتگوها در ایران انجام شده و بحث انقلاب سبز از درون ایران نشئت گرفته باشد.

تیمرمن صادقانه نوشت که: «بنیاد ملی دموکراسی در طول دهه گذشته، میلیون‌ها دلار در جهت پیشبرد دموکراسی در مکان‌هایی مثل اوکراین و صربستان، آموزش فعالان سیاسی در جوامع مدرن و تکنیک‌های سازمانی هزینه کرده است.» به نظر می‌رسد که بخشی از این مبلغ به گروه‌های طرفدار موسوی اختصاص داده شد که با سازمان‌های غیردولتی خارج از

۱. منبع پیشین

## ۶۰ چشمان بسته دهان‌های گشوده

ایران، که با بودجه بنیاد ملی دموکراسی فعالیت می‌کنند، ارتباط دارند.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد برداشت حمایت آمریکا از جریان سبز تا آن حد طبیعی جلوه می‌کند که تحلیلگران غربی به نوعی بر آن اجماع دارند:

فکر می‌کنم بسیاری از مقامات دولت آمریکا علاقه دارند حکومت ایران سقوط کند. آنها معتقدند جنبش سبز توانایی این کار را دارد. در نتیجه از جنبش سبز حمایت می‌کنند. آنها بر این باورند که منافع آمریکا با منافع جنبش سبز هماهنگ است.<sup>۲</sup>

اکنون پرسش این است که آیا بهره‌گیری از عنصر تبلیغی واحد (رنگ سبز) را می‌توان مصدق تحقق بند سوم ویژگی‌های جنبش اجتماعی، یعنی «تمهید و ارائه سلسله‌ای از مراسم، عادات و آداب خاص برای تجدید حیات و قوام خود» دانست؟ روش است که برخلاف آشنازی در سایر ویژگی‌های پیش‌گفته درباره جنبش اجتماعی، به نظر می‌رسد در این ویژگی، (استفاده از رنگ) جریان سبز فعال بوده و پوشش تبلیغی حساب شده‌ای را بر روی تمامی هواداران خود کشیده است! اتفاقاً این همان ویژگی است که متقدان جریان سبز بر آن انگشت نهاده و جریان آنها را در خوشبینانه‌ترین حالت متأثر از انقلاب‌های رنگین و در سطوح جدی‌تر مصدق کودتا مخلصین می‌دانند. واقعیت آن است که تشابه رفتارهای سبزها در ایران با آموزه‌های کلاسیک گردانندگان پروژه انقلاب‌های رنگین بیش از حد یک تشابه ساده است.

نکته مهم آنکه کودتا دانستن «انقلاب‌های رنگین» امری مختص به متقدان و مخالفان جریان سبز در ایران نیست، بلکه منابع دیگر هم بر کودتابودن این پدیده تأکید

۱. سایت - باشگاه اندیشه - تاریخ شمسی نشر ۱۳۸۹/۰۲/۱۱ - به نقل از [lewrockwell.com](http://lewrockwell.com) ، زوئن ۲۰۰۹

۲. اریک بریل در گفتگو با روزنامه جوان؛ ویژه‌نامه پنک جمهوریت ویژه‌نامه ۲۲ خرداد

دارند؛ زیرا به انقلاب رنگی اصولاً نمی‌توان عنوان «انقلاب» در معنای علمی و شناخته‌شده کلمه اطلاق کرد.

«انقلاب رنگی» در ذیل مدل‌های شناخته شده و کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی درباره تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی نمی‌گنجد. «انقلاب رنگی» یک پدیدهٔ پساجنگ‌سردی و به این معنا نوین و متاخر است. «انقلاب رنگی» هم یک مدل برای «گذار به دموکراسی»، هم یک استراتژی برای نیروهای «دموکراسی» خواه و جنبش‌های اجتماعی و هم پدیده‌ای از جنس پروپاگاند است. «انقلاب رنگی» یک کوتای فرا مارن (*post-modern coup*) است.<sup>۱</sup>

به رابطه جریان سبز و انقلاب‌های رنگین در بخش دیگری خواهیم پرداخت و فقط به همین امر بستنده می‌کنیم که رفتارهای مشابه و سامانمند در جریان سبز، اصالت نداشته و صرفاً متأثر از روش‌های وارداتی بوده است که منشأ آن را در محل خود، تحلیل خواهیم کرد.

### موسوی، از بهانه آشوب تا رهبری جریان

بحث رهبری در جریان اصلاحات از روزهای نخست، معضلی جدی بوده است. پیش از انتخابات ریاست جمهوری دهم، نبرد درونی میان خاتمی، کروبی و موسوی برای هواداران یاس و نامیدی به ارمغان آورد؛ هرچند بعد از انتخابات غلبه با موسوی بود، اما در مفهوم رهبری اصلاحات توسط او نیز بحث و حدیث‌های فراوانی مطرح شد.

در هر حال، درباره بند چهارم ویژگی‌های یک جنبش اجتماعی، یعنی «رهبری؛ تا

---

۱. روزبه کلانتری، «انقلاب‌های رنگی: از اسطوره تا واقعیت»، <http://www.marxist.com/ukraine-farsi-kalantari.htm>

توده‌های مردم را در حمایت از آرمان‌ها و اهداف جنبش بسیج کند» ارزیابی تحلیل‌های نگاشته شده پیرامون رهبری جریان سبز، حاکی از وجود «بحران» شدید در سطح رهبری این جریان است.

افراطیون که اساساً خاتمی و موسوی را شایسته عنوان رهبری جریان اصلاحات نمی‌دانند.

در همین راستا، یکی از تحلیلگران افراطی نوشته است:

این واقعیت که رهبران اصلاح طلب مورد اشاره، قصد ندارند تا روند اصلاحات را به سرانجام طبیعی آن رهنمون کنند، زمانی قابل هضم خواهد بود که عبای تظاهر به «اصلاحات» را از دوش آنها کنار بزنیم و در عوض به آنها به عنوان افرادی عمل‌گرانگاه کنیم. هرچند موسوی و خاتمی تمايل دارند خود را طرفدار رعایت اصول تدریجی جلوه دهنند، اما نگاهی به کارنامه آنها کافی است تا این اسطوره زدوده شود. زمانی که جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین قساوت‌ها را در عصر جدید نسبت به مردم ایران مرتکب می‌شد، هم موسوی و هم خاتمی مقام‌های کلیدی داشتند. در واقع، هر دو آنها پیش از روی آوردن به چهره جدیدشان، به عنوان «اصلاح طلب»، در روند ستم به مردم ایران و سرکوب آزادی‌های آنها و نقض حقوق بشر آلت دست بودند. موسوی در مقام نخست وزیری اش بیش از آنکه به حمایت از اصلاحات بپردازد یا از حقوق شهروندی هزاران زندانی سیاسی، که در سال ۱۳۶۷ توسط رژیم قتل عام شلند دفاع کند، نگران به طول انجامیدن جنگ بود. خاتمی هم به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به سرکوب آزادی بیان هنرمندان و روشنگران می‌پرداخت. او علاوه بر این هیچ‌گاه در طول دوران ریاست جمهوری اش و بعد از آن،

## فصل اول - بحران یا مسئله ۶۳

علیه رفتار غیرقابل قبول جمهوری اسلامی نسبت به همجنس‌گرایان و بهاییان ایران یا تبعیض نسبت به اقلیت‌های قومی اعتراض نکرد.<sup>۱</sup>

در ویکی‌پدیا نوشته شده است:

میرحسین موسوی، مهدی کروی و محمد خاتمی به عنوان «رهبران جنبش سبز» شناخته شده‌اند. اگرچه بیشتر میرحسین موسوی، مهدی کروی و تا حدودی محمد خاتمی را رهبران این جنبش می‌خوانند، اما خود این افراد، از جمله میرحسین موسوی بارها ابراز داشته است که خودشان پیرو جنبش سبز هستند. به طور مثال می‌توان شرکت میرحسین موسوی در اولین نماز جمعه بعد از انتخابات ۱۳۸۱ به امامت هاشمی رفسنجانی را بنا به خواست هواداران این جنبش دانست.<sup>۲</sup>

جريان ديگري در مورد رهبري جريان سبز بر اين باور است که:

جنبش اجتماعی سراسری کشور ما که از بعد از کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد ۸۸ برای اولین مرتبه در ۳۰ سال بعد از انقلاب در سراسر کشور در حال اعتلا است و منحنی اعتلای آن در سراسر کشور به حدی سریع پیش می‌رود که تمامی رهبری جنبش فوق، یعنی جناح مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی و مثلث خاتمی - موسوی - کروی را آچمز کرده و آنها را مجبور کرده تا به جای پیشازی جنبش اجتماعی فوق به دنباله روی از آن پیدا زند.<sup>۳</sup>

حتی یکی از فعالان جريان سبز معتقد است که نظام، افراد مذکور را به عنوان

۱. افشین نیکوسرشت، «انشعاب در جنبش اصلاحات». افشین نیکوسرشت با گرایش افراطی ضدانقلابی در دانشکده مطالعات تاریخی دانشگاه ملیون به پژوهش در تاریخ ایران معاصر مشغول است و در حال حاضر بر روی پایان‌نامه‌ای با موضوع بحران گروگان‌گیری در سال ۱۹۷۹ کار می‌کند.

2. <http://fa.wikipedia.org/>  
2. جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد در آئینه «نشر مستضعفین»؛ <http://nmostazafin.wordpress.com/>

رہبران جریان سبز معرفی کرده است:

مقامات نظام، ابتدا جنبش را به «هدایت اتاق جنگ روانی» ستادهای انتخاباتی نسبت دادند، اما بعد از دستگیری فله‌ای دهها فعال سیاسی، دیدند جنبش هنوز مدیریت می‌شود و مقتدرانه ادامه دارد! بعد نامزدهای معارض را به عنوان طراح و رهبر اعتراضات ملی، محدود کردند.<sup>۱</sup>

داریوش همایون تحلیلگر سلطنت طلب، جنبش سبز را «تحولی بی‌سابقه، دموکراتیک و آزاد، که خارج از رابطه رهبری، اطاعت، فرمانبری، مریدی و مرادی و... است، می‌خواند.»<sup>۲</sup>

سردبیر اجرایی مجله سیاست خارجی (*Foreign Policy*), که زهرا رهنورد را به دلیل فعالیت‌هایش در مبارزات انتخاباتی (و نه به خاطر رهبری جنبش) در فهرست ۱۰۰ نفره زنان برگزیده قرارداده، تأکید می‌کند:

تحلیلگرانی معتقدند این جنبش رهبر ندارد و هر کسی که فعال است، یک رهبر است و ما به همین دلیل یک یا دو فرد در حوزه رهبری جنبش را انتخاب نکردیم. رهنورد را از مبارزات انتخاباتی مسوی برگزیدیم، به دلیل اینکه حقیقتاً این جنبش آنقدر وسیع است که نام بردن از یک یا دو نفر به عنوان رهبر برای آن امکان پذیر نیست.<sup>۳</sup>

جالب‌ترین توجیه از مدل رهبری در جریان سبز توسط یکی از اعضای ستاد میرحسین موسوی ارائه شد. وی موسوی را فقط شیخ یک رهبر دانسته و رهبری او را رهبری «فرضی» می‌داند.

۱. بابک داد: جنبش سبز «رأس و بدنه» ندارد، خیزشی است در «عرض جامعه»

۲. داریوش همایون: جنبش سبز مثل ویکی‌پدیا است. رادیو زمانه – ۲۳ مهر ۱۳۸۸

۳. سردبیر اجرایی سیاست خارجی: چرا زهرا رهنورد را به عنوان متکر سال برگزیدیم/رادیو فردا

برخی از گروه‌های اپریسیون دائمًا تبلیغ می‌کنند که «موسوی رهبر جنبش نیست» یا «جنبیش سبز رهبر ندارد» یا «مردم خود رهبر جنبش هستند». تصور آنها از رهبری جنبش همان رهبری قدیمی و کلاسیک است که نوعی رهبری حداکثری بود و جنبش، قبایلی بود که بر قامت رهبران دوخته می‌شد. ایشان دانسته یا نادانسته بر متالاشی شدن جنبش دامن می‌زنند. در حالی که نوع رهبری فرضی میرحسین موسوی به هیچ وجه شباهتی با آن گونه رهبری کلاسیک ندارد. او گرچه معتقد است، جنبش رأس دارد ولی می‌گوید رهبری جنبش، فرضی است، وی گفته است: این جنبش وابسته به رأس خود نبوده و نیست؛ اگرچه همواره حول یک «رأس فرضی» سامان یافته است. بی‌شک خاتمه‌ی و موسوی دو رأس فرضی برای این جنبش در مراحل اولیه و بعده و البته بهترین، سالم‌ترین و اخلاقی‌ترین گزینه‌ها در بین گزینه‌های ممکن و موجود بوده‌اند. در چنین حالتی، اعضای متکثر جنبش فرض می‌کنند که شخصی یا نهادی، نقش رهبری جنبش را بازی می‌کند؛ رهبری که البته حداقلی است و چنان‌هم رهبری نمی‌کند. تنها «حضور» دارد تا انسجام جنبش حفظ شود و از مسیر اولیه آن خارج نشود.<sup>۱</sup>

مجید محمدی جزو طیف افراطی معتقد است: «رهبری جنبش سبز شبکه‌ای، غیرمتمرکز، تعاملی و توافقی است.<sup>۲</sup>

تحلیلگر دیگری به وجود رهبری نمادین در جریان سبز باور دارد و معتقد است: «جنبیش سبز فقط یک رهبری نمادین و سمبولیک دارد و اگر اینها را هم از دست بدهد، فرقی نمی‌کند... جنبیش سبز رهبر حقیقی و کاریزما ندارد.<sup>۳</sup>

۱. عmad behavor; www.emadbahavar.blogfa.com

2. www.radiofarda.com/

۳. حمیدرضا جلایی‌پور، http://www.snn.ir

### جريان سبز، جريانی که جنبش نشد

جريان اصلاحات از سال ۱۳۷۶ تلاش فراوانی داشت که به سطح یک جنبش اجتماعی ارتقا یابد، اما تلاش فراوان این جريان جز ایجاد تصویری از یک جريان روشنفکری، که در میان دانشجویان و روشنفکران هوادارانی دارد، ثمری نداشت. پس از روی کار آمدن دولت نهم، جريان اصلاحات به اين باور رسيد که برای ارتقا به سطح یک جنبش اجتماعی باید تحولاتی را در دیدگاهها و رویکردهای خود پدید آورد، اما اين آرزو محقق نشد و حتی على رغم تبلیغات گسترده پس از انتخابات برای القای اين پیام که جريان سبز یک جنبش اجتماعی است، شواهد بر غیر اين ادعا دلالت می‌کند.

برحسب مواضع و تحلیل‌های اعلام شده تحلیلگران متمایل به این جريان، روشن است که شاخص‌های یک جنبش اجتماعی در جريان سبز وجود ندارد و اين جريان فاقد ملاک‌های شمرده شده در علوم اجتماعی برای تعریف به مثابه یک جنبش اجتماعی است، ولی در عین حال پرسشی جدی نیز مطرح است که باید بدان پاسخ داد و آن این است که اگر اين جريان، یک جنبش سیاسی نیست، پس چگونه می‌توان حضور جمع زیادی از هواداران را در خیابان‌ها برای حمایت از آن و نیز رأی نسبتاً قابل توجه به کاندیدای اين جريان را در انتخابات توضیح داد؟

لازم به ذکر است که نفی جنبش اجتماعی بودن جريان سبز به هیچ‌وجه به معنای فقدان پایگاه اجتماعی اين جريان نیست. به عبارتی، تحلیل شرایط اجتماعی حاکی از آن است که یک جنبش اجتماعی خاص در لایه‌های زیرین اجتماع وجود دارد که جريان سبز و پیش از آن، جريان موسوم به اصلاح طلبی بر آن اتکا کرده و می‌کوشند از گرایش‌های اجتماعی آن، نتایج سیاسی اخذ کنند و از آنان به مثابه سیاهی‌لشکر بازی‌های سیاسی خود بهره گیرند.

آنچه اهمیت بسزایی دارد، شناسایی دقیق این جريان اجتماعی پنهان است که هر چندگاه یکبار، در حوزه سیاسی بروز یافته و در محیط آرام با رأی خود جريانی

سیاسی، که با ارزش‌های نظام فاصله گرفته است، را تقویت می‌کند. طبعاً شناسایی این گرایش اجتماعی، که فاقد رأس سیاسی است، اهمیتی فراتر از شناسایی جریان‌های سیاسی دارد که بدون این پشتونه رأی وزن قابل توجهی ندارند. جریانی که چهره‌های سیاسی به طمع کسب نیروی رأی آنان، که گاه از آنها با عنوان «لایه خاکستری» یا «آرای خاموش» یاد می‌کنند، معمولاً آرمانها و ارزش‌های اعتقادی را به قمار می‌گذارند. این موج اجتماعی از چه زمانی به وجود آمده است؟ چه گرایش اعتقادی دارد؟ اولویت‌های آنان کدام است؟ طبعاً شناسایی مسائل و دغدغه‌های این جریان اجتماعی و حل آن بر شناسایی هر امر سیاسی دیگر اولویت داشته و قادر است به جای معلوم‌شناسی، نظام را در مسیر علت‌شناسی هدایت کرده و با رفع علل، بستر سوءاستفاده جریان‌های سیاسی را در حال و آینده از میان ببرد.

\*\*\*

### ریشه‌شناسی تحولات ارزشی در اجتماع

برای ریشه‌شناسی علل بروز وقایع بعد از انتخابات، که محصول یک فرایند و معلوم مجموعه‌ای از علل بود، تا چه مقطع تاریخی باید به گذشته بازگشت؟ بعضی از تحلیلگران جریان مخالف نظام بر این باورند که:

جامعه ایران از اواسط دوران قاجار از وضعیت «یکدست سنتی» خود خارج شد و حالتی «ناموزون با غلبه وجه سنتی» یافت؛ اما از اواسط دهه ۶۰ در ایران، به تدریج یک «انقلاب نامرئی» جمعیتی اتفاق افتاد. رشد شهرنشینی، رشد طبقه متوسط، گسترش شدید رسانه‌های جمعی، افزایش تعداد دانشجویان، حضور روزافزون دختران و زنان و... نشانه‌های این انقلاب در اعماق بود. بدین ترتیب، جامعه ایران وارد مرحله و وضعیت

## ۶۸ چشمان بسته دهان‌های گشوده

جدیدی شد: «جامعه‌ای ناموزون اما با غلبهٔ وجه مدرن».<sup>۱</sup>

آنگاه با اتکا به این مقدمه نتیجهٔ می‌گیرند که:

اگر محدودیت‌ها و سرکوب‌های دههٔ ۶۰ نبود، اتفاق دوم خرداد ۷۶ می‌توانست ۱۰ سال زودتر رخ دهد. در امتداد همان انقلاب نامرئی و در استمرار وضعیت یادشده (جامعه‌ای ناموزون اما با غلبهٔ وجه مدرن)، این بار نسل نویس نیز تعیین‌یافته و به میدان آمده است. معروف است که در ایران هر ۲۵ - ۳۰ سال نسل جدیدی به عرصهٔ می‌آید. نسل قبلی در دورهٔ انقلاب ابراز و احراز هویت کرد و نسل جدید از دورهٔ اصلاحات به صحنی آمد و در جنبش سبز بلوغ خود را اعلام کرد.<sup>۲</sup>

به عبارتی اینها جریان اعتراضی پس از انتخابات را در راستای پروژهٔ ناتمام مدرنیته در ایران دیده‌اند که از دوران پایانی قاجار آغاز شده و رخ دادن آن را در بستر شکاف سنت - مدرنیته تحلیل می‌کنند.

در این میان، حتی بهاییان نیز برای خود سهم قائل بوده و بر این باورند که جریان دموکراسی در ایران مدبون آنان است:

این دموکراسی خدمتی است که بهاییان کردند. این پایه‌گذاری رفتار دموکراتیک، در زمان‌های محدودی که در ایران بوده است، از کجا آمده است؟ می‌دانید خود بهاییان محلل‌های محلی یا ملی‌ای که دارند اینها همه با اصول دموکراتیک انتخاب می‌شوند. پس این چیزی است که در قرن نوزدهم در ایران پیاده بوده است و نمی‌توان گفت بر دایرهٔ غیربهایی بی‌تأثیر بوده است. حتماً مؤثر بوده است و باید در یک پژوهش مجزا چک کرد. آیا این انتکتوال‌های ایرانی در قرن نوزدهم و بیستم فقط از تئوری‌های

۱. رضا علیجانی، «تحلیلی بر جنبش سبز از منظر تناسب قوی»، آبان ۱۳۸۸

۲. منبع پیشین

مختلف اروپایی شروع کرده‌اند؟ یا از اقلیت‌های بهایی که در جاهای مختلف ایران زندگی می‌کردند هم تأثیر گرفته‌اند؟ و عقایدی مثل دموکراسی و بهبود وضعیت زنان و آموزش و پرورش نه فقط برای مردان و بیشتر برای زنان. حتی این عقاید یک تأثیری داشته است، آن هم نه فقط روی عموم مردم، بلکه روی آن انتلکتوال‌های ایرانی، مثل مالکوم خان، فتحعلی آخوندزاده و دیگران.

در سال ۱۸۷۵، عبدالبهاء پسر بهاءالله یک کتابچه راجع به رفورم در ایران می‌نویسد و اسم خود را در این کتاب نمی‌گذارد؛ زیرا در آن زمان مثل امروز البته، آن حالت‌ها، رفتارها و عقاید خدابهای خیلی بود.

اگر ایشان اسم خود را روی این دفترچه می‌گذاشت، هیچ‌کس نمی‌خواهدش، ولی این دفترچه بدون اسم آمد و عقایدی که آنجا هست می‌شود توی مکاتب‌های کسانی مثل مالکوم خان یا فتحعلی آخوندزاده پیدا کرد.<sup>۱</sup>

شاید به دلیل همین ادعا بود که در اعتراضات پس از انتخابات شاهد خروج بهاییان از لای محافظه‌کاری و حتی حضور در صحنه‌های درگیری خیابانی هم بودیم. گروهی دیگر از تحلیلگران جریان مذکور بر اصالت عناصر روان‌شناسانه و بهویژه حس تحقیر در میان اقشاری از جامعه تأکید دارند؛ اینان «علت» پیدایش جنبش اعتراضی پس از انتخابات را «احساس تحقیری» می‌دانند که در رأی‌دهندگان ایجاد شده بود. طبق نظر آنها، چون مردم احساس می‌کردند که دولت با دست‌کاری نتایج انتخابات، آرای آنها را «دزدیده» و به آنها اهانت کرده؛ لذا دست به اعتراض زدند. بدین ترتیب، این تحلیلگران مبنای ظهور جنبش سبز را «اخلاقی - احساسی» ترسیم می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. پژمان اکبرزاده، «نقش بهاییت در دموکراسی خواهی ایرانیان»، گفتگو با سلی شاموا، درباره تأثیرات بهاییت در تاریخ مدرن ایران، [www.PejmanAkbarzadeh.com](http://www.PejmanAkbarzadeh.com)

۲. کاوه مظفری، دگردیسی جنبش سبز؛ <http://kavemozafari.blogspot.com>

## ۷۰ چشمان بسته دهان‌های گشوده

هرچند این افراد ریشه تحولات و درگیری‌ها را در گذشته می‌دانند، ولی معتقدند که تجربه‌آموزی‌های دهه گذشته بر اوج یابی سیر اعترافات در میان اقشار مختلف تأثیر داشته و این اعترافات تجسم نیرویی هستند که از دل شکاف‌ها و تضادهای اجتماعی بیرون می‌آید.

بنابراین اعتقاد «پیش از جنبش سبز، جنبش‌های اجتماعی ریشه‌داری نظیر جنبش دانشجویان، زنان، کارگران و اقوام در جامعه ایران فعال بودند و هستند. این جنبش‌ها که عمدتاً از اوایل دهه ۱۳۱۰ رشد قابل توجهی داشتند، در سال‌های اخیر توanstند مطالبات مشخصی را پیگیری کنند و بادیل‌های ایجابی بسازند. اگرچه قدمت آنها به مدت‌ها پیش بر می‌گردد، اما باید اذعان داشت که تجارت آنها طی حدود ۱۰ سال گذشته در زمینه کنش جمعی، مشارکتی و شبکه‌ای بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. این جنبش‌ها هر کدام بر ساختار تبعیض‌آمیز خاصی تمرکز دارند و از این لحاظ توائسته‌اند احساس کلی نارضایتی را به آگاهی از ریشه‌های نارضایتی نزدیک کنند. در واقع، این جنبش‌های اجتماعی، تجسم نیرویی هستند که از دل شکاف‌ها و تضادهای اجتماعی بیرون می‌آید.<sup>۱</sup>

بعضی دیگر از تحلیلگران، آن جریان را برخاسته از شکاف میان ارزش‌های رسمی با ارزش‌ها و هنجارهای نوظهور می‌دانند و توازن شکست و پیروزی را تابعی از قدرت مقاومت نظام مسلط می‌دانند.

شکل‌گیری هویت جنبش تا حد زیادی تحت تأثیر میزان انعطاف یا مقاومت هویت نظام مسلط نیز می‌باشد. در واقع ارزش‌های رسمی موجود اغلب با خواست جنبش‌های اجتماعی برای تغییر تعارض دارند، از این رو

۱. منبع پیشین

## فصل اول - بحران یا مسئله ۷۱

هنجارهای جدید در جنبش‌های اجتماعی نقاد و گاه در تعارض با ارزش‌های رسمی و سنتی هستند. این برداشت تحت تأثیر مفهوم رفتار جمعی است که بر اساس آن، رفتار جمعی عبارت است از دگرگونی رفتارها از طریق اثرگذاری هنجارهای نو ظهور.<sup>۱</sup>

شاید همه موارد ذکر شده در تبیین بخشی از علل بروز رخدادها مفید باشد ولی آنچه که در پی آن هستیم، شناسایی علل مؤثر در این روند البته نه علل بعیده است؛ ضمن آنکه شاید علل متعددی در شکل‌گیری وقایع پس از انتخابات تأثیر داشت، ولی بی‌جویی علل خرد هم ممکن است مخل کشف علت‌های اصلی باشد. لذا باید در میانه علل بعیده و علل بسیار نزدیک و خرد، علی‌را یافت که مسیر انقلاب را به گونه‌ای تغییر دهد که شکاف‌های اجتماعی را عمق بخشیده و زمینه را برای پیدایش یک موج اجتماعی پدید آورد که سیاستمداران فرصت طلب می‌کوشند از آن برای ارتقای موقعیت سیاسی خود بهره گیرند.



## **فصل دوم**

### **ریشه‌های شکل‌گیری و قایع**



## ریشه‌های شکل‌گیری وقایع

### مقدمه

برای وقایع پس از انتخابات دلایل و علل عمقی چندی می‌توان برشمرد، اما تعیین علل و دلایل، منوط به تعیین ماهیت حوادث است؛ در همین راستا ارزیابی دلایل اقتصادی ارائه شده برای بروز تحولات را - بر حسب نظرات تحلیلگران وقایع، چنین می‌توان دسته‌بندی نمود:

۱. گسترش طبقه متوسط جدید
۲. شکاف‌های اقتصادی (طبقاتی)
۳. ظهور طبقه جدید (مدیران مرفه حکومتی)
۴. فساد اقتصادی
۵. ناکارآمدی مدیریتی
۶. تورم، بیکاری، فقر

اما فراتر از ریشه‌های اقتصادی، دلایل اجتماعی نیز وجود دارد که بستر لازم را برای

تحرکات اجتماعی پدید می‌آورد؛ این دلایل را بر حسب تحلیل‌های ارائه شده ظرف بیست سال گذشته اجمالاً چنین می‌توان بر شمرد:

۱. شکاف‌های ارزشی حاکمیت - مردم
۲. شکاف ارزشی نسل جدید و قدیم
۳. جهش جمعیتی
۴. تفاوت‌های (شکاف‌های) تربیتی در خانواده و اجتماع
۵. اختلافات قومیتی
۶. تفاوت مذاهب (شکاف‌های مذهبی)
۷. واکنش اقشار تحت فشارهای حکومت برای تبعیت از ارزش‌های مطلوب حکومتی

اما در ورای هر رفتار اجتماعی انگیزه‌هایی با ماهیت فرهنگی قرار دارد که به مرور در زمانی فراتر از عمر یک نسل بسترها فکری را برای تحولات (ثبت یا منفی) فراهم می‌کند. اندیشمندان و تحلیلگران با هر گرایشی در ارزیابی علل بروز رخدادهای سیاسی دو دهه اخیر در ایران به ویژه ۱۵ سال اخیر دلایل ذیل را به عنوان علل فرهنگی بر شمرده‌اند:

۱. علوم انسانی غیربومی
۲. افزایش سطح توقع مردم (که از لحظه‌ی ریشه در بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقای سطح دسترسی به اطلاعات دارد)
۳. افزایش سطح آگاهی‌ها
۴. تهاجم فرهنگی
۵. گسترش فرهنگ دنیاطلبی، لیبرالیسم، ابا‌حه‌گری و...
۶. فقدان مداراجویی در سطح فرهنگ سیاسی
۷. نگرش مطلق‌گرای ایرانی

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۷۷

اما سطحی‌ترین علل شاید به سطحی‌ترین لایه تحولات اجتماعی یعنی سیاست بر می‌گردد؛ لایه‌ای که عمر آن معمولاً بیش از هشت سال نیست. اگر عمیق‌تر بنگریم و ضعف‌های فرهنگ سیاسی را نیز بر آن بیفزاییم این علل را به شرح ذیل می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. توسعه نامتوازن
۲. ضعف احزاب
۳. بی‌اعتباری چهره‌های سیاسی
۴. بدینبینی تاریخی به نهاد قدرت
۵. عدم بلوغ نخبگان سیاسی
۶. توطئه قدرت‌های خارجی
۷. طمع بیگانگان به دلیل جایگاه استراتژیک ایران
۸. موقعیت ایران در جهان اسلام
۹. شکاف درون حاکمیت

بر اساس روش‌های علمی پس از احصای علل شکل‌گیری فضایی که در آن پدیدهای چون آشوب‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ رخ داد، باید میان عوامل مطرح شده، علل اصلی را شناسایی کرد.

بررسی فضای سیاسی - عقیدتی پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که دهه دوم انقلاب منشأ و مبداء شکل‌گیری دگرگونی‌های اعتقادی زیادی است. از آن جمله چالش‌هایی مانند:

عبور از نگاه قدسی به برداشت عرفی و ارائه روند عرفی شدن جامعه و آموزه‌های

اسلام<sup>۱</sup>، زمینی کردن حکومت و قطع رابطه آن با شریعت<sup>۲</sup>، توسعه روند دموکراسی به عنوان یک مکتب و نه به عنوان یک روش در اداره جامعه به عبارت دیگر دین‌زدایی<sup>۳</sup>، ساختارشکنی و مخالفت با قانون اساسی<sup>۴</sup>، مخالفت با حکومت الهی پیامبران و ائمه و سپس فقیه<sup>۵</sup>، مخالفت با خدا و حق اعتراض به او و او را فتنه‌گر خواندن<sup>۶</sup>، گسترش روند سکولاریسم در جامعه و آن را مبنای حکومت قراردادن<sup>۷</sup>، مخالف نشان دادن آموزه‌های دینی با آموزه‌های مردم‌سالاری و لزوم بازنگری در آموزه‌های دینی.<sup>۸</sup>

اینها نمونه‌هایی از چالش‌های نظری و سیاسی بود که مقدمات آن در دهه دوم آماده شد و سپس در دهه سوم به صورتی پرحجم و انبوه در فضای سیاسی جامعه مطرح گردید.<sup>۹</sup>

اجمالاً باید دید که در هنگام انتقال از دهه اول به دهه دوم چه اتفاقاتی رخ داد که فضا برای بروز شباهت‌پذید آمد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین تحولات این دوران عبارت بود از:

### الف: داخلی

۱. تشکیل مجمع روحانیون مبارز
۲. اتمام جنگ

- 
۱. حجاریان، سعید (۱۳۸۰). از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، تهران، طرح نو، ص ۵۹.
  ۲. درویش، محمدرضا (۱۳۸۱). مردم سالاری دینی یا مردم سالاری دینداران، ماهنامه آفتاب، ش ۲۳. ص ۳۲.
  ۳. مجتهد شیستری، محمد (۱۳۷۷). «دین، مدار، خشونت»، ماهنامه کیان، ش ۴۵. ص ۱۰.
  ۴. گنجی، اکبر (۱۳۸۰). «اصلاح طلبی، انقلابی گری، محافظه کاری»، ماهنامه آفتاب، ش ۷. ص ۲۱.
  ۵. مجتهد شیستری، محمد (۱۳۷۹). هفته نامه آبان، ش ۱۲۱. ص ۴.
  ۶. محمدی اصفهانی، محمد کاظم (۱۳۷۸). «ین باوری از منظرهای گوناگون»، روزنامه ایران، ش ۱۳۷۹. ص ۸.
  ۷. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶). مدار و مدیریت، تهران، صراط. ص ۴۲۳.
  ۸. مجتهد شیستری، محمد (۱۳۸۰). «مردم سالاری چیست؟»، ماهنامه آفتاب، ش ۷. ص ۵.
  ۹. حسین هرسیج/غلامباس رفیعی؛ تحولات دهه دوم انقلاب اسلامی و نقش آنها در پیدایش چالش‌های نظری دهه دوم و سوم، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال هفدهم، شماره ۲ (تابستان ۱۳۸۴)

۳. عزل آقای منتظری

۴. رحلت حضرت امام

۵. چالش‌های رهبری جدید<sup>۱</sup>

۶. ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی

۷. کاهش حضور جناح چپ در مدیریت کشور

۸. افزایش حضور نیروهای اپوزیسیون در داخل کشور<sup>۲</sup>

۹. تغییرات شگرف جمعیتی

**ب: خارجی**

۱. تغییر نوع نظام سیاسی و تجزیه شوروی

۲. کاهش اعتبار سوسياليسیم

۳. تغییر در نوع نظام بین‌الملل

۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که با انتخاب خبرگان جانشین امام شدند، هرچند با گذشت زمان نشان دادند که بهترین گزینه برای این انتخاب بوده اند اما در ابتدای کار با دشواری‌هایی، نظری موارد زیر رویه‌رو بودند:

- فقدان جایگاه و اعتبار حضرت امام در نزد نخبگان داخل و خارج و پیش آhad مردم
- سن امام، که همه مسئولان نظام و مراجع فعلی از شاگردان ایشان محسوب می‌شدند ولی با انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای سن برخی از مراجع و تعدادی از مسئولان از ایشان بیشتر بود.

۲. در این سال‌ها (۷۳ و ۷۴) لحن و ادبیات اپوزیسیون بیرون مرتباً تغییر آهنگی اساسی را شروع کرده و از کنشی تند و رادیکال به واکنشی آرام و دموکراتیک روی آورده و برخورد خصمانه و از دور را راهکاری شکست خورده و بی اثر قلمداد کردند، لذا حضور در کشور و تعامل فرهنگی با نیروهای انقلاب و استفاده از فرصت ایجاد شده و تأثیرگذاری بر فضای داخل را برگزیدند. ایرانیان خارج رفتنهای که یا وابسته به سلسله منقرض شده قاجار بودند (نوه محمدحسن میرزا وليعهد احمدشاه) یا از نزدیکان رژیم پهلوی به شمار می‌آمدند؛ (علیقی کی، دبیرکل حزب مردم و معافون هویدا - دکتر کلانی آخرین دبیرکل حزب ایران نوین - امیر متقدی، معافون دربار - متوجه صانعی، آجودان شاه) یا اینکه از افرادی بودند که در رژیم سابق در عرصه فرهنگ، ادب و هنر مشغول بودند (دکتر ذبیح الله صفا - دکتر محمد جعفر مجحوب - سیاوش کسرایی (ساکن در مسکو) - بهرام مسعودی، فرزند کوچک بنیانگذار مؤسسه اطلاعات - قاسم طاهیار صاحب امتیاز نشریات مؤسسه کیهان - کامبیز درم بخش (کاریکاتوریست) و اردشیر مخصوص). این افراد پس از پیروزی انقلاب از کشور کوچ کردند و در سایر کشورها به فعالیت پرداختند (پیام امرور - ۱۳۷۴ - ۱۲۴ - صص ۱۲۲ - ۱۲۳)، این گروه به اتفاق تعداد زیاد دیگری در این سال‌ها به کشور بازگشتند و با ادبیات مدرن و آموزه‌های لیبرال دموکراسی با اشاری از نخبگان داخلی که در اندیشه خود تجدیدنظر کرده و دیدگاه‌های دیگری برگزیده بودند پیوند به وجود آورده به فعالیت مشغول شدند.

#### ۴. موج جدید دموکراسی و جامعه مدنی

در میان موارد مذکور به نظر می‌رسد که رویکردهای جدید اقتصادی کشور توسط دولت هاشمی رفسنجانی؛ عزلت جریان چپ و استحاله آرام (البته در بعضی افراد سریع) عقیدتی آنان و تغییرات جمعیتی که نسل جدید را در بستر فرهنگ لیبرالیستی اقتصادی رشد داد، عملاً عناصر اصلی بود که بدنه و رأس لازم را برای تغییرات و تحولات ۱۵ سال گذشته فراهم کرد.

#### توسعه ناموزون در نبرد با ارزش‌های موزون

علی‌که موجب بروز تحولات ارزشی در میان توده‌های مردم شد؛ هرچند زیاد است ولی وزن‌دهی به این عوامل نشان می‌دهد که کشف علل اصلی چندان دشوار نیست.

در این میان، گسترش طبقه متوسط جدید، شکاف‌های اقتصادی (طبقاتی)، ظهور طبقه جدید (مدیران مرفه حکومتی)، فساد اقتصادی، ناکارآمدی مدیریتی، تورم، بیکاری و فقر، محصول توسعه نامتوازن و شکاف‌های ارزشی حاکمیت-مردم، شکاف ارزشی نسل جدید و قدیم و گسترش فرهنگ دنیاطلبی، لیبرالیسم، ابا‌حه‌گری و... نتایج طبیعی تغییر گرایش ارزشی در سطح جامعه به دلیل تغییر رویکرد دولت هاشمی رفسنجانی بود که رویکرد لیبرالی را در حوزه اقتصاد برگزیده بود و کارشناسان آنگونه از توسعه را ناموزون ارزیابی کردند.

از منظر تخصصی، هرگاه سخن از الگوی توسعه ناموزون به میان می‌آید، منظور توسعه‌ای است که در سه سطح خُرد، میانه و کلان فاقد تعادل باشد. توسعه، مفهومی پیچیده و دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است و در برخی از رهیافت‌ها و تعاریف، توسعه را وابسته به ارزش‌ها دانسته‌اند. از سوی دیگر، جامعه‌شناسانی هستند که بر این باورند رشد سرمایه‌داری وابسته در کشورهای جهان

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۸۱

سوم دارای عوارض اقتصادی و اجتماعی فراوانی است که برخی از آنها عبارتست از:

۱. در نتیجه احداث صنایع جدید، صنایع بومی به سقوط کشیده می‌شوند.
۲. الگوی سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی در تحلیل نهایی چیزی جز همان الگوی استعماری نخواهد بود.
۳. سرمایه‌گذاری، بیشتر به تولید کالاهای تجملی که به کار قشرهای مرغه می‌آید، اختصاص داده می‌شود.
۴. تجهیزات سرمایه‌داری و مواد اولیه صنایع، همه از خارج وارد می‌شود.
۵. نابرابری اقتصادی در میان قشرهای مختلف، افزایش و به مهاجرت دائمی روستاییان منجر می‌شود. البته در مقابل، مواضع هوادارانه از توسعه اقتصادی به آنگونه که هاشمی رفسنجانی به اجرای آن پرداخت هم وجود دارد، ولی پاره‌ای از انتقادات فراتر از روش اجرا، به اساس مفهوم توسعه به گونه‌ای که لیبرال‌ها و یا نولیبرال‌ها به تعریف آن می‌پردازند؛ برمی‌گردد.

اساساً سابقه مباحث توسعه به عنوان یک موضوع مشخص، به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. در این دوره، عمدهاً دو گونه نظریه‌های مربوط به توسعه، تحت عنوان توسعه اقتصادی و نوسازی (*Modernization*) ظاهر می‌شود. با گسترش فضای مفهومی توسعه از واقعیتی اقتصادی به واقعیتی با ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که توسعه، موضوع تحلیل جامعه‌شناسی قرار گرفت. توسعه واقعیتی صرفاً اقتصادی نیست بلکه تغییری همه‌جانبه است. توسعه (نوسازی) به عنوان یک روند شناخته می‌شود. روندی تجمعی که نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل است. این روند (توسعه) با شکل‌گیری ساختار مشخص و بازتولید آن ملازمه دارد. از این رو، مستلزم نوعی تغییر اجتماعی، تغییری در ساختار جامعه و به تعبیری تغییری تاریخی است. توسعه که از سوی برخی اقتصاددانان «صنعتی شدن» تعریف شده است، آنگونه

که باید در ایران رخ نداد؛ زیرا «به اعتقاد او افزایش میران رشد جمعیت و تحول ساختار سنتی تولید اقتصادی و در نتیجه به هم خوردن تعادل معیشتی این جوامع، افزایش حجم فقر، بیکاری پنهان، نیازهای آموزشی و بهداشتی منجر به وابستگی می‌شود و مدار توسعه‌نیافتنگی جوامع را کامل می‌کند».<sup>۱</sup> نکته جالب آنکه بعضی از جامعه‌شناسان بر این باورند که اساساً گرایش‌های اخروی نظام اسلامی گرایش‌هایی ضدتوسعه‌ای است لذا برای توسعه باید این ارزش‌ها کنار نهاده شود.

«علی رضاقلی» معتقد است:

لازم مه توسعه، وجود جهان‌بینی تولیدی است، لذا نقش مواضع اخلاقی علمای دین و ادبیات ما در «نکوهش دنیا»، «تونگری و ستایش تنگلاستی»، «نکوهش شهرت، طول امل و فضیلت گمنامی» در این نوع از توسعه منفی است؛ بنابراین، آرای اهل نظری چون دکتر شریعتی و آل احمد و تکیه آنها بر توزیع عادلانه به جای تکیه بر تولید را منافی روند توسعه ارزیابی کرده و معتقد است، جهان‌بینی امروز و دیروز اقتصاد ایران از جنبه نظری پشت به دنیاست در حالی که جهان‌بینی تجویزی علمای اقتصاد رو به دنیاست.<sup>۲</sup>

و اتفاقاً همین روند رخ داد و برای رسیدن به توسعه‌ای با معیارهای مذکور، تغییر جهت جامعه از آخرت محوری به سوی دنیاگری با شتاب پی‌گرفته شد و با همان سرعت شکاف میان ارزش‌های اعلامی حکومت و رفتارهای اعمالی دولت وقت افزایش یافت.

۱. عظیمی آرائی، حسین. مدارهای توسعه نیافتنگی در اقتصاد ایران. چاپ اول، تهران، نشر نی ۱۳۷۱

۲. رضاقلی، علی. «توسعه اقتصادی و جهان‌بینی ما». کتاب توسعه. شماره ۶ چاپ اول، تهران - نشر توسعه، ۱۳۷۲

در پژوهشی درباره چالش‌های دهه دوم آمده است:

هاشمی رفسنجانی به عنوان اولین رئیس جمهور دوران پس از جنگ به مشکلات عدیدهای چون کسری بودجه، کاهش ارزش واحد پول ملی، فقدان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تعطیلی واحدهای صنعتی و عدم تولید، ترمیم خرابی‌ها و تأمین خسارات دوران جنگ و افزایش انتظارات مادی مواجه بود. ایشان با تیمی متشكّل از همکاران تکنولوژی و بالویت توسعه اقتصادی کار خود را آغاز کرد. این گروه با این استدلال که بر اثر یک دهه رفتارهای ایدئولوژیک اکنون ارزش‌های دینی و مذهبی در بالاترین سطح قرار دارد، تمام همت خود را صرف راه اندختن چرخهای اقتصاد نمود، لذا از برنامه‌های فرهنگی و دینی تا حدود زیادی غفلت شد و در نتیجه ثروت، خود ارزش گردید و مردم عادی در حاشیه قرار گرفته و رقابت برای جمع آوری ثروت به هر وسیله ممکن در سرلوحة برنامه‌های برخی افراد قرار گرفت.<sup>۱</sup>

نتیجه تغییرات ارزشی هم در میان نسل برآمده از جهش جمعیتی طبعاً بر جدایی آنها از ارزش‌های مطلوب حکومت افزود. چنانچه یک جامعه‌شناس در این راستا تصریح کرده است:

وقتی نابرابری در جامعه گسترش یافت و از طرف مسئولین جامعه توبیخ نشد، بلکه آزاد گذاشته یا حتی تشویق شد، ابتدا دارندگان مقیاس‌های ارزشی یعنی ثروتمندان ثروت خود را براساس معرفه‌ها و مقیاس‌های ظاهری (اتومبیل، وسایل منزل، لباس و زینت آلات...) به نمایش دیگران

۱. حسین هرسیج / غلامباس رفیعی؛ تحولات دهه دوم انقلاب اسلامی و نقش آنها در پیدایش چالش‌های نظری دهه دوم و سوم، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال هفدهم، شماره ۲ (تابستان ۱۳۸۴)

می‌گذارند و به وسیله آن برتری خود را بر دیگران نشان می‌دهند.<sup>۱</sup>

لذا با توجه به آنکه توسعه ناهماهنگ اساساً بحران‌ساز است، چون:

- باعث شکاف طبقاتی می‌شود.

- طبقه متوسط را فربه و متوقع می‌کند.

- طبقات ضعیف را فقیر و معترض می‌کند.

به نظر می‌رسد دولت هاشمی ناخواسته سوخت لازم برای پارهای از بحران‌ها و اعتراضات اجتماعی را در سطح جامعه به ویژه نسل جدید فراهم نمود. در همین حال دوران حاکمیت دوم خرداد نیز مزید بر علت شد و اعتراضات اجتماعی را رویکردی سیاسی بخشید و تلاش کرد از اعتراضات اجتماعی، نیروی فشاری برای تحت تأثیر قرار دادن حاکمیت (رهبری) بسازد و با پدیدآوردن بحران‌ها، رهبری را در مدیریت بحران‌ها ناکام ساخته و با کشاندن بحران‌ها به حوزه رهبری؛ «بحران رهبری» پدید آورده و در کمترین سطح توقع، رهبری را وادار به دادن امتیازات کرده و در سطح میانگین، رهبری را چونان «امپراتور ژاپن» آنگونه که در جلساتشان مطرح می‌کردند، در جایگاهی صوری قرار داده و در پایین، بازی دموکراسی را پی‌گیرند و در بالاترین سطح، سیستم ولایت فقیه را برچینند یا ولی فقیه مورد نظر خود را بر کرسی نشانند.

### فرایند استحاله یا زایش گفتمان مخالف از بطن نظام

هر انقلابی به تبع ذات پر فراز و نشیب خود طی زمان هرچند گاه یکبار شاهد ریزش بخشی از نیروهایی است که به دلایلی خاص به روند آن پیوسته‌اند، این افراد طبعاً پس از زوال علل همراهی خود با انقلاب از این جریان فاصله گرفته و بر حسب نوع گرایش خود به جریان‌های حاشیه‌ای یا معارض نزدیک می‌شوند. البته روشن است

۱. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۹). توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار ص ۱۹۹

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۸۵

که هر انقلابی بر حسب میزان توانایی خود برای جذب نیروهای جدید، در کنار ریزش‌ها، شاهد رویش‌هایی است که جمعاً این ریزش‌ها و رویش‌ها هویتی دینامیکی و پویا به انقلاب می‌بخشد و آن را به مثابه یک موجود زنده دارای هویت و دوران حیات می‌گرداند.

انقلاب اسلامی نیز از همان روزهای نخست و حتی چندی پیش از پیروزی شاهد رویش‌ها و رویش‌های بسیاری بوده است.

تاریخ این ریزش‌ها و نیز رویش‌های جدید می‌تواند بسیار درس‌آموز بوده و برای پژوهشگران به منظور استخراج مدل‌های تحولات پس از هر انقلاب مفید باشد. یکی از فرایندهای مهم ریزش در جریان انقلاب اسلامی در سال‌های پس از ۶۸ رخ داد و عملاً طیفی از جریان موسوم به چپ اسلامی در پی از دست دادن مجلس چهارم به مرور به حاشیه رفت و به تجدید نظر در دیدگاه و آرای نظری خود پرداخت. این افراد سپس در مراحل بعد به‌ویژه با شکل‌دهی به حلقه‌های فکری و روزنامه‌نگاری تحت عنوان «کیان» یا «سلام» به هنگام پیروزی پیش‌بینی نشده در دوم خرداد ۱۳۷۶ منشأ تأثیرات شگرف در جامعه شد و عملاً دیدگاه‌های تجدید نظر یافته خود را به انحصار مختلف به نسل جدید القا نمود. ارزیابی اثرات جانی و نیز عمقی این القاءات تنها از طریق پژوهش‌های علمی دقیق و نیز گذشت زمان به دست خواهد آمد.

یکی دیگر از موقعیت‌هایی که با ایجاد شبه موجب ریزش‌بخشی دیگر از نیروهای انقلاب شد، وقایعی است که پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، حتی دامنه ریزش را به بخشی از جریان اصولگرا نیز کشاند.

فرایندی که از آن به عنوان استحاله فکری و عقیدتی در جامعه ایران یاد می‌شود، به نحوی مترادف مفهوم رویزیونیسم (*Revisionism*) در فرهنگ غربی البته در معنای منفی آن است. به عبارتی رویزیونیسم به معنای بازنگری، فی‌حد ذاته، امری منفی تلقی نمی‌شود ولی در مفهوم مارکسیستی آن، رویزیونیسم «خروج معارضان از مارکسیسم»

تعریف می‌شود. اما از سوی دیگر، تجدیدنظر طلب‌های مارکسیست عمل خود را منفی تلقی نکرده و تجدیدنظر طلبی را شکل تکامل یافته و میانه روانه مارکسیسم می‌دانند. تجدیدنظر طلب‌های مارکسیست برآئند که مارکسیسم را مجدداً برای حذف خصلت‌های انقلابی آن بازنویسی کنند.

اگر فرض را بر این بگذاریم که «تجدیدنظر طلب‌ها» یا «رویزیونیست‌ها» در ایران اسلامی نیز با هدف اقران مارکسیست خود در پی دگرگون‌سازی ایده‌ها، اصول و تئوری‌های بنیادین نظام اسلامی برای کنار زدن خصلت انقلابی و عدالت‌خواهانه آن هستند، حرکت آنها را می‌توان اقدامی در تعارض با مبانی نظام تلقی کرد. چنانچه عمدتاً «تجدیدنظر طلب‌ها» پس از نفی بنیان‌های فکری نظام اسلامی، ایده‌ها، اصول و تئوری‌های لیبرالیسم را به جای آن نشانده‌اند.

از طرف دیگر، اگر این افراد را استحاله‌گر بدانیم، حکمی سنگین‌تر بر آنها جاری خواهد شد. زیرا استحاله یا دگر‌شکلی یا (*transformation*) در تعریف عبارتست از: دگرگون شدن و تغییر حالت، مثلاً آب مایع به بخار آب تبدیل می‌شود، البته از این مصدر عربی معنای محل و ناممکن دانستن یا ناممکن بودن چیزی هم دریافت می‌شود. پس استحاله‌گران کسانی هستند که در صدد قلب ماهیت نظام اسلامی هستند و به نوعی برانداز محسوب می‌شوند.

با این مقدمه، تحلیل اینکه چگونه طیفی از درون انقلاب با تجدیدنظر طلبی یا استحاله‌گری سر برآورده و در برابر نظام اسلامی ایستاده‌اند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. هرچند بخش مهمی از این تحلیل باید به جنبه‌های روان‌شناسختی تحولاتی از اینگونه اختصاص یابد، ولی در این تحلیل صرفاً به نتایج و بعضی از «عوامل استحاله» آن هم از منظر تحلیل‌های آن جریان می‌پردازیم.

حال پرسش این است که این انقلابیون پشیمان یا چپ‌های شرمنگین یا سرداران سابق انقلابی در چه فرایندی به سیاهی لشکر گفتمان لیبرالیسم تبدیل شدند؟

تحلیل نیروهای فکری هدایت‌گر این فرایند در خارج کشور این است که:

تا پایان دهه اول انقلاب، اثر مشهودی از گفتمان مخالف جدید در میان نبود. پس از پایان جنگ ایران و عراق، درگذشت آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب، آغاز ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی و فوران مطالبات آزادی خواهانه و البته اقتصادی رفاهی مردم، زمینه‌های اجتماعی یک گفتمان «مخالف» از درون نظام شکل گرفت... نیروی سازمانده این گفتمان، اسلام‌گرایان چپی بودند که در اوایل دهه هفتاد خورشیدی مورد بی‌مهری محافظه‌کاران درون بلوک قدرت قرار گرفتند و به حاشیه نظام رانده شدند. آنها در مبارزه‌ای که برای بقای خود در قدرت درگیر شدند، دریافتند که نمی‌توانند با تفسیرهای ایدئولوژیک و تمامیت خواهانه - فاشیستی جناح حاکم از دین، با اتکا بر خشونت طلبی، کیش شخصیت، آمریکاستیزی و شهادت پرستی همراه گردند. این چالش آنها را در مسیر متفاوتی قرار داد و آنها را با فرهنگ سیاسی تازه‌ای در ارتباط قرار داد. مهم‌ترین مفاهیم جدید عبارت بودند از اصلاح‌طلبی، جامعه‌منی، حکومت قانون، توسعه سیاسی، آزادی، اقتصاد بازار، تساهمل و اعتدال در سیاست خارجی.<sup>۱</sup>

اینان برآند که «در مجموع، عواملی را که به شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی یاری رسانندند، می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱. کارایی دستگاه‌های امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی، در کتاب تضعیف فرهنگی روش‌های خشن و انقلابی در سطح ایران و جهان، اکثریت قریب به اتفاق مخالفان درونی یا بیرونی این نظام را از به کارگیری چنین روش‌هایی دور کرده است. انقلابی‌گری و براندازی در محدوده‌های

---

۱. مهرداد مشایخی، دگریسی گفتمان مخالفان سیاسی در ایران پس از انقلاب، سخنرانی دکتر مهرداد مشایخی در کنفرانس «سی سالگی انقلاب ایران»، در روزهای ۷ - ۸ فوریه سال ۲۰۰۹ در دانشگاه راتگرز / Rutgers (نیوجرسی)

کوچکی، بیشتر در خارج از مرزهای جغرافیایی کشور، همچنان مطرح هستند و نه بیشتر.

۲. ساختار سیاسی و تشکیلاتی جمهوری اسلامی، همواره شکلی از عالم تمکن را ممکن ساخته است. از مرکزیت ولایت فقیه اگر بگذریم، در سایر نهادهای حکومتی، جناح‌بندی‌های گوناگون همواره حضوری باز داشته‌اند. محافظه‌کاران، چپ‌گرایان، سنت‌گرایان، اصلاح‌طلبان، عمل‌گرایان (و ترکیبی از این گرایش‌ها) در حوزه تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی، سیاست خارجی و نظایر آن، واقعیت ساختاری این نظام است.

۳. رابطه میان هریک از این جناح‌ها با مجموعه نظام برای آنها که خارج از نظام هستند، بسیار پیچیده و گاه غیرقابل درک می‌نماید. درحالی که برای نیروهای درون نظام، این رابطه بیانگر اصل «کثرت در عین وحدت» است. خطوط قرمزی وجود دارد که غیرقابل مصالحة است، از جمله موقعیت فرادست ولی فقیه، روحانیان و ایدئولوژی اسلامی حکومت، دشمنی با آمریکا و اسرائیل و نظایر آن. در این چارچوب، مخالفت با سیاست‌های دولت وقت، پذیرفته شده است.

۴. هر جناحی، به هر حال، از امتیازات، رانت‌های دولتی، مناسب، حقوق، فرصت‌ها و امکان بهره‌گیری از نهادها و تشکل‌های رسمی برخوردار است. طبعاً، قدرت‌گیری بیشتر یک جناح در جریان انتخاباتی می‌تواند به افزایش سهم آن جناح از امکانات و فرصت‌های درون نظام بینجامد. انتخابات ادواری در جمهوری اسلامی در واقع، در بیشتر موارد، عرصه‌ای برای تسویه حساب‌های درونی نظام و نوعی سازوکار باز توزیع قدرت بوده است.

۵. در کنار گرایش‌های «گریز از مرکز» در این نظام، گرایش‌های دیگری نیز حضور دارند که همبستگی درونی نظام را تعویت می‌کنند: تاریخ مشترک

## ۸۹ فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع

بازیگران سیاسی، زمینه‌های فرهنگی تربیتی مشترک، روابط خویشاوندی و ازدواج‌های سیاسی میان افراد جناح‌های متفاوت، مشارکت همه جناح‌ها در موقعیت‌های اقتصادی سودآور و پول‌ساز، مخالفت اصولی همه جناح‌ها (به درجات گوناگون) با سکولارها و یک نظام سیاسی متنکی بر سکولاریسم.

۶- بنابراین، فرصت‌ها و فضاهایی که در سال ۱۳۷۶ نصیب اصلاح طلبان اسلام‌گرا شد، در عین حال که عمل آگاهانه آنها در ایجاد آن شرایط نقش داشت، ولی در اساس، بیانگر ساختار سیاسی این نظام و کانالیزه کردن ارزشی مخالفت (اسلام‌گرایان درون نظام) در مجراهایی است که به هر حال، به نظام وفادارند. در این فرایند، قوّه مجریه، اکثریت مجلس و اکثریت مطبوعات در اختیار و نفوذ اصلاح طلبان قرار گرفت. آنها خود، سهم‌شان را در مجموعه نظام به چیزی حدود ۲۰ درصد تعییر کردند.

۷- در ایجاد گفتمان اصلاح طلبی، جدا از نقش راهبردی ساختار حکومت، باید به عوامل دیگری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به برآمدن این گفتمان یاری رساندند، اشاره کرد: تضعیف گفتمان انقلابی- ضد امپریالیستی، سقوط اردوگاه سوسیالیستی، تقویت جهانی گفتمان لیبرال- دموکراتیک، تقویت رسانه‌های جهانی و برنامه‌های فارسی‌زبان آنها و اثر اپوزیسیون سکولار- دموکراتیک ایران.<sup>۱</sup>

چرخش عقیدتی تعدادی از نخبگان و مدیران سیاسی درون حاکمیت عملاً پیامی را به نسل جدید داد که گویی باورهای ارزشی نظام سیاسی از استحکام لازم برخوردار نیست؛ لذا نگرش بخشی از این نسل به ارزش‌ها بیش از آنکه مطلق و ایدئولوژیک باشد جنبه نسبی و عرفی یافت.

به عبارتی این طیف استحاله‌شده یا به اصطلاح خودشان تجدیدنظر طلب جدا از

۱. منبع پیشین

## ۹۰ چشمان بسته؛ دهان‌های گشوده

آنکه به عناصر اپوزیسیون آشنا به ساختار حاکمیت و نظام تبدیل شدن خود را نیز چونان نشانگان عدم قداست ارزش‌های نظام در هرجا مطرح می‌ساختند.

### تحلیل عملکرد یک نمونه استحاله‌شده

یک نمونه از این استحاله‌شده‌گان «محسن سازگار» بود که در جریان آشوب‌های پس از انتخابات به عنصری فعال برای بومی‌سازی کودتا یا انقلاب رنگین در خدمت رسانه‌های آمریکایی درآمد و تلاش فراوان داشت خود را مؤسس سپاه پاسداران بنمایاند؛ وی در مورد روند استحاله عقیدتی خود نوشته است:

در سال ۶۳ من احساس کردم که یک دوگانگی در عرصه سیاسی ایران وجود دارد و جایی از کار عیب دارد و با خود گفتم که تا نفهم کجای کار عیب دارد، حاضر نیستم کار اجرایی کنم، به همین دلیل در انتهای سال ۶۴، با اصرار زیاد از ریاست سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران استغنا دادم و به کار مطالعاتی پرداختم، اولین بار کتاب «ولايت فقيه» آقای خمینی را دوباره خواندم و به دنبال آن یک سلسله آرای متغیرین اسلامی را هم دوباره با تکاهی انتقادی مطالعه کردم سپس با خود گفتم که چرا باید یک قرائت حداکثری از دین داشته باشم و چرا فکر می‌کنیم که وظیفه دین آبادکردن دنیاست. دوستی و شاگردی من نسبت به دکتر سروش البته در جهت گرفتن مطالعاتی در این سالیان بسیار مؤثر بود. به هر صورت من در سال‌های ۶۵ و ۶۶ یک تجدیدنظر طلب درست و حسابی شده بودم.<sup>۱</sup>

محسن سازگارا در ادامه روند تجدیدنظر طلبی در انتخابات سال ۸۸ به شکل فعال وارد صحنه شد و در همه موارد به مثابه یک نیروی عامل اطلاعاتی بیگانه در مسیر جنگ روانی آمریکایی‌ها قرار گرفت.

او پیش از انتخابات با ذکر اینکه اساساً سه گفتمان فاشیسم، مارکسیسم و لیبرالیسم

۱. سازگار، محمدمحسن (۱۳۸۱). «اعتراف می‌کنم به ساده‌گاری‌های تئوریک خود»، هفته‌نامه یک هفتم، ش ۲۱ ص ۱۰

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۹۱

در ایران همواره در جنگ بوده‌اند؛ میرحسین موسوی را متعلق به گفتمان مارکسیستی دانسته و او را رد می‌کند؛ او در مطلبی تحت عنوان «حاشیه‌ای جذاب‌تر از متن» در ۱۵ خرداد ۸۸ (یک هفته قبل از انتخابات) می‌نویسد:

اگرچه در ایران، مارکسیسم همواره زیر فشار بوده و احزاب و سازمان‌های مارکسیستی در جریان انقلاب اسلامی و تمامی سالیان حاکمیت جمهوری اسلامی به شدت سرکوب شده‌اند، اما از دهه ۴۰ هجری شمسی، تفکر ایدئولوژیک چپ‌گرای انقلابی، به صورت گفتمان غالب جامعه ایران حتی در میان مسلمانان درآمد. شاخص‌ترین متفکری که از اسلام، قرائتی ایدئولوژیک، انقلابی و چپ‌ارائه کرد، علی شریعتی بود. سازمان‌های انقلابی اسلامی نیز همگی این تفکر را برگزیدند و در واقع انقلاب اسلامی با این تغوری به پیروزی رسید... اگرچه این تفکر در میان پاره‌ای از نیروهای ملی‌مندی و بخش‌های متعددی از نیروهای دینی و غیردینی رایج است اما با نفوذ‌ترین تشکیلات مدافع این نظریه در ایران را باید سازمان «مجاهدین انقلاب اسلامی» دانست. روحانیونی چون سید محمد موسوی خوئینی‌ها را می‌توان هنوز تجسم کامل این تفکر دانست. با توجه به پیشینه و مواضع امروزی آقای میرحسین موسوی باید ایشان را نمایناده این تفکر در انتخابات پیش رو دانست.

سپس وی در حالی که گفتمان لیبرالیستی را مطلوب خود می‌داند، معتقد است مهم‌ترین مشخصات این گرایش در ایران عبارتست از:

۱. ارائه یک قرائت حداقلی از دین و جداسازی دین از بسیاری حوزه‌های زندگی جمعی و فردی از جمله سیاست.
۲. پلورالیستیک دیدن دین و از این طریق راهگشایی برای پلورالیسم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی.
۳. فروکاستن دین به قرائت‌های بشری از آن، حتی در مرحله وحی و راه

بازکردن برای عقل مدرن.

۴. پذیرش محصولات عقل مدرن چون دموکراسی نوین و حقوق شهریوندی و راهنمای قراردادن آنها برای اداره جامعه و قراردادن پایه مشروعیت حکومت تنها بر رأی مردم.

۵. پذیرش لزوم حاکمیت اقتصاد آزاد در مناسبات تجاری و تبادل دولت بزرگ و دخالتگر کنونی به دولتی حادثی و پاسخگو به مردم.

۶. نفعی تئوری توطئه و ایدئولوژی گرایی در سیاست خارجی و لزوم برقراری رابطه با تمام کشورها در عصر جهانی شدن بر اساس کسب حداکثر منافع ملی.<sup>۱</sup>

آنگاه وی مظهر گفتمان لیبرالیستی را آقای مهدی کروبی دیده و می‌نویسد:

اگر چه مهدی کروبی به عنوان یک روحانی، شخصاً تئوری پردازی در این زمینه‌ها نکرده است اما به دلیل کسانی که از او پشتیبانی کرده‌اند و فعالیت‌های انتخاباتی او و برنامه‌هایی که برایش نوشته‌اند، او را باید نزدیک‌ترین کاندیدا به این تفکر دانست.<sup>۲</sup>

این فرد در همان حال در گفتاری متناقض در مورد کروبی اظهار داشته است:

آقای کروبی یک خوبی دارد که وقتی کاری می‌کند روشن و شفاف می‌گوید این کار را می‌کنم. ولی به لحاظ مواضع، ایشان کاملاً در مرز اصلاح طلبان و اقتدارگرایان ایستاده است و اصولاً چهره‌ای محسوب نمی‌شود که بخواهد چیزی را عرض کند و ما حرف جدی‌ای از ایشان نشنیده‌ایم. ایشان همان قدر به آقای خامنه‌ای و اقتدارگرایان سرویس می‌دهد که به اصلاح طلبان. به خصوص اینکه اصلاح طلبان به ایشان به

۱. منبع پیشین

۲. منبع پیشین

عنوان یک یهودا نگاه می‌کنند!<sup>۱</sup>

همین فرد با نظام تحلیلی آشفته خود به ناگهان پس از انتخابات به هادار جدی جریان سبز تبدیل شده و در مقاله‌ای در اول تیرماه ۸۸ تحت عنوان «چگونه با کودتا و کودتاقیان مقابله کنیم؟» به عنصر کلیدی در خطدهی به آشوب‌ها و بومی‌سازی تاکتیک‌های کودتای محملین تبدیل می‌شود؛ لذا در آغاز نوشتار خود می‌نویسد:

نوشته پیش رو مجموعه راهکارهایی است که به منظور مقابله با کودتا و کودتاقران تنظیم شده است. در این نوشتار ابتدا به هدف مورد نظر و سپس تقویت یکپارچگی و مقاومت ملی، تاکتیک‌های پیشنهادی، چگونگی فرسایش کودتاقیان و فلوج‌سازی حکومت کودتا پرداخته و آنگاه تاکتیک‌های ضدجنپیش از طرف کودتاقی‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

سپس دقیقاً روش‌های طراحی شده توسط سیستم‌های اطلاعاتی غربی را بر اساس مدل انقلاب‌های محملین در راستای توصیه‌های «جین شارپ» چنین ارائه می‌کند.

هدف: پایین آوردن کودتاقیان از قدرت و محکمه آنها

استراتژی: استراتژی سه مرحله‌ای مقابله عبارتست از:

الف- تقویت یکپارچگی و مقاومت ملی

ب- فرسایش کودتاقیان

ج- فلوج‌سازی حکومت کودتا

تاکتیک‌های پیشنهادی ذیل این سه سرفصل:

الف: تاکتیک‌ها برای تقویت یکپارچگی و مقاومت ملی

۱. الله‌اکبر گفتن هر شب تمام مردم روی پشت‌بام‌ها از ساعت ۱۰ تا ۲۰:۳۰

۱. محمدی، مسعود؛ محسن سازگارا کیست؟ <http://tabnak.ir>

- و خواندن دعاهای و شعارهای واحد در هرجای ممکن و در هر مراسمی.
۲. جلب حمایت بین‌المللی برای همبستگی با ملت ایران و انسواد کودتاچیان. (وظیفه مبارزان خارج از کشور)
  ۳. افزایش حاشیه امنیت برای جنبش اعتراضی از طریق اعتراض‌های کم‌هزینه‌تر مثل شعارنویسی روی دیوارها، چسباندن برچسب‌های سبز روی عکس‌های خامنه‌ای، ساختن اشعار جدی و شوخی برای رهبر کودتا (آقای خامنه‌ای) و خواندن آنها در اماکن عمومی و دهها روش ابتکاری دیگر.
  ۴. پایین آوردن انتظارات عمومی برای یک پیروزی سریع (ممکن است مبارزه چندین ماه طول بکشد)
  ۵. استفاده از رنگ (در حال حاضر رنگ سبز، رنگ جنبش است) و سمبول‌های همگانی دیگر مثل سرودها یا علامت‌ها
- ب: فرسایش کودتاچیان
۱. حضور مردم در خیابان‌ها و تظاهرات موضعی کوچک و بزرگ در نقاط مختلف شهرها و روستاهای برای فرسایش و پراکنده کردن قوا کودتاچیان
  ۲. مختل کردن خطوط ارتباطی و انتقال قوا کودتاچیان مثل: مختل کردن ترافیک - تظاهرات همزمان در نقاط متفاوت و ایجاد مانع برای حمل و نقل قوا کودتا (مثال: شیراز - بستان خیابان با بشکه و تیرآهن)
  ۳. جنگ روانی با کودتاچیان از طریق جذب بخش‌هایی از سپاه و بسیج و پاسیس، شعار به نفع ارتش، مقابله و ایجاد ترس و وحشت در دل سرکوبگران به خصوص لباس شخصی‌ها و انتشار اسم و عکس و کار کردن روی خانواده‌های آنها و دهها روش دیگر.
  ۴. بزرگداشت یاد زنده‌انیان و قربانیان و شهدای جنبش و برگزاری مراسم ابتکاری و پی در پی و شورانگیز برای آنها، روشن کردن شمع پشت پنجره خانه‌ها، تکثیر عکس و زندگینامه آنها و خواندن سرود و دهها روش

### ابتکاری دیگر

۵. استفاده از زنان برای پیشبرد جنبش به خصوص زنان و مادران و دختران فعالان شهیدشده و زندانی
۶. تحصن در مناطق مختلف

### ج: فلوج سازی حکومت کودتا

۱. ساختن کانال‌های ارتباطی بین جنبش‌های اجتماعی زنان، کارگران، دانشجویان، معلمان و اقلیت‌ها به خصوص تلاش برای جذب جنبش کارگری (مهم‌ترین عنصر برای مقابله با کودتا)
  ۲. مختل‌کردن مراکز قدرت کودتاچیان به خصوص مراکز ارتباطی و اطلاع‌رسانی مثل سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون و مراکز انرژی
  ۳. تسخیر مراکز کودتاچی‌ها به خصوص نفاطی که کارشان را مختل می‌کند.
  ۴. تشکیل کمیته‌های اعتصاب در بین اقوام مختلف به خصوص کارگران و شبکه‌های حمل و نقل مثل مترو و اتوبوس‌رانی
  ۵. ایجاد شبکه‌های مالی برای پشتیبانی از اعتصاب‌کنندگان، قربانیان و فعالان در بناد و کمک روانی و روحی به خانواده‌ها
  ۶. سازماندهی اعتصابات موضعی به سمت اعتصابات سراسری تا سرحد فلوج سازی کامل کشور. در این مرحله کار حکومت کودتا تمام می‌شود.<sup>۱</sup>
- پیرامون چگونگی رسوخ روند استحاله سیاسی که تابعی از استحاله فرهنگی است، مباحث زیادی مطرح شده است ولی در مورد اینکه روند برنامه‌ریزی شده و با هدایت عوامل خارجی بیگانگان و اپوزیسیون، البته در بسترها آماده ذهنی بعضی از افراد رخداد، تردید وجود ندارد.

۱. سازگار، محسن؛ چگونه با کودتا و کودتاچیان مقابله کنیم؛ ۱ تیرماه ۱۳۸۸؛ <http://www.sazegara.net>

گفته شده است که «در سال ۱۳۶۸ سازمان سیا با همکاری سرویس اطلاعاتی آلمان و واسطه‌گری «علی امینی» کنفرانس‌های مبورگ را برگزار نمود. سلطنت‌طلبان و جناح‌های چپ و راست اپوزیسیون خارج از کشور، پس از شرکت در این کنفرانس، مشی و گفتمان خود را رسماً تغییر دادند. جمع‌بندی مسائل مطرح شده در کنفرانس های مبورگ به این صورت بود که پایگاه مردمی و اجتماعی جمهوری اسلامی غیرقابل خدشه است و باید با برنامه‌های فرهنگی زمینه را برای استحاله مسئولین نظام و سپس مردم فراهم کرد.»

### تغییرات نسلی و جمعیتی

سیستم‌های اجتماعی به گونه‌ای عمل می‌کنند که تلاش برای حل یک مشکل ممکن است، باعث بروز مشکلات جانبی شود، به عبارتی تصمیماتی که موجب رخ دادن یک پدیده می‌شود، می‌تواند باعث عکس‌العمل‌هایی شود که توازن را برهم زند. رشد جمعیت از جمله این پدیده‌هاست که اثرات جنبی فراوان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای کشور داشته و می‌تواند حتی بقا و فنای نظام را نیز هدف قرار دهد. یکی از عواملی که منجر به تقویت گرایش سیاسی معتقد به کاهش کترل در حوزه‌های مختلف شد؛ موج جمعیتی بود که از سال‌های اواخر دهه ۵۰ ناگهان با نرخی بالا افزایش یافت؛ ورود این جمع کثیر در اواسط دهه ۷۰ به صحنه سیاسی و اجتماعی، عملاً تعادل موجود در صحنه را به هم ریخت و تبعات فراوانی از خود به جای گذاشت.

ابتدا لازم است تصویری اجمالی از تحولات جمعیتی ایران در دهه‌های گذشته ارائه دهیم:

همانند اکثر کشورهای در حال توسعه، ایران نیز بعد از جنگ جهانی دوم طی مراحل انتقال، جمعیتی را با کاهش اساسی و مستمر مرگ و میر آغاز کرد. در فاصله دهه

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۹۷

۱۳۳۰ تا دهه ۱۳۶۰ ایران با رشد بی‌سابقه و شتابان جمعیت مواجه بود. به طوری که معدل رشد سالانه جمعیت در این چهار دهه به رقمی حدود ۳ درصد بالغ می‌شد. رشد سالانه ۳ درصد، سبب شد جمعیت، هر ۲۳ سال یکبار دو برابر و در طول یک قرن بیش از ۱۶ برابر شود. رشد سالانه ۳ درصد سبب شد، جمعیت ایران از رقمی کمتر از ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به رقمی بالغ بر حدود ۵۰ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ برسد. پیشرفت بهداشت و گسترش آن و به تبع آن کاهش میزان مرگ‌ومیر به‌ویژه مرگ‌ومیر نوزادان و اطفال، نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای در شتاب رشد جمعیت داشته‌اند.<sup>۱</sup>

این تحلیل از منظری دیگر هم مورد تأکید قرار می‌گیرد:

ایران در ابتدا انتقلاب ۳۳ میلیون نفر جمعیت داشت که با رهاکردن سیاست‌های کنترل جمعیت در دامنه موج جمعیتی قرار گرفت و جهش جمعیتی به شکل حرف U لاتین را تجربه کرد.<sup>۲</sup>

یک مقام مسئول هم این تحلیل‌ها را تأیید می‌کند:

جمعیت کل کشور در مقایسه با ۳۰ سال گذشته ۴۹ درصد رشد پیدا کرده است. بیش از ۲۴ میلیون نفر از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند. جمعیت جوانان شهری در پایان سال ۱۳۸۵ به ۱۶ میلیون نفر رسیده است و اگرچه هم اکنون آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد ولی با افزایش مدام سالانه روی رو بوده است به طوری که تقریباً از هر سه نفر جوان ایرانی دو نفر آنها در شهرها زندگی می‌کنند.<sup>۳</sup>

۱. دکتر محمد میرزایی؛ پژوهش جالش‌های جمعیتی ایران؛ دیرخانه شورای اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۳  
<http://www.iranculture.org>

۲. گفتگو با دکتر حمید طراوتی؛ www.jdmpress.com

۳. سید احمد قشمی رئیس سازمان ثبت احوال استان تهران در گفتگو با خبرگزاری مهر؛ ۱۳۸۷/۱۱/۲۲

### وضعیت هرم سنی در حال حاضر

در حال حاضر هرم سنی جمعیت ایران در حال انتقال از جوانی به سالخورده‌گی است. بدین ترتیب اگر نقطه شروع کاهش اساسی و مستمر باروری در ایران را سال ۱۳۶۵ در نظر بگیریم تا پایان ربع اول قرن پانزدهم هجری شمسی (۱۴۲۵) ساختار جمعیت ایران ساختاری کاملاً سالخورده خواهد بود. در حالیکه تا سال ۱۳۷۵ همواره کمتر از ۵ درصد از کل جمعیت ایران در سنین بالاتر از ۶۵ سال قرار داشتند و هنگام نیل به سالخورده‌گی کامل جمعیت (دهه سوم قرن پانزدهم) نسبت درصد جمعیت ۶۵ ساله به بالا به حدود ۱۵ درصد رسیده و در واقع بیش از سه برابر خواهد شد.

### مشکلات ناشی از جهش جمعیتی

از نظر روند تحولات ساختاری ناشی از کاهش مستمر باروری، آنچه در حال حاضر مسئله محوری است، تراکم نسبت زیادی از جمعیت در سنین نوجوانی و جوانی یعنی ۱۵ تا ۲۴ سالگی است. افراد واقع در این گروه سنی هنگامی که سطح باروری کشور بالا بوده (دهه اول بعد از انقلاب اسلامی) به دنیا آمده‌اند و به همین لحاظ تراکم نسبی بالا را با خود به این سنین منتقل کرده‌اند. نسبت درصد جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله از کل جمعیت برای اولین بار در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۲۰ درصد رسید و از آن پس نیز روندی رو به افزایش داشته است. به طوری که در حال حاضر نسبت مذکور، به رقمی ترددیک ۲۵ درصد رسیده و در طول دهه ۱۳۸۰ نیز این افزایش ادامه خواهد داشت. افزایش جمعیت جدا از بحث آثار مستقیم جمعیتی خود آثار تبعی فراوان دیگری دارد که از منظر حکومتی بسیار مهم‌تر است:

تأمین نیازهای مرتبط به آموزش عالی، ایجاد اشتغال و بالاخره ازدواج و تشکیل خانوارده خیل عظیم نوجوانان و جوانان در دهه جاری از مسائل اصلی و محوری کشور است. در دهه ۱۳۸۰ میزان ازدواج و به تبع آن

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۹۹

باروری افزایش خواهد یافت که این منجر به نوعی مقاومت موقت در مقابل روند رو به کاهش باروری خواهد شد.

میزان بالای رشد جمعیت فعال در دهه اخیر در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ رشد سالانه جمعیت فعال ۴/۷ درصد و سه برابر رشد سالانه کل جمعیت بوده است. اگر جمعیت فعال به تفکیک شاغلان و بیکاران در جستجوی کار در نظر گرفته شوند در آن صورت در فاصله سال‌های مذکور، رشد سالانه شاغلین ۴/۱ درصد و رشد سالانه بیکاران بیش از دو برابر و ۹/۶ درصد بوده است. به همین لحاظ میزان بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. در نیم قرن اخیر تغییرات بنیادی در شکل و ویژگی‌های خانواده در ایران محسوس بوده است. انتقال از خانواده گسترده به هسته‌ای از بازترین این تغییرات بوده و کاهش اساسی و مستمر مرگ و میر شansas دوام و بقای خانواده را افزایش داده و از آن طریق به تثییت خانواده هسته‌ای کمک کرده است. اگرچه مناطق مختلف به طور ناهمزنمان و به درجات متفاوت در معرض دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته‌اند، به همین دلیل به طور همزمان شاهد وجود و ادامه حیات اشکال گسترده، گسترده شکسته، هسته‌ای تکمیلی، هسته‌ای مشارکتی و اشکال ترکیبی دیگر خانواده در ایران هستیم، اما شکل غالب خانواده شهر، هسته‌ای است و خانواده گسترده فرایند افول را طی می‌کند.<sup>۱</sup>

این تحلیلگران تأکید دارند که با خروج قریب الوقوع ایران از دوره انتقال جمعیتی، خانواده در ایران دستخوش تغییرات شدیدتری خواهد شد.

---

۱. دکتر محمد میرزایی؛ پژوهش چالش‌های جمعیتی ایران؛ دیرخانه شورای اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۳  
<http://www.iranculture.org>

ضرورت تقویت مطالعات خانواده و تغییرات آن از استراتژی‌های اساسی پیش رو خواهد بود. با مطالعات مسیرهای مختلفی که کشورهای پیرامونی نزدیک‌تر به مرکز این تحولات، برای سازگار شدن با شرایط جدید پیموده‌اند می‌توان جامعه را برای برخورد سنجدیده با تغییر و تحولات آتی خانواده آماده کرد. موضوعاتی مانند همسرگزینی، سن ازدواج و تأخیر آن، مضیقه ازدواج، دوام ازدواج و بچه‌آوری از عمداترین و مهم‌ترین موضوعات مربوط به خانواده است که نیاز مبرم به مطالعه و بررسی سراسری و منطقه‌ای آن وجود دارد. شیوه‌های مختلف همسرگزینی در کشور و تبعات آن، تأخیر سن ازدواج (به تبع افزایش تمایل دختران به تحصیلات دانشگاهی و افزایش نرخ بیکاری پسران فارغ‌التحصیل) و تبعات آن، مضیقه احتمالی ازدواج برای دختران و تبعات آن و همچنین تأثیر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر خانواده‌ها و دخداخته‌های مربوط به افزایش نرخ طلاق و کاهش دوام ازدواج، هریک به دلایلی به فهرست مسائل اجتماعی کشور پیوسته است که باید مورد بررسی قرار گرفته و راه حلی برای آن پیدا شود. تغییر و تحولاتی که در مراحل انتقال جمعیتی صورت می‌گیرد، اثرات و پیامدهایی در ارتباط با روابط اجتماعی و فرهنگی دارد. این اثرات و پیامدها در سطح خرد از طریق خانواده و در سطح کلان از طریق جامعه نمود پیدا می‌کند.<sup>۱</sup>

تبعات تغییرات و تحولات جمعیتی همچنین بر مهم‌ترین رکن اجتماعی نظام نیز تأثیر خواهد گذاشت:

- ارتباط فرزندان با بزرگسالان در خانواده‌های با فرزندان کمتر، بیشتر از خانواده‌های با فرزندان بیشتر خواهد شد. چنین روندی اثرات رفتاری و از

---

۱. منبع پیشین

آن طریق تبعات اجتماعی و فرهنگی خواهد داشت.

- تغییر و تحولات مرحله انتقال جمعیتی، که خود در بستر توسعه اقتصادی و اجتماعی تحقق می‌یابد، منجر به افزایش ارتباط با نهادهای بیرون از خانواده و کاهش میزان تأثیر خانواده در تکوین رفتارهای اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

- کاهش مرگ و میر و متعاقب آن کاهش زاد و ولد و باروری منجر به تغییراتی در مسیر و دوره‌های زندگی می‌شود. در شرایط باروری کترل شده، معمولاً هنگامی که والدین به سنین حدود ۵۰ سالگی می‌رسند فرزندان آنها استقلال نسبی پیدا کرده و پدر و مادر از مسئولیت‌های مستقیم فرزندان در ارتباط با بهداشت و آموزش فارغ‌شده‌اند. دریک جامعه توسعه‌یافته، با توجه به کاهش مرگ و میر و نیل به امید زندگی بالا (حدود ۷۵ سال)، یک فرد ۵۰ ساله به طور متوسط حدود ۳۰ سال از زندگی را پیش رو دارد. بدین ترتیب دوره جدیابی از زندگی که جمعیت‌شناسان اجتماعی آن را دوره «بعد از پدر و مادری» نامیده‌اند در جوامع نوین نمود پیدا کرده است. تأمین نیازهای خاص این دوره اعم از نیازهای اقتصادی و رفاهی یا نیازهای روانی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت خاصی پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

حتی نهاد ریاست جمهوری هم در این مورد ابراز نگرانی‌هایی کرده است:

در هرم سنی جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ افزایش فوق العاده جمعیت گروه‌های سنی ۱۹ - ۲۰ - ۲۴ و ۱۵ - ۱۶ ساله (نسل متولدان بعد از انقلاب) به طور کامل نمایان است که این وضعیت باعث شده در حال حاضر کشور با پدیده «تورم جوانی» روبرو باشد. هرچند اقتصاد انان چنین وضعیتی را به

۱. منبع پیشین

عنوان «فرصت طلایی» اطلاق می‌کنند اما افزایش بیش از حد جمعیت در این سالین تأثیر خود را بر تعداد موالید دهه آینده خواهد گذاشت که این پدیده به «اثر گشتاور جمعیتی» معروف است. در حال حاضر چنین پدیده‌ای در حال شکل‌گیری است به این ترتیب که در سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت کمتر از یک‌سال (۱/۱۴۱/۹۶۷) بیش از جمعیت یک‌ساله (۱/۰۸۵/۵۱۱) و جمعیت یک‌ساله نیز بیش از جمعیت دو‌ساله (۱/۰۶۲/۲۶۴) بوده است.<sup>۱</sup>

منتقدان رشد جمعیتی پرستاب آغاز انقلاب تأکید می‌کنند:

اگر روند رشد دهه نخست انقلاب تداوم می‌یافتد، به طور حتم و یقین، امروز ساختار بسیار شکننده‌ای از نظر رشد و توسعه ملی بر مملکت حاکم می‌شود. با این اضافه جمعیت معلوم نبود سرنوشت آرمان‌هایی همچون انسجام و اقتدار ملی، همبستگی‌های اجتماعی به کجا می‌کشید؟ مطالبات ارضانشده فراینده اقتصادی اجتماعی خالق چه تنش‌ها و تشنج‌هایی می‌شود؟ رشد فراینده نیازهای مصرفی ناشی از یک جامعه انباسته‌شده از نوزادان، کودکان و نوجوانان، چه مصائبی را برای خانواده‌ها و مملکت ایجاد می‌کرد؟ و به طور کلی از یک جمعیت درگیر، گرفتار، مملو از سربار، فاقد پس‌انداز، فاقد قدرت خرید مکفی و مبتلا به بیکاری و فقر، چگونه می‌شد انتظار داشت که به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی و ملی پای‌بندی نشان دهد.<sup>۲</sup>

همین کارشناس که مدیر اجرایی هم بوده است با اشاره به وضعیت کشور به تبع رشد شتابان جمعیت و تغییر فاحش آن نسبت به قبل از انقلاب (از ۲/۷۱ درصد در دهه

۱. تحولات جمعیتی ایران در دهه اخیر؛ نشریه برنامه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور

۲. الوری، محسن؛ پیامدهای تغییر سیاست جمعیت؛ ۱۳۸۹/۱۵؛ روزنامه اطلاعات

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۱۰۳

۴۵ - ۵۵ به ۳/۹۲ درصد در دهه ۶۵ - ۵۵) و تداوم مهاجرت به شهرها که موجب

شکل‌گیری رشد ۵/۴۱ درصدی جمعیت در شهرها شد؛ معتقد است:

آموزش و پرورش کشور را با مشکل کمبود فضای آموزشی مواجه ساخت.

شکل‌گیری مدارس سه شیفته (و حتی بعضًا چهار شیفته) در برخی نقاط کشور و حتی در مناطق آموزشی جنوب شهر تهران پدیده نامیمونی بود که انفجار جمعیت دهه اول انقلاب به عنوان اولین پیامد تاخ خود به بار آورد. آموزش و پرورش در برخی نقاط مجبور شد ساختمان‌هایی را که قادر حداقل امکانات و تسهیلات آموزشی بود، بنا به ضرورت به صورت مدرسه مورد استفاده قرار دهد.

گزارش‌های فراوانی در زمینه شیوع بیماری یا شکل‌گیری مغاسد اجتماعی و افت آموزشی در اینگونه مدارس دائمًا به مسئولین آموزش کشور ارسال می‌شد، اما به دلیل محدودیت اعتبارات آموزش و پرورش و سایر تنگناها این مشکل تا چند سال ادامه داشت تا در نتیجه اتخاذ سیاست‌های جدید به تدریج حل شد.<sup>۱</sup>

دکتر حسین باهر، رفتاوشناس و مدرس دانشگاه شهید بهشتی در این‌باره می‌گوید:

درباره رفتاوشناسی، فرمولی وجود دارد که بر اساس آن، همواره در شرایط مساوی، حاصل ضرب کمیت در کیفیت مقدار ثابتی می‌شود. در حقیقت هر قدر کمیت افزایش یابد، کیفیت کاهش خواهد یافت و برعکس. این قانون حتی در طبیعت هم وجود دارد. هر قدر بیچیدگی موجودات بیشتر باشد، میزان موالید آنان کمتر است و هر قدر کمیت کاهش یابد، کیفیت بیشتر می‌شود. نسبت معکوس کیفیت و کمیت، قانون طبیعت است. طبق

۱. منبع پیشین

همین الگو، هر قدر در جوامع انسانی جمعیت بیشتر باشد، امکانات رشد و ارتقای جمعیت کمتر می‌شود.<sup>۱</sup>

بیکاری نیز به عنوان یک امalfساد از تبعات این جهش جمعیتی مدیریت نشده بود که آثار سیاسی آن غیرقابل انکار است:

گزارش نشریه برنامه، ارگان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، به نقل از مرکز آمار ایران که در شماره ۳۴۱ این نشریه منتشر شده، نشان می‌هد که نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به نرخ بالای ۲۲/۷ درصد رسیده و این نرخ برای مردان ۲۰/۹ درصد و برای زنان ۲۹/۹ درصد محاسبه شده است.

نکته قابل تأمل آن است که نرخ بیکاری جوانان در شهرها، نرخ بالای ۲۷/۷ درصد را نشان می‌دهد که تبعات اجتماعی آن در مناطق شهری و با وجود هزینه‌های بالای زندگی قابل تأمل است. اگرچه نرخ بیکاری جوانان در مناطق روستایی ۱۳/۷ درصد اعلام شده، اما نشان دهنده این واقعیت است که در روستاهای قطب‌های تولید کشاورزی کشور هستند فرصت‌های لازم برای اشتغال جوانان در حد کفايت نیست.

نرخ بیکاری جوانان برای سنین ۱۵ تا ۲۹ ساله نیز بالای ۲۰ درصد یا رقیم ۲۰/۴ درصد اعلام شده است که برای مردان ۱۸/۳ درصد برای زنان ۲۸/۸ درصد محاسبه شده است. همچنین نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در مناطق شهری نرخ بالا و قابل تأمل ۲۳/۸ درصد و برای روستاهای نیز ۱۳/۱۱ درصد اعلام شده است. نرخ مشارکت اقتصادی جوانان در سال ۱۳۸۵ معادل ۴۱/۲ درصد اعلام شده است، یعنی از ۲۴ میلیون نفر جمعیت جوان کشور بیش از ۹ میلیون نفر جویای کار هستند و طبق آمارگیری اخیر ۱/۸

---

۱. سونامی جمعیت؛ بحران پیش‌روی ایران؛ آرزو رستمزاد؛ <http://asrefarda.ir>

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۱۰۵

میلیون نفر آنها بیکار هستند. در حالت عادی، جمعیت زیاد یک مزیت است؛ اما جمعیت زیادی که نتوان آن را کنترل کرد، آسیب محسوب می‌شود. درست مثل باران که رحمت است اما اگر بیش از حد باشد، سیل راه می‌اندازد و باعث خسارت‌های زیان‌بار جانی و مالی می‌شود.<sup>۱</sup>

هم‌اکنون که با کمبود پیمایش‌های استاندارد علمی در زمینه شناسایی آسیب‌های اجتماعی در سطح ملی رو به رو هستیم و هر محققی ناگزیر است بر اساس تجربیات و مطالعات خود معضلات و آسیب‌های اجتماعی ایران را فهرست کند. بر اساس دیدگاه‌های یک جامعه‌شناس همسو با جریان اصلاحات؛ پاره‌ای از آسیب‌ها به این شرح است:

۱. ضعف مراعات قواعد اخلاقی در اغلب سطوح روابط اجتماعی: اغلب مطالعات موجود، «رواج بی‌اعتمادی» در جامعه ایران را تأیید می‌کنند. یکی از دلایل رواج بی‌اعتمادی همین ضعف مراعات قواعد اخلاقی است.
۲. دومین آسیب، درصد بالای فقر است که جمعیتی بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون را دربرمی‌گیرد. اگرچه پس از انقلاب روند کلی رشد فقر کاهش داشته، ولی چون جمعیت دو برابر شده، بالایودن تعداد فقر، همچنان نگران‌کننده است. خصوصاً اگر علت بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر را همین فقر بدانیم، این تعداد فقر را نگران می‌کند.
۳. سومین آسیب اجتماعی معضل اعتماد است.
۴. هم‌اکنون بیکاری در ایران فقط یک معضل اقتصادی نیست، بلکه یک معضل حاد اجتماعی نیز هست. اول اینکه آمار ۴ تا ۵ میلیون بیکار از لحاظ کمی بالاست. از لحاظ کیفی نیز بیکاری هم در اقسام پایین و هم اقسام بالای جامعه معضل ایجاد کرده است. در اقسام پایین، پدر و مادر

۱. آخرین وضعیت بیکاری در ایران؛ روزنامه سیاست روز؛ ۱۳۸۸/۰۹/۲۱

نمی‌توانند از پس مخارج زندگی و خورد و خوراک فرزندان بیکار خود را برآیند و همین فشار اجتماعی، جوانان بیکار را به انجام تخلفات اقتصادی، انحرافات اجتماعی، اعتیاد، افسردگی و خودکشی ترغیب می‌کند. در اشعار متوسط جامعه نیز، شاهد خانواده‌های هستیم که در آن یک یا چند جوان تحصیل کرده بیکار زندگی می‌کنند و همین عامل یکی از زمینه‌های بروز تنش در خانواده‌های متوسط جامعه شده است. حتی تعداد زیادی از ازدواج‌هایی که در طبقه متوسط انجام می‌شود با کمک همه جانبه پدر و مادرها صورت می‌گیرد و خود جوانان به خاطر نداشتن شغل قابل قبول، نمی‌توانند از عهده هزینه‌های زندگی (و دفاع از منزلت اجتماعی خود) برآیند.

۵. پنجمین معضل و آسیب اجتماعی، حاشیه‌نشینی است. بسته به معیارهایی که برای تعیین حاشیه‌نشین‌ها به کار می‌روند، از جمعیتی بین ۵ تا ۲۰ میلیون نفر به عنوان حاشیه‌نشین یاد می‌شود.

۶. ششمین معضل، رشد فزانینه تعداد ضرب و شتم، قتل، دزدی، جرم و جنایت است.

۷. از هفتمین معضل می‌توان تحت عنوان آسیب‌های دیگر یاد کرد، از جمله رشد فزانینه طلاق، تعداد رو به فزونی زنان سرپرست خانوار بدون درآمد، رشد کودکان بی‌سرپرست، آسیب‌های مربوط به بدن.<sup>۱</sup>

تردیدی وجود ندارد که آثار سیاسی و حتی دیپلماتیک بسیاری بر تغییرات جمعیتی مترتب است. مثلاً همانگونه که تورم جمعیت جوان، فرصتی بزرگ برای کشور است عدم مدیریت این انرژی متراکم و مطالبات آنها می‌تواند بسیار تهدیدآفرین باشد. چنانچه با ورود موج جمعیتی نسل نو به صحنه سیاسی از سال ۷۴ عملاً تغییرات

۱. متن سخنرانی حمیدرضا جلالی در مراسم آغاز به کار رسمی مؤسسه رحمان (رشد، حمایت، اندیشه) در حسینیه ارشاد - ۲۶ شهریورماه ۱۳۸۷. روزنامه اعتماد

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۱۰۷

شگرفی در توازن نیروها پدید آمد. یارگیری جریان موسوم به اصلاحات از نسل جوان و نوجوان و حتی در حرکتی سوء استفاده فرصت‌طلبانه از مطالبات اجتماعی و نیز پاره‌ای از خواستهایی که بیشتر تابعی از اقتضایات سنی آنهاست، باعث ایجاد فضایی ملتهب در صحنه سیاسی شد که موجب تغییر در موازنه مطالبات نیز گشت. علاوه بر این، آثار منفی مسائل اجتماعی و اقتصادی نظیر بیکاری یا تغییر ساختار خانواده قادر است نگرش‌های ارزشی در جامعه را دگرگون کرده و بر رویکرد کلان جامعه و نظام اسلامی تأثیر گذارد.

### نقش جمعیت در تحولات پس از انتخابات

سرمایه‌گذاری جریان‌های مخالف نظام اسلامی روی تحولات جمعیتی انکارناپذیر است. اتکا بر رشد جمعیت جوان و خصلت‌های سنی ویژه آنان در کنار توجه به نقش طبقهٔ متوسط و سطح فزاینده توقعات آنها به عنوان بستر زمینه‌ساز تحولات واگرایانه ارزشی در تعامل با ارزش‌های نظام اسلامی باعث شده است که تحلیل جمعیتی و شناخت لایه‌های اجتماعی در دستور کار جریان‌های اپوزیسیون قرار گیرد و وزن قابل تأملی را در تحلیل‌های آنان به خود اختصاص دهد.

جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله را باید از طبقهٔ متوسط مدرن شهری به معنای اخص کلمه تفکیک کرد. دانشجویان و دانشآموختگان بیکار از پرشمارترین گروه‌های این جوانانند که پای ثابت اعترافات خیابانی را تشکیل داده، بیشترین شهدا (!!) را تقدیم آن کرده‌اند...<sup>۱</sup>

میرحسین موسوی در بیانیه شماره ۱۶ خود درباره وزن نسبی این گروه اجتماعی در ساختار جمعیتی ایران چنین اظهار می‌دارد:

۱. بابا علی، مهرداد؛ بحران نظام جمهوری اسلامی؛ بازسازی یا فروپاشی؟ مجله آرش؛ <http://www.arashmag.com>

«دانشجویان نه مستورهای کوچک از مردم، که یکسی از وسیع‌ترین و فعال‌ترین قشرها را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر از هر ۲۰ ایرانی یک نفر دانشجو است».<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر ۵ درصد جمعیت کشور دانشجو هستند. هاشمی رفسنجانی نیز در دیدار با چهار تشكیل دانشجویی در مشهد درباره وزن این قشر چنین می‌گوید: «جامعه‌ای را که سه چهار میلیون دانشجو دارد نمی‌شود با فریب اداره کرد».<sup>۲</sup>

تحقیقات میدانی نیز وزن این قشر را تأیید می‌کنند و بر برخی جوانب مشارکت فعال این اشار در اعتراضات اخیر پرتو می‌افکند.

**مطالبات جنسی در پرتو مطالبات اجتماعی و سیاسی**  
نمی‌توان بر این عوامل آشکار و واضح، نکاتی مهم ولی معمولاً مغفول نظر مطالبات جنسی برآمده از شرایط سنی را نیغرود.

چنانچه جریان مخالف نظام اسلامی روی این پدیده‌های به ظاهر غیر مؤثر تحت عنوان انقلاب جنسی سرمایه‌گذاری کرده است.

انقلاب جنسی شامل تغییر در تفکر اجتماعی و کدهای رفتاری مربوط به تمایلات جنسی در سراسر جهان غرب است<sup>۳</sup> که در اینجا تحلیلگران غربی کوشیده‌اند به ایران نیز تسری دهند.

به عنوان مثال نشریه *Nation* در مقاله‌ای با عنوان «بوسه‌های ربووده شده: انقلاب

۱. موسوی، میرحسین، «بیانیه شماره ۱۶ مهندس میرحسین موسوی به مناسبت ۱۶ آذر»

۲. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، «هاشمی رفسنجانی: جامعه‌ای را که سه چهار میلیون دانشجو دارد نمی‌شود با فریب اداره کرد»

3. Ilyn, David. (2000). *Make Love, Not War: The Sexual Revolution: An Unfettered History*. Little, Brown and Company.

جنسی<sup>۱</sup> ایران» نوشت:

چندسال پیش، در پی تلاشی برای تغییر آداب و رسوم جنسی در جمهوری اسلامی ایران، یک خانم جوان مردم‌شناس ایرانی - آمریکایی به نام پر دیس مهدوی، راهی وزارت آموزش و پرورش در تهران شد تا بتواند درباره برنامه‌های درسی مرتبط با جنس‌های مختلف، در نظام آموزشی ایران تحقیق کند... پر دیس مهدوی در کتاب خود با عنوان: «طغیان احساسات (شهوانی)، انقلاب جنسی ایران»، چنین به تصویر کشیده است... جامعه‌ای که در حال تحول است آن هم از زمانی که ۳۰ سال پیش، جامعه (ایرانی) تصمیمی ناگهانی گرفت و درباره این مسئله میان سنت و مدرنیته، سنت را ترجیح داد، حتی اگر بهای این تصمیم، پوجی، سرکوب و از دست دادن باشد. امروزه جوانان ایرانی به ویژه آن دسته از قشر متوسط و بالای جامعه، حاضر به قبول این روش نیستند و نسل قدیم ترجیح می‌دهد دنباله روی انتخاب نسل جدید باشد...

به نوشته پر دیس مهدوی (نویسنده کتاب) حتی وی شاهد این بوده که در یک مهمانی یا پارتی، که توسط دختر یک روحانی و در حالی که والدینش بیرون از شهر بودند، ترتیب داده شده بود، آن مهمانی کوچک به یک مجلس عیش بزرگ تبدیل شده است. مهمانی‌های کوچک‌تر هم گهگاه به محلی برای سکس گروهی تبدیل می‌شود. به رغم اینکه به وفور نیروهای پلیس در خیابان‌های ایران دیده می‌شود، جوانان به دنبال کسی می‌گردند که با او سکس داشته باشند، حالا ممکن است در ترافیک باشد که شماره خود را به ماشین بغل دستی می‌دهند یا اینکه به محلات پایین شهر می‌روند به این امید که کسی را پیدا کرده و با او رابطه جنسی برقرار کنند، آن هم در

محلى که کسی آنها را نمی‌شناسد و ممکن است دیگر هم با طرف رویه‌رو نشوند. جرم زنا برای زنان در ایران، مجازات سنگسار را در پی دارد اما نیمی از زنان ازدواج کرده‌ای که مهدوی در کتاب خود با آنها صحبت کرده، به شوهران خود وفادار نیستند و برای بسیاری از آنها، داشتن عشق نامشروع (غیر از همسر) یک سرگرمی متدائل است. تحقیق مهدوی نشان می‌دهد به رغم اینکه حجاب و پوشاندن سر و بخش‌هایی از بدن در ایران اجباری است، زنان به شدت به مدل علاقه نشان می‌دهند. (زنان در ایران) آرایش چندلایه و غلیظ می‌کنند و سعی می‌کنند حجاب را تا جایی که می‌شود سکسی کنند، چیزی مانند آنچه زنان غربی در تابستان به دنبال این نوع پوشش هستند.

در حالیکه این تصویر از جامعه جنسی ایران در سطح شاید شوک‌آور باشد، برای خیلی از کسانی که وقایع فرهنگی ایران را در یک دهه گذشته تعقیب می‌کنند یا گهگاه راهی ایران می‌شوند، عادی است.... چیزی بزرگ در حال رخ دادن است. یک چرخش در نسل و روندی که نشانه تغییر در جامعه‌ای است که قوانین اسلامی در آن کمتر تأثیرگذار است. اما حالا به شدت در حال رسوخ به درون جامعه ایرانی است ولی آیا جغرافیای طبقاتی، جامعه را به شمال و جنوب تقسیم کرده است؟ و در کشوری که همه چیز آن سیاسی است، چقدر این حرکت می‌تواند سیاسی باشد؟

خانم مهدوی نمی‌تواند در آن واحد همه‌جا باشد و تحقیق او هم‌ازاماً نشان‌دهنده تمام رفتار جنسی در سرتاسر ایران نیست. بیشتر تحقیق او بر روی طبقه بالا و میانی جامعه جوان ایرانی خواهان رابطه با جنس مخالف منمرکز شده است. این البته شبه‌فرهنگی است که ارزش تحقیق را دارد، چرا که تهران حدود ۱۴ میلیون جمعیت دارد و الگویی برای دیگر شهرهای ایران به شمار می‌رود، اما مهدوی از محدودیت‌های تحقیق هم آگاه است. ولی در این تحقیق، آگاهانه طبقه مرتبط با حاکمیت ایران را که

در هر شرایطی سعی می‌کند با هر تغییری کماکان سنتی و محافظه‌کار بمانند، بیرون گذاشته است. وی البته به طبقات دیگری از جامعه هم در این کتاب می‌پردازد که ما خیلی با جزئیات آنها آشنای نمی‌شویم، به نظر مهدوی و با تحقیق از جوانان تهرانی، آنها نه نماینده تغییر نو هستند که بیشتر طبقه‌ای هستند که در حال انقلاب‌اند، همان حرکتی که به تغییر رژیم منتهی می‌شود.

با نگاهی نزدیک‌تر، این ادعایی به احتمال زیاد درست است. تا وقتی که نظام جمهوری اسلامی فقط لباس را کترل می‌کند و منوعیت استفاده از الكل تا پیش از ازدواج، جوانانی که بخواهند نظام را وادار به عقب نشینی از قوانین سخت آن کنند، به راه‌های سیاسی برای تغییر رژیم روی می‌آورند که مؤثرترین راه است. اما چیزی در این میان و دریاره این نوع نگرش زائد به نظر می‌رسد که البته مهدوی هم دقیق‌تر و عمیق‌تر به آن اشاره نکرده و ارتباط این حرکت با روند تغییر سیاسی یا چیزی که نشان دهد مثلاً این حرکت به نوعی دموکراسی سکولار برای آزادی‌های بیشتر جنسی باشد، عرضه نکرده است.

آنچه او مستدل و متکی به مدرک (در این کتاب) نشان می‌دهد، طبقه‌ای از جوانان نظام اسلامی است که اخلاقیات اسلامی روابط جنسی را رد می‌کنند و این حس را دارند که باید هرگونه و هر طور که می‌خواهند با هر کسی که بخواهند و این رابطه جسم آنها را ارضاء کنند، به آن برسند و در این راه به اینکه اعتقاد آنها به خطر می‌افتد و یا اینکه پلیس اخلاقی به نام مبارزه با مذموم، مانع آنها است یا اینکه با پارتی به راه انداشتن و سکس داشتن، نمی‌شود جلوی آنها را گرفت.... در هر جامعه‌ای، تعداد افرادی که چنین راهی برای مبارزه را انتخاب می‌کنند و حاضرند در این مبارزه فدایکاری کنند، کم است و طبقه‌ای که خانم مهدوی دریاره آنها تحقیق کرده نباید با این اشتباه گرفته شوند، چرا که از پیش این طبقه در راه گرفتن

حقوقی هستند که بتوانند از جوانی خود لذت ببرند. اما این فاصله تقریباً هیچ است چرا که نظام جمهوری اسلامی نشان داده که حاضر است با ملت ایران معامله کرده و چشمش را بر روی برخی مسائل بیند و روسربی‌های سه گوش و کوتاه یا برخی آزادی‌ها را مجاز کند در حالی که از سمت دیگر فشاری سنگین‌تر و شدیدتر بر روند حرکت سیاسی یا مطبوعات مستقل است. به جای آن خانم مهدوی بیشتر امیدوار است تا بقایای حرکت اصلاحات بیاید و نظام زیردست محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهوری فعلی) را کنار بگذارد، دولتی که فقط پلیس اخلاق برای روابط جنسی و ماد را بیشتر کرده است.<sup>۱</sup>

نویسنده سپس نتیجه‌گیری کرده است:

گذشته از تمامی بررسی‌ها، هنوز چیزی شکفت آور درباره این نوع جریان‌های فرهنگی هست. خیلی سخت نیست که بدانیم چرا مهدوی احساس کرده این نوع جوانان با این نوع نگرش، جریانی سرزنش‌ساز را رقم می‌زنند، حتی اگر از جریان و اینکه چه حرکتی را سبب می‌شوند، بی‌خبر باشیم. نزدیک به ۳۰ سال از انقلاب اسلامی ایران گذشته و ایران حتی به تصویر انقلابی هم نزدیک نشده، دیگر آرزوی انقلابی شدن را کنار بگذاریم. جمعیت ایران دو برابر شده، شهرهاییش مدرن شده‌اند و شهرهای بیشتری جوانه زده و شکل گرفته‌اند. دین‌گرایی سخت و شاق نوعی دملومی مزاجی دینی به بار آورده، حتی برای افرادی که در خلوت خود، انسان‌های معتقد‌ی هستند. جوانان ایرانی که پس از انقلاب به دنیا آمده‌اند، زیر دیواری که رژیم میان مردم و غرب کشیده، تونل مخفی زده‌اند و هیچ جریان سرکوبگری نتوانسته خواست فطری مردم به ماد، زیبایی یا جریان

---

۱. بوسه‌های ریوده شده: انقلاب جنسی ایران؛ لورا سیکور؛ مجله نیشن؛ <http://www.irandarjahan.net>

## فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۱۱۳

سکسی (جنسی) را که مثل جریان برق می‌ماند؛ کم یا خاموش کنند. شاید این داستانی درباره ایران است، آن هم درباره فرهنگ سیاسی و نیز از دست رفتن دین حکومتی.<sup>۱</sup>

هرچند نمی‌توان منکر غلو و افراط در بیان مسائل از سوی نویسنده‌ای شد که طبعاً دارای نگرش معاندانه است ولی در عین حال در زمینه تأثیرگذاری اینگونه مسائل مغفول بر تحولات اجتماعی و سیاسی هم نمی‌توان چشم بر هم گذاشت؛ چنانچه حتی تحلیلگران و جامعه‌شناسان هوادار انقلاب اسلامی هم به این نکات تأکید کرده و برآند که تأثیر این مطالبات را نباید نادیده انگاشت:

ما گسل جنسی داریم. متأسفانه هیچ‌گونه چارچوب اجتماعی مشروع برای ارضای غراییز جنسی جوانان در جامعه ما تعریف نشده است. یا خانه نیست، یا شغل نیست یا مشکلات فرهنگی مثل جهیزیه‌های سنگین که همه و همه مانع سازی می‌کنند. لذا الان جوانان ما به شدت دچار مشکل‌اند. من بزرگ‌ترین قدرت محركه این حوادث اخیر پس از انتخابات را محرك جنسی می‌دانم. کاندیداهای معارض به دنبال خودنمایی جنسی رفته‌اند. یعنی مثلاً زنانی که لباس‌های سبز پوشیده بودند و تحریک آمیز بودند یا جمع‌های رقص و... یعنی از بعد از انقلاب تاکنون که ما نتوانستیم یک چارچوب نرم‌افزاری جنسی برای خودمان تعریف کنیم، محرك جنسی همیشه مسئله‌ساز بوده است. ما نتوانسته‌ایم معروف‌های جنسی تعریف کنیم و تنها کاری که کردۀ‌ایم نهی از منکرهای جنسی بوده است. در حالیکه امر به معروف مقدم بر نهی از منکر است... وقتی تاریخ فرانسه را مطالعه می‌کنیم، دوره ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ آن، مثل وضعیت فعلی ما در دهه ۸۰ است. عجیب است در سال ۱۳۸۱ همان واقعه‌ای رخ می‌دهد که در سال

۱. منبع پیشین

۱۹۶۱ رخ داد. در آن سال در فرانسه انقلاب جنسی رخ داد و در ایران هم در حال رخ دادن است.

در حال حاضر فضای سیاسی و اقتصادی و هنجاری، همه به هم ربط دارند. نمی‌توان آزادی سیاسی داشت مگر اینکه آزادی اقتصادی هم داشته باشیم، نمی‌توانیم آزادی اقتصادی داشته باشیم مگر اینکه آزادی اخلاقی و ارزشی هم داشته باشیم. مثلاً دموکراسی [لیبرال] به عنوان یکی از عناصر آزادی سیاسی خود به خود زمینه بروز یک سلسله افکار و حرکت‌هایی شده است که در برخی هواداران جنبش سبز دیدیم، مثلاً روز ۲۲ بهمن در ستارخان عده‌ای که سبز نبودند ولی به اصطلاح در حال تظاهرات آرام بودند، آن زنی که در جلوی اینها حرکت می‌کرد به شدت اروتیک و آرایش و لباس تحریک‌کننده داشت و منظور نهایی اینها آزادی روابط جنسی است. معنای خودنمایی جنسی عملاً جز این نیست. همچنین بعد از مسائل پس از انتخابات، کشف حجاب در جامعه بیشتر شده، مثلاً در عروسی‌ها زنان با لباس‌های کوتاه یا بی‌حجاب بیشتر شده‌اند. این نشان از رخ دادن یک انقلاب در بعد اخلاقی و جنسی دارد... همین که شما بر فرض یک جوان بالغ دارید که پر از شهوت است و هیچ مکانیسمی هم-مانند اخلاقیات و سنت در دوره‌های قبل - وجود ندارد که آن را هدایت کند، گسل بین ارضا و غریزه، بهترین ابزار برای رسانه دشمن در تبلیغات جنسی و سوءاستفاده سیاسی است، این رسانه‌ها دولت را مانع اصلی ارضای جنسی معرفی می‌کنند و القا می‌شود باید به کسی رأی بدھیم که قصد دارد انقلاب جنسی کند. مثلاً برخی از هواداران فلان کس برای آزاد کردن منکرات به او رأی می‌دهند.<sup>۱</sup>

---

۱. جنگ نرم و انقلاب جنسی؛ ابراهیم فیاض؛ <http://www.bashgah.net/>

فصل دوم - ریشه‌های شکل‌گیری وقایع ۱۱۵

هرچند ممکن است تحلیل فوق تا حدودی از منظر نگاه فرویدی به تحولات اجتماعی دیده شود ولی نمی‌توان واقعیت‌های مستتر در آن را اساساً نادیده انگاشت.



## **فصل سوم**

### **عوامل شتابزا**



## عوامل شتابزا

### مقدمه

عوامل شتابزا را در علوم گوناگون به گونه‌های مختلف می‌توان تعریف نمود. در رسانه<sup>۱</sup> عامل شتابزا<sup>۲</sup> به عاملی گفته می‌شود که بهره‌وری در ارتباط و سرعت تبادل اطلاعات از طریق پیوندهای ارتباطی را بالا برده و تأثیر فوری بر رسانه‌ها دارد.<sup>۳</sup>

«چالمرز جانسون» از نظریه پردازان مشهور انقلاب، در کتاب معروف خود، تحول انقلابی، سه شرط اساسی را برای رخداد انقلاب لازم می‌داند. این سه شرط در نظر او عبارتند از:

۱. ایدئولوژی؛ که حاکمی از ساخت نظام ارزشی است و با ساخت ارزشی موجود متفاوت است و عملات<sup>۴</sup> در شرایط عالم تعادل و بحرانی نیرو

---

1. Media  
2. Acceleration factor  
3. <http://www.mediadictionary.com/definition/acceleration-factor.html>

می‌گیرد و خود زمینه و امیدی برای برقراری مجدد سازگاری بین ارزش‌ها و شرایط محیطی است. بر این اساس ایدئولوژی‌ها دارای سه عنصر ارزش‌ها، هدف و وسیله یا فرهنگ انتقالی خواهند بود که در نهایت همان برنامه تحول فوری در وضع فعلی را تداعی می‌کنند.

۲. انعطاف‌ناپذیری نخبگان که همواره در حرکت‌های انقلابی زمینه مساعد و بعضی قطعی برای بروز انقلاب است. به نظر جانسون، نخبگان اساساً در اثر عواملی چون ساخت طبقاتی خشک، فساد طبقه حاکم، مسدود بودن راه‌های حرکت اجتماعی و استقرار وابستگان بی‌قابلیت در مناصب عالیه به نوعی منزوی‌گرایی نیل یافته و انعطاف‌ناپذیر می‌شوند.

۳. عوامل شتاب‌زا شامل آن دسته از عواملی است که با ظاهر ساختن ناتوانی نخبگان در حفظ انحصار خود بر قوه قهریه، با توجه به ساخت نظام و گروه ارزشی، بروز انقلاب را ممکن یا قطعی می‌نمایند.<sup>۱</sup>

در میان این سه شرط اساسی؛ عوامل شتاب‌زا یا حوادث شتاب‌زا<sup>۲</sup> در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد. تعاریف مختلفی در مورد عامل شتاب‌زا ارائه شده است که دیدگاه چالمرز از معروف‌ترین آنهاست.

عامل نهایی انقلاب در جامعه‌ای که حالت تعادلی را از دست داده و حکام آن فاقد اعتبارند، از نظر جانسون «عوامل شتاب‌زا» نامیده می‌شود. عوامل شتاب‌زا آنهاست که با ظاهر ساختن ناتوانی نخبگان در حفظ انحصار خود بر قوه قهریه، بروز انقلاب را ممکن می‌سازند. عامل شتاب‌زا یک واقعه مجزا است که وحدت کاذب نظامی را که بر ممانعت قهرآمیز از بروز خشونت مردمی استوار است، دچار خلل و دستخوش شکاف می‌سازد.

۱. ملکوتیان، مصطفی، سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶

2. Trigger Events

### فصل سوم - عوامل شتابزا ۱۲۱

عوامل شتابزا همواره گروه‌های انقلابی بالقوه یا سازمان یافته را قانع

می‌کنند که می‌توانند علیه نظامی منفور دست به سلاح ببرند.<sup>۱</sup>

آنچه که چالمرز جانسون از آن در یک وضعیت انقلابی به عنوان عامل شتابزا یاد می‌کند در یک وضعیت بحرانی و نه انقلابی به عاملی تسهیل‌کننده تبدیل می‌شود که قادر است روند تحولات بحرانزا را سرعت و شدت بخشدیده و توده‌های تحریک‌شده را قانع کند که اکنون وقت عمل است.

این عوامل تسهیل‌کننده معمولاً نشانگر بروز اختلاف در بین طبقه حاکم و سنتی در اعمال وظایف کترلی است. در این حالت، توده‌های عصیانگر در می‌یابند که فشار آنها بر حاکمان موجب افزایش شکاف‌ها شده و نظام تصمیم‌گیری آنها را دچار اخلال نموده است، لذا افزودن بر فشارها که می‌تواند به صورت تشديد تظاهرات یا اعتراضات باشد؛ قادر است حاکمان را به دادن امتیاز بیشتر یا عقب‌نشینی از مواضع خود وادار کند.

در همین راستا ارزیابی تحولات پیش و پس از انتخابات حاکی از پیدایش پاره‌ای از عوامل شتابزا یا تسهیل‌کر از این منظر است؛ بروز اختلاف در میان حاکمان که در مناظره‌ها به شدیدترین وجهی خود را به نمایش گذاشت؛ نامه نگاری‌های آشکار و پنهان بعضی از چهره‌های سیاسی مؤثر به رهبری که عملاً باعث می‌شد جهت فشارها از سطوح پایین تر چالش به بالاترین سطوح انتقال یابد و نیز پیدایش بعضی از امکانات نوظهور نظیر شبکه‌های اجتماعی که قادر بود به سرعت داده‌های اطلاعاتی را جابه‌جا کرده و در برابر سیستم اطلاع‌رسانی سنگین و کم تحرک حکومتی یک رقیب کم خرج و پر تحرک ایجاد کرده و در عین حال بسان یک تشکیلات سامانده پر تحرک عمل نماید، از جمله این عوامل شتابزا بود.

---

۱. جانسون، چالمرز، (۱۳۶۳)، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر ص ۱۰۳

هرچند می‌توان به عوامل دیگری هم تحت عنوان عوامل شتابزا اشاره کرد ولی اجمالاً این عوامل مهم‌ترین عوامل مؤثر در این راستا بر شمرده شده است.

### شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی

یکی از عناصر مؤثر و شتابزا در جریان آشوب‌ها، ورود عنصر جدید شبکه‌های اجتماعی چه به صورت واقعی و چه به صورت مجازی بود. در هیجدهمین بیانیه میرحسین موسوی در سالروز راهپیمایی ۲۵ خرداد که تحت عنوان «اهداف، راهکارها و هویت جنبش سبز» منتشر شد آمده است:

گسترش و فعال‌سازی شبکه‌های اجتماعی - واقعی و مجازی - و تعمیق  
فضای گفتگو بر سر اهداف و بنیان‌های هویتی جنبش از جمله راهکارهای  
محوری است که مستلزم توجه ویژه کلیه فعالان سبز است.

یا نوشته است:

یک سال از پیدایش جنبش بی‌نظیر سبز گذشته است و در این مدت سبزها مسافت بسیاری را در این مسیر امید طی کرده‌اند. به برکت دلبری‌دان از مساعدت دولتیان و روی آوردن به خانه‌های خود و قبله قرار دادن آنها و توسعه شبکه‌های اجتماعی روابط پایدار قابل انتکابی بین آحاد ملت ایجاد شده است و شبکه‌های پایدار اجتماعی در حیطه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی معجزه کرده‌اند.

یا حتی در همان بیانیه ذکر کرده است:

جنبیش سبز بر پایه اصول و مبادی بنیادین خود، با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی بر فهم، اندیشه و نوآوری‌های مدنی ملت ایران تکیه دارد و دستیابی به آرمان‌هایی چون عدالت و آزادی را به شکوفایی این خلاقیت‌ها منوط می‌داند.

### شبکهٔ مجازی

میرحسین موسوی در دیدار جمعی از فعالان سیاسی ضمن ابراز تردید از گشایش فضای رسانه‌های آزاد در ایران گفت: «با توجه به محدودیت‌های موجود، فضای مجازی را مناسب‌ترین پهنهٔ تبادل اخبار و کسب اطلاعات می‌داند.»

این گفته به تنها بی خود دال بر اهمیت فضای مجازی در نبردهای سیاسی دوران حاضر ایران است.

در مورد گسترش و تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی مجازی که به مثابه مدل تشکیلاتی نوینی مورد بهره‌گیری جریان سبز قرار گرفت؛ بی‌گمان به صورت جدی و گسترده در جای خود باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد؛ ولی برای فهم آنچه که رخداد به عنوان بخشی از این تحلیل بدان اشاره مختصری خواهیم داشت.

پس از آنکه جریان آشوب دچار رخوت و فترت شد، در تحلیل‌های انتقادی، اتکا به شبکه‌های اجتماعی، یکی از راهکارهای خروج از بحران عنوان شد و مهندس موسوی یکی از راههای اصلی مبارزه را نهادینه کردن شبکه‌های اجتماعی به منظور آگاه‌سازی هرچه بیشتر قشرهای مختلف مردم کشور با حقایق دانست؛ لذا تحلیلگران آن جریان در ارائه راهکار تأکید کردند:

غالب نقدهای درون‌گروهی جنبش سبز به ضعف اطلاع‌رسانی اهداف و رویکردهای جنبش سبز در داخل کشور باز می‌گردد که باید تلاش شود تا بتوان این ضعف را به شکل‌های مختلف جبران کرد. یکی از مهم‌ترین این راهها همان ایجاد شبکه‌های اجتماعی کوچکی است که هر فردی می‌تواند در میان اطرافیان و دوستان و آشنایان خود ایجاد کند. بهره‌وری شبکه‌های اجتماعی شاید طولانی مدت باشد اما به نظر برای ادامه مسیر، ضرورت آن به شدت احساس می‌شود. همهٔ ما اکنون قطعاً به این نتیجه رسیده‌ایم که با گذشت زمان مبارزات خیابانی ما دچار فرسایش شده و باعث شده تا

معترضین بی‌شمار سبز در نتیجه سبوعیت حاکمیت در برخورد با معترضان در حضورهای خیابانی خود کمی دچار تردید و دلهره شوند. از طرف دیگر تعطیل حضور خیابانی سبزها به مثابه جشن کامل کودتاچیان در غلبه بر جنبش سبز به شمار می‌رود و در نتیجه نباید این حضورهای گاه و بیگاه را هم از دست داد. اما باز هم تأکید می‌شود که تا زمانی که اکثریت ملت خواهان این تغییر اساسی نشوند، جنبش قادر نخواهد بود که بر حاکمیت سیاه غلبه کند.<sup>۱</sup>

بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی کوچک برای آنان تا آن حد جدی شد که حتی توصیه می‌کردند که از بازدیدهای نوروزی در جهت گسترش شبکه‌های اجتماعی بهره‌گیری شود.

مسئول یکی از سایتها بی که به برجسته‌سازی اخبار در جریان وقایع به سمت تبدیل اعتراضات به آشوب نقش داشت؛ پیرامون نقش این شبکه‌ها گفته است:

مهمنترین نقش شبکه‌های اجتماعی، خبررسانی است. یعنی کار شبکه‌های اجتماعی در درجه اول، شکستن انحصار رسانه‌های دولتی و همین‌طور رسانه‌های خارجی بوده است. مردم با استفاده از این شبکه‌های اجتماعی، توانسته‌اند آنچه را صدای خودشان است انعکاس بدهند. خیلی از اخبار و ویدئوهای مهم، از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شده‌اند. مثلاً ویدئوی کشته شدن نل، اول از طریق فیسبوک منتشر شد. حتی در خیلی از موارد رسانه‌های بین‌المللی برای پیگیری اخبار ایران شبکه‌های اجتماعی را دنبال می‌کردند. یک علت هم این بود که خبرنگاران خارجی دیگر در ایران نبودند، سانسور در داخل ایران خیلی بیشتر شد و روزنامه‌هایی که در داخل ایران فعالیت می‌کنند، کمتر این امکان را دارند که مطالب را راحت

---

۱. ایجاد شبکه‌های اجتماعی - ضرورت امروز جنبش سبز، <http://noandishesabz3.blogspot.com>

انعکاس بدهندا. به همین دلیل، خبررسانی از طریق شبکه‌های اجتماعی، نقش خیلی مهمی پیدا کرد. نقش دیگری که شبکه‌های اجتماعی داشته‌اند، برنامه‌ریزی و فراخوان برای حرکت‌های اجتماعی است. این می‌تواند راهپیمایی، تجمع و یا جمع کردن امضا برای یک کمپین باشد. این نقش شبکه‌های اجتماعی هم در سال گذشته خیلی پرزنگ‌تر شده و جا دارد اهمیت آن در این زمینه هم بیشتر بشود.<sup>۱</sup>

طبعاً اتكای بیش از حد به شبکه‌های مجازی به عنوان بسترها تغییر می‌تواند مایه نگرانی شود. زیرا ارتباطات چهره به چهره و اثرات جدی آن هیچ‌گاه نمی‌تواند مغفول واقع شود. لذا این امر، تحلیلگران جریان مذکور را وامی دارد تا برای جلوگیری از کم‌تحرکی و خوش‌خيالی آشوبگران اين چنین هشداری بدهند:

چون این شبکه‌ها در نهایت مجازی‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که تحولات سیاسی و اجتماعی، فقط از طریق این شبکه‌ها اتفاق بیفتد. این شبکه‌ها در این زمینه که مردم با هم ارتباط داشته باشند و گروه‌ها با هم همکاری کنند، می‌توانند خیلی کمک کنند. آخر قضیه اما، باید این همکاری‌ها و فعالیت‌ها به حرکت‌هایی در دنیای واقعی تبدیل شود. افرادی که در اینترنت فعالیت می‌کنند، هیچ وقت نباید دچار این اشتباہ بشوند که کارشان فقط به اینجا محدود می‌شود و این همه کار است. فعالیت در این فضای تنها بخش کوچکی از کل کاری است که این فعال‌ها می‌توانند داشته باشند. شاید به خاطر شرایط اجتماعی و خفقانی که بخصوص در چند ماه گذشته در ایران حاکم بوده، فعالیت در اینترنت بیشتر شده باشد، ولی در نهایت باز هم مردم باید برگردند و فعالیت‌هایشان در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی را

---

۱. یکسال جنیش سبز و نقش شبکه‌های اجتماعی؛ گفتگو با مهدی یحیی‌نژاد، مدیر سایت بالاترین؛ رادیو زمانه؛ ۲۳ خرداد ۱۳۸۹

در دنیای واقعی هم ادامه بدهند.<sup>۱</sup>

گستره برنامه‌ریزی برای این شبکه‌های مجازی از مرزها فراتر رفته و بجز چهره‌های سیاسی معارض ایرانی شاهد برنامه‌ریزی مراکز غیرایرانی هم هستیم. در این راستا؛ «باب بورستین»، مدیر ارتباطات سیاسی گوگل، در گفتگو با «دویچه وله» به صراحةً از پروژه دولت آمریکا برای بهره‌برداری سیاسی از اینترنت خبر می‌دهد:

برای بدخورد با ایران باید طرح کاملاً متفاوتی داشته باشیم، چون شرایط این کشور کاملاً متفاوت است. واقعیت این است که ما از هر دو طرف اجازه فعالیت رسمی در داخل ایران را نداریم. ما پایین‌قوانین داخلی آمریکا هستیم و بر اساس آن اجازه فعالیت در خاک ایران از ما سلب شده و فیلترکردن برخی از سرویس‌های ما توسط دولت ایران، تا حدودی نشان‌دهنده موضع آنان در قبال ماست. اما با تصمیم اخیر وزارت خزانه‌داری مبنی بر لغو تحریم صادرات سرویس‌های آنلاین به چند کشور از جمله ایران، ما می‌توانیم به کاربران ایران اجازه دانلود سرویس‌های آنلاین خود را بدهیم. ما می‌خواهیم پلتفرمی فراهم کنیم که از طریق آن همه عقاید و اندیشه‌ها مجال ظهور و بروز بیابند. دولت ایران در زمینه رسانه، کاملاً انحصارگرایانه عمل می‌کند و ما از انحصار طلبی بیزاریم. بنابراین همه تلاش خود را خواهیم کرد تا ایرانی‌ها برای آگاهشان و نیز گسترش آگاهی، ابزارها و امکانات بیشتری در اختیار داشته باشند. اما نکته مهم این است که تلاش برای تحقق آزادی اینترنت و مقابله با سانسور آنلاین، به تنها یعنی نمی‌تواند نتیجه بخش باشد و تعییر شکننده باید آورده. ابزارهای تکنولوژیک می‌توانند فرایند تغییر را تسهیل یا تسريع کنند، اما اگر

۱. منبع پیشین

### فصل سوم - عوامل شتابزای ۱۲۷

در کنار آن، اقدامات لازم در فضای آفلاین صورت نگیرد، دستاوردهای چشمگیری نخواهد داشت و منجر به تغییر بنیادین نخواهد شد.<sup>۱</sup>

#### تحولات ارتباطات دیجیتالی در دو دهه گذشته

جهش تکنولوژیک در عرصه ارتباطات دیجیتال واقعیتی است که غفلت از آن مدیریت سیاسی و حتی امنیتی جریان‌ها سیاسی را دچار اشکالات عدیده خواهد کرد. از این رو نگاهی اجمالی به این تحولات می‌تواند تا حدی سرعت و عمق تحولات این حوزه را نمایان سازد.

در یک نگاه اجمالی می‌توان گفت سازوکار ارتباطی در دور نخست ارتباطات دیجیتالی در سال‌های (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰) عبارت بود از:

ایمیل، وب سایت، موتورهای جستجو، YellowPage‌ها، دایرکتوری‌ها و تالارهای گفتگو (یاهو)

اما در نسل دوم (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹) شبکه‌های یا رسانه‌های اجتماعی محوریت و گستردنگی وزیرهای یافتند که عبارت بودند از:

- وبلاگ‌ها (داخلی و خارجی، نرم افزارهای بلاگ نویسی)

- میکروبلاگ‌ها (توئیتر، فرندفید)

- شبکه‌های دوست‌یابی (اورکات)

- شبکه‌های اجتماعی (فیسبوک، مای‌اسپیس، دلیشر، کلوب، گوگل ویو)

- ویکی‌ها (ویکی‌پدیا، ویکی‌مدیا)

- سایت‌های اشتراک‌گذاری (فلیکر، یوتیوب، کلام‌تی‌وی)

- پیام‌رسان‌ها (یاهو مسنجر، گوگل تاک)

۱. باب بورستین، «رسانه‌های شهروندی به تنها برای ایجاد تغییرات بنیادین کافی نیستند»، دویچه وله صدای آلمان

- تالارهای گفتگو (انواع فروم‌های عمومی و تخصصی)
- گروه‌های ایمیلی (یاهو و گوگل)
- خبرخوان‌ها (انواع فیدها، گوگل ریدر، نیوز پارسیک)
- پادکست‌ها (پادکست، ودکست)
- لینکدونی‌های عمومی (بالاترین، دیگ)<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین عناصر رشد شبکه‌های مجازی، امکان اختفای هویت است که فرد با رهایی از امکان شناخته‌شدن قادر است با تجربه احساس رهایی؛ خواسته‌های درونی خود را بدون هرگونه سانسوری بیان نماید و این البته برای کاربران ایرانی که همواره نوعی احساس خودسانسوری را یدک می‌کشند، تجربه ویژه‌ای تلقی می‌شود.

میل به سهیم‌سازی دیگران در اطلاعات و همانندسازی خود با دیگران از دیگر انگیزه‌هایی است که افراد را به شبکه‌های اجتماعی می‌کشانند. به اشتراک گذاری و یادگیری در این چارچوب احساسی است که ارضا می‌شود؛ افراد، علاقه‌مند هستند هرچه سریع‌تر اطلاعات یا محتوایی را که تولید کرده‌اند به اشتراک بگذارند. این محتوا ممکن است خبر، فیلم، عکس، مقاله، طنز، دیدگاه شخصی یا تجربیات آنها باشد. فیلم، عکس، صدا و متن اصلی، اینیمیشن، گرافیک و لینک در این شبکه‌ها به اشتراک گذاشته شده و عملاً در انتخابات و آشوب‌ها، این شبکه‌ها هر کاربر را به یک خبرنگار در صحنه تبدیل می‌کند که البته در موارد زیادی هم اطلاعات ارسال شده به دلیل دروغین بودن، شبکه مجازی را به تله فریب مخاطبان تبدیل می‌کند.

بسیج‌کنندگی و سازماندهی از دیگر ویژگی‌های شبکه‌های مجازی است که در جریان وقایع پس از انتخابات نشان از خودکارآمدی دارد.

---

۱. حمید ضیایی‌پور؛ سی ویژگی شبکه‌های اجتماعی، نشست تخصصی شبکه‌های اجتماعی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ۳۰ آبان ۱۳۸۸

خصلت دیگری که شبکه‌های مجازی را برای نسل جوان مطلوب می‌کند؛ ایجاد و تعمیق دوستی‌هاست که این دوستی می‌تواند بین جنس مخالف، همکلاسی‌ها، همکاران، هم‌عقیده‌ها و دوستی با دوستان دوستان باشد.

حلقه‌های مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی هدفمند می‌شود و افراد را بر حسب علائق با هم پیوند می‌زنند؛ به عبارتی، به جای مخاطبان ابوجه، حلقه‌هایی کوچک و بزرگ از مخاطبان شکل می‌گیرد. این حلقه‌ها در جاهایی با یکدیگر همپوشانی دارد. تأثیرگذاری هر شبکه بر هر حلقه به تناسب تخصصی بودن یا گرایش خاص آن شبکه است.

از ویژگی‌های مهمی که شبکه‌های مجازی را در آشوب‌های پس از انتخابات به گرینه مؤثر تبدیل کرد، توانایی مشابه شبکه‌های هرمی است که آن را در این شبکه‌ها، قدرت «کندو سازی» می‌نامند؛ قدرت کندو سازی مبتنی بر قابلیت‌هایی است که عبارتست از: قابلیت لینکدهی، track back و دنبال کردن علائق.

### شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی از پدیده‌های مهمی است که در بستر نظام ارتباطاتی جدید جهانی شکل گرفته است، این پدیده که اخیراً به صورت گسترشده در محیط وب به عنصری مؤثر و قابل تحلیل تبدیل شده است، بر ساختن و انعکاس شبکه‌ها یا روابط اجتماعی در میان مردم یعنی کسانی که علائق و فعالیتشان را تقسیم می‌کنند، تمرکز کرده است.

شبکه‌های اجتماعی روی وب معمولاً از عواملی مثل «گروه‌ها» یا «لیست دوستان» که اجازه تعامل گسترشده‌تر را می‌دهد، برای گسترش خود بهره می‌گیرند. در این شبکه‌های اجتماعی صرفاً علائق یا فعالیت‌ها تقسیم نمی‌شود، بلکه تبادل اطلاعات گسترشده‌ای صورت می‌گیرد که آن را بعضاً به مثابه یک نظام رسانه‌ای بسیار نظیر

قابل استفاده می‌کند.

ارتباط خاصی که میان اعضاً شبکه‌های اجتماعی پدید می‌آید، گاه هویت‌های جمیع و فردی خاصی را به وجود می‌آورد که اکنون در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی به صورت جدی مورد بررسی قرار گرفته است.

شبکه‌های اجتماعی ظرف سال‌های گذشته شدیداً محبوب و عمومی شده است. راحت‌ترین راه برای درک وضعیت شبکه‌های اجتماعی یادآوری دوران دیبرستان است، شما دوستانی دارید که آنها هم دوستانی دارند، ورود به شبکه دوستانتان شما را به شبکه گسترده‌تر دوستان آنها وارد می‌کند و این مسیر همچنان می‌تواند ادامه یابد.

بعضی از تحلیلگران شبکه‌های اجتماعی معتقدند که بر خلاف تصور بسیاری مبنی بر اینکه شبکه‌های اجتماعی «نو» هستند، این شبکه‌های اجتماعی پدیده‌ای چندان «نو» نیستند. همه ما در سطح اجتماع به نوعی از شبکه‌های اجتماعی تعلق داریم و در این شبکه‌های اجتماعی پیرامونی فعالیت و مشارکت می‌کنیم. خانواده، فامیل، همسایه‌ها، مدرسه و... همه گروه‌های اجتماعی هستند که افراد از روز نخست زندگی در آن حضور می‌یابند، این گروه‌های اجتماعی در صورت به هم پیوستن، شبکه‌های اجتماعی را پدید می‌آورند. شبکه‌های اجتماعی روی وب ماهیت چندان متفاوتی ندارد، در آغاز فرد خود را پس از ورود به «وب» بدون دوست می‌یابد، ولی به مرور با فعالیت بیشتر، شبکه دوستان رشد می‌کند و نظری زندگی هرچه فعالیت بیشتری داشته باشد، روابط بیشتری به دست خواهد آورد.

شبکه اجتماعی بر اساس مفهوم «دوستان» استوار است. آنچه که در شبکه ممکن است «دوستان» نامیده شود، در حوزه انتقادی و اجتماعی روزانه ما «روابط» نامیده می‌شود. البته اهمیتی ندارد چه نامی بر آن بگذاریم، زیرا در هر حال، ماهیت عملکردی واحدی دارد. همان‌طور که گفته شد گروه‌های اولیه مبنای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند. هم مدرسه‌ای‌ها، همسهری‌ها، علاقه‌مندان به یک فرد، عقیده یا مرام و

شخصیت سیاسی یا هنری حلقه‌های عالیق مشترکی را به وجود می‌آورند که نقطه شروع است، پس افراد گروه می‌کوشند درباره موضوع مورد نظر اطلاعات بیشتری به دست آورند و به هم گروه‌های خود انتقال دهنند. همین امر گردآوری، بر انتقال اطلاعات حول موضوع مورد نظر می‌افزاید و شبکه اجتماعی ساده را به شبکه اطلاعاتی تبدیل می‌کند. رشد سریع فیسبوک<sup>۱</sup> و پشت‌سر گذاشتن مای‌اسپیس<sup>۲</sup> که آن را به عام‌ترین شبکه اجتماعی تبدیل کرد یا فلیکستر<sup>۳</sup> که کلاس‌میت<sup>۴</sup> را در جذب هوادار شکست داد و نیز توئیتر<sup>۵</sup> که به شبکه پیام‌های اجتماعی تبدیل شده، همگی تحولاتی است که ظرف چند سال اخیر رخ داده است. شبکه‌های اجتماعی اساساً در سه مقوله قرار می‌گیرند:

۱. شبکه‌های اجتماعی با اهداف عمومی

۲. شبکه‌های اجتماعی با عالیق یا موضوع خاص

۳. سایت‌های بین‌المللی

\*\*\*

به کارگیری شبکه‌های اجتماعی در حوزه سیاست یا به عنوان یک سلاح تهاجمی سیاسی علیه یک کشور امری جدید نیست و رسانه‌های ایالات متحده به صراحة بر استفاده ابزاری از شبکه‌ها به مثابه یک سلاح تأکید کرده‌اند. چنانچه مرکز سیاست عمومی خاورمیانه «مؤسسه رند» با پشتیبانی مالی «بنیاد اسمیت ریچارسون» چندی پیش پژوهشی تحت عنوان ایجاد شبکه‌ای از مسلمانان میانه‌رو انجام دادند که در ۱۰ فصل تنظیم شده است.

سمیانان در سال ۲۰۰۹ به صراحة به نقل از مقامات رسمی آمریکایی

- 
1. Facebook
  2. MySpace
  3. Flixster
  4. Classmate
  5. Twitter

اذعان کرد که شبکه‌های اجتماعی اطلاعات حساس را از ایران به خارج منتقال می‌دهند. یا سایت msnbc گزارش داد که شبکه‌های اجتماعی از اعتراضات انتخاباتی در ایران حمایت کردن و یک سایت سیاسی به قلم آلکس واگنر نماینده‌اش در کاخ سفید نوشت: شبکه‌های اجتماعی سلاح جدید او باما علیه ایران، کوبا و سودان است. همین نویسنده در سطر آغازین مقاله خود تأکید کرد: فیسبوک از شمشیر قوی‌تر است.<sup>۱</sup>

بر پایه همین دیدگاهها بود که بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی در دستور کار جریان سبز قرار گرفت.

بنابراین عجیب نیست اگر شبکه‌های اجتماعی از منظر تحلیلگران جریان سبز، استخوان‌بندی تشکیلاتی آنان به شمار رود.

شبکه و برنامه‌ریزی شبکه‌ای که یکی از آخرین نمودهای آن در همه‌پرسی مجله تایم تجلی یافته است، یکی از پایه‌های اصلی استراتژی جنبش سبز از ابتدای شکل گرفتنش به شمار می‌رود. راهکاری که برنامه تجمعات خیابانی در ماههای پس از انتخابات نیز از طریق آن، دست به دست، اکانت به اکانت و ایمیل به ایمیل می‌چرخید تا صدها هزار نفر از هواداران اصلاحات را به خیابان‌ها سازیر کند.<sup>۲</sup>

«آزاده کیان؛ جامعه‌شناس مقیم پاریس، همین ویژگی را یکی از راهکارهای اصلی رشد جنبش سبز بر شمرده است:

یکی از خصوصیات جنبش سبز، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فنون موجود تکنولوژی در جهت پخش و توزیع پیام‌های این جنبش و وصل کردن افراد مختلف این جنبش به هم‌یگر است. جنبش ملدنی ایران در

1. ALEX.WAGNER,POLITICSDAILY.COM/2010/03/09

2. یا جنبش سبز مرده است؟ «اینترنت سبز، جایی برای ماندن»؛ رادیو فردا

### فصل سوم - عوامل شتابزا ۱۳۳

واقع تلاش می‌کند تا سنت و مدرنیته را به هم وصل کند. در نتیجه، از شبکه‌هایی که در هر کدام از این دو زمینه در دسترس باشند، در جهت گسترش جنبش سبز استفاده می‌کند. این شبکه‌ها گاه می‌توانند در اینترنت و شبکه‌های مجازی پایدار شود، و گاه به صورت سنت ایرانی و مذهبی، همچون دید و بازدیدهای نوروز یا عاشورا.<sup>۱</sup>

اهمیت شبکه‌های اجتماعی برای این گروه از تحلیلگران تا آن حد افزایش یافته که بر پایه آن بر این باورند که جنبش سبز ضد ضربه شده است:

وقتی هم صحبت از شبکه اجتماعی می‌شود معنی اش این است که مردم می‌خواهند با هم حرف بزنند، می‌خواهند مشارکت کنند، می‌خواهند به حقوق هم احترام بگذارند و از حق جمعی خود دفاع کنند. دولت هم برای محابود کردن شبکه‌های اجتماعی عملأً بسته است. به همین دلیل هم، حکومت نمی‌تواند با محاکمه یک نفر، ده نفر و حتی صد نفر خیالش از بابت حذف جنبش سبز راحت شود. الان اگر راست‌ها در مقابله با جنبش سبز افراط می‌کنند، بیشتر به این خاطر است که قدرت تصمیم‌گیری درست را از دولت داده‌اند.<sup>۲</sup>

دیدگاه «جلایی پور» با «ارمکی» یکی است آنگاه که تأکید می‌کند:

«شبکه‌های اجتماعی می‌توانند تبدیل به فرقه شوند و در خود فرو روند و منزوی شوند، اما این جنبش قابلیت انسزا ندارد زیرا این شبکه‌های اجتماعی توسط تکنولوژی ارتباطات به هم مرتبط شده‌اند و یک عرصه عمومی مجازی ولی خیلی جدی شکل گرفته است و همه ایرانیانی را که

۱. منبع پیشین

۲. آزاد ارمکی؛ جنبش سبز، حرکتی طبقاتی نیست؛ [www.socialnice.com](http://www.socialnice.com)

دلشان به حال کشور می‌سوزد به هم وصل کرده، با هم بحث می‌کنند و راه‌های تداوم جنبش به طور طبیعی از دل ارتباطات و رسانه‌های مجازی می‌جوشد و در جهان واقعی اثر می‌گذارد. این ارتباطات و رسانه‌های مجازی هم قابل مهار و سرکوب و کنترل نیستند و تا زمانی که مطالبات جنبش در جهان واقعی پاسخ داده نشود، این جنبش بروز مجازی هم خواهد داشت. شما ببینید با بسته شدن هر سایت چند سایت جدید زده می‌شود و هرگونه برخوردي تنها به افرادی تر شدن فضای مجازی و دائمه‌دارتر شدن حضور مجازی جنبش می‌شود. این شبکه‌های اجتماعی به تعییر مارکسی «در خود» نیستند بلکه «برای خود» هستند. بنابراین عاقلانه نیست با این جنبش شوخي کرد. هرچند می‌توان شخصیت پاک و فرهیخته‌ای مانند بهزاد نبوی یا سایر شخصیت‌های سیاسی و جوانان ارزنده و فرهیخته این کشور را گرفت، اما نمی‌توان جلوی این جنبش را سد کرد. بنابراین اشتباهمی که رخ داد این است که اینها تصور کردند این ماه که دیده نمی‌شود و رفت دیگر بر نمی‌گردد. ولی این جنبش به حضور مدنی خود همچنان ادامه می‌دهد.<sup>۱</sup>

در هر حال تردیدی نیست که شبکه‌های اجتماعی، بافت‌های جامعه است که به وسیله تارهای نامرئی ارتباطات اجتماعی، به هم تنیده شده است و در جریان‌های سیاسی پس از انتخابات توانست کارکردهای سیاسی اثرگذاری، حداقل به صورت یک عامل شتاب‌زا داشته باشد که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت؛ چنانچه پیش از این هم در حوزه اقتصاد، سوءاستفاده از ظرفیت‌های آن، پدیدآورنده شرکت‌های هرمی بود که عملاً قدرت خود را در ایجاد مسائل و مشکلات اقتصادی به رخ کشیدند.

---

۱. حمیدرضا جلایی‌پور؛ هیچ وقت نگفته‌ام آقای هاشمی رهبر جنبش سبز است؛ [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)

### مناظره‌های انتخاباتی

«مناظره»<sup>۱</sup> روشی صوری است که تعامل و تقابل فکری را میان دو یا چند نفر به نمایش می‌گذارد.

در لغت‌نامه دهخدا، مناظره به معنای با هم نظر کردن به کار رفته است. سابقه مناظره حتی به شکل سیاسی، تاریخی کهن دارد. «هروودوت» نوشته است که در سال ۵۲۲ پیش از میلاد بعد از آنکه برديایی دروغین کشته شد، هفت تن از بزرگان ایران برای تعیین چگونگی و شکل حکومت آینده به مناظره پرداختند؛ در جهان اسلام نیز پس از رشد علوم کلام و فقه، به دلیل آن که طرفین مجبور بودند برای اثبات دیدگاه خود به مناظره پردازند، با اتکا به آموزه‌های مطرح در بخش صناعات خمس منطق، فن جدل را گسترش دادند. در دوران مأمون، «دارالمناظره»<sup>۲</sup> شکل گرفت که در آنجا بزرگان و دانشوران دربار گرد هم می‌آمدند و پیرامون مسائل علمی بحث و مناظره می‌کردند. از همین رو بود که آداب مناظره به عنوان یک ضرورت مورد بحث و تأکید قرار گرفت که بعضًا از آن به عنوان «آداب البحث» هم یاد شده است.

در دایرة المعارف بزرگ اسلامی جلد ۱ پیرامون آداب مناظره آمده است:

آداب مناظره، مجموعه ضوابطی است که هنگام بحث و گفتگوی فلسفی، دینی و اعتقادی باید مراعات شود. در اصطلاح دانشمندان اسلامی، مقصود از بحث آن است که اثبات حکم ثبوتی یا سلبی کنند؛ به دلیل و مراد، مناظره آن است که دو خصم، نظر کنند در حکم و مسئله‌ای به قصد آن که صواب پیدا شود.

---

1. Debate

2. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، سروایه «دارالمناظره»

حساسیت آداب بحث یا آداب مناظره برای رسیدن به یک نظر تا آن حد شمرده شده است که علمای اسلامی به کاوش دقیق در مفهوم و روش آن پرداخته‌اند. چنانچه «علی بن محمد شریف جرجانی» در «التعريفات» در این مورد می‌نویسد:

آداب البحث صناعتی است نظری که انسان را به کیفیت مناظره و شرایط آن آشنا سازد تا در بحث والزام و غلبه بر خصم خطب نکند.<sup>۱</sup>

«خواجه نصیرالدین طوسی» هم در تعریف مفهوم مناظره می‌نویسد:

مناظره میان صاحب‌رأی متقابل بود که هریک متنکفل بیان رأی خود باشند، به شرط آنکه هر دو، بعد از وضوح، مساعدت حق کنند و مباحثه استکشاف غامضی بود به طریق تعاعون.<sup>۲</sup>

در این نوشتار قصد برآن نیست که آداب بحث و مناظره مورد بحث قرار گیرد، ولی اشاره به این موارد از آن رو صورت می‌گیرد که دانسته شود، مناظره در فرهنگ ایرانی-اسلامی دارای سابقه‌ای کهن است و قواعد و روش‌های آن نیز به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است.

اما آنچه که در مناظره‌های انتخاباتی ریاست جمهوری دهم مشاهده شد، عدم توجه به قواعد بحث و مناظره و تلاش برای منکوب‌سازی رقیب از طریق وارد آوردن شوک‌های اطلاعاتی و روکردن اخبار و فاش ساختن مواردی است که ارتباطی به اصل موضوع بحث نداشت.

ضمیراً انجام مناظره با هیجان و رفتارهای تنش آفرین طبعاً با قواعد مناظره همخوانی ندارد زیرا در آداب البحث، پیرامون وظایف مشترک سائل و مجیب آمده است: «به کار

۱. شریف جرجانی، علی بن محمد، التعريفات، قاهره، مصطفی البایي الحلبی، ۱۳۵۷ق، ص ۱۰

۲. نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن، اساس الاقتباس، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، دانشگاه تهران، ش، ص ۴۴۴-۵۲۸

### فصل سوم - عوامل شتابزای ۱۳۷

بردن الفاظ زیبا و مناسب و خودداری از شتابزدگی و اشتباه در کاربرد الفاظ.»

#### منظرهای جنجال برانگیز

۱۷ اردیبهشت ماه ۸۸ «مجتبی هاشمی ثمره» رئیس ستاد هماهنگی حمایت‌های مردمی از احمدی‌نژاد، آمادگی دکتر احمدی‌نژاد را برای مناظره با تمامی کاندیداهای ریاست جمهوری اعلام کرد. زمانی این اعلام آمادگی اعلام شد که دو روز قبل از آن «عزت‌الله ضرغامی» رئیس سازمان صداوسیما از آمادگی این سازمان برای برگزاری و پخش مناظره‌های انتخاباتی خبر داده بود.

موسوی کاندیدای جریان سبز در روز ۱۳ اردیبهشت ۸۸ با اعلام این که «گمان نمی‌کنم مناظره تلویزیونی را حل مناسبی باشد» عدم موافقت خود را با برگزاری مناظره‌ها اعلام کرده بود، ولی در سیزدهم خرداد علی‌رغم این سخن، در برابر دکتر احمدی‌نژاد قرار گرفت. مناظره‌ای که بنا به قولی حدود ۵۰ میلیون مخاطب در داخل کشور داشت.

تأثیر مناظره‌های انتخاباتی در تسريع تحولات به نفع نوعی تحریک ذهنی از منظره‌ای مختلف مورد بحث قرار گرفته است. فرو ریختن حرمت‌هایی که پیش از این از جایگاه مدیران ارشد نظام در اذهان توده‌های مردم بود، از مهم‌ترین آثار این مناظره‌ها بر شمرده شده است.

این در حالی بود که رئیس سازمان صداوسیما پیش از برگزاری مناظره‌ها از موضوعی خوش‌بینانه معتقد بود:

تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری یک سیر حرفه‌ای و منطقی دارد و به اعتقاد ما این سیر را به طور طبیعی طی می‌کند. بنابراین هرگونه شتابزدگی و ایجاد هیجان اضافی نسبت به آن مقطع خاص که از نظر رسانه‌ای و تبلیغی برای آن برنامه‌ریزی کرده‌ایم، حتماً اثر منفی در میزان مشارکت مردم دارد. به نظرم نامزدهای عزیز به خصوصی هواهارنشان باید اجازه بدهند.

معمولًا برخورد نامزد‌ها منصفانه است و ما هم آن را درک می‌کنیم، چون سعی می‌کنند کلیات را مطرح کنند، اما هواداران آنها به اقتضای فضای انتخابات کشور توقعاتی دارند... فکر می‌کنم مناظره نامزد‌ها بیش از هرچیز می‌تواند در مردم انگیزه مشارکت در انتخابات ایجاد کند. نتیجه انتخابات سیر منطقی و حرفه‌ای برنامه‌های صداوسیما را نشان می‌دهد که درست بوده است.<sup>۱</sup>

البته بعد از برگزاری مناظره‌ها نیروهای طرفدار نظام عمدتاً فکر می‌کردند:

هرچه به زمان برگزاری انتخابات نزدیک می‌شدیم و این موضوع داغ‌تر می‌شد و نشانه‌های مشارکت گسترده مردم آشکارتر می‌گردید، رسانه‌های دشمن بر موضوع احتمال تقلب در انتخابات و شایعات مرسیوط به آن بیشتر تمکن می‌کردند. مناظره‌های جنجال برانگیز نامزد‌های انتخاباتی خوراک‌های تبلیغاتی زیادی در اختیار این رسانه‌ها قرار می‌داد تا هرچه بیشتر به طرح شایعات و ارائه تحلیل‌های خاص پیراذند.<sup>۲</sup>

در مقابل، طیفی از هواداران جریان اصلاحات حتی پس از آشوب‌های پس از انتخابات برآن بودند که:

برگزاری مناظره‌های انتخاباتی با حضور کاندیداهای ریاست جمهوری و فعالان سیاسی به بهانه انتخابات ریاست جمهوری دهم در رسانه ملی فضایی جدید در جامعه به وجود آورده، به گونه‌ای که حرکت رویه جلو و شادابی کم‌نظیر در میان مردم، ستادهای انتخاباتی و حامیان کاندیداهای به وجود آورده... نخبگان معتقد‌نند اینگونه برنامه‌های تلویزیونی تأثیرات مثبتی

۱. ضرغامی، عزت الله، در گفتگو با خبرگزاری مهر  
۲. محمدصادق اسلامی در سایت [www.bardasht.blogfa.com](http://www.bardasht.blogfa.com)

در آرام شدن فضای جامعه خواهد داشت.<sup>۱</sup>

ولی تردیدی نیست که هرچند نشاط انتخابات با مناظره‌ها ارتباط داشت ولی سطح احساسات و تعصبات هواداران هم شدیداً با آن جهش چشمگیری یافت تا به حدی که بخش‌های خاموش و غیرفعال جامعه را نیز به حرکت درآورد؛ البته سوخت لازم برای آشوب‌ها هم از بطن این مناظره‌ها تأمین شد:

نفس برگزاری مناظره‌های مستقیم انتخاباتی بین کاندیداهای اقدام مهم و مثبتی است و به روشنگری افکار عمومی منجر می‌شود. باید دانست بر اساس نظریه‌های ارتباطات، کارکرد تلویزیون در این چنین موقعیتی ثبیت و تحقیک عقاید طرفداران هر کاندیدا است نه تغییر عقاید آنها. لذا بر همین اساس با گشته در سایت‌های خبری و حتی برنامه‌هایی مثل «نویت شما» بسی می‌بینید که دو دیدگاه به ظاهر متضاد درباره پیروز این مناظره‌ها وجود دارد. برخی می‌گویند این یکی و برخی می‌گویند طرف مقابل برنده مناظره بوده است. این مناظره‌ها حداقل می‌توانند دیدگاه طیف خاموش جامعه را شکل بدهند.<sup>۲</sup>

در تحلیل مناظره‌ها یک جریان مخالف نظام که از موضع طبقاتی تحولات را پیگیری می‌کرد در این راستا نوشت:

افشاگری‌های جناح‌ها در برابر مردم، کل نظام را برای مردم زیر سؤال برد و این موضوعی بود که رژیم در مرحله تصمیم‌گیری برای مناظره‌های تلویزیونی کاندیداهای فکرش نمی‌رسید... به علت ماهیت غیربرنامه‌ای این مناظره‌ها، خود مناظره‌ها بدل به افشاگری‌های هیستوریک و تسویه

۱. روزنامه مردم‌سالاری نسخه شماره ۲۲۶۸  
۲. به نقل از سایت خبرنگار؛ [www.reporter.ir](http://www.reporter.ir)

حساب‌های تاریخی ۳۰ سال گذشته گردید؛ سه جریان راست مادرن به نمایندگی محسن رضایی و رفرمیست سنت‌گرا به رهبری کرویی و بالاخره رفرمیست مدرن به رهبری مثلث خاتمی - موسوی - هاشمی و راست بازاری به رهبری ناطق نوری از یک طرف با راست سنت‌گرا تمامیت‌خواه اقتدارطلب پوزیتیویستی (!!) عوام فریب به رهبری احمدی‌نژاد از طرف دیگر باعث گردید تا:

اولاً فساد کلی حکومت برای مردم روشن شود، ثانیاً چهره چهارساله عوام‌فریب احمدی‌نژاد برای توده‌ها عریان گردد. ثالثاً در برابر چهره خشن و پوزیتیویستی و عوام‌فریب احمدی‌نژاد، چهره موسوی به صورت آزادی‌خواه عدالت‌طلب و مظلوم و دموکرات تجلی کند.<sup>۱</sup>

تحلیلگر دیگری الگوگیری از مناظرات انتخاباتی آمریکا را مورد نقد قرار داده و دال بر تغییر هویت نظام اسلامی می‌داند:

از همان ابتدا، بازی انتخاباتی تبدیل به نمایش بزرگ تغییر و تحول طلبی گردید، نمایشی که می‌باید همزمان مقبول تمثیل‌چیان داخلی و خارجی می‌افتاد. پس الگوی رقابت‌های انتخاباتی آمریکا سرمشق قرار گرفت: از هر دو حزب بزرگ، دو کاندیدا و سپس مناظره‌های تلویزیونی فیما بین کاندیداهای دو کاندیدای اصولگرا هر دو عنوان «دکتر» را یافته می‌کشیدند: دکتر احمدی‌نژاد و دکتر محسن رضایی در مقابل «مهندس» میرحسین موسوی. طبعاً اصرار بر استفاده از لقب «دکتر» و «مهندس» تا بدان پایه که به افتضاح جعل مدرک دکترا از جانب کردان و جانشین شدن صادق محسولی در کابینه احمدی‌نژاد انجامید و یکی از محورهای مناظره موسوی و احمدی‌نژاد بود، خود نشان از تغییری مهم در ارزش‌ها و ساختار

۱. جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد در آیینه «نشر مستضعفین»؛ <http://nmostazafin.wordpress.com>

### فصل سوم - عوامل شتاب زا ۱۴۱

جمهوری اسلامی داشت. نظامی که با تأکید بر ارزش‌های اسلامی به عنوان پاسخی به بحران هویت ناشی از «فرهنگ غربزده» شاهنشاهی به اریکه قدرت رسیده بود اکنون آزمنانه خود را ملقب به عنوان دوران «طاغوت» می‌ساخت.<sup>۱</sup>

در همین تحلیل، آشوب‌های پس از انتخابات با مناظره‌ها و سخنان احمدی‌نژاد پیوند داده می‌شود:

مناظره‌های تلویزیونی قبل از انتخابات، اظهارات احمدی‌نژاد و عدم واکنش رهبری به حملات آشکار وی، این تردیدها را نیز مرتفع ساخت. پس همگان «شعله‌های آتش‌آتش‌شسان‌ها» را دیدند: از عالی‌جانب خاکستری گرفته تا خانم زهراء رهنورد همسر میرحسین موسوی و هیچ‌یک از دست‌اندرکاران نظام از بروز اعتراضات خیابانی غافلگیر و شگفت‌زده نشد.<sup>۲</sup>

اما نکاتی که در مناظره جنجال‌برانگیز موسوی و احمدی‌نژاد باعث تهییج افکار عمومی شد، واجد چه پیام‌هایی بود که از یکسو برای توده‌های مردم نشانی از جدیت رقابت بود و برای تحلیلگران مخالف انقلاب اسلامی، پیام زیر سؤال رفتن کل نظام را داشت؟

در سیزدهمین شب خرداد ماه ۸۸ بالاخره این مناظره با ظرفیت مخاطبی در حدود ۲۰۰ میلیون نفر به پای گیرنده‌های مخاطبان رسید. فارغ از اینکه این مناظره چه نتیجه و روندی را طی کرد، چند نکته مهم در بیانات دو طرف دیده می‌شد:

۱. محمود احمدی‌نژاد: در واقع من با سه کاندیدای مستقل مبارزه نمی‌کنم این سه نفر در یک سمت قرار دارند و من در سمت مقابل

۱. بابا علی، مهرداد؛ بحران نظام جمهوری اسلامی: بازسازی یا فروپاشی؟ مجله آرش؛ <http://www.arashmag.com>

۲. منبع پیشین

۲. محمود احمدی نژاد: در واقع این آقای موسوی نیست که در مقابل من است

بلکه آقای هاشمی است و آقای خاتمی

۳. محمود احمدی نژاد: آقای موسوی طرفداران شما همان‌هایی هستند که به

دنبال انقلاب محملی ۱۸ تیر بودند.

در طرف مقابل هم می‌بینیم که:

۱. مهندس موسوی: مردم ایران بدانید که دولت نهم، قانون‌گریزترین دولت در

تاریخ انقلاب ایران اسلامی است.

۲. مهندس موسوی: سیاست خارجی شما (دولت نهم) شده عرصه جولان

تفکرهای آشوب‌طلب و هزینه‌زا

۳. مهندس موسوی: تولید داخلی ما را به نفع واردات از چین و... تعطیل

کرده‌اید.

۴. مهندس موسوی: حرف من با مردم است. من آمده‌ام تا این روایه جعل و

دروغ را تغییر دهم

اتفاقی که در این مناظره افتاد به نوع دیگری در بین مناظره مهدی کروبی و رئیس دولت نهم تکرار شد ولی در سطحی دیگر.

تزریق یک احساس انتخاباتی بسیار قوی به فضای عقلانی آن روز جامعه که هواداران کاملاً مخالف کاندیداهای را به آرامی در کنار همدیگر قرار می‌داد؛ باعث شد سطح تنش‌های احساسی آنچنان افزایش یابد که روند طبیعی و معقول رقابت‌ها را تغییر دهد. هرچند این فضای احساسی باعث آمدن ۴۰ میلیون نفر پای صندوق‌های رأی شد، ولی مشخص بود تنش‌های فراینده تا به حدی حاد شده که پذیرش نتیجه انتخابات علیه خود، یعنی شکست را برای هواداران سخت دشوار می‌ساخت.

این تحلیلی است که بسیاری از تحلیلگران از منظرهای گوناگون بر آن اتفاق داشتند:

رو در رویی آشکار و کاملاً صریح دو جریان سیاسی کشور که یکی

### فصل سوم - عوامل شتاب‌زا ۱۴۳

دیگری را متهم به باندباری و دزدی از بیت‌المال و دیگری طرف مقابل را متهم به پرونده‌سازی، دروغ، قانون‌گریزی و بی‌برنامگی می‌کرد، فضای هیجانی - احساسی را باعث شد که در فردای انتخابات هیچ یک از دو طرفی که انتخابات را واگذار می‌کردند، شکستشان را قبول نداشتند. تحلیلی وجود داشت در روزهای اولیه اعتراض جنبش سبز به حکومت، که معتقد بود اگر طیف حاکم از صندوق‌ها درنمی‌آمدند (که درآورده شدند) فضای کشور را نه مثل جنبش، که به معنای واقعی کلمه وارد جنگ‌های طبقاتی و شهری / روستایی می‌کردند. هر آنچه که بود مناظره‌ها پانسیلی را برای انتخابات آزاد کرد که حتی در برداشت‌های بدین‌ترین افراد هم نمی‌توانست توجیه شود. نیرویی که مناظره‌ها با آن شکل خاص برگزاری اش، وارد جامعه کرد به تنها یک کافی بود که چرخه انتخابات را به نحو دیگر بچرخاند در صورتی که عامل رو در رویی مدنی طرفداران دو طیف در قبل از انتخابات به یک زد و خورد سیاسی / نظامی در پس انتخابات منجر شد.<sup>۱</sup>

### نامه هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری

عصر سهشنبه ۱۹ خرداد، ۱۳۸۸، نامه هاشمی رفسنجانی خطاب به رهبر انقلاب منتشر شد که در آن از بحران بزرگ آینده خبر داده بود. این نامه از سوی جناح رقیب به دلیل نوع ادبیات و آغاز بدون سلام، در همان ابتدا مورد انتقاد جدی قرار گرفت. روند نامه‌نگاری به رهبری که بعداً به مثابه یک پروژه به آن نگریسته شد، بعداً توسط «مهندس موسوی»، دکتر «عبدالکریم سروش»، دکتر «ایرج فاضل»، «عبدالعلی بازرگان»، «محمد نوری‌زاد» و حتی «محسن رضایی» ادامه یافت. نامه هاشمی از سوی تحلیلگران موافق و مخالف جریان سبز به عنوان یک حرکت

۱. مرتضی ارشاد؛ انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری - مناظرات، نیم نما؛ <http://nimnama.org>

قابل تحلیل و مؤثر در روند آشوب‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. شتاب‌زا دانستن این نامه به معنای آنست که به نظر می‌رسد این حرکت در جهت‌دهی یا شدت‌بخشی روندها دارای تأثیر بوده است. چنانچه در این‌باره یک رسانه خارجی نوشته است:

در رخدادهای مرتبط با انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، نامه سرگشاده اکبر هاشمی رفسنجانی به [آیت‌الله] علی خامنه‌ای، یکی از فرازهای مهم حوادث یک سال گذشته است. انتشار این نامه در یکی از دوره‌های پرهیجان جامعه ایران، تأثیرات آن را دو چندان کرد. این نامه از یک سو عمق شکاف در درون نظام را در برابر افکار عمومی عربان ساخت و از دیگر سو، فاش ساخت که حاکمیت در صدد دست بردن در آرای مردم و تقلب در انتخابات است.<sup>۱</sup>

حملات احمدی‌نژاد به هاشمی رفسنجانی که برای او پیروزی انتخابات دور گذشته را به ارمغان آورده بود، در انتخابات دور دهم ریاست جمهوری نیز ادامه یافت. شدت این حملات در مناظره‌های تلویزیونی بالاخص منازعه انتخاباتی «دکتر» احمدی‌نژاد و «مهندس» موسوی موجب واکنش تند هاشمی رفسنجانی شد.

احمدی‌نژاد در این مناظره تلویزیونی خطاب به موسوی گفت:

آقای صفائی فراهانی هم در دولت شما پولدار شدند. پسران آقای هاشمی چه می‌کنند؟ آقای ناطق چطور زندگی می‌کند؟ پسرش چطور میلیارد شد؟ کارخانه رشت الکتریک را یکجا به برخی دادند. دادند به آقای کرباسچی و همسرشان و آقای قبه با کارخانه‌ای در مزایده نبوده، صاحب شدند، زمین را از بیخ کنند و صاحب زمین شدند. پرونده استات اویلان که پشت پرده‌اش پسر آقای هاشمی است، یک نفر در این قضیه دادگاهی شد، حامی او شدند و فراری اش دادند به

---

۱. مصطفی ملکان؛ نامه سرگشاده رفسنجانی، یک سال پس از انتشار؛ دویچه وله صدای آلمان

### ۱۴۵ فصل سوم - عوامل شتابزا

خارج از کشور. بسیاری از مدیران در دوره خاتمی زمین‌های چندصد هکتاری به نام خودشان زدند. همان مدیرانی که زمین مفتی گرفتند، الان از شما حمایت می‌کنند. ما می‌دانیم که چه کسانی پول ستاد شما را می‌دهند؟

این اظهارات سرانجام منجر به نگارش نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب اسلامی شد.

در این نامه، رفسنجانی اظهارات احمدی‌نژاد را حساب‌شده و محصول یکرشته (مقدمه‌چینی‌های قبل و حوادث بعد از مناظره با موسوی) دانست که «افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی» را به عنوان رقیب اصلی نشانه گرفته است و زیر سؤال برنده (تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر) است.

هاشمی رفسنجانی ضمن هشدار درباره خطر گرفتاری کشور به سرزنشت دوره بُنی‌صدر، نامه خود را با اشاره به احتمال رویارویی جناح‌های نظام در خیابان‌ها به پایان بردا: «از جنابعالی با توجه به مقام و مسئولیت و شخصیت تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم‌اکنون در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می‌دانید اقدام مؤثری بنمایید و مانع شعله‌ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شویید.»<sup>۱</sup>

مخالفان هاشمی این حرکت را مورد نقد قرار داده و آن را سندی دال بر دخالت وی در آشوب‌ها دانسته و خطاب به او نوشته‌ند:

بر اساس کلام تحلیل تصویر نمودید که اگر در پشت صحنه، انتخابات را رهبری کنیم، حساسیت مردم برانگیخته نخواهد شد؟ قرار گرفتن

۱. هاشمی رفسنجانی، «نامه هاشمی رفسنجانی به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: این تهمت‌ها شما را هم نشانه گرفته است»، به نقل از خبرگزاری‌ها

حضرت‌عالی در کنار آقای میرحسین موسوی و آقای خاتمی، پیوند همه کسانی را که از سال ۶۰ در قدرت بودند برای دستیابی مجده در ذهن مردم رقم زد. چرا از این مطلب غفلت شد که فعالیت‌های گسترده حضرت‌عالی و منسوباتان از نگاه مردم پنهان نخواهد ماند؟<sup>۱</sup>

مخالفان، پیش‌بینی حاد هاشمی از وقایع آتی را صرفاً «پیش‌بینی» تلقی نکردند، بلکه نشانه‌ای از یک برنامه‌ریزی دانستند؛ از جهتی دیگر، تحلیلگران اپوزیسیون هم بعضی همین نظر را مورد تأکید قرار می‌دادند.

این اظهارات را البته نباید به حساب دوربینی رفسنجانی گذاشت چراکه وی صرفاً یک مفسر سیاسی نیست بلکه یکی از معماران نظام و دست‌اندرکاران اصلی سیاست ایران است. او نه به عنوان ناظر بلکه به مثابه مداخله‌گر از رویارویی آتی سخن می‌گوید. این رویارویی نیز نه فقط در آستانه انتخابات دهم بلکه از فردای انتخابات نهم یعنی همان هنگام که در نتیجه مداخله «حزب پادگانی»، احمدی‌نژاد فاتح انتخابات بیرون آمد و رفسنجانی شکایت نزد خداوند برد و کرویی مصمم به تشکیل حزب «اعتماد ملی» گشت، آغاز شد.<sup>۲</sup>

در واقع نبرد سیاسی هاشمی و احمدی‌نژاد آنچنان در پرده نبود که افکار عمومی و ناظران سیاسی آن را درینابند. چنانچه در برابر نقدهای تند احمدی‌نژاد که به کنایه یا صراحت ابراز می‌شد، هاشمی نیز حملات تندي را علیه احمدی‌نژاد سامان داد؛ پاره‌ای از محورهای نقدهای صریح هاشمی به احمدی‌نژاد عبارت بود از:

- نگرانی هاشمی از کاهش قدرت و منزلت ایران در جامعه جهانی (۲۱ مهر ۸۷)

۱. سلیمانی نمین، «پاسخ سلیمانی نمین به نامه انتخاباتی هاشمی رفسنجانی»، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸ مدادماه / <http://www.farsnews.net/>

۲. بابا علی، مهرداد؛ بحران نظام جمهوری اسلامی؛ بازسازی یا فروپاشی؟ مجله آرش؛ <http://www.arashmag.com>

### فصل سوم - عوامل شتابزا ۱۴۷

- هشدار هاشمی درباره انزوای روحانیت (۱۵ آبان ۸۷)
- انتقاد شدید هاشمی از اقتصاد صدقه‌ای و گداپروری در کشور (۲۶ آبان ۸۷)
- هاشمی رفسنجانی: درآمد نفتی بی‌سابقه کشور چه شده؟ (۲۰ آذر ۸۷)
- هاشمی: هدف طرح دولت وحدت ملی، واقعاً وحدت است؟ (۲۵ آذر ۸۷)
- آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فراخوان داد: هوشیاری عمومی در مقابل انحرافات احتمالی در انتخابات (۵ دی ۸۷)
- هاشمی: بعضی‌ها در صدد مخدوش کردن اراده مردم هستند (۱۴ دی ۸۷)
- ادامه رایزنی‌های محترمانه هاشمی و خاتمی (۲۹ دی ۸۷)
- هاشمی: گناه بزرگی است که برخی زبان مردم را می‌بندند (۹ بهمن ۸۷)
- در مصاحبه مفصل با روزنامه جمهوری اسلامی مطرح شد: مواضع صریح هاشمی پیرامون مهم‌ترین مسائل روز سیاسی از جمله حذف گسترده مدیران، عملکرد دولت احمدی‌نژاد به‌ویژه در ابعاد اقتصادی و سیاست خارجی، انحلال ناگهانی سازمان مدیریت و شورای پول و اعتبار، جریان متحجرین مذهبی و...  
- روزنامه کارگزاران ۲۳ مرداد ۱۳۸۷ هم گزارش داد که از یکسال پیش از انتخابات، آیت‌الله رفسنجانی حساسیت حوزه‌ها را به «تقلبات و تخلفات» انتخاباتی برانگیخته بود و در محوطه دانشگاه آزاد تهران ستاد نظرسنجی با استخدام هزار تن و به سرپرستی پسرش مهدی هاشمی تشکیل داده بود تا نوسانات افکار عمومی را درباره کاندیداها به ثبت رساند.
- این برخوردهای آشکار رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس جمهور، وقتی در کنار بعضی اظهارات منسوبان آنها قرار گرفت، تصویری از یک جنگ قدرت خشن و جدی را در میان ارکان حکومت در اذهان پدید آورد که عملاً فضای دعوتی را

برای حضور جدی عناصر مخالف اساس حکومت، برای وارد آوردن ضربه آخر به زعم آنان به وجود آورد.

بعضی از تحلیلگران مخالف نظام حتی در پس این نبرد قدرت، نوعی جابه‌جایی کلیدی در پشتونهای نظام و حتی تغییر ماهوی در آن را نوید می‌دادند:

در جریان انتخابات اخیر، رفسنجانی تلاش کرد تا به مثابه سخنگوی سیاسی الیگارشی روحانیت شیعه و نظام جمهوری اسلامی در ظرف یک ربع قرن گذشته در مقابل چرخش جدید نظام واکنش نشان دهد. این چرخش جدید که پس از اشغال سفارت آمریکا می‌تواند سومین مرحله انتقال اسلامی نامیده شود ناظر بر جابه‌جایی الیگارشی روحانیت شیعه با الیگارشی سپاه و بسیج است. در مسیر این جابه‌جایی، نظام تاریخاً از گروه‌بندی‌های اجتماعی که بلوک قدرت مؤسس نظام را تشکیل می‌دادند، یعنی روحانیت شیعه و بازار استقلال یافته است.<sup>۱</sup>

در هر حال، نوع واکنش متقدان هاشمی به نامه او آنچنان بود که یک رسانه بیگانه مدعی شد:

نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به آیت‌الله خامنه‌ای، با واکنش‌های گوناگون مراکز قدرت روبه‌رو شد. گروهی او را به احتیاط و سکوت فراخواندند، اما کیهان و بسیج دانشجویی فراتر رفتند و وی را تهدید به تسویه حساب کردند.<sup>۲</sup>

اما هاشمی خود در مورد دیدگاه رهبری پیرامون این نامه جنجال‌برانگیز گفته است:

درباره نامه‌ای که در آستانه انتخابات خدمت ایشان فرستادم، خود آیت‌الله

۱. منبع پیشین

۲. رفسنجانی دعوت به سکوت و تهدید به تسویه حساب شد؛ دویچه وله

### فصل سوم - عوامل شتاب‌زا

خامنه‌ای به من گفتند: درباره محتوای سراسر نامه ملاحظه‌ای ندارم و فقط زمان انتشار آن را آگر بعد از انتخابات بود مناسب می‌دانستم؛ ولی می‌بینید که دوستان و دشمنان چه تحلیل‌هایی نوشته‌اند!<sup>۱</sup>

---

1. [Http://www.hashemirafsanjani.ir](http://www.hashemirafsanjani.ir)



## **فصل چهارم**

**تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز**



## تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز

### مقدمه

کشاکش و تعارض، روندی در زمینه تعامل نیروهای در حال حرکت در طول زمان به سوی توازن قدرت است.

رفتار مبتنی بر تعارض لزوماً خصمانه یا متضاد نیست. بلکه ممکن است مفید و مبتنی بر تعاون یا حتی همبستگی هم باشد. نخبگان نه تنها تهدید و تحریم می‌کنند، جواب متقابل داده و انتقام می‌گیرند، بلکه معامله، تجارت و همکاری هم دارند و کمک‌هایشان به همدمیگر به تعادل و توازن هم، یاری می‌رسانند.

اما گاه در کشاکش‌های سیاسی، بازیگران به جای واقعیت‌بینی می‌کوشند به هر قیمتی که شده دیدگاه‌های خود را به کرسی نشانده و کشاکش سیاسی خود را به سطح بحران ملی ارتقا دهنند. عنصری که آنها را از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی دور می‌کند؛ عمده‌تاً خودفریبی است.

لذا اگر دلایل شکست سیاسی را در تاریخ جستجو کنیم، شاید مهم‌ترین عامل

«خودفریبی» باشد؛ هر فرد فعال در حوزه عمل سیاسی و بلکه در همه حوزه‌ها گمان دارد که روش و منش او برترین و هوشمندانه‌ترین روش ممکن است. افراد بسیاری هستند که علی‌رغم آنکه واقعیت با مفاهیم، باورها و روندی که آنان برگزیده‌اند همخوانی نداشته و چه بسا در تعارض کامل با آن است؛ همچنان برای خودداری از پذیرش واقعیت بر اندیشه‌های خود اصرار ورزیده و حتی منکر واقعیت شده‌اند و شاید به تحریف واقعیت اصرار ورزیده و می‌کوشند با واقعیت تحریف شده به اراضی روانی خود پردازند.<sup>۱</sup>

### از فریب تا خودفریبی

متأسفانه یکی از معضلات مطرح در حوزه سیاست، بهره‌گیری از عنصر فریب در چالش‌های میان افراد و گروه‌های سیاسی است؛ عنصری که بعضاً حتی از سوی سیاستمداران غیردینی به عنوان فضیلت یک سیاستمدار شمرده شده است، فریب که با عنایین دیگری چون حیله، مکر، خدعا، بلوغ، نهانکاری یا مانند آن یاد می‌شود، در تاریخ سیاسی سابقه طولانی دارد ولی شاید مهم‌تر از فریب، خودفریبی است که گاهی سیاستمداران را آنچنان در تاروپود خود گرفتار می‌کند که امکان کشف و دیدن حقیقت برای آنها به صفر می‌رسد.

روان‌شناسان بر این باورند که اگر فردی به دروغ گفتن خود اعتقاد داشته باشد و فراتر از آن، به دروغ گفتن به خود، باور داشته باشد، کشف دروغ بسیار مشکل می‌شود. چنانچه به این خودفریبی نام «ناهوشیاری برانگیخته شده» نهاده‌اند.

از سوی دیگر، ممکن است اساساً نوع نگاه و تصویر ذهنی فرد در مورد جامعه تا آن حد با واقعیت‌ها متفاوت باشد که او را وادار کند در دنیای وهمی خاص خود او

---

1. Tyler Cowen, Self-Deception as the Root of Political Failure,

زیست کند.

بروز شکاف میان واقعیت و تصویر ذهنی فرد ممکن است در حد یک فرد عادی، چندان آثار اجتماعی نداشته باشد، ولی هنگامی که این فرد یک چهره سیاسی یا یک مدیر ارشد باشد، شکی نیست که تبعات آن می‌تواند کلیت یک جامعه و سرنوشت شهروندان آن را تحت تأثیر خود قرار دهد.

بر اساس نظریه شناخت درمانی<sup>۱</sup> انسان همانگونه که فکر می‌کند، احساس هم می‌کند. به عبارتی این وقایع خارج نیست که موجب می‌شود فرد به گونه‌ای خاص احساس کند، بلکه احساسات از افکار ریشه می‌گیرند، هرچند که این برداشت خلاف عرف معمول است، ولی علم روان‌شناسی بر آن مهر تأیید نهاده است، انسان‌ها چون به دشواری می‌توانند خود و افکار خود را متهم کنند، معمولاً «بیرون» را مقصراً در تحولات منفی احساسی خود قلمداد می‌کنند.

بنابراین، افکار و طرز تلقی افراد است که احساسات آنها را شکل می‌دهد، پس هر احساس منفی از اندیشه‌ای منفی ریشه می‌گیرد؛ بر پایه نظریه شناخت درمانی، بیشتر افکار منفی که موجب پیدایش احساسات ناخوشایندی در افراد می‌شود، غیرواقع‌بینانه و برخاسته از خطای شناختی<sup>۲</sup> است. خطاهای شناختی و معرفتی همان باورهایی هستند که افراد برای تفسیر واقعیت یا وقایع از آن بهره می‌گیرند. این خطاهای یا تحریف‌های شناختی را چونان آینه‌ای ناصاف و انحرافدار برشمده‌اند که وقایع را همانگونه نادرست و غیرواقعی بازتاب می‌دهد.

حال اگر فردی که دچار خطای شناختی شده است، یک عنصر سیاسی مؤثر باشد، مشخص است که بازتاب غلط از وقایع را که ناشی از خطای شناختی خود است، بسان

---

1. Cognitive behavior therapy  
2. Cognitive Distortions

واقعیت ارزیابی کرده و بر مبنای آن تصمیماتی می‌گیرد که سرنوشت پیروانش را به آن گره زده و آثار گاه خطرناک و پر هزینه‌ای بر آن مترب می‌شود. و اما خودفریبی، تثیت خودخواسته انحرافات شناختی و اصرار به دفاع از آن است. بحث خودفریبی آنچنان اهمیتی در رفتارهای بشری دارد که «فروید» در پژوهش‌های خود روشن می‌سازد که چگونه ضمیر ناخودآگاه، یک تصویر شخصی از واقعیت می‌سازد تا تمایلات ما را ارضاء نماید. «ژان پل سارت» هم مفهوم خودفریبی را هسته مرکزی تئوری عواطف خود قرار داده است.<sup>۱</sup>

برای خودفریبی تعاریف متعددی ارائه شده است، که بعضًا عبارت است از:

- یک تصور غلط که برای دارنده‌اش مطلوب است.<sup>۲</sup>
- خودفریبی فرایند انکار یا عقلانی‌سازی در مقابل اهمیت، معنا، ارتباط و استدلال منطقی و شواهد معارض است. خودفریبی فرد را در مورد صحت یا کذب یک حقیقت آنچنان اقناع می‌کند که فرد مذکور هیچ‌گونه حاضر نیست اطلاع خود را در مورد فریب خوردن پذیرد.

در مجموع شواهد حاکی از آنست که نمی‌توان انتظار داشت سران جریان موسوم به سبز شواهدی دال بر شکست یا ادراک اشتباه خود ارائه نمایند، زیرا این افراد معمولاً در برابر واقعیت‌های غیرقابل‌پذیرش از نظر خود؛ ضمن انکار واقعیت تلاش دارند که به فرافکنی پردازنند. روندی که دقیقاً مهندس موسوی و سایر سران این جریان گرفتار آن شده و به جای تحلیل واقع‌بینانه شرایط، به فرافکنی پرداختند.

### نشانه‌های شکست

هرچند رهبران جریان موسوم به سبز، به دلایلی که ذکر شد؛ خواهان ذکر عوامل

۱. منبع پیشین

2. <http://wordnetweb.princeton.edu/perl/webwn?s=self-deception>

## فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۵۷

منجر به شکست سیاسی خود نیستند، ولی تعدادی از تحلیلگران متمایل به این جریان در بیان نشانه‌های شکست این جریان در پی کشف دلایل و نشانه‌های منطقی هستند. تحلیلگرانی که از جنبه‌های تئوریک بیشتری برخوردارند و بهویژه از موضع اپوزیسیونی به قضایا می‌نگرند؛ تحلیل‌های گوناگونی از دلایل شکست ارائه کرده‌اند که در این بخش، آسیب‌شناسی این جریان و دلایل شکست آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

\*\*\*

کنشگران سیاسی جریان مذکور اغلب دلیل‌های زیر را به عنوان نشانه‌های شکست جنبش برمی‌شمارند.

- هیچ تغییری روی نداده است.
- صاحبان قدرت بسیار قوی هستند و به ما توجه نمی‌کنند.
- جنبش به شکل واکنشی عمل می‌کند به جای اینکه ابتکار عمل داشته باشد.
- ما از یک موضوع به موضوع دیگر می‌بریم.
- کارشناسان، رسانه‌ها و صاحبان قدرت می‌گویند که ما در حال شکست هستیم.
- جنبش دیگر همه‌گیری و وسعت پیشین خود را ندارد.
- جنبش موفقیت‌هایی هم داشته است، اما این موفقیت‌ها را نیروهای خارج از جنبش رقم زده‌اند.
- جنبش به هدف‌های درازمدت خود دست نیافته است.
- جنبش پیروزی «واقعی» به دست نیاورده است.<sup>۱</sup>

### انحراف از چانه‌زنی به اعمال فشار

تعدادی از تحلیلگران اپوزیسیون معتقدند که شرایط، علی‌رغم میل کروبی و

---

۱. دستیابی به عقیده‌ای واقع‌بینانه درباره موفقیت جنبش «مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی‌خشونت»؛ <http://cssnd.com>

موسوی، به سمت رادکالیسم میل کرد؛ بر پایه این تحلیل هم کرویی و هم موسوی مدافع راهکار «چانه‌زنی در بالا» بودند. اما مسیر انتخابات و نتایج آن هر دوی آنها را به سوی اعمال «فشار از پایین» سوق داد. دلایل این تحول از این منظر عبارت بود از:

۱. برخلاف انتخابات نهم، اصلاح طلبان مسئول کابینه، مجلس و شوراهای شهر و روستا نبودند، بنابراین اعتراض علیه تقلب انتخاباتی (برای اصلاح طلبان) تنف سریلا نبود، یعنی رئیس جمهور و وزیر کشور اصلاحات را زیر سؤال نمی‌برد. در واقع انتخابات نهم چرک‌نویس انتخابات دهم بود و به همان دلایلی که نتایج انتخابات دهم از جانب معترضان غیرمشروع نامیله شد، رئیس جمهور برآمده از انتخابات نهم نیز باید غیرمشروع تلقی می‌شد. با وجود این، از آنجا که محمد خاتمی این انتخابات را «سالم‌ترین و بهترین انتخابات» خوانده بود، دهان معترضان دوخته شده بود. این مانع در انتخابات دهم وجود نداشت. به بیان دیگر، عدم حضور اصلاح طلبان در کابینه شرایط را برای فشار از پایین مساعدتر ساخت.

۲. حزب پادگانی مصمم بود تا به پلورالیزم درونی نظام خاتمه دهد و به این اعتبار نیازی به انتخابات برای حل و فصل اختلافات درونی نمی‌دید. عروج الیگارشی سپاه و بسیج با تغییر توازن قوای سیاسی، قواعد بازی تاکنونی برای مبادلات سیاسی را بر هم زده بود و راه چانه‌زنی در بالا را مسدود کرده بود. حملات آشکار و خصم‌مانه احمدی‌نشزاد به رفسنجانی به مثابه مظهر «اشرافیت» ۲۵ ساله نظام بیان این انسداد بود.

۳. ناتوانی ولی فقیه در ایغای نقش خود به عنوان میانجی و داور نهایی نظام<sup>۱</sup>

---

۱. بابا علی، مهرداد؛ بحران نظام جمهوری اسلامی؛ بازسازی یا فروپاشی؟ مجله آرش؛ <http://www.arashmag.com>

## فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۵۹

۴. این عنصری بود که البته «حسین بشیریه» به نحو دیگری آن را بیان می‌کرد.  
«حوادث پس از انتخابات نشان داد که تضاد و اختلاف در میان این جناح‌ها  
به حدی رسیده که با ریش سفیدی و میانجی‌گری حل شدنی نیستند.»<sup>۱</sup>

هرچند به این موضوع از منظرهای گوناگون نگریسته شده است ولی در بعضی از  
موارد، تحلیل آنها همپوشانی نیز دارد. تحلیلگر دیگری که او هم از منظر معارضان اصل  
نظام می‌نگرد در این مورد می‌نویسد:

ریش تضادهای داخلی رژیم در کمپین انتخاباتی دهم رئیس جمهوری  
رژیم فقاهتی حاکم، از بالا به پایین یعنی متن توده‌ها در بستر افشاگری‌های  
جناح‌های حاکم، به خصوص توسط مصاحبه‌های رویارویی تلویزیونی بین  
کاندیداها که برای اولین بار در کمپین مبارزاتی کاندیداتوری رژیم تجربه  
می‌شد به علت ماهیت غیربرنامه‌ای این مناظره‌ها خود مناظره‌ها بدل به  
افشاگری‌های هیستریک و تسویه حساب‌های تاریخی ۳۰ سال گذشته  
گردید) سه جریان راست مارن به نمایندگی محسن رضایی و رفرمیست  
سنت گرا به رهبری کروبی و بالاخره رفرمیست مارن به رهبری مثلث  
خاتمی - موسوی - هاشمی و راست بازاری به رهبری ناطق نوری از یک  
طرف با راست سنت گرا تمامیت‌خواه اقتدار طلب پوزیتیویستی عوام‌فریب  
به رهبری احمدی‌نژاد از طرف دیگر باعث گردید تا:

اولاً فساد کلی حکومت برای مردم روشن شود،  
ثانیاً چهره چهارساله عوام فریب احمدی‌نژاد برای توده‌ها عریان گردد.  
ثالثاً در برابر چهره خشن و پوزیتیویستی (!!) و عوام‌فریب احمدی‌نژاد،  
چهره موسوی به صورت آزادی‌خواه عدالت طلب و مظلوم و دموکرات

۱. بشیریه، حسین، «گفتگوی دکتر حسین بشیریه در مورد ویزگی‌های جنبش مردم ایران»، ادوار نیوز، چهارشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۸۸

تجالی کند.<sup>۱</sup>

از مجموع تحلیل‌های ارائه شده آشکار می‌شود که تحلیلگران اپوزیسیون برای جریان مذکور اصالت قائل نشده و برآئند که اشتباهات طرف مقابل است که دست‌مایه شکل‌گیری این حرکت شده و برآتش اعتراضات دامن زده است. اما نکته‌ای که اهمیت دارد ارزیابی جریان‌های هوادار اشتعال بیشتر آشوب‌ها از نتیجه عمل و کشف دلایل افول جریان از منظر آنان است.

### آسیب‌شناسی جریان سبز از منظر هوادارانش

آسیب‌شناسی یا پاتولوژی (Pathology) شاخه‌ای از علم پزشکی است که در خصوص تأثیر بیماری‌ها و آسیب‌ها در سطح بافتی و سلولی بحث می‌کند و شامل مطالعه فرایند بیماری در یک اندام یا تمامی بدن برای شناخت ماهیت و علل آن است. در شرایط عملی آسیب‌شناسان با بافت‌برداری از مناطق آسیب‌دیده یا بررسی بافت‌های ارسال‌شده توسط پزشکان، به تشخیص عامل بیماری‌زا کمک می‌کنند. امروزه آسیب‌شناسی، از تخصص‌های رشته پزشکی است و به قدری گسترده شده است که در حوزه‌های دیگر علم نیز مصطلح شده است؛ مانند آسیب‌شناسی فرهنگی.<sup>۲</sup>

هواداران جریان سبز در داخل و خارج از کشور هر کدام به نحوی به آسیب‌شناسی این جریان پرداخته‌اند و نقاط ضعف آن را از نگاه خود گوشزد کرده‌اند. یک تحلیلگر هوادار جریان سبز، نقاط ضعف این جریان را اینگونه دسته‌بندی کرده است:

- عدم رهبری کارآمد: جنبش سبز یک جنبش سازماندهی‌شده نیست و از

۱. جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد در آینه «نشر مستضعنین»: <http://nmostazafin.wordpress.com/>

2. The Practice of Surgical Pathology: A Beginner's Guide to the Diagnostic Process, by Diana Weedman Molavi, Publisher: Springer, 2008

#### فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۶۱

رهبریت مرکزی تا حد زیادی برخوردار نیست. به عبارت دیگر، ساختار جنبش افقی است نه عمودی و این امر از پتانسیل آن می‌کاهد. رهبری موسوی عموماً سمبولیک است و حتی در همین حد از نقش آفرینی نیز با محدودیت‌های زیادی مواجه است. موسوی تحت کنترل شدید دولت قرار دارد. از گروه مشاوران وی نیز بخشی در بازداشت به سر می‌برند و بخشنده دیگر یا خود تحت کنترل هستند و یا حال که زمان هزینه دادن رسیده است، از گرد او پراکنده شده‌اند. تدابیر اتخاذ شده از جانب موسوی نیز (از جمله راه سبز امید) از شفافیت لازم برخوردار نبوده و بسیار دیر ارائه شده‌اند.

- ائتلافات سیاسی شکننده: شکننده‌گی این ائتلاف غیررسمی، جلدی ترین نقطه ضعف جنبش ارزیابی می‌شود. حامیان جنبش سبز را می‌توان دو گروه اصلی تقسیم کرد. گروه اول همان اصلاح طلبان هستند که به همراه کروبی و موسوی، هنوز خود را وفادار به نظام دانسته و به دنبال راه حلی در درون نظام و قانون اساسی فعلی می‌گردند و از این دید به مطالبات جنبش نگاه کرده و حوادث اخیر را انحرافی از خط امام و انقلاب ارزیابی می‌کنند. گروه دوم سکولارها هستند که قانون اساسی فعلی را ناکارآمد تلقی کرده و عامل وضع موجود می‌دانند. این گروه خود را مقید به چارچوب نظام ندانسته و عموماً سیستم جمهوری اسلامی را غیرقابل اصلاح تلقی می‌کنند. اگرچه حداقل، اهداف کوتاه‌مدت این دو گروه به هم پیوند خورده و مشترک است ولی به دلیل اختلاف در اهداف بلند‌مدت، اعتماد چنانی به هم ندارند و یک حادثه کوچک ممکن است به ائتلاف پایان دهد.

- عدم حمایت بقیه اقوام جامعه: اکثریت حامیان جنبش را طبقه متوسط تشکیل می‌دهد و نشان چنانی از حضور طبقات دیگر به چشم نمی‌خورد. طبقه متوسط در ایران به تنها بی قادر به عقب راندن حاکمیت نیست و همراهی سایر اقوام جامعه از جمله کارگران و بازاریان حیاتی قلمداد

می‌شود. توانایی طبقه کارگر در برپایی اعتصابات سراسری، اهمیت همراهی آنها را با جنبش دو چندان می‌کند.

- مشکلات فرهنگی: این ضعف همانا به ناشکی‌ای ای را در کارهای جمعی بازمی‌گردد. اثرات منفی این خصیصه در تاریخ صداساله مبارزه مردم ایران برای آزادی به خوبی مشهود است.<sup>۱</sup>

تحلیلگر دیگری کوتاه‌تر ولی صریح‌تر ضعف جریان سبز را اینگونه بیان می‌کند:

فقدان سازمان یافتنگی مطلوب، رهبری ضعیف، نبود برنامه مبارزاتی کارآمد، عدم تناسب بین بدن و رهبری حرکت و مشخص نبودن مطالبات فراگیر و معین به عنوان اهداف آنی و کوتاه مدت، ایرادات عملدهای هستند که باعث شده‌اند جنبش تاکنون دستاوردهای ملموسی به لحاظ ایجابی کسب نکند.<sup>۲</sup>

در تحلیلی دیگر تحلیلگر با تعمیم مشکل برآنست که سلبی‌نگری، مشکل اساسی همه جنبش‌های اجتماعی از مشروطه به این سوست؛ از این رو در تحلیل معضل می‌نویسد:

خطر اولی که جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۱ را تهدید می‌کند، همان آفتی است که جنبش اجتماعی - سیاسی ۲۲ بهمن و جنبش اجتماعی - سیاسی مشروطیت را تهدید می‌کرد و آن عبارتست از نفی‌نگری توده‌ها به جای اثباتی‌نگری آنها، چرا که در تمام جنبش‌های سیاسی - اجتماعی فوق موتور حرکت جنبش‌ها نفی وضع موجود بوده است نه اثبات وضع مطلوب و آلترناتیوی آینده و این موضوع باعث گردیده است تا توده‌های ما سراب را آب پیندارند و در نتیجه پس از آنکه دیدند به آب نمی‌رسند دچار یأس و سرخوردگی می‌شوند و برای مدتی در لام خود فرو می‌روند

۱. حمید غفرانی، آینده جنبش سبز: چالش‌ها و چاره‌ها، [www.roozonline.com](http://www.roozonline.com)

۲. علی افشاری، نکاتی پیرامون آینده جنبش سبز، <http://raha.payaan.com>.

## فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۶۳

آنچنان که بعد از کودتای رضاخان در سال ۱۲۹۹ و کودتای سیاه در ۲۱ مرداد سال ۳۲ و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ۲۲ بهمن ۵۷ دیدیم که در تمامی این فرایندهای تاریخی گذشته توده‌های ما پس از اینکه در عرصه جنبش اجتماعی - سیاسی - اقتصادی خود نتوانستند پیش بروند و با خبریات فیزیکی رژیم‌های غیرمردمی کودتا رو به رو شاند به خاطر عدم سازماندهی خود و عدم پانسیل رهبرانشان، جهت هدایتگری و سازمانگری آنها متلاشی می‌شد و پس از ضربه، به یأس می‌رسیدند و در نتیجه برای مدتی در لاک خود به صورت اعتراض خاموش فرو می‌رفتند. خطط دومی که جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد را تهدید می‌کند، عالم پیوند تاریخی هژمونی جنبش با خود جنبش می‌باشد. به عبارت دیگر بین جنبش اجتماعی فعال و رهبری آن سنختی وجود ندارد، توده‌ها برای خواسته‌های تاریخی خود که عبارتست از توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی مبارزه می‌کنند، اما هژمونی آنها برای وادار کردن (آیت الله) خامنه‌ای به تقسیم، بازتقسیم و سهم خواهی از قدرت به کشاکش با جناح‌های دیگر قدرت و در رأس آنها (آیت الله خامنه‌ای) می‌پردازد و دلیل آن پارادوکس ماهیتی بین رهبری و جنبش به خاطر این است که رهبری جنبش از دل جنبش اجتماعی فوق بیرون نیامده است بلکه جنبش اجتماعی فوق به خاطر خلاً رهبری، خود را وابسته به این جناح کرده است و طبیعی است که به علت عدم صلاحیت رهبری جنبش، این جنبش مثل جنبش‌های قبلی عقیم گردد چرا که رهبری فعلی جنبش در صورت طولانی شدن مبارزه توان هدایتگری جنبش را نخواهد داشت و تسلیم فشار حاکمیت می‌گردد. تنها در صورت کوتاه مدت بودن حرکت جنبش اجتماعی و تسلیم بدون فشار و سرکوب (آیت الله خامنه‌ای) جهت تقسیم قدرت، رهبری فعال جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد می‌تواند حرکت جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد را در خدمت منافع خود بکار گیرد. طبیعتاً مکانیزمی که رهبری فعال جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد برای

و ادارکردن (آیت‌الله خامنه‌ای) جهت تقسیم قدرت به کار گرفته است، تاکتیک فشار از پایین برای چانه‌زنی سهم بیشتر قدرت از بالاست. خطر سومی که جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد را تهدید می‌کند، خطر قهرآمیزشدن سریع برخورد جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد با حاکمیت است. بدون طی کردن مرحله‌ای مبارزه دموکراتیک، توسط اعترافات علني از اعتصاب گرفته تا تظاهرات و... که در این رابطه اتفاقاً مکانیزم رژیم در روز دوشنبه ۲۵ خرداد در همین راستا قابل تبیین و تحلیل می‌باشد.<sup>۱</sup>

به عبارتی از نظر این تحلیلگر سه آسیب خطرناک فراروی جریان سبز عبارتست از: نفی‌نگری توده‌ها به جای اثباتی‌نگری آنها؛ عدم پیوند تاریخی هژمونی جنبش با خود جنبش، به عبارت دیگر بین جنبش اجتماعی فعال و رهبری آن سنتی وجود ندارد؛ و نهایتاً خطر قهرآمیزشدن سریع برخورد جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد با حاکمیت بدون طی کردن مرحله‌ای مبارزه دموکراتیک است.

در آسیب‌شناسی دیگری، نقاط ضعف جریان سبز، اینگونه دسته‌بندی شده است:

۱. عدم آمادگی و سازمان‌یابی جهت مقابله سیستماتیک با دشمن تا دندان

مسلح

۲. برنامه‌ریزی‌های مشخص توسط باند کودتا جهت مقابله با جنبش اعترافی مردم. در این رابطه سپاه پاسداران سه روز قبل از انتخابات اعلام کرد که برخی از کاندیداهای خواهان برپایی انقلاب محملی در ایران هستند و ما در مقابل آنها خواهیم ایستاد.

۳. عدم آمادگی و عدم پیگیری لازم موسوی و کرویی جهت اعتلا و گسترش این جنبش و مقابله با سرکوب‌های فاشیستی رژیم کودتا

---

۱. جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد در آینه «نشر مستضعین»؛ <http://nmostazafin.wordpress.com>

## فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۶۵

۴. وقت کشی شورای نگهبان جهت اعلام نتایج انتخابات به نفع باند کودتا

و به ضرر این جنبش و معتبرضیین و تدارک سرکوب تمام عیار

۵. عدم توازن قوا جهت اعتراضی این جنبش برای رسیدن به مرحله

سرنوشت‌ساز (یعنی ابطال این انتخابات)

۶. جنبش نتوانست به مثابه جنبش‌ها و نهادهای مستقل به شکل

سازمان یافته عمل کند. نقش این نجاه‌ها علی‌رغم تأثیرات شیوه‌های

مبادراتی‌شان در پیشبرد اعتراضات توده‌ای، عملتاً غیرسازمان یافته و

همگامی با کل جنبش همگانی بود.

۷. عدم حضور جنبش کارگری و جنبش طبقه ندار، به عنوان

تمکیل‌کنندگان و متعاقباً تأثیرگذارندگان کیفی در این جنبش همگانی.

۸. جنبش دارای خصلت ضداستماری و برابری طلبانه نیست.

۹. این جنبش توان جذب و هماهنگ نمودن جنبش‌های ضداستماری با

خود را ندارد و رهبری این جنبش در این شرایط اساساً دارای چنین

پتانسیلی نبوده و نیست. در حالی که در جامعه‌ای که بیش از ۷۰ درصد

توده‌های آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند، امکان ندارد بدون حضور

توده‌های ندار، مبارزات دموکراتیک و آزادی خواهانه توده‌ها به پیروزی

برسد.<sup>۱</sup>

در تحلیل دیگری ناتوانی در جذب شاغلان به تظاهرات از جمله آسیب‌های جریان

سبز بر شمرده شده است:

ترکیب اجتماعی شرکت‌کنندگان در تظاهرات خیابانی ۲۵ و ۳۰ خرداد. در

میان شرکت‌کنندگان مقدمتاً باید سه گروه شغلی را از یکدیگر بازشناسخت:

۱. دانشآموزان و دانشجویان که هنوز وارد بازار کار نشده‌اند.

۱. رحمان عبادی؛ آینده جنبش همگانی ۲۳ خرداد؛ ضعف‌ها و دستاوردهای آن؛ [www.smtohidi.com](http://www.smtohidi.com)

۲. دیپلمه‌ها و دانش‌آموختگان بیکار که در دوره انتقال از تحصیل به اشتغال  
یا ورود به بازار کار به سر می‌برند.

### ۳. شاغلین

به باور این قلم، گروه‌های اول و دوم که عمدهاً در رگیرنده جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله است، پای ثابت یا هسته فعال اعتراضات خیابانی می‌باشند. اما بalon پیوستن گروه سوم یعنی شاغلین در تظاهرات ۲۵ خرداد و ۳۰ خرداد، این اعتراضات خیابانی نمی‌توانست ابعاد عظیم توده‌ای یابد.<sup>۱</sup>

به عبارتی، گروهی نپیوستن طبقات ندار (فقیر) را نقطه ضعف جربان سبز می‌دانستند و گروهی دیگر نپیوستن شاغلین را؛ از سوی دیگر تحلیلگر دیگری دلیل افول تظاهرات را نپیوستن اقشار کارگری به این جریان ذکر می‌کند:

فروکش راهپیمایی‌ها و خلوت شدن خیابان‌ها، با اعتضاب کارگران، کارمندان و کسبه پُر نشد. نمی‌توانست هم که شود. توده عظیم کارگران نه خواسته‌های خود را در گفتار و کردار نامزد همای ریاست جمهوری بازمی‌یافتد و نه آن را در شعارهای راهپیمایی‌های خیابانی! راست است، «ضعف بزرگ جنبش اخیر این بود که با خواسته‌های صنفی و اقتصادی روبه رو نشد.» از کارمندان و کاسبانی هم که به سیاست گرایش داشتند، تنها پاره کوچکی از جریان حاکم جدا شدند. پاره بزرگ این دونیرو، به ویژه کارمندان دولت اسلامی، در پیوندی تنگاتنگ با قدرت حاکم قرار داشته‌اند. هردو پاره این دونیروی اجتماعی اما با هزار تار پیدا و پنهان به جمهوری اسلامی واپسیدند، با آن بده و بستان دارند و نزدیکی هایی در عین دوری‌ها و فاقد اراده‌ای مستقل لازم. توجه میرحسین موسوی به «نیروی میانی» و اینکه «نیازهای آن با نیازهای جامعه گره خورده است»، بیان درکی

---

۱. بابا علی، مهرداد؛ بحران نظام جمهوری اسلامی؛ بازسازی یا فروپاشی؟ مجله آرش؛ <http://www.arashmag.com>

## فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۶۷

واقع بینانه از وزن نیروی میانی و شاخه‌های فعال تر آن در جنبش کنونی است. (جوانان، دانشجویان، زنان و روشنفکران) «اما بخش دیگر دلیل غیبت طبقه کارگر را باید در واقعیت رشد اقتصادی حاصل از افزایش ناگهانی قیمت نفت طی چهار سال نخست ریاست جمهوری احمدی‌نژاد جستجو کرد. این رشد اقتصادی تا حدودی به ازدیاد اشتغال انجامید، اما اشتغالی از نوع قراردادی و پیمانی. قراردادهای موقت کار عامل مهمی در دامن زدن به روحیات محافظه‌کاری در میان کارگران و عامل دو دستگی فیما بین کارگران قراردادی و دائمی است.<sup>۱</sup>

البته ضعف جریان سبز در پوشش دادن به همه افشار جامعه به همین جا ختم نشد و برخی از تحلیلگران بر این باورند که این تظاهرات و مخالفت‌ها همه‌گیر نشده و تنها محدود به مناطق مرکزی و به قول برخی از آنها مناطق فارس نشین شده است.<sup>۲</sup> طرفداران لیبرال جریان سبز در پاسخ به اعتراض عدم همراهی کارگران و طبقات فقیر با جریان سبز شعار گونه معتقدند:

جنپیش سبز یک جنبش فرا-مرزی، فرا-طبقاتی، فرا-ایلانولوژیک، فرا-قومی، فرا-نسلی و فرا-مندhibی است. از آغاز جنبش بسیاری تلاش کرده‌اند، این جنبش را جنبشی مذهبی، متعلق به برخورداران، قشر متوسط شهری، نسل جوان یا گروههای سیاسی و مذهبی خاص معرفی کنند. این کار هم با انگیزه سرکوب توسط حکومت و هم با انگیزه مصادره و به دست گرفتن رهبری توسط برخی از نیروهای اپوزیسیون انجام شده است. اما تنوع و تکثر نمودهای جنبش در تظاهرات اعتراضی، نافرمانی‌های مدنی و نمادها و شعارها و آثار هنری همه در برابر این فروکاستن‌ها مقاومت

۱. منبع پیشین

۲. میزگرد رادیو فردا در خصوص علت عدم گسترش جنبش سبز در میان انتیک‌های (اقلیت‌های قومی) غیرفارس در ایران

کرده‌اند. جنبش سبز در همه عرصه‌های عمومی که ایرانیان حضور دارند، بروز و ظهر یافته است و ایران را با همه تنوع و تکثیرش منعکس می‌کند. جنبش سبز برآیند جنبش‌های دانشجویی، زنان، کارگران، معلمان و دیگر جنبش‌های قومی و مذهبی است. تقلیل جنبش سبز به یک جنبش طبقاتی و جنگ قدرت در میان نیروهای درون ساخت قدرت توسط بخشی از نیروهای چپ متوجه رادیکالیزه کردن مشی غیرخشنوت آمیز جنبش است. سخن گفتن از مطالبات طبقه کارگر ایران به عنوان مطالباتی متوجه به نان و متمايز از آزادی و دموکراسی، نیروهای چپ را در همان رهیافت عامگرایانه‌ای درگیر می‌کند که نیروهای تمامیت‌طلب و نظامی‌گرای مذهبی با تکیه بر آن بخشی از رأی طبقات فقیر را به خود اختصاص داده‌اند.<sup>۱</sup>

علی‌رغم این سخنان شعارگونه، تحلیلگران اپوزیسیون به روشنی شاهد بودند که:

سبز با تعریف پلتفرم خود بر مبنای «هویت فرهنگی ایرانی - اسلامی» نه با جنبش شهروندی قرباتی دارد نه با سکولاریسم، زیرا همان طوری که سید محمد خاتمی اذعان دارد: «اصلاحاتی که ما می‌گوییم از رواج سکولاریسم و افول دین در جامعه و اذهان و رفتار ایرانیان جلوگیری می‌کند. این که جریانی افراطی می‌کوشید ما را مخالف امام، نظام و حتی امام حسین (ع) نشان دهد بسیار غیرمنصفانه، مضحك و بی‌رحمانه است.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر در حالی که کوشیده می‌شد در پایین‌ترین سطح از فراگیری، موج سبز نماینده طبقه متوسط نمایانده شود، بعضی از متقدان درونی این جریان حتی موج سبز را دارای کفايت لازم برای نمایندگی تمامی خصائص طبقه متوسط نیز ندانسته و آن را فقط نشانی از ناتوانی سیاسی این طبقه ارزیابی کردند.

۱. محمدی، مجید. جنبش کارگری در سپهر جنبش سبز

۲. خاتمی، سیدمحمد، «عده قلیلی در هر دو جریان با شیطنت می‌خواهند جو را رادیکال کنند»، خبرگزاری اینترنتی، ۲۹ دی ماه

## فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۶۹

موج سبز نماینده سکولاریسم و دموکراتیسم طبقه متوسط نیست، بلکه بازتاب ناتوانی سیاسی این طبقه، روحیه سازشکاری وی در قبال قدرت مذهبی و ناسیونالیزم عظمت طلبانه آن است. تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی موج سبز، تبعیضات مبنی بر جنسیت، مذهب، قومیت و طبقات را نادیده می‌انگارد و از آنجا که داعیه «جنبش جنبش‌ها» را دارد، خواهان انحصار جنبش‌های مطالباتی در این جنبش فراگیر است. انتخاب ریگ سبز سیاسی، تکبیرهای شبانه، برگزاری نماز جمعه و دعای کمیل و سرانجام تظاهرات به سوی مجلس در سوم تیرماه به منظور تأکید بر «قانون گرایی» بازتاب نقش رهبری در مهار و کنترل این جنبش در چارچوب نظام اسلامی و قانون اساسی است. راهپیمایی به سوی مجلس و نمایش قانون گرایی نیز مانع برخورد خشن با تظاهرکنندگان نشد. فروکش جنبش توده‌ای نافرمانی مدنی پس از سوم تیرماه، نه با آغاز موج اعتصابات کارگری جبران شد و نه شاهد بروز جنبش‌های مطالباتی زنان و اقلیت‌های قومی بود چرا که مطالبات همه این طبقات و گروه‌های اجتماعی در اعتراضات خیابانی خالی بود. تکبیرهای شبانه نیز این خالی بزرگ را پسر نمی‌کرد.<sup>۱</sup>

### جریان سبز بر روی قوس نزول

عوامل مذکور و عوامل بسیار دیگری، انگیزه‌ها را در میان هوداران از میان برد و عملاً جریان سبز که می‌کوشید آن را بسان یک جنبش اجتماعی بنمایاند، دچار افول چشمگیری شد.

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی به قلم «رابرت اف. ورث» نوشت:

---

۱. بابا علی، مهرداد؛ بحران نظام جمهوری اسلامی؛ بازسازی یا فروپاشی؟ مجله آرش؛ <http://www.arashmag.com>

اکثر معتبر خبرگزاری در ۲۲ بهمن انتظار داشتند در این روز، پیروزی بزرگی برای جنبش سبز رقم بخورد این در حالی است که پیش از راهپیمایی ۲۲ بهمن نیز سایت‌های حامیان سبزها خواستار حضور گسترده مخالفان در راهپیمایی این روز شدند اما در این روز اوضاع به گونه‌ای دیگری برای مخالفان رقم خورد.

این گزارش که در روز ۱۵ آوریل (۲۶ بهمن) در سایت نیویورک تایمز قرار گرفته، ادامه می‌دهد:

در روز ۲۲ بهمن امسال، مخالفان در ایران به کلی نامید شدند. پس از راهپیمایی ۲۲ بهمن بود که موجی از انتقادها درون کمپین مخالفان آغاز شد. حضور مخالفان در ۲۲ بهمن به طور ناامیدکننده‌ای اندک بود و حضور اندک مخالفان نیز تحت الشعاع سخنان احمدی نژاد در مورد برنامه هسته‌ای ایران قرار گرفت.

در ادامه این گزارش نیویورک تایمز آمده است:

یک خانم ۲۶ ساله در تهران که خود را ساینا معرفی کرد و در تظاهرات‌های ۲۲ بهمن امسال و سال‌های گذشته نیز شرکت کرده بود، گفت: فکر می‌کنم ناکامی جنبش سبز باعث ایجاد بحث‌ها و تحلیل‌هایی در مورد این جنبش که مدت‌ها بود به طور جدی مطرح نشده بود، شد. وی تصریح کرد که پس از حضور خشن مخالفان در روز عاشورا به نظر می‌رسد که اکثر مردم و مخالفان از به خشونت کشیده شدن اعتراض‌ها و ادامه این اعتراض‌های خیابانی خسته شده‌اند.

اکثر مخالفان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که فقدان یک رهبر واقعی و اتکا آنها به ایرانی‌های مخالف در خارج از ایران از طریق اینترنت باعث عقب‌نشینی جنبش سبز شده است.

## فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۷۱

یکی از بلاگرهای خود در مطلبی با عنوان «درسی از روز ۲۲ بهمن»

نوشت:

یک جنبش معترض بدون ارتباط داشتن با رهبرانش، جنبش محسوب نمی‌شود. جنبش سبز به دلیل فقدان رهبری شیوه یک شورش کورکورانه خیابانی است که زودتر از آنچه که تصویر می‌شد از بین رفت. اگرچه سبزها میرحسین موسوی و مجاهدی کروی را به عنوان رهبران جنبش سبز به رسمیت شناخته‌اند، اما ناتوانی این دو در سازماندهی اعتراض‌ها مشهود بوده است.

یکی از مواردی نیز که به شدت پس از راهپیمایی روز ۲۲ بهمن مورد انتقاد قرار گرفت، طرح «اسب تروآ» بود که از سوی ایرانی‌های مخالف مقیم خارج در اینترنت مطرح شد و در روز ۲۲ بهمن شکست خورد. مخالفان در ایران قصد داشتند در میانه راهپیمایی لباس سبز بر تن و به نوعی قدرت‌نمایی کنند، اما در این مسیر ناکام بودند چون در میان طرفداران زیاد نظام قرار گرفتند و نتوانستند این کار را انجام بدهند.

و در نهایت «علیرضا رضایی» یکی دیگر از بلاگرهای خود در مورد ۲۲

بهمن نوشت: «سبزها در راهپیمایی ۲۲ بهمن کجا بودند؟» وی در پاسخ به این سؤال

سه جواب نوشت:

۱. مشغول خواندن طرح اسب تروآ در اینترنت
۲. در سایت یوتیوب تلاش می‌کردند تا صحنه‌هایی از تظاهرات سبزها در روز ۲۲ بهمن را مشاهده کنند.
۳. چت کردن با یکدیگر برای قرار گذاشتن در تجمع

### نقاط قوت جریان سبز از منظر اپوزیسیون

البته در کنار نقاط ضعفی که برای جریان سبز بر شمرده می‌شد، اپوزیسیون عقیده

داشت که این جریان توانسته است دستاوردهایی هم داشته باشد. این دستاوردها از منظر آنان عبارت بود از:

۱. عمیق‌تر کردن شکاف‌های درونی نظام و وارد آوردن ضربه‌ای

استراتژیک و سرنوشت‌ساز بر کلیت نظام جمهوری اسلامی؛ ضربه‌ای که گمان می‌کنند به هیچ وجه جبران‌پذیر نیست.

۲. ریزش نیرو از تمامی اندام رژیم به سوی توده‌ها و مشروعیت زدایی

مطلق نظام متنکی بر ولایت مطلق فقیه، آنان برآند این ریزش نیروها مشروعیت نظام را نه تنها در میان تمامی اشاره‌توده‌ها بلکه در عرصه بین‌المللی نیز زیر سؤال برده است. همین امر، به ظن آنها باعث شد تا به جز محدود کشورهایی در جهان، هیچ کشور و یا مجمع‌بین‌المللی‌ای تاکنون «پیروزی» احمدی‌نژاد را به وی تبریک نگوید.

۳. ایجاد اتحاد در میان معارضان نظام اسلامی

۴. هشدار شدید به حاکمان

۵. احیا یا اولویت بخشی به هویت ملی در مقابل هویت دینی

۶. انحراف شعارهای علیه رئیس جمهور به شعارهای علیه رهبری و استفاده از شعارهای انقلاب اسلامی

۷. برگرداندن چرخه اصلاحات و جایگزین کردن اصلاحات از پایین (اصلاحات انقلابی) به جای اصلاحات از بالا (اصلاحات رفرمیستی)، به گونه‌ای که ابتکار عمل در حال حاضر به دست نیروهای معتقد به رادیکالیسم افتاده است.

۸. پیام‌رسانی و گسترش سیستم ارتباطی

۹. به کاربستن مشی مبارزاتی نافرمانی مدنی و مبارزه مسالمت‌آمیز و کترل و هدایت خشم مردم در مسیری که در شرایط فعلی لازمه پیشروی به سوی اهداف تعیین شده می‌باشد.

۱۰. مرزبندی با کلیت نظام در رابطه با مسئله جمهوری و یا جمهوری

## فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۷۳

اسلامی. در واقع طرح جمهوریت در مقابل فقاهت.<sup>۱</sup>

تحلیلگر دیگری اساساً معتقد است روی کار آمدن دکتر احمدی نژاد به سهم خود اثرات منفی زیر را علیه نظام اسلامی داشته است که جریان‌ها پس از انتخابات بر شدت آن افزوده است:

- تخریب مشروعت نظام در عرصهٔ مالی
- تخریب بیش از پیش چهرهٔ بین‌المللی حکومت
- شکاف عمیق در سطح رهبران حکومت
- شکاف عمیق در میان منابع سنتی مشروعت نظام (روحانیت، مراجع، علماء و...) و حکومت
- شکاف عمیق بین طبقهٔ متوسط و حکومت
- عیان شدن ناکارآمدی دولت در جریان رقابتی واقعی در انتخابات
- بی‌اثر شدن نهادهای حل منازعه به طور کامل؛ (شورای نگهبان، رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام هریک در یک سو قرار گرفتند)
- کاهش جایگاه رهبری به بازیگری سیاسی و فعال در یک سوی منازعه و افت جایگاه او در سطح عمومی جامعه و رویارویی معترضان با او<sup>۲</sup>

در تحلیل دیگری نقاط قوت جریان سبز اینگونه دسته‌بندی شده است:

- مدیریت جنبش
- ترکیب جمعیتی؛ بیش از ۴۱٪ جمعیت کشور بین ۳۰ - ۱۵ سال می‌باشد.
- طبقه اجتماعی؛ طبقهٔ متوسط اصلی ترین حامی جنبش محسوب می‌شود. بوروکراسی دولتی تا حد زیادی به این طبقه وابسته است. از طرفی دیگر

---

۱. رحمان عبادی؛ آینده جنبش همگانی ۲۳ خداد؛ ضعف‌ها و دستاوردهای آن؛ [www.smtohidi.com](http://www.smtohidi.com)  
۲. چشم‌اندازهای جنبش سبز؛ طرح «دله چهارم انقلاب اسلامی» و «گفتمان تعالیٰ» حکومت کودتا، تحت عنوان جمعی از فعالان سیاسی [news.gooya.com](http://news.gooya.com)

قشر هنرمندان به عنوان بخشی از این طبقه نیز از حامیان اصلی جنبش به شمار می‌روند و می‌توان روی خلاقیت آنها، در خلق آثار هنری حساب کرد.

- تخصص: به دلیل حمایت طبقه متوسط و جوانان، جنبش از حوزه‌های تخصصی متعددی برخوردار است. بنا به گزارش ویکی‌پدیا، ایران سومین رتبه را در تعادل وب نوشتارها دارا می‌باشد.

- دفاتر و مکان‌های اجتماع: شهرهای بزرگ مرکز اصلی جنبش می‌باشند. دانشگاه‌ها نیز به طور خاص به عنوان نقطه ثقل جنبش، بهترین مکان برای جنبش می‌باشند.

- پشتیبانی وسیع گروه‌های سیاسی: طیف وسیعی از گروه‌های سیاسی موجود در ایران از جنبش و اهداف آن حمایت می‌کنند. این ائتلاف غیررسمی، از گروه‌های چپ و سکولار (دفتر تحکیم، ملی‌مندی‌ها، نهضت آزادی، دانشجویان چپ) گرفته و تا اصلاح طلبان دوم خردادی (جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب، کارگزاران، مجمع روحانیون، حزب اعتماد ملی) را شامل می‌شود.

- پشتیبانی بخشی از حوزه علمیه و علمای حوزه  
- حمایت بین‌المللی

- تجرب تاریخی: تجرب انقلاب ۵۷، دوم خرداد ۷۶ و هیجدهم تیر ۷۱<sup>۱</sup>

### آینه‌های کژنما

ارزیابی نگاه هواداران جریان سبز و اپوزیسیون از سیر صعود و نزول این جریان حاکی از انتظار شدید آنها برای دستیابی به نتایج سریع از طریق اعمال فشار با حاکمیت بوده است.

---

۱. حمید غفرانی، آینه‌جنبش سبز: چالش‌ها و چاره‌ها [www.roozonline.com](http://www.roozonline.com)

#### فصل چهارم - تحلیل وضعیت و علل شکست جریان سبز ۱۷۵

سنگشن نادرست از قدرت حاکمیت در مدیریت اوضاع و نیز ارزیابی غلط از توان این جریان برای اعمال فشار و پدیدآوری تغییرات، حاکمی از ناشناختن دقیق صحنه معارضه سیاسی است.

تقلیل قدرت نظام سیاسی حاکم برای بسیج نیروها و کنترل شرایط به عنوان نظیر «حزب پادگانی» که از واژه‌پردازی‌های سازمان مجاهدین انقلاب در دوران دولت اصلاحات بود، یکی دیگر از اشتباهات این جریان است.

این جریان از ابتدا کوشید هوداران نظام سیاسی را صرفاً تعدادی از اعضای سپاه و بسیج و نهایتاً سهمیه‌بگیران کمیته امداد وابسته به مؤتلفه بنمایاند؛ نتیجه این تصور، نادیده انگاری توانایی‌های واقعی حاکمان سیاسی از یک سو و بزرگانگاری توان خود در بسیج نیروها بود، انحراف معیار و اشتباه دید اگر اصلاح‌پذیر باشد، امکان رفع غلط‌های تحلیلی را در اولین گام‌ها ممکن می‌گرداند، ولی اگر به یک باور مبدل شد، عملاً در فرایند خودفریبی فرد، تصورات حاصل از خطای دید و تفکر را به باور خود، تبدیل کرده و متعصبانه از آن دفاع خواهد کرد؛ آفته که از سطح سران جریان سبز به سطح بعضی از تحلیلگران آن جریان که طبعاً باید با شناخت و تحلیل آسیب‌ها هشدار دهنده، کشیده شد.

یکی دیگر از مهم‌ترین اشکالات در ارزیابی‌های تحلیلگران وابسته به جریان سبز و نیز اپوزیسیون آنست که به جای تحلیل واقع‌گرایانه از آنچه رخ داد و احصای دلایل شکست و تعیین سهم و وزن هر عامل، از جهاتی به فرافکنی و از جهات دیگر به تقلیل وزن عوامل پرداخته و کوشیده‌اند به هر نحو به جای کشف علل و دلایل عدم نفوذ این جریان در میان توده‌ها و لایه‌های اجتماعی، این نقطه ضعف را به عوامل فرعی متسب کرده و از ککاشه در مبانی معرفتی خود- که به جای جذب توده‌ها به رانده شدن اقتدار و طبقات پایین انجامیده- خودداری ورزند.

هرچند این تحلیلگران عاقلانه به خودداری این جریان از گرایش به رادیکالیسم یا

رویکردهای قهرآمیز توصیه می‌کنند، ولی در این بخش هم از واکاوی دلایل این توصیه سرباز می‌زنند، هرچند آنان می‌دانند که رویگردانی آنها از توصیه به عملیات قهرآمیز ریشه در عدم علاقه آنها به «رادیکالیسم» یا «عملیات خشن قهرآمیز» ندارد، بلکه از آن روست که نیک می‌دانند که طیف و لایه اجتماعی علاوه‌مند به شعارهای آنها، طبیعتاً به دلیل ماهیت طبقاتی خود، محافظه‌کار بوده و هیچ تمایلی به اینگونه اقدامات افراطی ندارند. طرح بحث‌هایی چون «اصقلاب» که ترکیب ناماؤوس اصلاحات و انقلاب بود و یا ارائه تزهایی در مورد انقلاب مسالمت‌آمیز، همه اقداماتی برای جلوگیری از هراس این طبقه محافظه‌کار بود.

از دیگر موارد نقاط قوتی که برای جریان سبز برشمرده می‌شد، برای سرانی چون کروبی و موسوی که به انقلاب اسلامی اعلام تعلق خاطر و وابستگی می‌کردند، جایی برای سربلندی باقی نمی‌گذاشت.

اپوزیسیون در اعلام نقاط قوت جریان سبز، خبر می‌دادند که به دست افرادی از درون نظام سیاسی حاکم توانسته‌اند بر چهره نظام اسلامی خدشه وارد کرده، شکاف‌های درونی را تعمیق بخشیده، معارضان را به سمت اتحاد برده و تیغ تیز حملات را از ارکان‌های فرعی و حتی رئیس‌جمهور به سمت رهبری تغییر مسیر دهنده. آنها معتقدند که موسوی و کروبی در جریانی پرهزینه، منافع را نه برای خود و هوادارانشان بلکه برای اپوزیسیون ذخیره کردن، تحلیلی که اگر منصفانه بنگریم، دور از واقعیت نیست، زیرا هرچند دستان اپوزیسیون از محیط داخلی برای بازیگردنی دور بود، ولی سران جریان سبز، حداقل توانستند دستان طیفی خاص از جامعه را به دست آنها نزدیک گردانند. هرچند معضل فراروی جریان سبز، یعنی محافظه‌کاری این قشر، برای اپوزیسیون هم پابرجاست، ولی اشتباه راهبردی سران جریان سبز از منظر عقلانیت سیاسی نابخشودنی است.

## **فصل پنجم**

**چشم‌انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز**



## چشم‌انداز آینده از منظر هاداران جریان سبز

### مقدمه

آینده‌نگری یعنی پیش از آنکه رویدادی به وقوع بیوندند یا سناریویی بتواند به واقعیت تبدیل شود، به آن واکنش نشان دهیم. اینکه ما بخواهیم برای وقوع رویدادی یا به حقیقت پیوستن سناریویی برای آینده شرکت کنیم و به آن واکنش نشان دهیم، به معنای آینده‌نگری است. یعنی «واکنش» پیش از وقوع رویداد، چه عملی، چه نظری و چه از منظر تحلیلی. به عبارت دیگر آینده‌نگری یعنی واکنش به رویدادها پیش از واقعیت یافتن آنها.

\*\*\*

طبیعی است که هم جریان سیاسی موسوم به سبز و هم نظام اسلامی در مواجهه با آینده برنامه‌های ویژه‌ای را طراحی کرده و می‌کوشند؛ موانع را از پیش روی برداشته و همزمان با رفع نقاط ضعف به تقویت نقاط قوت خود اقدام نمایند.

واقعه‌ای که پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در کشور رخ داد؛ پیش از آنکه

تصادم دو دیدگاه یا جریان جناحی با همدیگر باشد، حاکی از مواجهه یک جریان سیاسی با حاکمیت کنونی نظام اسلامی بود. این جریان سیاسی، گذشته‌ای قابل توجه درون حاکمیت داشت و اکنون برای بازگشت به قدرت، به امواج اجتماعی پدید آمده در جامعه، با ارزش‌هایی معارض یا حداقل متفاوت با ارزش‌های حکومت، اتکا می‌کرد. هرچند این جریان در شعار می‌کوشید تا حدودی با جریان‌های ساختارشکن فاصله خود را حفظ کند، اما در عمل، تئوری‌ها، راهکارها و حتی بعضًا نیروهای تشکیلاتی آنها را در داخل و خارج مورد استفاده قرار می‌داد و در خوشبینانه‌ترین حالت نسبت به حضور آنها در میان خود واکنش منفی نشان نمی‌داد.

از همین رو، به راحتی نمی‌توان میان آینده‌نگری تحلیلگران جریان سبز، سکولار و جریان برانداز، مرز جدی رسم کرد و اهداف آنها را علی‌رغم شعارهایی که سر می‌دهند، از هم جدا ساخت.

به همین دلیل در این بخش، نگاه تحلیلی هر دو گرایش دینی سبز و سکولار سبز نسبت به آینده را که در عمل به هم نزدیک شده است، بررسی می‌کنیم.

\*\*\*

### نامیدی محصول شوک شکست

اولین نکته‌ای که به صورت برجسته در احساس تحلیلگران سبز آشکار است و در تحلیل‌ها خود را به نمایش می‌گذارد؛ احساس یأس و نامیدی نسبت به آینده و افق غبارآلود پیش روست.

دورنما و آینده جنبش سبز در پس همه خشونت‌های دولتی و تخریب مخالفین و تغیریت معتقدان، دورنمای مهمی است، ترس از خشونت بیش از اندازه، حاکمیت، ریزش نیروهای جنبش سبز به خاطر تخریب‌ها و مخالفت‌های مخالفین، صدور حکم‌های سنگین و وضع قوانین جدید و تعیین مصادیق جدید جرمی همچون این که حضور در خیابان به منزله

## فصل پنجم - چشم‌انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز ۱۸۱

«محارب بودن» است، همه و همه چالش‌های پیش روی جنبش سبز است.<sup>۱</sup>

اما تحلیلگرانی هم هستند که علی‌رغم شکست‌ها یا ضعف‌های عملکردی کوشیده‌اند با بهره‌گیری از تجربیات دور پیشین، اولاً<sup>۲</sup> این حرکت را مستدام بدانند؛ ثانیاً از آن تجربیات برای اصلاح کنش سیاسی و تعمیق حرکت در دور بعد بهره‌گیرند:

جنبیش سبز باید با مرور تجارب فاز اول، در فاز دوم نقاط خطف دولت اقتدارگرای دهم را شناسایی و از آن موضع وارد و مبارزات مسالمت‌آمیز خود را ادامه دهد. این مقصود حاصل نمی‌شود مگر اینکه با تکیه بر عقلانیت مبنی بر شناخت جامعه ایرانی، جنبیش از سطح طبقه متوسط به سطوح دیگر جامعه نیز انتشار بپیدا کند... و استفاده جنبیش بیش از پیش تضمین و جنبه مسالمت‌آمیز و پرهیز از خشونت آن نیز تقویت شود و هر شهروند بیش از پیش مجهز به ارتباط با دنیای معجازی اطلاع‌رسانی شود که در این صورت جنبیش به اهداف خود دست خواهد یافت.<sup>۳</sup>

### سناریوپردازی برای آینده

بعضی از تحلیل‌های جریان مذکور حاکی از آنست که هدف از آشوب‌ها یا اعمال فشارها به نظام را کسب امتیازات سیاسی می‌دانسته‌اند و با ایستادگی رهبری در قبال این فشارها عملاً دریافت‌هایند که کسب امتیاز از طریق فشار، امکان‌پذیر نیست، لذا با اتکا به این تجربه کوشیده‌اند برای آینده برنامه‌ریزی و سناریوپردازی کنند.

پس از آنکه به روشنی ثابت شده است که اصلاح طلبان در قبال امتیاز‌هایی که واگذار کرده‌اند، امتیازی دریافت نمی‌کنند، باید پرسید اصلاح طلبان از

۱. مجتبی سمعی نژاد، جنبش سبز، آینده‌ای مبهمن؛ [www.beta.gozaar.org](http://www.beta.gozaar.org)  
۲. سیدسراج الدین میردامادی، حال و آینده جنبش سبز؛ [www.beta.gozaar.org](http://www.beta.gozaar.org)

ابن پس چه موضعی در قبال حکومت اتخاذ خواهند کرد؟ در پاسخ به این سؤال چهار صورت قابل تصور است:

اول. آنکه پس از گذشت مدتها از انتخابات، آزادی دستگیر شدگان و قطع امید از وصول به اهداف اعتراض به نتایج انتخابات، اصلاح طلبان عمده همه چیز را فراموش کرده و ابطال هیچ یک از پیش‌فرضهای مذکور را نپذیرند. معنای این سخن آن است که اصلاح طلبان علی‌رغم تجربه انتخابات سال ۸۸، به مواضع خود قبل از برگزاری انتخابات بازگردند و راه حل مشکلات کشور را شرکت در انتخابات آتسی بدانند. توجیه احتمالی اصلاح طلبان در صورت انتخاب این استراتژی آن خواهد بود که حکومت نمی‌تواند بیشتر از یکبار ریسک کوبدتای انتخاباتی و تقلب را در سطح گسترده بپنیرد.

دوم. آنکه اصلاح طلبان تنها ابطال سه پیش‌فرض آخر را بپذیرند ولی همچنان به مشروعیت سیاسی رهبر (و طبیعتاً بقای نظام جمهوری اسلامی) ملتزم بمانند. معنای این سخن آن است که اصلاح طلبان بپذیرند که کشنهای سیاسی رهبر از عقلانیت نسبی بخوردار نیست، امکان برگزاری انتخابات نسبتاً آزاد وجود ندارد و اصلاح ساختارها نیز ممکن نیست ولی همچنان رهبر را (هرچند به طور قهری) دارای مشروعیت بدانند. نتیجه طبیعی انتخاب این گرینه بی‌عملی سیاسی و انزوا از صحنه سیاست است.

سوم. آنکه اصلاح طلبان در نتیجه رفتار حاکمیت پس از انتخابات، علاوه بر سه پیش‌فرض آخر، التزام به مشروعیت سیاسی رهبر را نیز از دست بدند اما همچنان به برتری حکومت دینی برسایر رقباً معتقد بمانند. در این صورت اصلاح طلبان رسماً به اپوزیسیون داخل نظام تبدیل می‌شوند و وضعیتی مشابه سرنوشت سیاسی آیت‌الله منتظری و سایر کسانی که ولایت آیت‌الله خامنه‌ای را زیر سؤال می‌برند، پیدا خواهند کرد. در این

## فصل پنجم - چشم انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز ۱۸۳

صورت حتی اگر اصلاح طلبان دچار بی عملی سیاسی هم نشده باشند، کوچک ترین فرصتی برای ادامه بازی سیاسی نخواهد یافت.

چهارم. آنکه اصلاح طلبان اصولاً پیش فرض اول خود یعنی التزام به جمهوری اسلامی را از دست بدھند و در جمعبندی حوادث اخیر به این نتیجه برسند که اساساً جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست و تنها راه نجات مردم و کشور، تغییر حکومت دینی و جایگزینی حکومتی سکولار است. در این صورت اصلاح طلبان رسماً به اپوزیسیون خارج از نظام تبدیل شده، محاکمه، زندان و یا دوری از کشور در انتظار آنها خواهد بود.

اما تصمیم در مورد اینکه اصلاح طلبان کدامیک از چهار گزینه بالا را انتخاب می کنند نیازمند سازماندهی مجدد آنان پس از گذار از دوره بحرانی کنونی است. آنچه اکنون می توان حدس زد ایجاد نوعی انشعاب و تکثر میان آنها در انتخاب هریک از گزینه های بالاست.<sup>۱</sup>

به عبارتی در جمعبندی فوق که تا حدودی تلاش شده است در چارچوب حصر عقلی صورت پذیرد، در هر سناریو، جریان سبز یک گام از نظام اسلامی جدا شده و نهایتاً در سناریوی آخر به روشنی به اپوزیسیون برانداز می پیوندد. تحلیلگر مذکور با ادراک اینکه اجماع میان اصلاح طلبان امکان پذیر نیست نهایتاً بر این اعتقاد است که ایجاد نوعی انشعاب و تکثر میان اصلاح طلبان اجتناب نپذیر است.

### مظلوم نمایی چونان یک راهبرد

اما دیگری با تأکید بر اینکه آینده سیاسی ایران بدون اصلاح طلبان رقم نخواهد خورد رویکرد مظلوم نمایی را توصیه می کند؛ زیرا ایرانیان همواره جانب مظلومان و

---

۱. رضا شوقی؛ آینده سیاسی اصلاح طلبان در ایران. [www.beta.gozaar.org](http://www.beta.gozaar.org)

قریانیان خشونت را گرفته‌اند:

آینده سیاسی ایران بی‌تردید متأثر از این جنبش و عملکرد آن خواهد بود. تادوین یک مانیفست و مرامنامه و تبیین اهداف و خواست‌های جنبش، چیزی است که از خروج جنبش از مسیر خود و انحرافات احتمالی، پیشگیری خواهد نمود. بخش عمده‌ای از این اهداف و خواست‌ها را می‌توان از دل شعارهای بدیعی که در جریان اعتراضات توسط معترضان هم‌آوایی می‌شود، دریافت. پرهیز از خشونت، علی‌رغم تلاش نظام به واردکردن جنبش به فاز خشونت، تا حد زیادی در رفتارهای معترضان نهادینه شده است و این خود می‌تواند به فراگیرتر شدن جنبش در کشور کمک شایانی کند. این نکته از آن جهت دارای اهمیت است که با مطالعه رفتار و فرهنگ ایرانیان، می‌توان دریافت که خشونت طلبان هیچ‌گاه جایگاه اجتماعی گسترده‌ای در میان ملت نداشته‌اند، بلکه بر عکس، ایرانیان همواره جانب مظلومان و قربانیان خشونت را گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

### کام به گام تا براندازی

تحلیلگر دیگری راهکارهای عملیاتی را در راستای مقابله با جمهوری اسلامی

توصیه می‌کند:

اگر بخواهیم فهرست‌وار برنامه‌ای عملی برای آینده جنبش سبز ارائه دهیم می‌توان گفت فرسایش حکومت و ایجاد شکاف در میان جبهه هوادار نظام، همزمان با تلاش برای ایجاد و تقویت همبستگی ملی باید در صدر این برنامه قرار گیرد. البته جنبش سبز، کمبودهای دیگری هم در ماههای گذشته داشته است که با قدم گذاشتن به دومین سال حیاتش باید در رفع

---

۱. علی فرهادزاده؛ جنبش سبز، خاستگاهها و خلأ رهبری. [www.beta.gozaar.org](http://www.beta.gozaar.org)

## فصل پنجم - چشم انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز ۱۸۵

این مشکلات کوشش کند. در صدر این چنین فهرستی گسترش جغرافیایی جنبش سبز قرار دارد. عدم حضور ساکنین مناطقی که دیگر اقوام ایرانی در آنها سکونت دارند، از جمله این کمبودها به حساب می‌آید. توجه جنبش سبز به خواسته‌های مشخص دیگر اقوام و مذاهب از جمله مسائلی است که اگر مانظر قرار نگیرد، می‌تواند محلودیت‌های بی‌شماری برای حرکت کنونی ایجاد کند. شرکت دادن دیگر اقوام ایرانی در این حرکت باید از اولویت‌های جنبش سبز باشد. البته نمایندگان سیاسی این اقوام نیز باید با دیدی واقع‌گرا به این روند نگاه کنند و انتظار پیمودن راهی صداسله در یک شب را نداشته باشند. توجه به طبقات و اقسام اجتماعی که تاکنون در حاشیه قرار داشته‌اند نیز باید در دستور کار جنبش سبز قرار گیرد. عدم توجه به این حاشیه‌نشینان و به بعد موکول ساختن خواسته‌های اقوام و اقسام اجتماعی، در کنار بی‌اعتنایی به سیاست خارجی دو عامل مهم عدم رشد سریع جنبش آزادی‌خواهانه یکسان گذاشته است. گسترش جغرافیایی جنبش سبز تنها راه برای برهم زدن توازن قوا بین مردم و حکومت و تغییر آن به نفع جنبش است.<sup>۱</sup>

به طور خلاصه دستورالعمل تحلیلگر مذکور، موارد زیر را دربر می‌گیرد:

- فرسایش حکومت و ایجاد شکاف در میان جبهه هوادار نظام
- تلاش برای ایجاد و تقویت همبستگی
- گسترش جغرافیایی جنبش سبز
- توجه جنبش سبز به خواسته‌های مشخص دیگر اقوام و مذاهب
- توجه به طبقات و اقسام اجتماعی که تاکنون در حاشیه قرار داشته‌اند.

---

۱. احمد رافت؛ جنبش سبز در گذار. [www.beta.gozaar.org](http://www.beta.gozaar.org)

- اعتمنا به سیاست خارجی

- برهم زدن توازن قوا بین مردم و حکومت و تغییر آن به نفع جنبش

اما بعضی از چهره‌های شناخته شده جریان سبز که سابقه وزارت در جمهوری  
اسلامی هم داشته‌اند، نگاه ساختارشکنانه‌تری ابراز داشته‌اند.

مهاجرانی، در نشستی در آمریکا دو راهکار را برای تحقق خواسته‌های  
جریان مذکور معرفی کرد، اول رأی عدم کفایت به رئیس جمهور توسط  
مجلس شورای اسلامی و دیگری دخالت مجلس خبرگان در به چالش  
کشیدن رهبری و نقش رهبری در پروژه انتخابات و اتفاقات بعد از  
انتخابات.

او در این نشست بر این باور بود که نهاد رهبری به طور مستقیم در  
انتخابات و شرایط به وجود آمده مسئول است و باید جوابگو باشد. وی به  
نقش و محل قانونی مجلس خبرگان اشاره کرد و رهبر را ملزم به  
جوابگویی به این نهاد دانست. او معتقد است راهکارهای قانونی برای  
مشکلات به وجود آمده، موجود است.<sup>۱</sup>

### جریان سبز و روش‌های لینینی براندازی

تحلیلگران چپ کمونیست نیز با استفاده از تجربیات مارکسیستی و توصیه‌های لینین  
برای آینده جریان، راهکار استراتژیک پیشنهاد می‌کنند. لینین جامعه‌ای را آماده انقلاب  
می‌داند که در آن سه شرط برقرار باشد. بالایی‌ها نتوانند، پایینی‌ها نخواهند و در نهایت  
روحیه شجاعت و فدایکاری طوری همگانی شود که آحاد جامعه آماده عصیان باشند.  
آنان این استراتژی را استراتژی بهینه بر اساس نقاط قوت و ضعف جنبش دانسته‌اند:

---

۱. علی هریسچی؛ مهاجرانی در واشنگتن و آینده جنبش سبز، وبلاگ نوشه‌های راه دور

## فصل پنجم - چشم‌انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز ۱۸۷

اگرچه جنبش سبز لزوماً به دنبال انقلاب به خصوص از نوعی لنینی آن نیست اما فرمول بنای لنین کماکان می‌تواند آموزنده باشد. بر اساس فرمول لنین، در جامعه ایران، فقط شرط دوم صادق است. بالای ها کماکان می‌توانند و روحیه دل به دریا زدن نیز همگانی نشده است، بنابراین جنبش باید تضعیف رکن قدرت و توسعه بستر اجتماعی اش را سرلوحه کار خود قرار دهد. لازم به یادآوری است که در این فاز جنبش، هدف نهایی همان واکار نمودن حاکمیت به تن دادن به اهداف کوتاه‌مدت (اطلاع انتخابات، کناره‌گیری دولت احمدی‌نژاد و آزادی زنانیان جنبش) می‌باشد.<sup>۱</sup>

همین تحلیلگر اقدامات زیر را به عنوان اهداف آینده جریان سبز دانسته است:

- تضعیف رکن قدرت: مشروعیت‌زدایی از بیت رهبری، اطلاع‌رسانی از موارد نقض حقوق متهمنان، تحریم کالاهای تبلیغاتی صداوسیما. در این زمینه می‌توان تقسیم کار زیر را بین دو گروه اصلی جریان انجام داد:

۱. اصلاح طلبان دوم خردادری که وظایف:

- اطلاع‌رسانی

- زیر سؤال بردن مشروعیت رهبری

- مشروعیت‌زدایی از نظام و جذب حامیان دولت را دارند.

۲. بخش سکولار: این بخش از امکانات بسیار محدود رسانه‌ای برخوردار است و مطالبات آن از گروه اول افراطی‌تر می‌باشد. سوای گروه‌های سیاسی، اگرچه هواداران جوان جنبش جهت‌گیری سیاسی ندارند اما به لحاظ فرهنگی به این طیف نزدیک‌ترند؛ همین امر وزن سیاسی این گروه را دوچندان می‌کند. این گروه از نظر تحلیلگر مذکور در زمینه‌های زیر می‌تواند مؤثر باشد:

۱. حمید غفرانی، آینده جنبش سبز: چالش‌ها و چاره‌ها. [www.roozonline.com](http://www.roozonline.com)

- برپایی اعتراضات خیابانی

- جبهه دانشجویی

- تأثیرگذاری بر روی رهبران جریان

- روابط عمومی

- جنبه حقوقی<sup>۱</sup>

پیامون توسعه بستر اجتماعی جریان سبز نیز به دو نکته توجه نموده‌اند:

۱. با زنده نگاهداشتمن جریان از ریزش نیرو جلوگیری به عمل آورند.

۲. مبادرت به عضوگیری از میان طبقات اجتماعی دیگر کنند.

در مورد این دو محور، توصیه‌های عملیاتی زیر را اعلام نموده‌اند:

- جلوگیری از ریزش نیرو: کار تبلیغاتی، بخش لاینک هر سازمان سیاسی

است. هدف تبلیغات فقط به منظور توسعه دامنه هواداران سازمان نیست

و هدف دیگر آن همانا ایجاد شور و شوق در میان هواداران سازمان

است. حضور و پشتیبانی هنرمندان از جنبش سبز، می‌تواند در این زمینه

بسیار مفید باشد. (می‌توان به عنوان به مثال به آثار محسن نامجو در مورد

حوادث اخیر اشاره کرد) کمپین باید در زمینه‌های زیر فعال باشد.

- بخش رسانه‌ای: این بخش باید در درجه اول به اطلاع‌رسانی و در درجه

دوم به کارهای تبلیغاتی در زمینه‌های مختلف (شعر، موسیقی، کاریکاتور،

برنامه‌های مستند) پردازد. در حال حاضر تنها رسانه جنبش از طریق

وب‌سایتها می‌باشد (جرس، موج سبز آزادی،...) ولی هدف نهایی باید

راه‌اندازی تلویزیون سبز ایرانیان باشد. داشتن تلویزیون می‌تواند تا حدی

حالاً رهبری جنبش را پر نموده و فرایند جذب سایر اقسام جامعه به

---

۱. منبع پیشین

## فصل پنجم - چشم‌انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز ۱۸۹

جنپیش را تسریع نماید.

- نافرمانی مدنی: شاداب و زنده‌بودن جنپیش، باید در زندگی روزمره مردم

ملموس باشد. استفاده از سمبول‌های جنپیش (رنگ سبز، علامت V,...)،

شعار نویسی، قطع برق در ساعت خاصی از شب، حضور سبز در

گردهمایی‌های عمومی (بخصوص ورزشگاهها) و تحریب بیلبوردهای

تبلیغاتی حکومتی مفید تلقی می‌شوند.

- رسیدگی به خانواده قربانیان جنپیش: جنپیش سبز تا به حال خود را به

صورت یک جنپیش اخلاقی نشان داده است (همه ما صحنه دفاع آن شیر

زن از یک بسیجی مورد حمله یا رفتار انسانی آن جوان با پلیس به

اسارت گرفته شده را به یاد داریم)، رویکرد جنپیش با صدام‌دیدگان و

خانواده قربانیان نیز باید چنین باشد و حمایت مالی و معنوی آنها

را وظیفه خود تلقی کند.

- عضوگیری از میان سایر طبقات اجتماعی: طبقه متوسط در ایران به

تنها بی قادر به پیروزی نمی‌باشد و به همراهی اقشار دیگر از جمله

کارگران و بازاریان نیاز دارد. دو راهکار در این زمینه به نظر می‌رسد: اول

در حوزه روابط عمومی جنپیش، می‌توان سازمان‌های جهانی چپ و

کارگری را که تا پیش از انتخابات عموماً نظر متتبی به احمدی‌زاد (به

دلیل مواضع ضدآمریکایی) داشتند به سمت حمایت از جنپیش سبز سوق

داد و این امر ممکن است به همراهی برخی تشکل‌های کارگری در ایران

بنینجامد. راه حل دیگر که از اهمیت بیشتری برخوردار است، همانا

گنجاندن مطالبات صنفی کارگران به جمع مطالبات مدنی است؛ امری که

در تبلیغات انتخاباتی موسوی و کرویی نیز مغفول ماند.<sup>۱</sup>

۱. حمید غفرانی، آینده جنپیش سبز: چالش‌ها و چاره‌ها. [www.roozonline.com](http://www.roozonline.com)

على رغم پیشنهادهای فوق این تحلیلگران بر این باورند: اینکه در نهایت چه رخ خواهد داد و این درد زایمان به تولد کدام نوزاد و از کدام جنس خواهد انجامید، هنوز روشن نیست. زیرا از منظر آنان تا امروز «وجه عدم تحمل» در درون سیستم جمهوری اسلامی ایران بر «وجه تحمل» غلبه دارد!

پیش‌بینی بعضی از آنان در همین حال این است که سلطه سپاه یا نیروهای امنیتی در حال گسترش است و روند ادامه پیدا خواهد و سرکوب، تشدید خواهد شد.

### جريان سبز به مثابه کمپین اجتماعی

تحلیلگران دیگری همچون «فرخ نگهدار» و همفکران او در مخالفت با گزینه فوق، معتقدند با شکاف‌هایی که در حکومت پدید آمد و ظرفیت‌هایی که در درون جامعه پروردیده شد، این ارزیابی‌ها قابل قبول نیست، این‌ها آیه‌های یأس است؛ از سر ترس است؛ آیه‌هایی است که ما را از فعالیت مفید روزمره، بازمی‌دارد. او سپس وجه مورد علاقه خود را مطرح می‌سازد و آن مسیری است که کمپین یک میلیون امضا برای برابری حقوق زنان برگزید؛ لذا برآن است که آن را باید سرمشک کرد. آنگاه هشدار می‌دهد (ترسم این است که افزایش تشنج و تشدید تهدیدات بین‌المللی به غلبه بیشتر این نظامی گرایان کمک کند).

آرزوی همراهان فکری و عملی تحلیلگر مذکور نهایتاً آن است که جنبش سبز به یک کمپین اجتماعی تبدیل شود و برای قانع‌کردن شهروندانی که تاکنون همراه با سبز نبوده‌اند. شهروندانی که به سبز رأی داده‌اند در هر کوی و بزرگ‌تر کمک کنند که دیگران هم به شعار «رأی من كجاست؟» بپیوندند.

آنها مدعی هستند که اکثریت تهران و شهرهای بزرگ را دارند که آنها را همگی ناراضی و دارای نگاه دیگری به مسئله سیاست در کشور می‌دانند.

به همین دلیل توصیه می‌کنند:

## فصل پنجم - چشم انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز ۱۹۱

باید با اهرم مبارزه ارزشی و اخلاقی، به درون جامعه برویم و سعی کنیم با کسانی که مثل ما فکر نمی‌کنند، ارتباط بگیریم و گفتگو کنیم، در بعد میلیونی. به خصوص در شهرهای بزرگ، به خصوص در دانشگاه‌ها، ما اهرم‌های بسیار بزرگی داریم. ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار دانشجو کم نیست و اینها تقریباً ۹۰ یا ۹۵ درصد طرفدار هستند. به کمک آنها می‌توان بقیه را به این جنبش کشید و به ارزش‌های اصیل سبز ملحق کرد.... در کشور یک اکثریت مطلقی طرفدار ارزش‌های سبز هستند. حداقل یک اکثریت خیلی لزان وجود دارد. البته به لحاظ تأثیر فرهنگی، به لحاظ تأثیر اجتماعی، به لحاظ تأثیر سیاسی، به لحاظ تأثیر اقتصادی، قطعاً موج سبز، موج غالب بر جامعه است. ولی به لحاظ تعداد آرا این خیلی اغراق‌آمیز هست اگر بگوییم به لحاظ کمی اکثریتی هستیم مثل سوئنل یا مثل انگلستان و یا حتی ترکیه<sup>۱</sup>

### توصیه روان‌شناسی: نبرد در میدان‌های غیرخشون

یک روان‌شناس هوادار جریان سبز، البته با علم به حالات روانی هواداران جریان سبز، میان رفتارهای اجتماعی و رفتارهای پرهزینه افراطی، خطی روشن رسم می‌کند و در توصیف جریان مذکور می‌گوید:

جنبیش سبز در عین دادخواهی و وفاداری به میراث فرهنگی، مذهبی و سیاسی خویش، عملتاً از حالات تنفس و خشونت و گرفتاری در بازی «ظام و مظلومی» خودداری می‌کند و بازیگران و حاملان این خواست‌ها و حالات، یعنی بهویژه جوانان و زنان، خواهان زندگی و شور و شادی و خنده هستند و در پی شهیدپرستی و شهادت طلبی نیستند. یا این نیروهای جدید بسیار کمتر از فضای آن زمان، اسیر حالت مرید/ مرادی نسبت به

---

۱. فرخ نگهدار، روند تحول مناسبات قدرت در نظام سیاسی کشور؛ سخنرانی در سمینار چشم‌انداز جنبش سبز در استکهلم

یک رهبر و آرمان جدید هستند.<sup>۱</sup>

به عبارت واضح‌تر؛ هواداران این جریان در پی پرداختن هر هزینه‌ای برای نیل به اهداف خود نیستند؛ به زبان دیگر، قصد ندارند زندگی خود را فدای آرمانی خاص نمایند زیرا آرمان آنان زندگی کردن است؛ از این رو؛ ایستادگی به هر قیمت، که بهویژه اپوزیسیون خارج از کشور از آنان انتظار دارند، توقعی ناهمخوان با واقعیت‌های روحی نسل جدید و مطابق گرایش‌های آرمان‌خواهانه سیاسیون چپ‌گرای سال‌های نخست انقلاب است که اثری از آن در ذهن و دل جوانان هوادار سبز وجود ندارد.

نتیجه دریافتی این روان‌شناس از تحلیل روحیات نسل جدید که البته دور از واقعیت نیز نیست، میدان نبرد را فقط در حوزه‌هایی رسم می‌کند که خطرات درگیری خشن را چندان به همراه نداشته باشد. صحنه‌هایی چون صندوق‌های آرا یا نبردهای اینترنتی که حداقل امکان شناسایی هویت در آن باشد! از همین رو برآن است که آینده جنبش به این بستگی دارد که تا چه میزان و در چه عرصه‌های قانونی / فرهنگی و غیره می‌تواند این جدل و چالش مدرن و چندجانبه را پیش ببرد و این صحنه و معانی مدرن را در جامعه نهادینه سازد. تا چه حد دولت و حاکمیت می‌تواند برای ایجاد یک وحدت دوباره، تن به تحولات آینده و یا به «شیوه چینی» خود بخشی از تحولات را انجام دهد. یا آنکه آیا بار دیگر، دولت و جامعه مدنی ما دچار «رجعت احساسی» می‌شود و به خشم و کینه و برادرکشی تن می‌دهد.

همین نویسنده مسیر تحولات آینده را در سه بخش تحول قانونی و سیاسی، تحول فرهنگی و تحول فردی می‌داند.

او در عرصه قانون و سیاست که آن را عرصه خواست و مسیر تحولات رشد

---

۱. داریوش برادری، «فرشناسی» جنبش سبز و تحولات آینده ایران. سایت عارفان زمینی

## فصل پنجم - چشم انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز ۱۹۳

تحولات مدرن، رشد دموکراسی و ساختار دموکراتیک در ساختار دولت و ساختار قانونی و سیاسی مملکت می‌شمرد، معتقد است که شکل کنونی این تحولات، رشد مباحث «قانون و حقوق شهروندی» و رشد اعتراض و بی‌اعتمادی بخش مهمی از مردم به انتخابات و دولت کنونی است.

در حوزه تحولات فرهنگی، وی برآن است که اکنون شاهد رشد یک «حس ملی نوین» و یک «وحدت در کثرت نوین» در جامعه خویش هستیم و موضوع جنبش باید تحول این حالات به «هويت مدرن و نوين ايراني» و به «وحدت در کثرت مدرن و نوين ايراني» باشد.

البته او در تبیین خواست این جریان معتقد است که «خواست عمیق این جنبش و تحولات، ایجاد فضای مدرن و رفع تبعیض‌های عمیق فرهنگی و اجتماعی و رشد محیط تحول، شادی و ارتباط، رشد آزادی مدنی و فردی است. از این رو به‌ویژه جوانان و زنان، نیروی مهم این جنبش هستند. این نیروی جوان و پرشور است که با خود، خواست‌ها و تمناهای خویش را در شعارها و رنگ‌های پدران وارد می‌کند و مرتب در آنها معانی نو و مدرن وارد می‌کند و به «رنگ سبز جنبش» فضایی جدید و پرشور و رنگ و باز می‌بخشد».

در حوزه تحولات فردی نیز برآن است که این عرصه، مسیر تحولات آینده، رشد هرچه بیشتر حالات و خلاقیت فردی ایرانی، رشد پاسخ‌های نو به بحران‌های فردی، رشد خواست‌ها و تمناهای افراد جامعه و به‌ویژه جوانان است که ستون اصلی تحول مدرن ایرانی را تشکیل می‌دهد و مرتب بر تحول جامعه تأثیر می‌گذارد.

### محورهای آینده‌نگری از منظر سبزها

همچنین از طرف دیگر، این نویسنده مهم‌ترین علامت رشد فردیت و قدرت فردی را رشد این حالت می‌داند که فرد یا افراد یک جامعه، هرچه بیشتر قادر باشند تا یک فاصله درونی نسبت به خویش و دیگری ایجاد کنند و همچنین قادر به نقد و محاسبه

خویش، دیگران و حوادث نیز باشند. لذا از منظر او وقتی ما به حرکات جوانان و زنان و مردان جوان یا مسن در این تحولات و ویدئوها می‌نگریم، می‌توانیم نماد این توانایی مدرن را در این حالت ببینیم که چگونه این افراد، در عین حال که با شور و قدرت شعار می‌دهند و اعتراض می‌کنند، از طریق موبایل و دوربین از خود و دیگران هم فیلم می‌گیرند، سریع این فیلم‌ها را به اینترنت، فیسبوک و تلویزیون‌های ماهواره‌ای انتقال می‌دهند و هر فرد یا گروهی سریعاً تحلیل خویش از حوادث را ارائه می‌کند.<sup>۱</sup>

این تحلیل که ترکیبی از تحلیل روان‌شناسی و جامعه‌شناسانه مدرنیستی است، دغدغه اصلی را شکاف سنت و مدرنیته در جامعه دیده و می‌کوشد با تحلیلی روانی، این شکاف را تحلیل و آثار و تبعات آن را ارزیابی نماید. هرچند نمی‌توان از اهمیت یا آثار این شکاف ارزشی - اجتماعی غفلت کرد ولی اشتباه این تحلیلگران مبالغه در اهمیت آن و تکساحتی کردن حوزه تحلیل است که عملاً موجب کاسته شدن از عنصر واقع‌گرایی در این گونه تحلیل‌ها می‌شود.

محورهای آینده‌نگری مطرح شده از سوی تحلیلگران هودار جریان سبز عبارتند از:

- احساس یأس و نالمیدی نسبت به آینده و افق غبارآلود پیش رو
- تلاش برای مرور تجارب فاز اول، در فاز دوم شناسایی نقاط ضعف دولت دهم و ادامه مبارزات مسالمت‌آمیز
- اعتقاد جازم به اینکه آینده سیاسی ایران متأثر از این جریان و عملکرد آن خواهد بود.
- تدوین یک مانیفست و مرامنامه و تبیین اهداف و خواسته‌های جریان
- توصیه به واردنشدن جریان به فاز خشونت

---

۱. منبع پیشین

## فصل پنجم - چشم‌انداز آینده از منظر هواداران جریان سبز ۱۹۵

- فرسایش حکومت و ایجاد شکاف در میان جبهه هوادار نظام
- گسترش جغرافیایی جریان سبز
- توجه جریان سبز به خواسته‌های دیگر اقوام و مذاهب
- توجه به طبقات و اقسام اجتماعی در حاشیه
- اعتنا به سیاست خارجی
- برهم زدن توازن قوا بین مردم و حکومت و تغییر آن به نفع جنبش



## **فصل ششم**

**جمع‌بندی و راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب**



## جمع‌بندی و راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب

### مقدمه

کشاکش و تعارض، روندی در زمینه تعامل نیروهای در حال حرکت در طول زمان به سوی توازن قدرت است.<sup>۱</sup> رفتار مبتنی بر تعارض لزوماً خصمانه یا متضاد نیست؛ بلکه ممکن است مفید و مبتنی بر تعاون و همبستگی هم باشد. نخبگان نه تنها تهدید و تحریم می‌کنند، جواب متقابل داده و انتقام می‌گیرند، بلکه معامله، تجارت و همکاری هم دارند و کمک‌هایشان به همدمیگر به تعادل و توازن هم، یاری می‌رسانند.<sup>۲</sup> اما پس از انتخابات، کشاکش‌ها شکلی خصمانه یافت و طبعاً تعادل و توازن نیروها برهم خورد، اما قاعده طبیعت آن است که نیروها به سمت تعادل پیش خواهد رفت ولی بدون مدیریت درست، هزینه این تعادل‌یابی بسیار کلان خواهد بود.

---

1. R.J. Rummel, Conflict In Perspective, 1977, UNDERSTANDING CONFLICT AND WAR: VOL. 3, Chapter 8

2. R.J. Rummel, UNDERSTANDING CONFLICT AND WAR: VOL. 4, WAR, POWER, PEACE, Chapter 12, The Balancing Of Powers

بزرگ‌ترین خطری که نخبگان را در فرایند تعادل‌یابی تهدید می‌کند، نگاه انحراف یافته نسبت به واقعیت است؛ نگاهی که بعضًا باعث خودفریبی نیز می‌شود. نگاه غیرواقع‌بینانه نسبت به نقاط قدرت و ضعف باعث اتخاذ تصمیماتی می‌شود که بعضًا هزینه‌های کلانی را بر اطراف کشاکش تحمل می‌کند.

متأسفانه تحلیل نادرست در مورد قدرت سیاسی و اجتماعی یک جریان سیاسی و نیز میزان محبوبیت سران آن، که منجر به رأی‌آوری می‌شود؛ باعث شد که سران جریان سبز هزینه‌های سنگینی را به کشور و نیز هواداران خود تحمل کنند.

تردیدی نیست که باید از وزن احساس‌گرایی در تحلیل‌های جریان‌های دخیل در اوضاع کاسته شود؛ احساس‌گرایی هواداران جریان سبز موجب انحراف آنها از واقعیت شده و آنها توان خود را بزرگنمایی می‌کنند. در مقابل نیز این خطر وجود دارد که طرف مقابله هم ظرفیت‌های این جریان را کوچکنمایی کند. در هر دو حالت، تحلیلی مطابق با واقع صورت نگرفته است.

\*\*\*

### ضرورت‌ها و موانع تحلیل جریان سبز

آنچه که این نوشتار در پی آن بود، گونه‌ای از فراتحلیل (*Meta Analysis*) است که البته از روش آماری مرسوم در آن بهره گرفته نشده؛ بلکه کوشیده شده تا با بررسی تحلیل‌های یک جریان سیاسی، ذهنیت و نگاه آنان به جهان بیرونی (عالم سیاست) را دریافته و با کشف مدل تحلیلی آنها، تا حدودی مدل رفتاری آنان را برای حدس‌زدن کنش و واکنش‌های محتمل آینده به دست آورد. طبعاً با توجه به حجم بالای تولیدات تحلیلی این جریان و طیف گسترده دیدگاه‌ها، عملاً این حجم محدود، امکان گردآوری همه نظرات یا طیف نسبتاً کاملی از دیدگاه‌ها را نمی‌دهد، زیرا:

- گرایش‌ها بعضًا در تعارض و تضاد با یکدیگر هستند.

## فصل ششم - جمع‌بندی و راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب ۲۰۱

- تعریف مشترک و دقیقی از مفهوم اصلاح طلبی وجود ندارد.
  - رابطه آحاد هواداران با یکدیگر، تابع رفتار تشکیلاتی رسمی یا تعریف‌شده‌ای نیست.
  - به دلیل حساسیت و امنیتی بودن مباحث، نهانکاری و نهان‌روشی تا حد زیادی منجر به اختفای نظرات واقعی شده است.
  - فضای افراطی موجب غلبه «شعار» بر تحلیل «عقلانی» شده و سطح احساس‌گرایی در تحلیل‌ها هم حاکی از این امر است.
- ولی به دلایل زیر ارائه تحلیلی نسبی از شرایط، ضروری است:
- اهمیت جریان مذکور به واسطه تأثیرات سیاسی و اجتماعی در کشور
  - حجم قابل توجه رأی کسب شده توسط این جریان
  - این جریان، حضور سیاسی یک جریان اجتماعی است که نماینده بخشی از جامعه است.
  - حساسیت شرایط دیپلماتیک کشور و تأثیرات رفتاری این جریان در نوع مواجهه کشورهای خارجی و نیز ارتباط سطح فشارهای سیاسی خارجی با نوع تعامل با این جریان
  - تأثیر شناخت رفتارهای محتمل آتی این جریان برای کاهش هزینه‌های سیاسی-امنیتی در آینده از طریق مدیریت آن
  - جایگاه غیرقابل انکار این جریان سیاسی در تاریخ سیاسی سه دهه کشور
  - ضرورت حفظ بدنه اجتماعی هوادار این جریان در جریان انتخاب‌های سیاسی آتی
- این تحلیل ضرورت‌های زیر را برای هرگونه تحلیل جامعی در آینده پیشنهاد می‌کند:

- تحلیل جریان مذکور از نظر اقتصادی، جامعه‌شناسخنی، امنیتی، روان‌شناسانه و نیز کشف و تحلیل ریشه‌های فکری و فرهنگی
- بهره‌گیری از روش‌های علمی، از دخالت تعصب و پیش‌داوری و تک‌عاملی دیدن اوضاع در تحلیل ممانعت کرده و باعث کشف نقاط ضعف و قدرت جریان مذکور بر حسب واقعیت و نه ذهنیت تحلیلگر می‌شود.
- برای کشف آنچه که در اذهان هواداران این جریان می‌گذرد، شایسته است طیف گسترده‌ای از افکارسنجدی‌ها- علی‌رغم نهان‌روشی ناشی از حساسیت شرایط- صورت پذیرد.

### جمع‌بندی و راهکارهای پیشنهادی

#### واکنش‌های روانی سران و هواداران

شرایط روحی سران و هواداران این جریان حاکی از عدم تعادل پیش آمده به دلیل ضربه و شوک وارد (Trauma) است. البته نوع واکنش دفاعی سران و هواداران جریان سبز دارای تفاوت‌های روشنی است، اما در هر دو گروه، شاهد غلبه احساس‌گرایی بر تصمیمات هستیم. واکنش‌های دفاعی معمولاً در مواردی از قبیل غلبه بر عدم وجود این‌نی خاطر، دفاع از شخصیت، سرزدن یک عمل بد، مستدل نشان دادن اعمال، فرار از یک مسئله لایتحل و غیره به کار می‌آیند. این واکنش‌ها بسیار متعددند.

#### الف: رهبران

- «دلیل‌تراشی» از واکنش‌های دفاعی است که رهبران این جریان از آن بهره می‌گیرند. دلیل تراشی روشی است که عمومیت دارد و برای فرار از کشمکش درونی در اغلب موارد به آن توسل می‌جویند. در چنین مواردی، البته این افراد ضرورتاً دروغ نمی‌گویند، تنها می‌خواهند دلیل قانع‌کننده‌ای برای عمل

## فصل ششم - جمع‌بندی و راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب ۲۰۳

سرزنش‌شده خود ارائه دهنده. به عبارت دیگر، سعی می‌کنند چیزی را به خودشان یا دیگران بقولانند. آقایان کروبی و موسوی به دفعات از این روش بهره جسته‌اند.

- جابه‌جایی یا جایگزینی: سران جریان مذکور به دلیل رخ دادن واقعیت ناخوشایند، می‌کوشند تا مسئولیت آن را به گردن دیگری بیندازند و برای آن مقصص پیدا کنند، در این شرایط، هدفی که شانس بیشتری دارد، جایگزین شده است که همان رهبری و سپاه (به عنوان هدف قابل دستیابی‌تر) است.

- برگشت: برگشت نوعی واکنش روانی است که برای فرار از زیر بار مسئولیت‌ها و مشکلات انجام می‌دهند و خود را به دوره بی‌مسئولیت کودکی بر می‌گردانند. هرچند که مشکل اساسی حل نمی‌شود، ولی نوعی تشفی خاطر تلقی می‌شود. از جمله رفتارهای دوران کودکی، لجبازی است. لجبازی ممکن است واکنشی باشد که این سیاستمداران رنجیده در قبال سرخوردگی از خود نشان می‌دهند.

### ب: هواداران

- احساس انزوای اجتماعی: انزوای اجتماعی واقعیتی فکری است که فرد در آن، عدم تعلق و انفصال کاملی را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند. این احساس انزوای اجتماعی که در پی یأس در میان جمیع از هواداران جریان مذکور به وجود آمده است؛ می‌تواند آثار و تبعات خطرناکی برای جامعه داشته باشد. پارهای از تبعات طبیعی این احساس انزوا عبارتست از:

- احساس ناتوانی و بی‌قدرتی: به حالت فردی گفته می‌شود که احساس بی‌قدرتی و بی‌اختیاری کرده، قادر به تحت تأثیر قراردادن محیط اجتماعی خود نباشد.

- پوچی: فرد در چنین حالتی در عقاید و باورهای خود دچار ابهام و تردید شده، نمی‌داند به چه چیزی باید اعتقاد داشته باشد. به عبارت دیگر، انتظار چندانی از رضایت‌بخش بودن پیش‌بینی‌های رفتاری خود در آینده ندارد.
- بی‌معیاری: حالتی از خودبیگانگی است که فرد احساس می‌کند برای رسیدن به هدف‌های ارزنده خود نیاز به وسایل نامشروع دارد یا کنش‌هایی او را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌سازد که مورد تأیید جامعه نیست.
- انزوا: هنگامی است که شخص احساس می‌کند با ارزش‌ها و معیارهای جامعه بیگانه شده است، در چنین حالتی، فرد خود را با آنچه از نظر جامعه ارزشمند و دارای اعتبار است، هم‌عقیده و همسو نمی‌بیند.
- جدایی از خویشن: بیگانگی به معنای جدایی از خویشن را با مفهوم «هدایت‌شده توسط دیگری» یکسان شمرده‌اند؛ به عبارتی میزان و درجه آن رفتار بر اساس پاداش‌های مورد انتظار آتی است. در این صورت است که شخص از خویشن خویش جدا می‌شود، زیرا از هیچ چیز به خاطر خود آن چیز لذت نمی‌برد و نفع، انگیزه حرکتی فرد می‌شود و امکان مدیریت فرد توسط دیگران از طریق منافع مادی افزایش می‌یابد.

### **راهکار پیشنهادی**

فرو غلتیدن بخشی از جامعه به هر دلیلی در این وضعیت روانی از منظر حکومتی خردمندانه نیست، زیرا بخشی از جامعه (به‌ویژه لایه‌های جوان‌تر) را از باورهای عقیدتی دور ساخته و چونان طعمه‌هایی آماده بلعیدن سوءاستفاده‌گران، به‌ویژه بیگانگان می‌کند. یکی از پیامدهای ازوای اجتماعی یأس اجتماعی است که این احساس، آینده‌ای ناامیدکننده را ترسیم می‌کند و احساس منفی افراد را نسبت به آینده نشان می‌دهد. یأس و افسردگی موجب برهم زدن نظم و آرامش روان در زندگی شخصی،

## فصل ششم - جمع‌بندی و راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب ۲۰۵

بی‌اعتنایی به مسائل حیات جمیعی، احساس مغلوبیت در برابر مسائل و مشکلات، بدگمانی و بدینی نسبت به دیگران و جریان‌ها است. از لحاظ علمی امدادرسانی در ابعاد مختلف معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (همدردی) و منزلتی (اعادة کرامت انسانی) راه حل‌های پیشنهاد شده است و تأکید شده که به نسبت امدادرسانی‌های مذکور، میزان یأس اجتماعی و احساس عجز کاهش می‌پذیرد. لازم به ذکر است، نهادهای مختلف در این زمینه مسئولند ولی نقش رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی در توجیه خردمندانه وضعیت (و نه یکسونگرانه) با هیچ نهاد دیگری قابل مقایسه نیست. در این راستا بهره‌مندی از هنر به‌ویژه سینما که قابلیت تأثیرگذاری مانندی دارد، نباید نادیده انگاشته شود.

### رسانه‌های نوپدید و نحوه مواجهه

بخش عمده‌ای از فرایند انتقال داده‌ها و نیز نبرد روانی علیه نظام دینی از طریق اعتباربخشی به رسانه‌های نوپدید و بی‌اعتبارسازی رسانه‌های جمیع نظام اسلامی صورت می‌گیرد. تخریب اعتبار رسانه‌های هوادار نظام در دستور کار فعالان جریان مذکور قرار دارد. در صورت موفقیت آنان، خطرات حاصله، فقط سیاست داخلی را تهدید نمی‌کند؛ بلکه با ایجاد اختلال در ارتباط حکومت با مردم عملاً رسانه‌های بیگانه را به عنوان منبع مورد اعتماد، جایگزین خواهد کرد.

بازسازی اعتبار رسانه به‌ویژه صداوسیما از اهمیت راهبردی زیادی برخوردار است. ایجاد جذابیت در صداوسیما به عنوان وسیله جذب مخاطب باید در دستور کار قرار گیرد، ولی این به معنای آن نیست که جذابیت تفریحی، هدف تلقی شده و استفاده از روش‌های درست انتقال پیام مورد غفلت قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت مخاطبان با صداوسیما تفریح کرده ولی اخبار لازم و جهت‌گیری خود را از رسانه‌های بیگانه اخذ و مسیر دیدگاه سیاسی خود را با آن تنظیم خواهند کرد. نباید فراموش کرد که در عرصه

نبرد نرم، رسانه در صفحه مقدم قرار دارد.

### یأس اجتماعی و خطرات آن

هر چند که احساس یأس و ناامیدی نسبت به حرکت‌های افراطی باید افزایش یابد، ولی احساس یأس و ناامیدی نسبت به آینده، نزد بخشی از جامعه می‌تواند خطرناک باشد. این احساس یأس باعث انزوای اجتماعی شده و عملاً بخشی از ظرفیت رأی انتخاباتی را از میان می‌برد؛ خروج این بخش از رأی و کاهش میزان رأی مشارکت‌کنندگان، همواره هدف مخالفان نظام و میزان مشارکت بالا، باعث افتخار نظام بوده است.

با ایجاد فضای امید در حوزه سیاست، رأی‌دهندگان باید درون تور مشارکت نظام فرار گیرند و در عین حال افزایش مشارکت انتخاباتی با مدیریت درست با کمترین هزینه ممکن صورت گیرد. لازمه این امر حضور فعال احزاب سیاسی در موضوع گیری پیرامون مسائل اجتماعی است. انتقال ظرفیت‌های انتقادی به حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی و درگیرسازی جامعه با این مسائل هم به نشاط اجتماعی و سیاسی کمک کرده و هم احزاب را یاری خواهد رساند تا برای انتخاب‌های آتی یارگیری نمایند.

### پرکردن شکاف‌های اجتماعی

شکاف‌های اجتماعی، قومیتی و مذهبی محل مساعدی است که بیگانگان و عوامل آنها روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. سیاست‌های دولت دکتر احمدی‌نژاد و توجه به استان‌های محروم، تا حدودی امکان سوءاستفاده از این ظرفیت‌ها را کاهش داده است؛ اما به نظر می‌رسد شتاب در ایجاد عدالت اداری و اقتصادی موجب خواهد شد که تلاش افراطیون این جریان، برای پیوند زدن لایه‌های کارگری و کارمندی و اقلیت‌های قومی و مذهبی یا گسترش جغرافیایی آنان خشی شود.

### مدیریت چالش‌های حکومتی

اختلاف در میان سران حکومت یا مسئولان ارشد از منظر تحلیلگران این جریان (فرساش حکومت و ایجاد شکاف در میان جبهه هوادار نظام) تلقی شده است. طبعاً انتقال چالش‌ها به سطح احزاب و نمایش نشاط سیاسی در چارچوب قانون مفید ارزیابی می‌شود، ولی نمایش این چالش‌ها در سطح سران حکومت نه تنها اثر منفی بر اعتماد اجتماعی مردم نسبت به حکومت دارد، بلکه زمینه طمع بیگانگان را هم فراهم کرده و اثرات سوء فراوانی بر اقتدار سیاسی نظام در حوزه دیپلماسی کشور خواهد داشت.

### ضرورت بازسازی اعتماد اجتماعی

یکی دیگر از عوامل کلیدی که مایه قوام اجتماعی و عنصری حیاتی برای بقای جامعه است، ایجاد ارتباط ناب مبتنی بر اعتماد، بین آحاد یک جامعه است. اعتماد شیرازهای است که افراد اجتماع را به هم می‌پیوندد و فقدان آن انفصال و پراکندگی را برای یک جامعه پدید خواهد آورد.

در حال حاضر، اعتماد به مفهوم مهم و کانونی نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی تبدیل شده است و در تئوری‌های جدید مرتبط با سرمایه اجتماعی محوریت اصلی را دارد. در جامعه‌ای که اعتماد از آن رخت بریند، جامعه ماهیتی خاکسترگونه خواهد داشت که ذرات آن هیچ‌گونه پیوستگی را با هم ندارند. میل به فردگرایی و محافظه‌کاری شدید و کاهش ریسک‌پذیری از اثرات فردگرایی افراطی در جامعه بری از اعتماد است، در چنین شرایطی هر کس در بی حل معضلات فردی و بیرون کشیدن گلیم خود از آب خواهد بود. واقعیت آن است که دیکتاتوری دیرپا در تاریخ ایران، این خصلت را تا حد زیادی در روان شهروندان این کشور نهادینه کرده بود و این انقلاب بود که با درهم ریزی همه ارزش‌های پیشین، اعتماد را تا حدی به جامعه برگرداند؛ طی سال‌های جنگ نیز عملاً خطرات بیرونی، آحاد جامعه را به هم نزدیک‌تر کرد.

اما پس از عبور از «فاز همگرایی ناشی از عشق درونی یا خطر بیرونی» عملاً هر کس در پی پیروزی خود در رقابت فراگیر برای کسب سرمایه و موقعیت بهتر برآمد. بروز نشانه‌هایی از رفتارهای ترکیبی از قبیل فرصت‌طلبی، انفصال، ارزواجیوی در میان بعضی از افراد، اعتراض‌های ضمنی و سرپوشیده و ترس بعضاً واقعی و اکثراً موهوم، بر این شالوده اجتماعی یعنی اعتماد، ضربات هولناکی وارد ساخت.

بی‌اعتمادی از یک سو و سوء‌ظن از سوی دیگر که نشانه عدم اطمینان و اتکای افراد به هم‌دیگر است، باعث رشد احساس عجز و تنها‌یی در جامعه می‌شود، به عبارتی، انزواج اجتماعی محصول طبیعی رشد بی‌اعتمادی در جامعه است. با کاهش میزان مشارکت‌های فعال به دلیل رشد انزواج اجتماعی، پدیده دیگری رخ می‌دهد و آن پیدایش مانع درونی برای تبادل پایدار و دائمی افکار و احساسات و نهایتاً فروبردن گفتگو و تبادل اندیشه و زیستن هر عضوی از جامعه در دنیای منفرد و محدود خویش است. از این رو، آحاد جامعه در افراطی‌ترین حالت، برای هم زندگی نمی‌کنند، بلکه از لحاظ فیزیکی فقط با هم زندگی می‌کنند.

نشانه‌های روانی حاکی از یأس، بی‌اعتمادی و انزوا پس از شکست جریان سبز در اقشار جوان‌تر هوادار این جریان دیده شده است و ضمن آنکه باعث از میان رفتن سرمایه‌های انسانی کشور شده، در بدترین حالت یعنی جدایی از خویشتن و هویت خودی، آنان را آماده می‌سازد که تحت اختیار دیگران قرار گیرند، تا اهدافی که به گمانشان به دلیل بی‌کفایتی خود بدان نرسیده‌اند، با مدیریت دیگران تأمین شود. عامل اخیر از لحاظ سیاسی بسیار خطرناک تلقی شده و بهترین فرصت را در اختیار بیگانگان برای مدیریت اندیشه‌های تقلیل شده و قلوب آکنده از نفرت قرار می‌دهد. از این رو، حکومت نمی‌تواند و نباید نسبت به ضربات واردہ به اعتماد اجتماعی، فارغ از آنکه چه کسانی عامل آن بوده‌اند، بی‌تفاوت باشد.

پرامون حکمرانی گفته‌اند که: حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری است که به وسیله آن

## فصل ششم - جمع‌بندی و راهکارهای رسیدن به وضع مطلوب ۲۰۹

تصمیمات به اجرا درمی‌آید.<sup>۱</sup> اما در فرهنگ اسلامی مفهوم حکمرانی بسیار عمیق‌تر و ارزشمندتر توصیف شده است.

نامه امیرمؤمنان(ع) به اشاعثین قیس در تبیین نگاه امام(ع) به حکومت و دریافت آن حضرت از مفهوم حکومت بسیار درخور توجه است؛ ایشان چنین نوشتند:

«و ان عملک لیس لک بطعنه و لکنه فی عنتک امانه و انت مسترعی لمن فوقک. لیس لک ان تفتات فی رعیه ولا تخاطر الا بوثیقه و فی یاریک مال من مال الله عزوجل و انت من خزانه حتی تسلمه الی و لعلی الا اكون شر ولا تک لک، و السلام» [نهج البلاغه، نامه ۵]

همانا کاری که به عهله توست، طعمه‌ای برایت نیست، بلکه امانتی است بر گردنت و آنکه تو را بدان کار گمارده، نگهبانی امانت را به عهده‌ات گذارده و تو پاسخگوی آنی نسبت به آنکه فرادست توست. این حق برای تو نیست که در میان مردمان به استبداد و خودرأی عمل نمایی و به کاری دشوار جز با دستاویز محکم درآیی و در دست تو مالی از مال‌های خدامی عزوجل است و تو آن را خزانه داری تا آن را به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین والیان نباشم، و السلام.

دو مفهوم «حکمت در حکمرانی» و «امانت دیدن قدرت»، مفاهیمی کلیدی هستند که حاکمان را در قلب و ذهن مردمان مستقر و محبوب می‌سازد.

حکمت، حکم می‌کند که بر احساسات شخصی مهار زده و با بهره‌گیری از بصیرت از عوام‌نگری به معنای دوری از آینده‌نگری دور شده و از هم اکنون خردمندانه به مدیریت آینده پردازیم. ضمن آنکه این حقیقت، نیز نباید مغفول واقع شود که قدرت در دستان هیچ‌کس محبوس نمی‌ماند و ویژگی قدرت، تداول در دستان افراد مختلف

---

1. What is Good Governance? UNESCAP, 2009. Accessed July 10, 2009.

است. پس برنامه‌ریزی برای جماعت نه چندان کمی که به هر دلیلی گرایش‌هایی متفاوت در عمل یافته‌اند، ضرورتی تام دارد. ضرورتی که عدم توجه به آن می‌تواند آینده ایران را دگرگون سازد.

همانگونه که در سراسر تحلیل تأکید شده است، در بسیاری از تحلیل‌های جریان مذکور، فارغ از آن که نگارنده یا بیان‌کننده آن کیست، شاهد درصدی از حقیقت در مباحث مطروحه هستیم، حقایقی که نباید تعصبات، باعث غفلت از آن شود. بدون تردید فراتر از هرگونه منفعت جناحی و گروهی، عقل حکم می‌کند که حکمرانان، آینده کشور را از مناظر مختلف دیده و هیچ گزینه‌ای را مورد غفلت قرار ندهند. تحلیل واقعه‌ای نظیر آشوب‌های پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری باید از منظر جامعه‌شناسان، سیاستمداران، اقتصاددانان، دیپلمات‌ها، روان‌شناسان اجتماعی و حتی هنرمندان بررسی شود و نظرات آنها برای جلوگیری از رخدادی مشابه یا کترول آینده، مورد توجه قرار گیرد.

## پیوست

### ۸۸ روز شمار انتخابات

**دی ۸۷**- کروبی در جمع دانشجویان سنتدج: «مقام معظم رهبری اعلام کردند که فردی شجاع، توانمند و لایق برای ریاست جمهوری انتخاب شود که من تمامی این خصلت‌های خوب را در خودم سراغ دارم.» دبیر کل حزب اعتماد ملی یکی از مشکلات امروز کشور را تداخل سیاست و قانون دانست و خاطرنشان کرد: «باید برای رسیدن به اهداف سیاسی قانون را زیر پا گذاشت.»

**بهمن ۸۷**- خاتمی: هر کسی که روی کار می‌آید، باید بداند که در جمهوری اسلامی روی کار می‌آید، با پذیرش نظامی که وجود دارد و آن را قبول دارد، روی کار می‌آید، با پذیرش اینکه در این نظام، رهبری جایگاه خاص و ویژه خود دارد و با پذیرش اینکه چارچوب، سیاست‌های کلی است و جهت حرکت کشور مشخص است و حتی علاوه بر پاسداشت موققیت و جایگاه رهبری حتماً باید به دغدغه‌های ایشان نیز توجه داشته باشد.

**بهمن ۸۷** - محمد رضا تاجیک در سایت کلمه: میرحسین موسوی مستقل‌تر، رشید‌تر و هوشیار‌تر از آن هستند که اسیر بازی‌های دیگران شوند.

**اسفند ۸۷** - موسوی در کنفرانس خبری با خبرنگاران دهه اول انقلاب: توزیع پول و صدقه بین مردم برخلاف مصالح کشور است.

**اسفند ۸۷** - آمادگی وزارت ارشاد برای صدور مجوز خارج از نوبت روزنامه کلمه

**اسفند ۸۷** - موسوی در اولین سخنرانی عمومی بعد از ۱۱ سال: جامعه در خرد و عقل جمعی خود هم اصلاح طلب و هم اصولگرا است... آرزو می‌کنم کشور به سمت وحدت بیشتر برای حل مشکلات پیش رود. موسوی در ادامه تأکید کرد: از وظایف گروههایی که دل به حال مملکت می‌سوزانند، باید این باشد که با تکیه بر این روحیه‌ای که در داخل مردم است، امکان وحدت بیشتر را در صفوف ملت فراهم کنند و هر قدمی که بر می‌دارند توجه داشته باشند این سرمایه عظیم را که یک جامعه متمند و یک جامعه خوب و برخوردار از تاریخ طولانی می‌تواند در خود داشته باشد، با انگیزه‌های خود قسمت قسمت نکنند و از مجموعه این سرمایه استفاده کنند.

**اسفند ۸۷** - میرحسین موسوی دلایل حضور خود را اعلام کرد: «من به دنبال یک گفتگو ویژه هستم و این هم منبعث از فضای اول انقلاب اسلامی است. به نظر من امروز بیش از گذشته باید نگران وحدت جامعه باشیم و باید کاری کنیم که صرف نظر از مبارزات سیاسی، صفوف مردم را شقه شقه نکنیم.»

**اسفند ۸۷** - میرحسین موسوی با صدور بیانیه‌ای رسمی، نامزدی خود در انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد.

**اسفند ۸۷** - کاهه: سفرهای استانی و میزان استقبال مردمی از رئیس جمهور در این سفرها بهترین معیار سنجش برای اقبال مردم به خادمان خود است و سفر

رئیس جمهور به استان یزد نمونه خوبی از این دست به شمار می‌رود.

**اسفند ۸۷**- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار خبرگان با تأکید بر اینکه قطار پیشرفت کشور به سرعت در حال حرکت است، اگرچه برخی مسافران آن، این حرکت را احساس نمی‌کنند، افزودند: این حرف درست است که آغاز برخی از این طرح‌ها در دهه‌های اخیر بود اما نباید فراموش کرد که برای به ثمر رسیدن کارهای بزرگ، برخی اراده‌ها کارآمدتر و بعضی همت‌ها نافذتر هستند.

**اسفند ۸۷**- بررسی کیهان از واکنش‌ها به کاندیداتوری موسوی: سازمان مجاهدین  
ضمن احترام به دیگر کاندیداهای اصلاح طلب و مستقل کماکان معتقد است که  
خاتمی مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین کاندیدا در جمع اصلاح طلبان است.

**اسفند ۸۷**- زهرا اشراقی، همسر محمد رضا خاتمی، در حاشیه نخستین گردهمایی ستاد  
جوانان حامی خاتمی در پاسخ به سوالات خبرنگاران فارس، با اشاره به کاندیداهای  
حاضر در اصلاح طلبان گفت: اصلاح طلبان تنها دو کاندیدا دارند و این دو کاندیدا  
 فقط کروبی و خاتمی است و میرحسین هم که اعلام کاندیداتوری کرده است،  
 گفته‌اند که اصلاح طلب نیستند، بنابراین بنده به دلیل اینکه نظرات ایشان را نمی‌دانم  
 و چشم بسته به کسی رأی نمی‌دهم، تصور می‌کنم که زمان اعلام کاندیداتوری  
 میرحسین بسیار دیر شده است.

**اسفند ۸۷**- مجید انصاری، عضو مجمع روحانیون مبارز، در جمع خبرنگاران با تأکید بر  
 اینکه القای عدم سلامت انتخابات، القایات دشمنان بیرونی و برخی از افراد بدین  
 در داخل است، گفت: بایستی این انتخابات سالم و آزاد را پاس بداریم.

**اسفند ۸۷**- موسوی در جمع مردم نازی‌آباد با ذکر حدیثی از پیامبر (ص): «زماداران  
 باید که در هیچ حال ستم و بیداد بر مردم رواندارند و در سخن گفتن با مردم جز  
 راست نگویند و به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند وفا کنند.»

اسفند ۸۷- با صدور بیانیه‌ای، خاتمی انصراف خود را رسمی کرد.

اسفند ۸۷- تأکید میرحسین موسوی به ادامه راه خاتمی: اینجانب چون شما راه درست را اصلاحات می‌دانم.

اسفند ۸۷- نامه جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف: آقای موسوی دیروز کجا بودید؟

فروردين ۸۸- رهبری در حرم رضوی خطاب به کاندیداهای ریاست جمهوری: انتخابات فقط ابزاری برای در دست گرفتن قدرت نیست، بلکه وسیله‌ای است برای ارتقای توان کشور، افزایش اقتدار ملی و آبرومند کردن ملت، بنابراین در تبلیغات و رفتار خود به این مسائل اهمیت دهید و مباداً کسی در فعالیت انتخاباتی خود به گونه‌ای حرف بزند و رفتار کند که دشمن را به طمع بیندازد. هر یک از شما حتماً حرفی دارید و طبعاً حرف فرد مقابل را رد می‌کنید، اما در این روند از جاده انصاف خارج نشوید و به کتمان حقایق نپردازید.

فروردين ۸۸- موسوی در اولین کنفرانس خبری، قانون‌گریزی، به هم خوردن ساختارهای تصمیم‌گیری، عدم شفافیت اطلاعات و گردش آن در کشور، افراط و تفريط‌ها در کار و عدم توجه به سرمایه اجتماعی ملت را از جمله دلایل اصلی حضور خود در عرصه انتخابات بر Shrmed:

«بنده بر روی اصول و ارزش‌های خود می‌ایstem و اینگونه نیست که خط قرمزی بکشم و افراد را گروه‌گروه و دسته‌دسته به مخالف خود، نظام، حکومت و اسلام تبدیل کنم و بارها اعلام کرده‌ام که بنده اصلاح طلبی هستم که دائم به اصول رجوع می‌کنم.»

فروردين ۸۸- میرحسین موسوی با رهبر معظم انقلاب دیدار کرد.

فروردين ۸۸- موسوی در دیدار سازمان مجاهدین انقلاب: «این بار بدان جهت اعلام

حضور کردم که فکر می‌کنم کشور به سمت استبداد رضاخانی احمدی‌نژادی در حال حرکت است و کشور در این صورت به سوی فروپاشی خواهد رفت. از این رو احساس وظیفه کردم که برای نجات کشور علی‌رغم تمامی مشکلات و سختی‌های حضور، اعلام کاندیداتوری نمایم.»

«من به همراهی و رفاقت با شما (مجاهدین انقلاب) افتخار می‌کنم ولی در بعضی جاها باید با تاکتیک مناسب وارد شویم. چرا که حمایت و نزدیکی بین ما، مشکلات را زیادتر می‌کند گرچه من ابایی از همراهی با شما ندارم ولی به خاطر برخی مشکلات موجود فکر می‌کنم که این حمایتها باید فعلًاً علنی شود، البته تصمیم‌گیرنده نهایی خود شما خواهد بود.»

**فروردين ۸۸**- غلامعلی حدادعادل رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس درباره تأکید اصولگرایان بر معرفی یک کاندیدا از سوی این جریان در انتخابات ریاست جمهوری دهم گفت: «این رفتار نشانه کمبود چهره در جریان اصولگرایی نیست بلکه نشانه افزایش عقل آنها است.»

**فروردين ۸۸**- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از کاندیداتوری مهندس موسوی حمایت کرد.

**فروردين ۸۸**- دیدار میرحسین با آیات عظام در قم  
فروردين ۸۸- دبیر کل حزب اعتمادملی با انتقاد از موضعی که در زمینه سیاست خارجی مطرح می‌شد و همچنین با انتقاد از وضعیت دانشگاهها گفت: «تغییر مدیریت اجرایی کشور، تنها راه بروزنرفت از مشکلات فعلی است.»  
«از موضوع هسته‌ای نباید تنها برای کار انتخاباتی استفاده کرد؛ با حضور بنده گشت ارشاد خود به خود تعطیل می‌شود؛ روابط من و میرحسین موسوی بسیار عالی است؛ یک متخصص و کارشناس برای شرایط کنونی هستم؛ نمی‌دانم دولت

چگونه ۲۷۵ میلیارد دلار را خرج کرده است؛ ایرانیان بالای ۱۸ سال سهامدار نفت خواهند شد.»

فروردين ۸۸- موسوی در دانشگاه اهواز: «نگران از تهدید قواعد و قوانین مهم کشوری هستم. اگر به گزارش‌ها و تخلفات رسیدگی نشود، چیزی از کشور باقی نمی‌ماند، تصمیمات فردی را نقض می‌کنم.»

فروردين ۸۸- محسن رضایی: «مسئله فرهنگ با برقراری گشت ارشاد و یا برداشتن آن حل نمی‌شود.»

فروردين ۸۸- حاضرین اجلاس دوربان از کشورهای مختلف جهان با تشویق مکرر و بعضًا طولانی سخنان ضدصهیونیستی محمود احمدی‌نژاد پرورژه انزواج رئیس جمهوری اسلامی ایران را ناکام گذاشتند.

اردبیهشت ۸۸- در بیانیه‌ای تأکید شد: تقدیر ۲۱۰ نماینده مجلس از سخنان قاطع احمدی‌نژاد در ژنو.

اردبیهشت ۸۸- حزب الله لبنان: احمدی‌نژاد امید همه مستضعفان جهان است.

اردبیهشت ۸۸- عسکر اولادی: به هاشمی گفتم نباید مقابل احمدی‌نژاد قرار بگیرد.

اردبیهشت ۸۸- فراکسیون انقلاب اسلامی با صدور بیانیه‌ای حمایت خود را از نامزدی دکتر محمود احمدی‌نژاد در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری اعلام کرد.

اردبیهشت ۸۸- هاشمی رفسنجانی با ائتلاف مردمی حامیان موسوی دیدار کرد.

اردبیهشت ۸۸- میرحسین موسوی در دانشگاه کرمان: «حساسیتی نسبت به سازمان مجاهدین، مشارکت و کارگزاران ندارم.»

اردبیهشت ۸۸- کروبی در لحظه ثبت نام: «ضمون احترام به دولت و مسئولین اجرایی کشور که در حال فعالیت هستند، باید بگوییم که ما اینها را ناتوان در اداره کشور می‌دانیم.»

**اردیبهشت ۸۸**- احمد توکلی در جمع دانشجویان دانشگاههای تهران: رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفت: «در انتخابات ریاست جمهوری قطعاً به احمدی نژاد رأی می‌دهم.»

**اردیبهشت ۸۸**- عبدالکریم سروش ضمن اعلام حمایت از مهدی کروبی و اینکه به او رأی خواهد داد، همزمان از تحریم انتخابات و حمایت برخی گروهها از میرحسین موسوی انتقاد کرد.

**اردیبهشت ۸۸**- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در استان کردستان با یادآوری اینکه بنده نسبت به اشخاص هیچ‌گونه نظری ابراز نمی‌کنم به تبیین شاخص‌های مهم انتخاب صالح‌ترین رئیس جمهور پرداختند و خطاب به ملت افزودند: «کسی را برگزیند که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند و از درد مردم احساس درد کند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، ساده‌زیست باشد و خود و خانواده و نزدیکانش از فساد و اشرافی‌گری و اسراف دور باشند، چرا که گرایش مسئولان به اشراف و تجمل آفت بزرگی است.»

**اردیبهشت ۸۸**- فاطمه راکعی به عنوان نماینده میرحسین موسوی در نشست زنان در دولت دهم در دانشگاه امیرکبیر حاضر شد و اظهار داشت: حتی به آقای میرحسین پیشنهاد شده که اگر رئیس جمهور شدند، معاون اول خود را خانم زهرا رهنورد انتخاب کنند و این به دلیل اینکه وی همسر میرحسین موسوی می‌باشد، نیست و به خاطر کارآمدی وی است.

**اردیبهشت ۸۸**- روح الامینی: امیدواریم موسوی به نفع رضایی کنار رود. دیگر کل حزب توسعه و عدالت ایران اسلامی گفت: «انتخابات سال ۸۸ بر خلاف دوره‌های گذشته ریاست جمهوری که برای دور دوم هیچ کاندیدای جدی وجود نداشت، یک پدیده خواهد بود و انتخابات در این دوره به صورت غیرباوری جدی است.»

**اردیبهشت -۸۸**- آیت‌الله بزدی: «اکثریت اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از کاندیداتوری جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد حمایت کردند.»

**اردیبهشت -۸۸**- زهرا اشرفی: «بانوی اول به اندازه رئیس‌جمهور باید در تصمیمات تأثیرگذار باشد.»

**اردیبهشت -۸۸**- محمدباقر نوبخت دبیر کل حزب اعتدال و توسعه در حاشیه دانشگاه علوم پزشکی گیلان به خبرنگار اعزامی «کلمه» گفت: «اینجا آمده‌ام تا حمایت خویش را از میرحسین موسوی به صورت رسمی اعلام کنم.»

**۱ خرداد -۸۸**- آغاز رسمی زمان تبلیغات کاندیداهای انتخابات دهم ریاست جمهوری اولین همایش رسمی هواداران احمدی‌نژاد در محل مجموعه ورزشی شهدای هفتمن تمیز تهران برگزار شد.

محسن رضایی به مسجد ولی عصر(عج) تهران رفت و خاطراتی از دفاع مقدس را بیان کرد.

زهرا رهنورد، همسر میرحسین موسوی، در حاشیه هفتمین کنگره حزب جوانان ایران اسلامی گفت: «آرای مؤمنان و انقلابیون برای میرحسین موسوی خواهد بود. آرای خاموش همه برای موسوی خواهد بود.»

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران گفت: «عقلاً، شرعاً و منطقاً عدم حضور به نفع هیچ کسی نیست.»

اولین نطق رادیویی انتخاباتی احمدی‌نژاد: «در این چند سال در حوزه سیاست خارجی انقلابی رخ داد.»

اولین نطق تلویزیونی انتخاباتی میرحسین موسوی: «در چهار سال گذشته وضعیت به گونه‌ای شد که احساس خطر کردم و بر خود تکلیف دانستم که به عرصه انتخابات وارد شوم.»

۲ خرداد ۸۸- نخستین همایش رسمی سبزها بدون حضور میرحسین و با حضور زهرا رهنورد، سید محمد خاتمی و فائزه هاشمی در سالن سرپوشیده مجموعه ورزشی آزادی برگزار شد. فائزه هاشمی در این نشست اظهار داشت: «در این چهار سال نکبت و خفت و خواری نصیب ملت ایران شد و ما نمی‌خواهیم این دوران تلخ را دوباره تکرار کنیم.»

احمدی نژاد در یک نشست خبری گفت: «در این چهار سال و به خصوص سه ماه اخیر بنده برای منافع کشور در مقابل آنگونه حرف‌ها و تخریب‌ها سکوت کردم... اما در مناظره‌ها برخی از حرف‌ها را تشریح می‌کنم.»

موسوی در اصفهان اظهار داشت: «من مستقل در صحنه هستم و از همه نیروهایی که خدمت کنند و وظایف خود را به خوبی انجام دهند و نیروهایی که علاقه‌مند به انقلاب هستند در کابینه‌ام استفاده خواهم کرد.»

کروبی در نطق رادیویی، تورم را مشکل اساسی مردم دانست. در شیراز هم اعلام کرد: «در صورت پیروزی در انتخابات، غلامحسین کرباسچی معاون اول دولت من خواهد بود.»

محسن رضایی در نطق تلویزیونی خود تأکید کرد: «دولت، سال آینده ۲۰ هزار میلیارد کسری بودجه دارد.»

۳ خرداد ۸۸- رضایی: «ادامه مسیری که احمدی نژاد طی می‌کند ما را به سوی برترگاه می‌برد.»

رضایی در نطق رادیویی خود هم تأکید کرد: «من تصمیم دارم از همه نخبگان و دولتمردان قبل استفاده کنم. من در دولت ائتلافی خود از هاشمی، خاتمی، کروبی، ناطق نوری، ولایتی، روحانی، قالیباف و رؤسای مجلس قبل و رؤسای جمهور پیشین که تجارت خوبی دارند، استفاده می‌کنم.»

کروبی در رد شباهتی که پیرامون تحصیلاتش مطرح می‌شد، در دانشگاه اظهار

داشت: «بنده تحصیلات حوزوی در حد اجتهاد دارم. از چهار مرجع تقلید حکم دارم.»

خرداد-۸۸- احمدی نژاد، او باما را به مناظره فرا خواند.

خرداد-۸۸- آیت‌الله مهدوی کنی اعلام کرد: «اکثربیت جامعه روحانیت مبارز در انتخابات از آقای احمدی نژاد حمایت می‌کنند و بنده نیز آقای احمدی نژاد را اصلاح می‌دانم و به ایشان رأی می‌دهم.»

خرداد-۸۸- احمد زیدآبادی دبیر کل اداره تحکیم وحدت گفت: «مشکلاتی از جمله بحران ازدواج، بیکاری و نیز تورم که کشور به آن دچار شده است، محصول برنامه‌ریزی‌های دولت موسوی در سال‌های مسئولیت اوست.»

خرداد-۸۸- خاتمی در مصاحبه نیوز ویک و در پاسخ به سؤال: «به نظر شما آیا انتخابات سالم خواهد بود؟» بستگی به این دارد که معنای سالم چه باشد! بدون تقلب!

من فکر نمی‌کنم که تقلب به معنی خاص کلمه وجود داشته باشد یا بتواند تأثیرگذار باشد. البته همیشه در همه کشورها، چه کشورهای صنعتی و پیشرفته، چه کشورهای دیگر ممکن است دستکاری‌هایی در امر انتخابات صورت بگیرد و خودشان هم ادعا می‌کنند. شما اگر انتخابات دور اول ریاست جمهوری بوش که رقابت میان وی و ال‌گور بود را به یاد بیاورید، در خود آمریکا بحث‌هایی مطرح شد که تصرفاتی در نتایج شده است که نمی‌دانم تا چه اندازه درست بود یا نبود. طبعاً در کشورهایی مثل ما که دموکراسی در آنها تازه پاست و هنوز بعضی ذهنیت‌های مربوط به ما قبل دموکراسی وجود دارد، اگر این ذهنیت‌ها در حوزه مسئولیت اجرایی و اداره مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی قرار گیرد، ممکن است اثرگذار باشد. ولی من معتقد نیستم که در ایران تقلب به صورت تعیین‌کننده وجود داشته

باشد، زیرا خود من هم در دوران مسئولیت ریاست جمهوری چند انتخابات را برگزار کردم. اگر هم چنین چیزهایی باشد، خیلی با انتخابات فرمایشی که مردم در آن نقشی ندارند، فرق دارد.

**خرداد ۸۸**- مرتضی نبوی مسئول واحد سیاسی جامعه اسلامی مهندسین، ضمن تشریح فضای انتخاباتی کنونی تصریح کرد: «در این که موضع آقای هاشمی «نه احمدی نژاد» است، تردیدی نیست. هاشمی با ادامه ریاست جمهوری احمدی نژاد مخالف هستند. کارگزاران که به نوعی متنسب به هاشمی است هم از مسوی حمایت می‌کند.»

**خرداد ۸۸**- فائزه هاشمی در مراسم بزرگداشت دوم خرداد و در جمع جوانان حاضر در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی گفت: «ما در سال ۷۶ و بعد از دولت سازندگی، خاتمی را به قدرت رساندیم تا ادامه راه دولت سازندگی باشد. ما سخنرانی می‌کردیم و اتفاقاتی را که در دوره سازندگی افتاد برای مردم ذکر می‌کردیم. همچنین وقایع مثبت، رشد و آبادانی را به یاد مردم می‌آوردیم و از آنان می‌خواستیم برای ادامه یافتن خاطره‌ها به محمد خاتمی رأی دهنند». هاشمی افروز: «در این چهار سال نکت، خفت و خواری نصیب ملت ایران شد و ما نمی‌خواهیم این دوران تلخ را دوباره تکرار کنیم.»

**خرداد ۸۸**- حسین فدایی دبیر کل جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی گفت: «آقای هاشمی رفسنجانی بنا دارد که احمدی نژاد رأی نیاورد و از هر ظرفیتی که در این زمینه مؤثر باشد، استفاده می‌کند.

**خرداد ۸۸**- جمیع از دانشجویان آذربایجان دانشگاه امیرکبیر در واکنش به انتشار کلیپی تصویری، از لطیفه‌گویی محمد خاتمی در خصوص آذربایجان‌ها تجمع اعتراض‌آمیزی برگزار کردند. دانشجویان آذربایجان دانشگاه امیرکبیر خواستار

عذرخواهی رسمی خاتمی شدند.

**خرداد ۸۸**- آیت‌الله مؤمن نماینده مردم قم در مجلس خبرگان رهبری گفت: «در هیچ جا آقای دکتر احمدی‌نژاد نفی صلاحیت نکردم و در وضع حاضر من آقای احمدی‌نژاد را بهترین فرد برای ریاست جمهوری می‌دانم.»

**خرداد ۸۸**- احمدی‌نژاد: «تحقیر رئیس جمهور سابق ایران در فرانسه از غم‌انگیزترین روزهای زندگیم بود.»

**خرداد ۸۸**- رضایی در جمع خبرنگاران: «ایستادگی دولت نهم ایران را دارای فناوری هسته‌ای کرد.»

**خرداد ۸۸**- موسوی در ارومیه: کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: «طی این چهار سال اقتصاد کشور خراب، سیاست خارجه افتضاح، تورم بالای ۲۵ درصد، اشتغال پایین و اتحاد بین قومیت‌های ایرانی در بدترین وضعیت قرار دارد.»

**خرداد ۸۸**- رئیس جمهور سابق کشورمان با تکذیب صحت مطالب فیلم متسب به وی که در آن سازندگان مدعی شده‌اند که او به قوم آذری‌زبان توهین کرده است، از قوم آذری‌زبان به عنوان قومی که تاریخ اسلام و ایران مدبون آنهاست، یاد کرد.

**خرداد ۸۸**- آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی گفت: «باید عده‌ای در ایام انتخابات با تهمت، دروغ و شایعه‌پراکنی مصالح کشور را زیر سوال ببرند.»

**خرداد ۸۸**- حسن شهسوار نماینده ستاد موسوی در مناظره دانشجویی در دانشگاه مشهد خواستار تعطیلی غنی‌سازی در ایران شد و گفت: «یک کارشناس هسته‌ای می‌گوید ۲۰۰ هزار سانتریفوژ برای غنی‌سازی لازم داریم در حالی که اگر ما ۱۰ هزار سانتریفوژ داشته باشیم تا این مقدار فاصله زیادی داریم پس بهتر است کار غنی‌سازی را در کشورهایی چون استرالیا انجام دهیم نه در داخل کشور.»

**خرداد ۸۸**- خاتمی در مصاحبه با یاری نیوز: «فرض کنید شورای نگهبان که نگهبان قانون اساسی است، اگر خودش بر خلاف قانون اساسی عمل کند، چه کسی باید نظارت بکند، اگر بنده معتقد باشم این روش‌های رد صلاحیت‌ها که انجام می‌شود ولو اینکه قانون عادی هم درست شده باشد، ولی این خلاف روح قانون اساسی و خلاف این قانون و خلاف آن خواست قانون اساسی است من کجا باید بروم، حرفم را بزنم یا دیگران که معتبرض هستند؟»

**خرداد ۸۸ ۲۱۱**- نماینده مجلس در حمایت از محمود احمدی‌نژاد بیانیه‌ای منتشر کردند.

**خرداد ۸۸**- حمله افراد مسلح به ستاد احمدی‌نژاد در زاهدان  
**خرداد ۸۸**- امام جمعه سنتدج، ماموستا حسام الدین مجتبهدی، گفت: «احمدی‌نژاد فردی امتحان پس داده است و زندگی خود را وقف خدمت به مردم کرده است و رمز موفقیت وی فروتنی و پرهیز از تکبر است.»

**خرداد ۸۸**- مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم با صدور بیانیه‌ای حمایت خود را از کاندیداتوری دکتر محمود احمدی‌نژاد در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد.

**خرداد ۸۸**- کرباسچی در کرمان: «احمدی‌نژاد باید و برای چهار سال گذشته عذرخواهی کند و بگوید که اشتباه کرده و شاید در این صورت بشود، برای چهار سال آینده برای وی از مردم رأی اعتماد جلب کرد و اجازه داد که اشتباهاتش را جبران کند، دادن سبب‌زمینی به مردم کار اقتصادی نیست.»

**خرداد ۸۸**- احمدی‌نژاد در پاکدشت: «پس از تحقیقات درباره یکی از قراردادهای نفتی، وقتی فهمیدم که یکی از معاونان وزیر نفت این تخلف را کرده او را عزل کردم و امروز همین فرد در روزنامه‌ها و رسانه‌ها علیه دولت مصاحبه می‌کند و

می‌گوید که سیاست اقتصادی دولت غلط است.»

**خرداد ۸۸**- مناظره احمدی‌نژاد و موسوی و افشاگری احمدی‌نژاد

**خرداد ۸۸**- حداد عادل: «حمایت از احمدی‌نژاد را لازم و ضروری می‌دانم.»

**خرداد ۸۸**- رئیس جمهور در جمع مردم اصفهان با تأکید بر اینکه امروز ملت ایران عزیزترین و مقتدرترین ملت‌هاست و راه روشن ملت ایران به عنوان تنها راه ملت‌ها شناخته شده است، گفت: «ملت ایران شایستگی مدیریت جهان را دارد.»

**خرداد ۸۸**- حسینیان نماینده مردم تهران در مجلس گفت: «افشاگری احمدی‌نژاد یک کار علوی و ابذری بود. درد مردم مستضعف و عقدۀ فرو ریخته حزب الله و مردم انقلابی ایران بود به همین جهت موج ایجاد کرد و توازن را به هم زد.»

**خرداد ۸۸**- باند توزیع عکس‌های خانوادگی یکی از کاندیداها متلاشی شد.

**خرداد ۸۸**- وزارت علوم اعلام کرد: «هیچ مدرکی برای تأیید مدرک دکترای زهرا رهنورد در وزارت علوم وجود ندارد.»

**خرداد ۸۸**- حمایت ۸۲ استاد حوزه علمیه از احمدی‌نژاد

**خرداد ۸۸ ۱۱۶**- نفر از حقوقدانان، استادان حقوق و وکلای دادگستری تهران و اصفهان در بیانیه‌ای حمایت خود را از کاندیداتوری دکتر محمود احمدی‌نژاد اعلام کردند.

**خرداد ۸۸**- نامه سرگشاده آقای هاشمی رفسنجانی به رهبری

**خرداد ۸۸ ۵۰۸**- هنرمند تهران و دیگر شهرستان‌های کشور در حمایت از ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد بیانیه‌ای صادر کردند.

**خرداد ۸۸**- احمدی‌نژاد در برنامه ۱۹ دقیقه‌ای تلویزیونی: «صحنه را از دست داده‌اند، به دنبال ایجاد تشنج هستند.»

**خرداد ۸۸**- برگزاری انتخابات و پیروزی احمدی‌نژاد

**خرداد ۸۸- همسر رفسنجانی پای صندوق رأی:** «شما شاهد هستید که من در رأی خود نام میرحسین موسوی را نوشتم و امیدوارم که تقلیلی صورت نگیرد که اگر این اتفاق بیفتند من در پل صراط از آنها نخواهم گذشت.» وی سپس با حمله به دکتر احمدی نژاد گفت: «امیدوارم احمدی نژاد و دوستان خوارجش از مردم پاسخ دریافت کنند.» همسر هاشمی رفسنجانی با اشاره به اظهارات رئیس جمهور در مناظره تلویزیونی با موسوی گفت: «چرا اینگونه حرف‌های مزخرف می‌زنند و بچه‌های من را به ذردی متهم می‌کنند؟ مرعشی ادعا کرد اگر تقلب نشود، موسوی رئیس جمهور می‌شود ولی خدا نکند تقلب کنند که اگر اینگونه شود، مردم به خیابان‌ها می‌آیند و اعتراض می‌کنند.»

**خرداد ۸۸- پیام پیروزی موسوی:** مردم شریف ایران، ضمن تشکر از حضور پرشور و استقبال گسترده شما در انتخابات ریاست جمهوری، به اطلاع می‌رسانم به رغم تخلفات و کارشکنی‌های متعدد و نارسایی‌های گسترده، مستندات و گزارش‌های واصله حاکی از این است که رأی اکثریت قاطع مردم متوجه این خدمتگزارشان بوده است. از مسئولان امر می‌خواهم در شمارش آراء نهایت دقیقت و حفظ امانت را بنمایند و اعلام می‌کنم، در غیر این صورت از همه امکانات قانونی برای احفاف حقوق حقه ملت ایران اقدام خواهم کرد. همینجا فرصت را مغتنم می‌شمام و از ملت شریف ایران می‌خواهم آماده برگزاری جشن پیروزی در شامگاه میلاد بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س) باشند.

**خرداد ۸۸- میرحسین خطاب به شورای نگهبان:** «انتخابات را باطل اعلام کنید.»

**خرداد ۸۸- مقام معظم رهبری در پیام به مناسبت حماسه ۲۲ خرداد فرمودند:** «رئیس جمهور منتخب و محترم، رئیس جمهور همه ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند.»

**خرداد ۸۸**- رئیس جمهور کشورمان با بیان اینکه رنگ سبز در نظر مردم ما رنگ اهل بیت است، شال سبزی را بر گردن خود انداخت.

**خرداد ۸۸-۷** کشته و ۲۹ زخمی حاصل حملات مسلحانه حامیان موسوی

**خرداد ۸۸**- مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان ستادهای چهار نامزد انتخابات ریاست جمهوری:

«همه باید در مقابل تشنیج آفرینی و اغتشاش صریح موضع گیری کنند.»

**خرداد ۸۸**- فائزه هاشمی درباره عملکرد خاتمی در دوره اصلاحات گفت: «خاتمی باعث شد در انتخابات بعدی ریاست جمهوری اصلاح طلبان رأی نیاورند. الان هم این جوری شده است سر باهام هم که دیدید چه بلا بی آمد بنابراین معتقدم باید این اعتصابات ادامه یابد.»

**خرداد ۸۸**- بیانیه مجمع روحانیون مبارز درباره نتایج دهمین انتخابات ریاست جمهوری: در این انتخابات صرف نظر از نتیجه‌ای که معلوم شد آنچه موجب تأسف و نگرانی بیشتر است اعمال نوعی مهندسی آرای گسترده در این دوره است... مجمع روحانیون مبارز در جلسه‌ای فوق العاده به این نتیجه رسید که برای دفاع از جمهوریت اسلامی نظام و بازگرداندن اعتماد عمومی و نگاهبانی از موج آشتبانی ملی با صندوق‌های رأی، ابطال این انتخابات و تجدید آن در فضایی عادلانه‌تر و منطقی‌تر راهکار مناسب است یا دست کم تعیین هیئتی بی‌طرف و کاردان و شجاع برای حقیقت‌یابی و اعلام نظر نهایی به ملت و رهبری تصمیمی درست در جهت آرمان‌های والای انقلاب و اندیشه‌های حضرت امام و تقویت اعتماد ملی است. ما و هواداران پرشور و باشدور جانب میرحسین موسوی ضمن حفظ هوشیاری و پرهیز از هر عملی که به تشنیج بینجامد و به سرکوب گران بهانه دهد مهندس موسوی عزیز را تنها نخواهیم گذاشت.

**خرداد ۸۸- نامه مشترک میرحسین موسوی و سیدمحمد خاتمی خطاب به رئیس قوه قضائیه:** در فضای اجتماعی امروز شاهد حضور مردمی هستیم که احساس می‌کنند

در حق آنها جفا شده است و در اعتراض خود رفتاری کاملاً مدنی را نشان می‌دهند.

**خرداد ۸۸- رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه تاریخی تهران:** «کسانی که قانون را زیر پا می‌گذارند مسئول خون‌ها، خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها خواهند بود.»

حماسه پرشور اعلام دلستگی یکپارچه مردم به نظام اسلامی و مشارکت بسیار کم‌نظیر

۸۵ در صدی مردم در انتخابات، نشان‌دهنده رحمت و تفضل پروردگار و عنايت

خاص ولی‌عصر (عج) به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است.

**خرداد ۸۸- وزارت اطلاعات:** سربازان گمنام امام زمان(عج) توطئه چندین تیم و گروه

ترویریستی را که در صدد بمب‌گذاری و ایجاد آشوب و اغتشاش در نقاط مختلف

کشور بودند، کشف و خنثی کردند.

**خرداد ۸۸- نامه فرمانده نیروی انتظامی به میرحسین موسوی:** در صورت تداوم رویه

کنونی، ناجا در راستای حفظ نظم و امنیت جامعه و مردم، به صورت قاطع با

اقدامات غیرقانونی بر اساس وظایف ذاتی خود برخورد خواهد کرد و جای هیچ

گله‌ای وجود نخواهد داشت.

**خرداد ۸۸- بمب‌گذاری در حرم امام (ره)**

**خرداد ۸۸- طی نامه‌ای به شورای نگهبان، موسوی آرای ۴۰ میلیون نفری مردم را**

نپذیرفت.

**خرداد ۸۸- طرفداران موسوی مسجد لولاغر در خیابان آذربایجان را به آتش کشیدند.**

**خرداد ۸۸- پیام مهم رئیس جمهور خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی.**

رئیس‌جمهور در پیامی با قدردانی از بیانات راهگشا و مقتدرانه رهبر معظم

انقلاب در صحنه عظیم و حماسی نماز جمعه، بر پیگیری قاطعانه مواضع ایشان از

سوی دولت تأکید کرد.

**خرداد ۸۸**- از سه کاندیدای معتبر؛ فقط رضایی در جلسه شورای نگهبان حضور یافت.

**خرداد ۸۸**- در پی حضور در تجمعات غیرقانونی تهران؛ فائزه و چهار تن از اعضای خانواده هاشمی دستگیر شدند.

**خرداد ۸۸**- جمع کثیری از کسبه و تجار تهرانی که از اغتشاشات و تجمعات غیرقانونی روزهای اخیر خسارت‌های فراوانی متحمل شده‌اند، از میرحسین موسوی به دلیل دعوت برای تشکیل این اجتماعات غیرقانونی به مراجع قضایی شکایت کردند.

**خرداد ۸۸ ۲۳۱**- نماینده مجلس موضع خود را در حمایت از فرمایش رهبری مبنی بر لزوم پیگیری مطالبات و اعتراضات افراد از طریق قانونی اعلام کردند.

**خرداد ۸۸**- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران با انتشار بیانیه‌ای به تحلیل وضعیت موجود و همچنین عملکرد غیرقانونی مجریان و ناظران انتخابات پرداخت. ما در وجود تقلب و تخلف تردید نداشتم!

**خرداد ۸۸ ۶۰۰**- هنرمند با صدور بیانیه‌ای ضمن تبریک حماسه بزرگ ۲۲ خرداد خواستار توقف تجمعات و درگیری‌های خیابانی و تمکین همه به قانون شدند.

**تیرماه ۸۸**- جمعی از حقوقدانان و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) علیه میرحسین موسوی به دلیل توهین به رئیس جمهور، وزارت کشور و شورای نگهبان اعلام جرم کردند.

**تیرماه ۸۸**- مجمع روحانیون مبارز با صدور بیانیه‌ای به اردوگاه ضد انقلاب پیوست.

**تیرماه ۸۸**- فرزند شاه مخلوع: «راه من و موسوی هم اکنون به یک تقاطع مشترک رسیده است.»

**تیرماه ۸۸**- دکتر احمد توکلی: «آقای موسوی از سرنوشت منتظری عربت بگیرید.»

تیرماه ۸۸- دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی خطاب به میرحسین گفت: آقای موسوی ما قویاً از شما می‌خواهیم تسلیم قانون و رأی مردم شوید و قواعد رقابت را به عنوان یک عنصر سیاسی پذیرید و مطمئن باشید مردم و رهبری اجازه ظهور یک دیکتاتوری را نخواهند داد.

تیرماه ۸۸- تن از مدرسین سطوح عالی و دروس خارج حوزه علمیه قم طی بیانیه‌ای اعلام کردند: همه باید قانون را فصل الخطاب بدانند و در برابر آن سر تسلیم فرود آورند.

تیرماه ۸۸- در پاسخ به نامه دبیر شورای نگهبان، رهبر معظم انقلاب با تمدید مهلت رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات موافقت کردند.

تیرماه ۸۸- با بی‌نظیر خواندن حماسه ۲۲ خرداد، محسن رضایی از ادامه پیگیری شکایات اعلام انصراف کرد.

تیرماه ۸۸- میرحسین موسوی دعوت سازمان صداوسیما برای شرکت در مناظره تلویزیونی یا پاسخگویی به سؤالات خبرنگاران را رد کرد.

تیرماه ۸۸- رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس تأکید کردند: من در مسائل اخیر مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، **مُصرّ** به اجرای قانون بوده و خواهم بود و نظام اسلامی و مردم نیز به هیچ قیمتی زیر بار زور نخواهند رفت.

تیرماه ۸۸- آیت الله علم‌الهدی امام جمعه مشهد در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید کرد: «سربازان جان بر کف شما تا آخرین قطره خون و آخرین ذره آبرو ایستاده‌اند و از حریم ولايت آن حضرت دفاع می‌کنند.»

تیرماه ۸۸- آیت الله مکارم شیرازی در پیامی درباره حوادث اخیر کشور تأکید کرد: اینجانب انتظار دارم تا با آرامتر شدن اوضاع راهکارهایی را که برای رسیدن به یک آشتی ملی به نظر می‌رسد مطرح کرده و از همه صاحب‌نظران برای حل آن کمک

بخواهیم.

**تیرماه ۸۸**- سخنگوی شورای نگهبان از بررسی همه گزارش‌ها و شکایات کاندیداهای معارض خبر داد و گفت: گزارش جامعی از رسیدگی به شکایات در پایان مهلت بررسی‌ها به مردم ارائه خواهد شد. هیچ‌کدام از ادعاهای موسوی درست نبود و سالم‌ترین انتخابات را داشتیم.

**تیرماه ۸۸**- سید امیرحسین مهدوی، عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب و از فعالان ستاد انتخابات میرحسین موسوی، در کفرانس خبری: در شرایطی که ادله‌ای برای پیروزی موسوی در انتخابات نداشتیم و ناظران وی نیز در قرب به اتفاق صندوق‌ها حضور داشتند، به موسوی این گونه القا کردیم که اعلام کند پیروز قطعی انتخابات است.

**تیرماه ۸۸**- «فرح دیبا» همسر شاه مخلوع ایران از موضع دخالت‌آمیز صدر اعظم آلمان در قبال اتفاقات اخیر ایران تشکر کرد و گفت: اقدام «آنگلا مرکل» در اعلام عمومی محاکومیت این اقدامات، خوشحال کننده بود.

**تیرماه ۸۸**- سخنگوی شورای نگهبان قانون اساسی از دو اقدام جدید این شورا در بررسی دقیق شکایات انتخاباتی خبر داد که یکی از این دو اقدام تشکیل هیئتی ویژه برای تهییه گزارشی از روند برگزاری انتخابات است. در عین حال، او گفت: دو نامزد معارض ظرف ۲۴ ساعت آینده نماینده خود را برای حضور در این بررسی‌ها معرفی کنند.

**تیرماه ۸۸**- منابع امنیتی ایتالیا مدعی شدند: خروج احتمالی میرحسین موسوی از کشور **تیرماه ۸۸**- گروهی از کارمندان محلی در سفارت انگلیس به اتهام نقش‌آفرینی در اغتشاشات و آشوب‌های اخیر بازداشت شدند.

**تیرماه ۸۸**- نامه کروبی به شورای نگهبان: «ابطال انتخابات را اعلام کنید.»

تیرماه ۸۸- چند تن از اساتید حوزه علمیه قم در نامه‌ای به مقام معظم رهبری، ضمن دعوت آحاد ملت به اطاعت از ولایت و تعیت از قانون، خواستار شناسایی و محاکمه مسیبان و عوامل پشت پرده جریان‌ها اخیر شدند.

تیرماه ۸۸- آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی تدبیر رهبری معظم انقلاب را در تمدید مهلت شورای نگهبان برای بررسی بیشتر مسائل و ادای توضیحات قانع کننده و ابهام‌زدایی از انتخابات بسیار ارزشمند ذکر کرد و گفت: این اقدام با ارزش مقام معظم رهبری، برای جلب اعتماد و اطمینان مردم به روند انتخابات بسیار مؤثر است.

تیرماه ۸۸- نامه جمعی از خانواده‌های شهدای هفتم تیر به هاشمی رفسنجانی: لبخند قاتلان بپشتی مظلوم و یارانش، شما را به فکر فرو نبرد؟

تیرماه ۸۸- کدخدایی: شورای نگهبان بار دیگر به موسوی فرصت داد.

تیرماه ۸۸- رئیس جمهور در نامه‌ای به آیت‌الله شاهروdi رئیس قوه قضائیه ضمن مشکوک دانستن قتل ندا آقا سلطان خواستار رسیدگی جدی به موضوع قتل و شناسایی عوامل جنایت شد.

تیرماه ۸۸- آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان دوشنبه شب در نامه‌ای به وزیر کشور صحت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری را تأیید کرد.

تیرماه ۸۸- عضو کمیسیون قضایی مجلس از ارسال شکوایه نمایندگان مردم در خانه ملت عليه موسوی به دادستانی کشور خبر داد.

تیرماه ۸۸- اظهارات سخیف هادی غفاری عليه نظام و رهبری

تیرماه ۸۸- بیانیه مشارکت: شاهد برآمدن دولتی هستیم که از دل انتخابات مهندسی شده بیرون آمد و اکنون رئیس آن به جای آنکه نماینده اراده ملی باشد، برآیند خواست از پیش تعیین شده عده قلیلی است که بارها و بارها با گفتار و رفتار خود، جمهوریت نظام و اصل همراهی و سازگاری دین و مردم‌سالاری را زیر سؤال

بردهاند.

**تیرماه ۸۸**- بیانیه ۹ موسوی: از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به سر می‌برد و اکثریتی از جامعه، که اینجانب نیز یکی از آنان هستم، مشروعيت سیاسی آن را نمی‌پذیرد.

**تیرماه ۸۸**- گفتگوی زنده تلویزیونی رئیس جمهور با مردم: من عملکردها و شرایط را بررسی کرده‌ام و برنامه‌ها و نیازها را نیز مشاهده و بررسی کردم؛ لذا دولت باید تغییراتی ایجاد کند و تغییرات در دولت قابل توجه خواهد بود. باید آرایش دولت را تکمیل کنیم و ظرفیت‌های جدیدی را ایجاد کنیم.

**تیرماه ۸۸**- نامه کرویی به رئیس قوه قضائیه: دستور فرمایید تا هرچه سریع‌تر مقدمات تبدیل قرار بازداشت‌شدگان فراهم شود تا این عزیزان به آغوش خانواده‌های خود بازگشته و گامی مؤثر در جهت تفاهم و وحدت ملی برداشته شود.

**تیرماه ۸۸**- بیانیه رضایی به مردم: صمیمانه از همه می‌خواهم که قدر ۳۰ سال فدایاری و تلاش خود و ملت ایران را بدانیم و دست برادری به یکدیگر بدهیم و از سوی دیگر نشاط، شادابی و امید به آینده را در ملت خود حفظ و تقویت کنیم و این محقق نمی‌شود مگر با عزم و اراده راستین برای آشتی ملی و گذشت از تمام اطراف و دلجویی از آسیب‌دیدگان. تا آخر عمر در کنار شما خواهم بود و جانم را فدای ایران عزیز و اسلامی خواهم نمود.

**تیرماه ۸۸**- ارائه گزارش تفصیلی شورای نگهبان درباره انتخابات ریاست جمهوری

**مرداد ۸۸**- نمایندگان مجلس خبرگان از هاشمی خواستند با پشتیبانی شفاف‌تر از ولایت‌فقیه، فرصت طلبان را ناکام گذارد.

**مرداد ۸۸**- دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور در نامه‌ای به رییس قوه قضائیه با اشاره به بازداشت عده‌ای از شهروندان که بر اساس دعوت و تحریک برخی افراد و

جريان‌ها سیاسی داخلی و با حمایت تبلیغاتی دشمنان خارجی روی داده است، خواستار تسریع در رسیدگی همه‌جانبه به وضعیت کلی متهمان و تعیین تکلیف آنان و اعمال حداکثری رأفت اسلامی نسبت به آن دسته از شهروندانی که ناآگاهانه در این مسیر قرار گرفته‌اند شد.

**مرداد ۸۸**- حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی حفظه الله حکم دهmin دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران برای دکتر محمود احمدی‌نژاد را صبح امروز در جمع مسئولان، اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی تنفیذ فرمودند.

**مرداد ۸۸**- احمدی‌نژاد در مراسم تحلیف: در دوره جدید ما همچنان به سیاست خارجی فعال و مقتدرانه ادامه خواهیم داد و با برنامه‌ریزی در همه عرصه‌ها حضور پرنگی خواهیم داشت و همگان را به عدالت، صلح و برادری دعوت می‌کنیم و در برابر زورگویان و زیاده‌خواهان خواهیم ایستاد.



در سال ۱۳۸۸ هجری شمسی، دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار و پیش، حین و پس از آن وقایعی رخ داد که می‌توانست کانون‌های بحران‌ساز در جامعه را فعال گرداند. فارغ از قضاوت‌های مختلفی که ممکن است پیرامون وضعیت پدیدآمده در سال مذکور وجود داشته باشد، در یک نکته نمی‌توان تردید کرد و آن اینکه آن مقطع دارای اثراتی مهم بر پیکره اجتماع و نیروهای فعال در حوزه سیاست بود. طبعاً در گذر زمان، هر جریان سیاسی قرائت خاص خود را از رخدادها به مشابه تاریخ خواهد نگاشت؛ آنچه که این کتاب در پی واکاوی آن است، بررسی ریشه‌ها و عوامل شکل گیری آشوب‌های پس از انتخابات ۸۸ و ارائه پاره‌ای از راهکارهای محتمل برای کاستن از آسیب‌های آن است. روشنی که توسط این نوشتار برگزیده شده است به گونه‌ای فراتحلیل (MetaAnalysis) است که با اتکا به تحلیل‌های موجود، کوشیده است ذهنیت طراحان، برنامه‌ریزان و تولیدگران فکری جریان موسوم به سبز را کاویده و تا حد امکان به ژرفای تحلیل‌های آنها رسوخ نماید.